

15
AUGUST

B BOLAQ

Bolaq Analysts Network
www.bolaq.org
www.hazaragenocide.com

گزارش:

وضعیت حقوق بشری هزاره‌ها در پنج سال حاکمیت طالبان

(اگست ۲۰۲۱ – اگست ۲۰۲۶)



شبکه تحلیلگران بلاق

BAN-R006
15AUG26

© شبکه تحلیل گران بلاق (Bolaq Analysts Network)

بلاق یک واژه هزارگی به معنای چشمه‌ای است که آب پاک، تمیز و خالص از آن بیرون می‌آید. شبکه تحلیل گران بلاق در اکتبر سال ۲۰۱۹ تأسیس شده است. این شبکه، یک سازمان غیرانتفاعی و مستقل است که برای عدالت، صلح و برابری به شیوه‌ای مستقل، بی طرفانه و شفاف فعالیت می‌کند. مأموریت شبکه تحلیل گران بلاق انجام تحقیقات و بررسی‌های عمیق برای کشف حقایق و واقعیت‌هایی است که سال‌ها در افغانستان از مردم پنهان نگه‌داشته شده‌اند. بلاق در تلاش است مسائل مهم را مطرح کرده و حقایق را به نمایش بگذارد و اطلاعات مرتبط را در دسترس مردم قرار دهد تا واقعیت‌های جامعه آشکار شود و قابل دید برای همه باشد.



گزارش: وضعیت حقوق بشری هزاره‌ها در پنج سال حاکمیت طالبان (آگست ۲۰۲۱-آگست ۲۰۲۶)

صاحب امتیاز: شبکه تحلیل گران بلاق

پژوهشگران (به ترتیب الفبا):

بسم الله تابان (بخش امنیتی)، رحمت الله محسنی، طیبه جعفری، ع.ح. آواره (اسم مستعار)، علی احمدی، علی محبی.

همکاران تحقیق (به ترتیب الفبا): آصف یوسفی، بخت بیگم حیدری، حبیب پیمان

نشانی: ۱۹۳۰۲ Northern Blvd Floor ۱, Flushing, NY ۱۱۳۵۸, USA

شماره نشر: BAN-R.۰۰۶

تاریخ نشر: ۱۵ آگست ۲۰۲۶

عکس روی جلد:

جریان کار سرک «کوتل کجک» ولسوالی میرامور ولایت دایکندي در سال ۲۰۲۶ میلادی/ویدیوی شبکه یوتیوب «روزگار ژورنال»

تمام امتیازات مادی و معنوی این گزارش مربوط به شبکه تحلیل گران بلاق می‌باشد.

سپاس‌گزاری!

نگارش این گزارش پژوهشی در شرایط دشوار، امنیتی و پُر از خفقان افغانستان، بدون همکاری و همراهی صمیمانه نهادها، پژوهش‌گران، فعالان حقوق بشر و شهروندان دغدغه‌مند میسر نمی‌گردید. پیش از همه، از تمامی قربانیان، شاهدان عینی، متنفذان محلی، فعالان مدنی، روزنامه‌نگاران شجاع و شهروندانی که با وجود خطرات جانی و امنیتی، روایت‌های زیسته، اسناد و شهادت‌های مستند خود را در اختیار این پژوهش قرار دادند، صمیمانه سپاس‌گزاری می‌نماییم. حفاظت از امنیت، هویت و محرمانگی این عزیزان، همواره خط قرمز اصلی این تحقیق بوده است. امید است این سند گامی کوچک در راستای دادخواهی، ثبت دردها و احقاق حقوق پایمال‌شده‌ی جامعه‌ی هزاره و سایر اقلیت‌های آسیب‌پذیر در افغانستان باشد.

خلاصه گزارش

گزارش پیش‌رو، حاصل یک پژوهش جامع و مستند از وضعیت جامعه هزاره در افغانستان، طی پنج سال حاکمیت طالبان (از آگست ۲۰۲۱ تا آگست ۲۰۲۶) است. یافته‌های این تحقیق در پنج بُعد امنیتی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و غصب اراضی نشان می‌دهد آنچه بر هزاره‌ها می‌گذرد، صرفاً پیامد ناامنی‌های مقطعی یا تخطی‌های فردی نیست؛ بلکه یک الگوی سیستماتیک، تقنینی و چندلایه از تبعیض، حاشیه‌رانی و خشونت هدفمند است. این سیاست‌ها که ریشه در ایدئولوژی تکفیری و انحصارگرایی مذهبی گروه طالبان دارد، بقای فیزیکی، هویت فرهنگی و زیست اقتصادی جامعه هزاره را به شدت در معرض خطر قرار داده است. مجموع این اقدامات، واجد شاخص‌های نگران‌کننده‌ای از جنایت علیه بشریت، نسل‌کشی فیزیکی و نسل‌کشی فرهنگی است. مهم‌ترین یافته‌های این گزارش به شرح زیر خلاصه می‌شود:

فروپاشی امنیت انسانی و تداوم کشتار هدفمند

در پنج سال گذشته، هزاره‌ها با محرومیت مطلق از امنیت فردی، اجتماعی و سیاسی مواجه بوده است. برخلاف ادعای طالبان مبنی بر تأمین امنیت، مناطق هزاره‌نشین به کانون خشونت‌های خونین و بی‌کیفر تبدیل شده است. مستندات نشان می‌دهد که وقوع دست‌کم ۳۶ حمله تروریستی مرگبار و ثبت ۴۷ مورد ترور مستقیم توسط عوامل طالبان و افراد مسلح، منجر به کشته شدن حداقل ۴۹۷ نفر (از جمله ۸۱ زن و ۴۴ کودک) و زخمی شدن ۳۶۳ تن دیگر در ۵ سال گذشته شده است. در این میان، زنان و دختران هزاره به دلیل تقاطع «تبعیض قومی و جنسیتی» در معرض شدیدترین اشکال سرکوب و بازداشت‌های خودسرانه قرار دارند.

آپارتاید حقوقی و نهادینه‌سازی تبعیض در اسناد تقنینی

طالبان با لغو قانون اساسی ۱۳۸۲ و ایجاد یک خلأ حقوقی عامدانه، نظامی مبتنی بر فرامین رادیکال ایجاد کرده‌اند. اسناد پایه طالبان، از جمله کتاب «الاماره الاسلامیه و نظامها»، «اصول‌نامه جزایی محاکم» و «قانون امر به معروف و نهی از منکر»، هزاره‌ها و شیعیان را به طور ساختاری به حاشیه رانده‌اند. اعطای صلاحیت‌های نامحدود قضایی تحت عناوین مبهم و ورود مفاهیم برده‌داری چون «غلام و بادار» در نظام جزایی طالبان، امکان هرگونه دادخواهی و دادرسی عادلانه را از هزاره‌ها سلب کرده و قوانین به ابزاری برای سرکوب تقنینی تبدیل شده‌اند.

غصب سیستماتیک اراضی و کوچ اجباری

یکی از بارزترین ابعاد ستم بر هزاره‌ها، سلب مالکیت و «امارتی‌سازی» زمین‌های اجدادی آنان با حمایت مستقیم محاکم طالبان است. بر اساس تقاطع‌گیری داده‌های میدانی، کروکی‌ها و نامه‌های رسمی کمیسیون‌های طالبان،

دست کم ۱۹,۸۴۰ جریب زمین با مساحت مشخص و مستند (شامل ۱۰,۰۸۹ جریب در جاغوری، ۷,۹۹۰ جریب در گیزاب و پاتو، و ۱,۷۶۱ جریب در شهرک امید سبز کابل) غصب یا ممنوع‌التصرف شده است. علاوه بر این، در ولایات غور، بامیان، پروان و بغلان، صدها جریب زمین زراعتی و علف‌چر مصادره شده و ده‌ها خانواده (از جمله ۲۰ خانواده در روستای بوم و ۲۵ خانواده در روستای رشک) با زور سلاح، وادار به کوچ اجباری و واگذاری اراضی خود به کوچی‌ها و وابستگان طالبان شده‌اند.

فرهنگ‌زدایی و همانندسازی اجباری

سیاست‌های طالبان در قبال هزاره‌ها مصداق بارز «نسل‌کشی فرهنگی» است. حذف فقه جعفری از نصاب آموزشی، اجبار دانشجویان شیعه به تعهد برای پیروی از فقه حنفی، اعمال محدودیت‌های خشونت‌آمیز و بازداشت ده‌ها تن در مراسم عزاداری محرم، و تخریب سیستماتیک حافظه تاریخی، با هدف نابودی هویت فرهنگی و مذهبی هزاره‌ها صورت می‌گیرد. این روند، ظرفیت انتقال میراث هویتی به نسل‌های آینده را فلج ساخته است.

فروپاشی معیشتی و بحران بقا

انزوای اقتصادی افغانستان در ترکیب با سیاست‌های تبعیض‌آمیز، اقتصاد جوامع هزاره را که همواره در انتهای زنجیره انکشافی قرار داشتند، کاملاً فلج کرده است. اخراج هدفمند کارمندان هزاره، غصب زمین‌های زراعتی و وضع مالیات‌های سنگین، این جامعه را در فقر مطلق فرو برده است؛ تا جایی که بخش قابل‌توجهی از این مردم برای فرار از گرسنگی به اقدامات ناامیدکننده‌ای چون فروش اعضای بدن، فروش کودکان و تن دادن به مهاجرت‌های قاچاقی و پرخطر روی آورده‌اند.

بنابراین، تداوم حاکمیت پنج‌ساله طالبان نشان می‌دهد که استراتژی این گروه در قبال جامعه هزاره، مبتنی بر حذف فیزیکی، هویتی، اقتصادی و جغرافیایی است. تقاطع خلأ حقوقی عامدانه با سیاست‌های سرکوب، زیست و بقای این جامعه را در وضعیت اضطراری قرار داده است. این وضعیت نیازمند مداخله فوری، نظارت مستمر و اقدام قاطع جامعه بین‌المللی و دادگاه‌های کیفری بین‌المللی است؛ چرا که بدون تضمین امنیت وجودی و بازگرداندن حقوق سلب‌شده‌ی هزاره‌ها، هرگونه چشم‌انداز ثبات در افغانستان غیرممکن خواهد بود.

چکیده توصیه‌ها

با توجه به وخامت وضعیت سیستماتیک یادشده، این گزارش توصیه‌های زیر را به عنوان اقدامات عاجل مطرح می‌کند:

به دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) و مکانیسم‌های تحقیق سازمان ملل:

تسریع روند تحقیقات پیرامون جنایات ارتكابی علیه هزاره‌ها، از جمله کوچ اجباری، غصب اراضی و کشتارهای هدفمند، به عنوان مصادیق بارز «جنایت علیه بشریت» و بررسی عناصر «نسل‌کشی».

به شورای حقوق بشر سازمان ملل:

ایجاد یک مکانیسم مستقل و قدرتمند حقیقت‌یاب برای مستندسازی مستمر آپارتاید حقوقی، نقض آزادی‌های مذهبی و سلب مالکیت از اقلیت‌ها در افغانستان.

به جامعه جهانی و کشورهای تمویل‌کننده:

مشروط ساختن هرگونه تعامل دیپلماتیک و کمک‌های غیربشردوستانه به حکومت طالبان، به توقف فوری تبعیض سیستماتیک، لغو قوانین ناقض حقوق اقلیت‌ها و استرداد زمین‌های غصب‌شده‌ی هزاره‌ها.

به کشورهای پناهنده‌پذیر و همسایه:

توقف فوری اخراج و دیپورت پناهجویان هزاره، با به رسمیت شناختن خطرات جانی و آزار و اذیت (Persecution) که به دلیل هویت قومی و مذهبی در افغانستان تحت حاکمیت طالبان با آن مواجه‌اند.

واژه‌نامه

- «دیگری» سیاسی و هویتی: مفهومی در جامعه‌شناسی سیاسی که وضعیت هزاره‌ها را در ساختار امارت اسلامی توصیف می‌کند. طالبان با انحصار قدرت در دست یک قوم و یک مذهب خاص (پشتون‌های سنی حنفی)، هزاره‌ها را به عنوان «بیگانگان» یا «دیگری» تعریف کرده‌اند که حق مشارکت در قدرت و اداره جامعه را ندارند.
- آپارتاید حقوقی/تقنینی (Legal Apartheid): وضعیتی که در آن تبعیض، نابرابری و محروم‌سازی یک گروه خاص، نه تنها در عمل، بلکه در نص صریح قوانین مکتوب حاکمیت (مانند اصولنامه جزایی طالبان) نهادینه و مشروعیت‌بخشی می‌شود.
- احوال شخصیه شیعیان: مجموعه قواعد حقوقی مربوط به احوال فردی (ازدواج، طلاق، ارث) بر مبنای فقه جعفری که در ماده ۱۳۰ قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان به رسمیت شناخته شده بود، اما با حاکمیت طالبان ملغی و فقه حنفی به صورت اجباری جایگزین آن گردید.
- استفاده ابزاری از کمک‌های بشردوستانه: سوءاستفاده رژیم طالبان از کمک‌های سازمان‌های بین‌المللی؛ شامل حیف و میل، تغییر مسیر کمک‌ها از مناطق مستحق (هزاره‌نشین) به مناطق وابسته به طالبان، و اخاذی از دریافت‌کنندگان کمک تحت عنوان «عشر کمک‌ها».
- اصولنامه جزایی محاکم (Criminal Code of Courts): سند مبنایی مجازات در نظام طالبان (توشیح شده در جنوری ۲۰۲۶) که فاقد استانداردهای حقوقی بوده و با عباراتی گنگ و مبهم، اختیارات نامحدودی برای سرکوب، بازداشت و اعمال مجازات‌های بدنی (شلاق) به منصوبین طالبان می‌دهد.
- الاماره الاسلامیه و نظامها (The Islamic Emirate and Its System): کتاب تألیف شده توسط قاضی القضاة طالبان که حکم «مانیفست حقوقی و قانون اساسی نانوشته» این گروه را دارد. این کتاب به صراحت حضور اقلیت‌های مذهبی (هزاره‌ها/شیعیان) و زنان را در مناصب رهبری و قضاوت ممنوع، و مذهب شیعه را موجب «تنگ و عار» می‌داند.
- امارتی‌سازی زمین‌ها: سوءاستفاده از «قانون جلوگیری از غصب زمین» که در آن، محاکم طالبان با نادیده گرفتن قبایله‌های شرعی و عرفی هزاره‌ها، زمین‌های زراعتی و علف‌چرها را تحت عناوین «مرعی عامه»، «غیرمملوکه» یا «امارتی» مصادره کرده و زمینه را برای کوچ اجباری فراهم می‌کنند.
- امام، شوهر و بادار: واژگانی مبهم در ماده چهارم و پنجم اصولنامه جزایی که به این افراد صلاحیت اعمال مجازات تعزیری می‌دهد. استفاده از واژه «امام» (بدون تعریف مشخص) به هر فرمانده طالب اجازه می‌دهد خود را قاضی بداند، و واژه «بادار» (ارباب) در کنار واژه «غلام»، نشانگر خیزش طالبان برای احیای نظام برده‌داری است.

- امر به معروف و نهی از منکر: ساختار نظارتی و پلیس مذهبی طالبان که به عنوان اصلی‌ترین بازوی ایدئولوژیک این گروه عمل می‌کند. در مناطق هزاره‌نشین، این نهاد فراتر از نظارت مذهبی، ابزاری برای اعمال تبعیض مضاعف، تحقیر دینی (انگ‌زنی) و بازداشت‌های خودسرانه زنان و دختران هزاره تحت پوشش «بی‌حجابی» است.
- انتقام‌جویی قبیله‌ای: سوءاستفاده از قدرت نظامی و دولتی برای تسویه حساب‌های قومی و تاریخی. در گزارش شما، برخورد طالبان با هزاره‌ها، اقوام اچکزی و نیروهای امنیتی پیشین، نه اجرای قانون، بلکه مصداق بارز اعمال خشونت بر مبنای عصبیت‌های قبیله‌ای و قومی توصیف شده است.
- انحصار منابع طبیعی: سلب حق مالکیت و انتفاع مردم بومی از منابع محلی (مانند معادن زغال سنگ دره صوف، معادن سرب یک‌ه‌ولنگ و گیاهان طبی خودرو) و واگذاری استخراج آن‌ها به شرکت‌های وابسته به سران طالبان، که سهم مردم محلی از آن تنها تخریب محیط زیست و آلودگی است.
- باج‌گیری سازمان‌یافته: فرآیندی که در آن مقامات محلی طالبان با تهدید، شکنجه و بهانه‌های واهی (مانند دستور به خرید و تحویل اسلحه به حکومت، یا پرداخت بهای دعوای کوچی‌ها)، اموال و دارایی‌های مردم ده‌نشین را به یغما می‌برند.
- برک، خامک‌دوزی و مهره‌دوزی: صنایع دستی اصیل و تاریخی هزاره‌ها (برک: نوعی پارچه پشمی زمستانی). این صنایع که پیش‌تر ستون اقتصاد خانواده‌ها بودند، اکنون به دلیل فروپاشی بازار داخلی، تنها روزنه امید زنان محروم از کار و تحصیل در ارتباط با بازارهای مهاجران (دیاسپورا) محسوب می‌شوند.
- بهره‌داری محلی/چوکی‌دار: مکانیسم‌های دفاعی و راهبردهای بقا در سطح محلات. به دلیل ناامنی اجتماعی، سلب اعتماد از نهادهای امنیتی طالبان و افزایش سرقت‌های مسلحانه، مردم مناطق هزاره‌نشین ناچار شده‌اند برای حفاظت از جان، دارایی‌ها و حتی تجهیزات زراعتی خود، از نگهبانان شخصی یا شب‌گردی‌های مردمی استفاده کنند.
- پوشش هویتی/لباس محلی: لباس‌های محلی هزاره‌ها که حامل پیام‌های تاریخی و اجتماعی‌اند. دستورات شفاهی و اجباری طالبان (مانند آنچه در جاغوری رخ داد) برای تغییر سبک پوشش مردان و زنان هزاره و تطبیق آن با استانداردهای طالبانی، تلاشی برای حذف نمودهای ظاهری این قوم از فضای عمومی جامعه است.
- تساوی در برابر قانون: اصل مصرح در ماده ۲۲ قانون اساسی پیشین و میثاقین بین‌المللی که حقوق یکسان تمام شهروندان را تضمین می‌کرد، اما در نظام جدید، با طبقه‌بندی جامعه به «اشراف، متوسط و پایین‌رتبه»، صراحتاً ملغی شده است.

- تصفیه اداری/پروسه تنقیص: اصطلاح اداری که طالبان از آن به عنوان پوششی قانونی برای اخراج هدفمند، پاک‌سازی قومی و حذف کارمندان و کادرهای علمی هزاره از نهادهای دولتی و دانشگاه‌ها استفاده می‌کنند تا مناصب را در انحصار وابستگان قومی خود درآورند.
- تصفیه و سانسور کتابخانه‌ها: رویه استخباراتی و تفتیش مداوم کتاب‌فروشی‌ها و دانشگاه‌ها توسط وزارت امر به معروف، با هدف جمع‌آوری و نابودی هرگونه اثر مرتبط با فقه شیعه، تاریخ هزاره، حقوق زنان و کتب فلسفی که مغایر با ایدئولوژی تک‌صدایی طالبان پنداشته می‌شود.
- تعزیر (Ta'zir): مجازات که در شرع مقدار آن مشخص نشده است. در قوانین طالبان، به دلیل عدم تعیین حداقل و حداکثر مجازات برای تعزیر، راه برای اعمال سلیقه‌های شخصی، انتقام‌جویی و صدور احکام ظالمانه و نامتناسب باز گذاشته شده است.
- تعهدنامه تغییر مذهب: اسناد مکتوب و اجباری که در دانشگاه‌ها (و نیز در میان اسماعیلیان بدخشان) توزیع شده و دانشجویان یا شهروندان شیعه را وادار می‌سازد برای دریافت خدمات یا ادامه تحصیل، کتباً تعهد دهند که از فقه سنی حنفی پیروی می‌کنند (مصادق بارز تفتیش عقاید و همسان‌سازی اجباری).
- تقاطع تبعیض/ستم مضاعف: وضعیتی «مرگبار» که در آن زنان و دختران هزاره هم‌زمان قربانی دو نوع سرکوب ساختاری می‌شوند: محدودیت‌های ناشی از «جنسیت» (زن‌ستیزی سیستماتیک طالبان) و محدودیت‌های ناشی از «تعلق قومی و مذهبی» (هزاره و شیعه بودن). این تقاطع، مصادق بارز «آزار و اذیت جنسیتی» (Gender Persecution) است.
- جشنواره‌های بومی و نمادهای فرهنگی: آیین‌هایی نظیر «جشن نوروز»، «روز فرهنگ هزاره»، «جشن گل کچالو» در بامیان و «جشن گل بادام» در دایکندی، و همچنین بالا کردن «جَهنده سخی». طالبان این میراث‌های مشترک و بومی را تحت عنوان «بدعت شرعی» لغو کرده و با زور سرنیزه مانع برگزاری آن‌ها شده‌اند.
- جنایت علیه بشریت: بخشی از جرایم بین‌المللی که شامل حملات گسترده، سازمان‌یافته و آگاهانه علیه یک جمعیت غیرنظامی می‌شود. ترورهای هدف‌مند، بازداشت‌های خودسرانه و شکنجه زنان و دختران هزاره در این گزارش، مصادق این مفهوم ارزیابی شده است.
- حاکمیت قانون: اصل جهان‌شمول در حکمرانی خوب که بر اساس آن، قوای حاکم باید در چارچوب قوانین از پیش تعیین‌شده و حافظ حقوق شهروندان عمل کنند تا از استبداد جلوگیری شود. در گزارش، تأکید شده که این اصل در افغانستان فروپاشیده و جای خود را به «حاکمیت فرامین و سلايق شخصی» داده است.
- حُر و غلام: کلماتی که در ماده ۱۵ اصول‌نامه جزایی برای تعیین مجازات به کار رفته‌اند و نشان‌دهنده عقب‌گرد سیستم حقوقی طالبان به دوران برده‌داری و به رسمیت شناختن طبقات فرودست فاقد حقوق اولیه انسانی است.

- حفاری‌های خودسرانه/تاراج میراث فرهنگی: سوءاستفاده طالبان از خلأ نظارتی نهادهای بین‌المللی (مانند یونسکو) برای انجام حفاری‌های غیرحرفه‌ای و قاچاق آثار باستانی در مراکز تاریخی هزاره‌جات (به‌ویژه بامیان) که به تخریب جبران‌ناپذیر تاریخ این منطقه می‌انجامد.
- خاموشی حافظه جمعی/تاریخی: پیامد هدفمند سانسور کتاب‌ها، منع موسیقی محلی و توقف فعالیت نهادهای فرهنگی که باعث می‌شود نسل‌های آینده هزاره از گذشته، تاریخ، رنج‌ها و هویت اصیل خویش بیگانه شوند و حضور آن‌ها در عرصه عمومی «نامرئی» گردد.
- خروج سرمایه فرهنگی/مهاجرت نخبگان: پدیده فرار و آوارگی اجباری نویسندگان، هنرمندان، خبرنگاران و استادان دانشگاه هزاره به دلیل خفقان و تهدیدات امنیتی، که منجر به تخلیه ظرفیت تولید فکری و هنری این جامعه در داخل کشور شده است.
- دادرسی عادلانه: مجموعه‌ای از استانداردهای بین‌المللی (حق داشتن وکیل، حق سکوت، اصل برائت، قاضی مستقل و ممنوعیت شکنجه) برای رسیدگی به اتهامات. گزارش نشان می‌دهد که در محاکم طالبان، این استانداردها کاملاً مفقود بوده و تمرکز صرف بر «اقرار (اغلب تحت شکنجه)» و «شهادت» است.
- داعش خراسان (ISKP): شاخه محلی گروه تروریستی دولت اسلامی که مسئولیت بسیاری از حملات خونین بر مساجد، مکاتب و تجمعات هزاره‌ها را بر عهده گرفته است. در چارچوب این تحقیق، عملکرد داعش خراسان در قبال هزاره‌ها، همسو و در امتداد نیت ایدئولوژیک طالبان ارزیابی می‌شود که از حاشیه امن ایجادشده توسط حاکمیت فعلی بهره می‌برد.
- دعوای علف‌چَر: منازعات که در ظاهر بر سر استفاده از چراگاه‌هاست، اما در باطن، ابزاری است برای کوچی‌های مسلح تا با ایجاد درگیری خونین و جلب حمایت نظامی طالبان، بومیان هزاره را از سرزمین‌های‌شان بیرون برانند.
- روایت رادیکال طالبانی: چارچوب فکری و عقیدتی حاکم بر افغانستان امروز که ترکیبی از برداشت‌های افراطی از فقه حنفی و کدهای قبیله‌ای (پشتونوالی) است و در آن، هرگونه تکثر مذهبی (مانند فقه جعفری) یا تنوع فرهنگی، «انحراف» و «تهدید» پنداشته می‌شود.
- زمین موات و مرعی عامه: اصطلاحاتی در فقه و حقوق املاک به معنای زمین‌های بایر و چراگاه‌های عمومی. طالبان با سوءاستفاده از این مفاهیم، زمین‌هایی را که توسط هزاره‌ها طی دهه‌ها احیا و آباد شده‌اند، بایر یا دولتی خوانده و آن‌ها را غصب می‌کنند.
- سهمیه‌بندی کانکور: یک اصطلاح سیاسی-آموزشی مربوط به دوران نظام جمهوریت که به اعمال محدودیت‌های سیستماتیک برای ورود جوانان هزاره به دانشگاه‌های دولتی اشاره دارد. ذکر این اصطلاح در

گزارش نشان‌دهنده آن است که تبعیض علیه هزاره‌ها ریشه تاریخی و ساختاری دارد، اما در دوران طالبان از «محدودیت» به «حذف کامل» تبدیل شده است.

- شبکه حقانی: خشن‌ترین و رادیکال‌ترین شاخه نظامی-استخباراتی در درون ساختار طالبان. بر اساس تحلیل‌های ارائه‌شده در متن، این شبکه در دو دهه گذشته در هم‌دستی و سازمان‌دهی حملات خونبار و پرتلفات (گاه تحت نام گروه‌های دیگر مانند داعش) علیه جامعه هزاره نقش کلیدی داشته است.
- شرعی‌سازی قوانین: رویکردی که طالبان با تمسک به آن، تمامی قوانین مدنی، جزایی و اساسی مبتنی بر حقوق بشر را ابطال کرده و فهم رادیکال و انحصاری خود از فقه حنفی را به عنوان یگانه منبع حقوقی کشور تحمیل می‌کنند.
- شهرک‌سازی مشکوک/تغییر بافت جمعیتی: غصب دشت‌ها و اراضی مرغوب هزاره‌ها (مانند دشت باغ عطار در قره‌باغ غزنی) توسط فرماندهان طالبان به منظور اعمار شهرک‌های رهايشی برای اعضای تی‌تی‌پی (تحریک طالبان پاکستان) و پشتون‌های آن‌سوی مرز، با هدف از بین بردن یک‌دستی جمعیتی مناطق هزاره‌نشین.
- عُشر و زکات: مالیات‌های شرعی در اسلام که در نظام طالبانی از ماهیت دینی خود خارج شده و به یک «ابزار غارت و مالیات‌گیری مضاعف و ظالمانه» تبدیل شده است. طالبان این مبالغ را بدون در نظر گرفتن خسارات طبیعی، به صورت مکرر (از کشاورز، از تاجر و در دروازه شهرها) به زور اخاذی می‌کنند.
- فیصله غیابی و یک‌جانبه: احکامی که محاکم طالبان عمداً در غیاب مالکان اصلی (هزاره‌ها) یا بدون بررسی قبالة‌ها و اسناد تاریخی آنان صادر می‌کنند تا زمین‌ها را به مدعیان هم‌قوم خود (پشتون‌ها و کوچی‌ها) واگذار کنند.
- قبالة شرعی و قبالة عرفی: اسناد مالکیت معتبر و تاریخی که نشان‌دهنده خرید، احیا و تملک زمین توسط هزاره‌ها در دهه‌های گذشته است. در محاکم طالبان، این اسناد مستند به صورت سیستماتیک نادیده گرفته شده و در مقابل، ادعاهای شفاهی یا قبالة‌های جعلی مدعیان پذیرفته می‌شود.
- قضایی‌زدایی از منازعات: سلب صلاحیت رسیدگی به اختلافات از محاکم قانونی و بی‌طرف، و تقلیل آن به فیصله‌های یک‌جانبه، اجباری و مبتنی بر زور که عموماً به عنوان ابزاری برای اخاذی و سرکوب اقلیت‌ها استفاده می‌شود.
- کوچ اجباری/جابه‌جایی اجباری: وادار کردن سیستماتیک ده‌ها خانواده (مانند ۳۵۰۰ خانواده در کندیر و تگاب‌دار، یا باشندگان روستاهای بوم و رشک) به ترک خانه‌ها و زمین‌های اجدادی‌شان تحت تهدید نظامی، در فصل‌های سرما و بدون اجازه انتقال دارایی‌ها؛ که از مصادیق بارز «جنایت علیه بشریت» است.

- کوچی گری مسلحانه و تهاجمی: تغییر ماهیت کوچی ها از گروه های سنتی دامدار به مهاجمان مسلحی که با برخورداری از مصونیت مطلق و حمایت محاکم طالبان، نه تنها علف چرها، بلکه کشتزارها، درختان مثمر، علوفه زمستانی و منابع آب هزاره ها را نابود می کنند تا شریان اقتصادی بومیان را قطع کنند.
- کوچی ها: در بستر این گزارش، کوچی ها دیگر صرفاً دامداران متحرک نیستند، بلکه به عنوان نیروی نیابتی و مسلح مورد حمایت طالبان عمل می کنند که با هجوم به مناطق هزاره نشین، علاوه بر تخریب زراعت، ادعاهای واهی مالکیت بر زمین های آبا و اجدادی بومیان مطرح کرده و باعث آوارگی آنان می شوند.
- گردشگری ایدئولوژیک-محدود: وضعیتی که در آن جاذبه های توریستی بین المللی (مانند بند امیر و بامیان) به دلیل اعمال قوانین سخت گیرانه امر به معروف، ممنوعیت ورود زنان، و مصادره عواید آن توسط طالبان، از یک منبع درآمدزای محلی به محیطی امنیتی و رکودیافته تبدیل شده است.
- گروگان گیری متفذان محلی: تاکتیک فشار طالبان که در آن بزرگان و موسفیدان روستاها (مانند قضیه لوره شیو گیزاب) به دلیل دفاع از حقوق ملکی مردم بازداشت و شکنجه می شوند تا جامعه محلی مجبور به تسلیم زمین ها و تن دادن به مصالحه تحمیلی گردد.
- مُبتدع: در بند هشتم ماده دوم اصول نامه جزایی، هر کسی که عقیده اش خلاف «اهل سنت و الجماعت» باشد، مبتدع خوانده شده است. این یک ابزار حقوقی-تکفیری برای جرم انگاریِ باورهای مذهبی شیعیان و توجیه سرکوب قانونی هزاره ها است.
- مجازات فراقضایی: اعمال هر گونه مجازات، شکنجه یا محرومیت توسط نهادهای امنیتی و نظامی (مانند بازداشت زنان به بهانه حجاب یا ممانعت از تداوی معجرو حان)، بدون طی شدن مراحل دادرسی در یک دادگاه صالح.
- محاکمه صحرائی: اعدام و تیرباران های فوری و خارج از چوکات هر گونه نهاد قضایی. این اصطلاح سیاسی-نظامی در گزارش برای توصیف کشتار بی رحمانه اسیران و مخالفان در ولایاتی چون پنجشیر، دایکندی و غور توسط طالبان به کار رفته است.
- مرتد: در لغت به معنای کسی است که از دین اسلام خارج شده است. بر اساس متن گزارش، نیروهای امر به معروف و مقامات محلی طالبان از این واژه به عنوان یک ابزار ایدئولوژیک و برچسب تکفیری علیه استادان و دانشجویان هزاره استفاده می کنند تا مشروعیت مذهبی آنان را سلب و سرکوب آن ها را توجیه شرعی کنند.
- مکانیزم های منفی بقا: اقدامات استیصال آمیز و ویرانگری که افراد در شرایط فروپاشی اقتصادی برای زنده ماندن به آن متوسل می شوند؛ مانند فروش کودکان، فروش اعضای بدن (گرده/کلیه) و تن دادن به مهاجرت های قاچاقی و پرخطر.

- مناطق ممنوع التصرف: حربه‌ای حقوقی که توسط «کمیسون جلوگیری از غصب زمین» طالبان استفاده می‌شود. با اعلام یک منطقه (مانند هزاران جریب در جاغوری) به عنوان ممنوع التصرف، مالکان اصلی از هرگونه خرید، فروش، ساخت‌وساز و زراعت محروم می‌شوند تا زمینه برای مصادره نهایی فراهم گردد.
- موسیقی محلی و دمبوره: در فرهنگ هزاره، موسیقی صرفاً یک ابزار سرگرمی نیست، بلکه حامل روایت‌های تاریخی، حماسه‌ها و دردهای اجتماعی این قوم است. ممنوعیت شرعی موسیقی، شکستن و آتش زدن آلات موسیقی و بازداشت هنرمندان توسط طالبان، در واقع قطع کردن یکی از مهم‌ترین شریان‌های انتقال فرهنگ این جامعه است.
- نسل‌کشی فرهنگی / فرهنگ‌زدایی: مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ و سیستماتیک حاکمیت با هدف نابودی هویت، زبان، مذهب، هنر و میراث تاریخی یک گروه اقلیت. در این گزارش، ممنوعیت آموزش فقه جعفری، سانسور کتاب‌های تاریخ هزاره و منع آیین‌های مذهبی، مصداق بارز این جنایت پنهان توصیف شده است.
- نظام فرمان‌محور: سیستم حکومتی فعلی افغانستان که در آن، «قانون» نه حاصل اراده جمعی و پارلمان، بلکه مجموعه‌ای از اوامر، نواهی و فرامین یک‌جانبه‌ی رهبر طالبان است که بدون هیچ‌گونه مشارکت مردمی صادر و تحمیل می‌گردد.
- همانندسازی اجباری: اعمال فشار ساختاری (مانند مشروط کردن دریافت کمک‌های بشردوستانه به تغییر مذهب در بدخشان، یا اخذ تعهدنامه اجباری از دانشجویان) برای وادار کردن پیروان مذاهب شیعه و اسماعیلیه به ترک باورهای خود و پذیرش فقه حنفی به عنوان تنها قرائت رسمی.
- وجه مصالحه اجباری/باج‌گیری ارضی: روندی که در آن مالکان اصلی (هزاره‌ها) مجبور می‌شوند برای حفظ بخشی از زمین‌های خود، مبالغ هنگفتی (مانند ۳۰ میلیون افغانی در ارزگان یا ۳۰۰ هزار افغانی در قره‌باغ) را تحت فشار محاکم یا فرماندهان طالبان به عنوان «دیه» یا «بهای صلح» به غاصبان بپردازند.

فهرست مطالب

مقدمه	۱
روش تحقیق	۵
چالش‌ها و محدودیت‌های تحقیق	۵

فصل اول وضعیت امنیتی

درآمد	۸
۱. امنیت فردی	۱۰
چارچوب مفهومی	۱۰
یافته‌ها	۱۱
تحلیل علی در بُعد امنیت فردی	۱۷
۲. امنیت حقوقی	۱۸
چارچوب مفهومی	۱۸
یافته‌ها	۱۹
تحلیل علی در بُعد امنیت حقوقی	۲۱
۳. امنیت اجتماعی	۲۳
چارچوب مفهومی	۲۳
یافته‌ها	۲۴
تحلیل علی در بُعد امنیت اجتماعی	۲۶
۴. امنیت سیاسی	۲۷
چارچوب مفهومی	۲۷
یافته‌ها	۲۸
تحلیل علی در بُعد امنیت سیاسی	۲۹
جمع‌بندی فصل	۳۱

فصل دوم وضعیت اقتصادی

درآمد	۳۵
۱. تولید اقتصاد	۳۷
الف- زراعت و مال‌داری	۳۷

۳۸.....	کوچی ها
۴۰.....	مالیات رژیم طالبان
۴۲.....	ب- کارهای تولیدی
۴۲.....	صنایع دستی
۴۳.....	خیاطی
۴۴.....	شیرینی پزی
۴۵.....	کارمندان دولتی
۴۷.....	کمیته های جامعه جهانی
۴۸.....	گیاهان طبی
۴۸.....	معادن
۴۹.....	گردشگری
۵۰.....	۲. چرخش اقتصاد
۵۰.....	خرده تجارت ها
۵۱.....	کارهای روزمزد
۵۲.....	ترانسپورت و مسافربری
۵۳.....	۳. جمع بندی: دلایل ضعف اقتصادی

فصل سوم

وضعیت فرهنگی

۵۶.....	درآمد
۵۷.....	۱. پیشینه تاریخی تبعیض فرهنگی علیه هزاره ها
۶۰.....	۲. حذف فقه جعفری از مکاتب و دانشگاه ها و فشار برای تغییر مذهب در جامعه اسماعیلیه
۷۴.....	۳. محدودیت بر کتاب ها، نشرات و آثار فرهنگی هزاره ها و شیعیان
۸۱.....	۴. محدودیت بر مراسم مذهبی
۸۴.....	۵. ممنوعیت موسیقی و نابودی هنر؛ تأثیرات آن بر فرهنگ هزاره ها
۹۳.....	۶. فشار بر رسانه ها، مراکز فرهنگی و نهادهای آموزشی هزاره ها
۱۰۲.....	۷. بازداشت علما، فرهنگیان و فعالان فرهنگی هزاره
۱۰۷.....	۸. محدودیت بر لباس، نمادهای فرهنگی و هویت ظاهری
۱۱۱.....	نتیجه گیری: نسل کشی فرهنگی یا فرهنگ زدایی

فصل چهارم

وضعیت حقوقی

درآمد	۱۱۴
۱. فروپاشی حاکمیت قانون و استقرار نظام فرمان‌محور	۱۱۵
ابطال قانون اساسی ۱۳۸۲ و پیامدهای آن بر هزاره‌ها	۱۱۵
تعریف طالبانی قانون و روند شرعی سازی و انحصار تقنین	۱۱۷
۲. مبانی تئوریک و اسناد بالادستی تبعیض	۱۲۰
مانیفست حقوقی طالبان	۱۲۲
حذف ساختاری اقلیت‌ها و انحصار مذهبی	۱۲۳
۳. اصولنامه جزایی محاکم: نهاده‌سازی آپارتاید و سلب دادرسی عادلانه	۱۲۵
فقدان استانداردهای دادرسی عادلانه	۱۲۶
ابهام و اختیارات نامحدود	۱۲۶
بازگشت به برده داری و طبقاتی شدن عدالت (ماده ۹ و ۱۵)	۱۲۷
۴. قانون به مثابه ابزار سرکوب	۱۲۹
بستر سازی حقوقی برای غصب	۱۲۹
بستر سازی حقوقی برای سرکوب فرهنگی	۱۳۰
جمع‌بندی فصل	۱۳۱

فصل پنجم

غصب زمین

درآمد	۱۳۳
۱. مناطق کندیر ارزگان و تگاب‌دار ولایت دایکندی	۱۳۴
۲. کوچ اجباری در لعل و سرجنگل	۱۳۶
۳. قریه رشک بامیان	۱۳۶
۴. جاغوری	۱۳۷
۵. روستای دهن‌ناله پایین ارزگان	۱۴۳
۶. بازداشت متنفذان محلی در جریان منازعات ارضی در گیزاب	۱۴۴
۷. غصب منطقه دشت میانگی در شیخ علی پروان	۱۴۵
۸. منازعه بر سر اراضی در بغلان	۱۴۵
۹. شهرک امید سبز	۱۴۶
۱۰. ولسوالی قره‌باغ غزنی	۱۴۷
جمع‌بندی فصل	۱۴۹

نتیجه گیری	۱۵۰
توصیه ها	۱۵۴
منابع و مأخذ	۱۵۶
منابع فارسی	۱۵۶
منابع انگلیسی و گزارش های بین المللی	۱۶۳

فهرست جدول‌ها

- جدول ۱: آمار تلفات هزاره‌ها در ۵ سال گذشته ۱۴
- جدول ۲: تفاوت روند قانون‌گذاری در نظام جمهوری اسلامی افغانستان با حکومت طالبان ۱۱۸
- جدول ۳: تعداد قوانین، مقرره‌ها، اصولنامه‌ها، فرامین، طرز‌العمل‌ها و اعلانات منتظر شده توسط طالبان ۱۱۹
- جدول ۴: مناطق که توسط طالبان در ولسوالی جاغوری ولایت غزنی ممنوع‌التصرف اعلام شده است ۱۳۹

فهرست تصاویر و اشکال

- شکل ۱: درصدی عاملین کشتار هزاره‌ها ۱۳
- شکل ۲: ولایات که در آن هزاره‌ها از ۱۵ آگست ۲۰۲۱ تا آگست ۲۰۲۶ ترور شده است ۱۷
- شکل ۳: تعهد نامه طالبان از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی ۶۱
- شکل ۴: عکس از جریان مجبور کردن یک پیرو مذهب اسماعیلی به پیروی از فقه حنفی توسط طالبان در بدخشان ۶۸
- شکل ۵: عکس از جریان تیراندازی نیروهای طالبان به دسته عزاداری در ولایت غزنی منطقه نوآباد ۷۰
- شکل ۶: عکس از جریان هجوم نیروهای طالبان به دفتر رادیو نسیم ۷۳
- شکل ۷: مکتوب طالبان برای جمع‌آوری کتوب مرتبط به مذهب جعفری از کتابخانه‌های دانشگاه‌ها ۷۷
- شکل ۸: عکس از مکتوب طالبان به‌خاطر جمع‌آوری کتوب مرتبط به فقه جعفری از مکاتب ولایت بامیان ۷۸
- شکل ۹: خدیجه احمدزاده، مربی ورزشی بازداشت شده توسط طالبان ۹۰
- شکل ۱۰: عکس از مهر لاک شدن دفتر آیت الله واعظ زاده بهسودی یکی از مراجع تقلید در ولایت کابل ۹۹
- شکل ۱۱: عالم دین بازداشت شده توسط طالبان ۱۰۳
- شکل ۱۲: علما بازداشت شده هزاره در ولایت هرات بدست طالبان ۱۰۴
- شکل ۱۳: مکتوب کمیسیون جلوگیری از غصب زمین به ولسوالی طالبان در جاغوری ۱۴۰
- شکل ۱۴: کروکی ساحه‌ای پایین دشت اشترکوربله ۱۴۱
- شکل ۱۵: کروکی ساحات میدان هوایی و دکان‌های شاروالی غجور ۱۴۲
- شکل ۱۶: عریضه مردم ولسوالی جاغوری ۱۴۳

مقدمه

افغانستان در چهار دهه اخیر یکی از پیچیده‌ترین و طولانی‌ترین بحران‌های سیاسی، امنیتی و انسانی جهان را تجربه کرده است. جنگ‌های پی‌درپی، فروپاشی نهادهای حکومتی، مداخلات خارجی، ظهور و سقوط رژیم‌های مختلف، گسترش افراط‌گرایی مذهبی و ضعف مزمن حکومت‌داری، نه تنها ساختار سیاسی کشور را به طور مداوم دگرگون ساخته، بلکه بر زندگی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی شهروندان نیز تأثیرات عمیق و ماندگاری برجای گذاشته است. در این میان، همه گروه‌های اجتماعی به یک‌اندازه متأثر نشده‌اند. تجربه تاریخی افغانستان نشان می‌دهد که برخی اقلیت‌های قومی و مذهبی، به دلیل جایگاه اجتماعی و هویتی خود، بیش از دیگران در معرض حذف، تبعیض، خشونت و محرومیت قرار داشته‌اند. جامعه هزاره یکی از برجسته‌ترین نمونه‌های این واقعیت تاریخی است. هزاره‌ها طی بیش از یک قرن گذشته، دوره‌های متوالی از سرکوب سیاسی، تبعیض قومی و مذهبی، کوچ اجباری، مصادره زمین، محرومیت از مشارکت سیاسی، محدودیت در دسترسی به منابع اقتصادی، تبعیض آموزشی و حملات سازمان‌یافته را تجربه کرده‌اند. این تجربه نشان می‌دهد که مسئله هزاره‌ها را نمی‌توان صرفاً در قالب رویدادهای پراکنده خشونت‌آمیز یا بحران‌های مقطعی تحلیل کرد. آنچه در دوره‌های مختلف تکرار شده، وجود الگوهای نسبتاً پایدار تبعیض ساختاری و حذف تدریجی از عرصه‌های مختلف زندگی عمومی است؛ الگوهایی که در مقاطع مختلف تاریخ افغانستان، با شدت و اشکال متفاوت، بازتولید شده‌اند.

پس از سقوط نخستین حکومت طالبان در سال ۲۰۰۱ و شکل‌گیری نظام جمهوری، برای نخستین بار فرصت‌های نسبتاً گسترده‌ای برای مشارکت سیاسی، آموزش، توسعه فرهنگی و حضور اجتماعی هزاره‌ها فراهم شد. این جامعه توانست در آموزش عالی، رسانه‌ها، جامعه مدنی، نهادهای دولتی، فعالیت‌های اقتصادی و مشارکت سیاسی پیشرفت‌های چشمگیری به دست آورد و بخشی از شکاف‌های تاریخی را اصلاح کند. با وجود این، بسیاری از زمینه‌های تبعیض تاریخی همچنان باقی ماند و حملات هدفمند علیه هزاره‌ها، به‌ویژه از سوی گروه‌های افراطی، در تمام دوره جمهوری ادامه یافت. از این رو، بسیاری از دستاوردهای دو دهه جمهوریت بر بنیانی شکننده استوار بود و از حمایت نهادی و حقوقی پایدار برخوردار نبود.

بازگشت طالبان به قدرت در ۱۵ آگست ۲۰۲۱، نقطه عطفی تعیین‌کننده در تاریخ معاصر افغانستان محسوب می‌شود. این تحول صرفاً به معنای تغییر یک حکومت نبود، بلکه بیانگر تغییر بنیادین در ساختار قدرت، نظام حقوقی، شیوه حکومت‌داری، تعریف شهروندی، جایگاه قانون و نحوه تعامل حکومت با اقلیت‌های قومی و مذهبی نیز بود. با فروپاشی نظام جمهوری، قانون اساسی ۱۳۸۲ عملاً کنار گذاشته شد، نهادهای انتخابی از میان رفتند، بسیاری از قوانین نافذ‌پیشین اعتبار خود را از دست دادند و نظامی مبتنی بر فرمان‌های رهبری طالبان و برداشت خاص این گروه از شریعت جایگزین

نظم حقوقی سابق گردید. این تغییرات، پیامدهایی گسترده برای تمامی شهروندان افغانستان به همراه داشت؛ اما آثار آن بر گروه‌هایی که پیش‌تر نیز در معرض تبعیض ساختاری قرار داشتند، به مراتب عمیق‌تر و گسترده‌تر بود. در مورد هزاره‌ها، بازگشت طالبان آغاز مرحله تازه‌ای از نااطمینانی امنیتی، آسیب‌پذیری حقوقی، محدودیت فرهنگی، فشار اقتصادی و تشدید منازعات بر سر منابع حیاتی، به‌ویژه زمین، محسوب می‌شود. در پنج سال گذشته، گزارش‌های متعددی از حملات هدفمند علیه غیرنظامیان هزاره، محدود شدن مشارکت سیاسی، حذف تدریجی از ساختارهای اداری، اعمال محدودیت بر آموزش و فرهنگ قومی، کاهش امنیت حقوق مالکیت و افزایش منازعات ارضی در مناطق هزاره‌نشین منتشر شده است. اگرچه هر یک از این رخدادها ممکن است در نگاه نخست مستقل به نظر برسند، اما بررسی هم‌زمان آن‌ها نشان می‌دهد که این تحولات در چارچوب روندی گسترده‌تر از تضعیف امنیت انسانی و کاهش ظرفیت‌های اجتماعی جامعه هزاره قابل فهم هستند. بر همین اساس، گزارش حاضر می‌کوشد وضعیت هزاره‌ها را صرفاً از دریچه رویدادهای امنیتی یا خشونت‌های فیزیکی تحلیل نکند، بلکه با اتخاذ رویکردی چندبعدی، تصویری جامع از شرایط این جامعه پس از بازگشت طالبان ارائه دهد. مبنای نظری این گزارش، مفهوم «امنیت انسانی» است؛ مفهومی که امنیت را تنها به معنای نبود جنگ یا خشونت نظامی نمی‌داند، بلکه آن را مجموعه‌ای از شرایط لازم برای زندگی با کرامت، برخورداری از حقوق برابر، امنیت اقتصادی، حمایت حقوقی، امکان مشارکت سیاسی، حفظ هویت فرهنگی و دسترسی عادلانه به منابع عمومی تعریف می‌کند. بر اساس این رویکرد، ممکن است جامعه‌ای در مقطعی از حملات تروریستی در امان باشد، اما هم‌زمان در حوزه‌های حقوقی، اقتصادی، فرهنگی یا اجتماعی با چنان محدودیت‌هایی مواجه شود که امنیت انسانی شهروندان آن آسیب ببیند.

گزارش حاضر حاصل چندین سال مستندسازی، گردآوری داده، تحلیل و پایش مستمر وضعیت هزاره‌ها توسط شبکه حقوق بشری، غیرانتفاعی و مستقل بلاق است. این شبکه طی سال‌های گذشته با استفاده از منابع متنوع، تلاش کرده است تصویری مستند، مبتنی بر شواهد و قابل اتکا از وضعیت جامعه هزاره در افغانستان ارائه کند. گزارش‌های شبکه تحلیل گران بلاق علاوه بر انتشار عمومی، در اختیار سازمان‌های بین‌المللی، نهادهای حقوق بشری، مراکز پژوهشی و تصمیم‌گیرندگان سیاسی نیز قرار می‌گیرد تا در شناخت بهتر تحولات افغانستان و وضعیت اقلیت‌های قومی و مذهبی مورد استفاده قرار گیرد. نسخه حاضر، گزارشی تلفیقی و به‌روزشده است که مجموعه یافته‌های مستند درباره وضعیت هزاره‌ها از زمان بازگشت طالبان تا زمان تهیه این گزارش را در بر می‌گیرد. این گزارش با تمرکز بر پنج حوزه اصلی - امنیت، اقتصاد، فرهنگ، حقوق و مالکیت زمین - تلاش می‌کند ابعاد مختلف زندگی فردی و جمعی هزاره‌ها را در چارچوبی منسجم مورد مطالعه قرار دهد. انتخاب این پنج حوزه بر این اساس صورت گرفته است که آن‌ها مهم‌ترین مؤلفه‌های امنیت انسانی و اساسی‌ترین عرصه‌های تأثیرپذیری جامعه هزاره در دوره کنونی را تشکیل می‌دهند.

فصل نخست گزارش به بررسی وضعیت امنیتی اختصاص یافته است. این فصل نشان می‌دهد که مفهوم امنیت در افغانستان امروز صرفاً به خطر حملات مسلحانه محدود نیست. امنیت فردی، امنیت حقوقی، امنیت اجتماعی و امنیت سیاسی، چهار بعد مکمل امنیت انسانی هستند که هر یک به گونه‌ای متفاوت بر زندگی هزاره‌ها تأثیر گذاشته‌اند. حملات هدفمند علیه غیرنظامیان، احساس ناامنی در اماکن عمومی، محدودیت مشارکت سیاسی، کاهش اعتماد به نهادهای رسمی، دشواری دسترسی به عدالت و گسترش احساس بی‌پناهی اجتماعی، در کنار یکدیگر تصویری چندبعدی از وضعیت امنیتی جامعه هزاره ترسیم می‌کنند. این فصل تلاش می‌کند رابطه میان خشونت مستقیم و عوامل ساختاری تولیدکننده ناامنی را نیز روشن سازد.

فصل دوم به وضعیت اقتصادی می‌پردازد. بحران اقتصادی افغانستان پس از سال ۲۰۲۱، همه بخش‌های جامعه را تحت تأثیر قرار داده است؛ اما شدت و نوع آثار آن در مناطق مختلف یکسان نبوده است. این فصل با بررسی وضعیت زراعت، مالداري، صنایع دستی، تجارت‌های کوچک، کارهای روزمزدی، حمل‌ونقل، معادن، گردشگری و سایر فعالیت‌های اقتصادی در مناطق هزاره‌نشین، نشان می‌دهد که چگونه کاهش کمک‌های خارجی، رکود اقتصادی، مالیات‌های چندلایه، محدودیت‌های بازار، منازعات ارضی و ناامنی، بنیان‌های معیشتی این جامعه را تضعیف کرده است. یافته‌های این فصل نشان می‌دهد که مشکلات اقتصادی موجود تنها نتیجه بحران عمومی اقتصاد افغانستان نیست، بلکه در بسیاری موارد با سایر اشکال تبعیض و محرومیت نیز پیوند خورده است.

فصل سوم وضعیت فرهنگی هزاره‌ها را بررسی می‌کند. فرهنگ، زبان، مذهب و حافظه تاریخی از مهم‌ترین عناصر هویت جمعی هر جامعه هستند. در این فصل، روند حذف فقه جعفری از نظام آموزشی، محدودیت بر کتاب‌ها و آثار فرهنگی، محدودیت فعالیت‌های فرهنگی و هنری، فشار بر مراسم مذهبی و دیگر سیاست‌های مؤثر بر هویت فرهنگی هزاره‌ها مورد مطالعه قرار گرفته است. این فصل می‌کوشد نشان دهد که محدودیت‌های فرهنگی صرفاً تصمیم‌های اداری یا آموزشی نیستند، بلکه می‌توانند پیامدهای عمیقی بر تداوم هویت، حافظه تاریخی و احساس تعلق اجتماعی یک جامعه بر جای بگذارند.

فصل چهارم به وضعیت حقوقی اختصاص دارد؛ حوزه‌ای که زیربنای سایر حقوق و آزادی‌های شهروندی محسوب می‌شود. تغییر ساختار حقوقی افغانستان، لغو قانون اساسی، تمرکز قانون‌گذاری در ساختار فرمان‌محور طالبان، کاهش استقلال قضایی و جایگزینی بسیاری از قواعد حقوقی پیشین، فضای جدیدی را ایجاد کرده است که آثار آن بر اقلیت‌های قومی و مذهبی آثار ویرانگری به جای نهاده است. این فصل نشان می‌دهد که چگونه تحولات حقوقی می‌تواند زمینه کاهش حمایت قانونی از شهروندان، تضعیف اصل برابری، محدود شدن دادرسی عادلانه و افزایش آسیب‌پذیری گروه‌های به حاشیه رانده شده را فراهم سازد.

فصل پنجم به مسئله زمین و سلب مالکیت اراضی اختصاص یافته است؛ مالکیت زمین در افغانستان تنها یک مسئله اقتصادی نیست، بلکه با هویت، امنیت، تاریخ و بقای جوامع محلی ارتباط مستقیم دارد. برای بسیاری از خانواده‌های هزاره، زمین آخرین سرمایه اقتصادی، مهم‌ترین منبع معیشت و بخشی از حافظه تاریخی آنان محسوب می‌شود. بررسی پرونده‌های مستند در بامیان، دایکندی، غزنی، ارزگان، بغلان و سایر مناطق نشان می‌دهد که منازعات ارضی، کوچ اجباری، سلب مالکیت و ناامنی حقوق مالکیت، یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های جامعه هزاره در دوره کنونی است. این فصل می‌کوشد الگوهای مشترک این منازعات و پیامدهای اجتماعی، اقتصادی و حقوقی آن‌ها را مستند کند.

از منظر روش‌شناختی، این گزارش بر تحلیل کیفی استوار است و از طیف گسترده‌ای از منابع شامل اسناد حقوق بشری، گزارش‌های سازمان‌های بین‌المللی، گزارش‌های رسانه‌های، اسناد رسمی، مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، شهادت قربانیان و اطلاعات گردآوری شده از منابع محلی بهره گرفته است. با توجه به محدودیت‌های گسترده دسترسی به مناطق مختلف افغانستان، محدودیت فعالیت رسانه‌های مستقل، مخاطرات امنیتی برای مصاحبه‌شوندگان و دشواری راستی‌آزمایی میدانی برخی رویدادها، گردآوری داده‌ها با چالش‌های جدی همراه بوده است. از این رو، در تمامی مراحل تحقیق تلاش شده است که یافته‌ها از طریق مقایسه و تطبیق منابع مختلف بررسی شوند و تنها اطلاعاتی مورد استفاده قرار گیرند که از پشتوانه مستند کافی برخوردار باشند.

در نهایت، این گزارش بر این فرض استوار است که وضعیت کنونی هزاره‌ها را نمی‌توان حاصل مجموعه‌ای از بحران‌های جداگانه دانست. امنیت، اقتصاد، فرهنگ، حقوق و مالکیت زمین، حوزه‌هایی مستقل از یکدیگر نیستند، بلکه اجزای یک واقعیت اجتماعی به هم پیوسته را تشکیل می‌دهند که هر یک بر دیگری اثر می‌گذارد. از همین رو، فهم وضعیت هزاره‌ها مستلزم نگاهی جامع و میان‌رشته‌ای است که بتواند ارتباط میان این ابعاد مختلف را آشکار سازد. هدف نهایی این گزارش نه صرفاً ثبت مجموعه‌ای از رویدادها، بلکه ارائه تصویری مستند، منسجم و تحلیلی از شرایط زندگی جامعه هزاره در افغانستان پس از بازگشت طالبان است؛ تصویری که بتواند به پژوهشگران، نهادهای حقوق بشری، سازمان‌های بین‌المللی و سیاست‌گذاران در شناخت دقیق‌تر تحولات افغانستان یاری رساند و زمینه را برای گفت‌وگوهای مبتنی بر شواهد درباره حقوق اقلیت‌ها، عدالت، برابری و مسئولیت‌پذیری در افغانستان معاصر فراهم آورد. این گزارش هم‌چنین می‌تواند بسترهای مباحث گسترده‌تر در رابطه با سرکوب سایر اقلیت‌های قومی و مذهبی در افغانستان و کارنامه حقوق بشری رژیم طالبان در سطوح ملی و بین‌المللی را مهیا کند.

روش تحقیق

این تحقیق در ادامه تحقیقات منتشر شده در چهار سال گذشته شبکه تحلیل گران بلاق در مورد وضعیت حقوق بشری هزاره‌ها در افغانستان انجام شده است. شبکه تحلیل گران بلاق طی چهار سال گذشته، گزارش‌های سالانه‌ای را با عنوان «وضعیت هزاره‌ها تحت حاکمیت طالبان» منتشر نموده که هر یک، به طور جداگانه به بررسی ابعاد گوناگون وضعیت زندگی هزاره‌ها پرداخته‌اند. تحقیقات سال‌های قبلی با بهره‌گیری از روش ترکیبی (کمی و کیفی) انجام شده بودند. در تحقیقات در گذشته افزون بر مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته، از پرسش‌نامه‌های باز نیز به منظور جمع‌آوری اطلاعات استفاده گردیده بود. تحقیق حاضر با استفاده از روش کیفی انجام شده است. مصاحبه‌های نیمه‌ساختاریافته و مشاهدات تیم ساحوی تحقیق شبکه تحلیل گران بلاق، ابزار اصلی جمع‌آوری اطلاعات را تشکیل می‌دهد. همچنین از گزارش‌ها و مستندات سایر نهادهای معتبر حقوق بشری و نهادهای بین‌المللی مانند دیدبان حقوق بشر، شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد، رسانه‌های محلی و بین‌المللی و منابع کتابخانه‌ای نیز در تهیه این گزارش استفاده شده است.

افراد مصاحبه شده در این تحقیق با بهره‌گیری از ترکیب روش هدفمند و گلوله برفی (purposive and snowball sampling methods) انتخاب شده است. در مصاحبه، از هر فرد تنها درباره تجربه زیسته آن‌ها سوال شد تا داده‌ها در چارچوب موضوعی دقیق‌تری گردآوری شوند. این مصاحبه‌ها در تناسب با موضوعات شامل این گزارش به صورت مستقیم و غیرمستقیم منتقل شده است. باید یادآوری کنیم که استفاده از روش هدفمند در انجام مصاحبه‌ها در این تحقیق، این امکان را فراهم آورد تا مستقیماً در بسیار از موارد به سراغ افراد مطلع و آگاه در قضایای مربوط به برخورد با طالبان برویم و از آن‌ها کسب اطلاعات نماییم. اطلاعات شخصی مصاحبه‌شوندگان در این تحقیق، نزد شبکه تحلیل گران بلاق محفوظ است و در سراسر این تحقیق، از آن‌ها با نام مستعار یاد شده است. شبکه تحلیل گران بلاق تأیید می‌کند که در جریان گردآوری اطلاعات در این تحقیق، به‌ویژه در بخش قضایای مربوط به غصب زمین و دعاوی حقوقی به اسناد و مدارکی بسیار دست پیدا کرده است که به دلیل تهدیدات طرفین دعوا از درج آن در این گزارش خودداری کرده است. اما می‌تواند این مدارک را در اختیار یک نهاد یا محکمه بی‌طرف بین‌المللی قرار دهد.

چالش‌ها و محدودیت‌های تحقیق

این تحقیق، مانند هر پژوهش میدانی در شرایط بحرانی، با محدودیت‌های متعددی مواجه بوده است که لازم است برای شفافیت روش شناختی و اعتبارسنجی یافته‌ها، به آن‌ها اشاره شود:

۱- **محدودیت دسترسی جغرافیایی:** به دلیل ناامنی گسترده، خطر جانی برای پژوهش‌گران از جانب طالبان، محدودیت‌های اعمال شده از سوی طالبان و نیز شرایط سخت جاده‌ها و کوهستانی بودن مناطق مرکزی، دسترسی میدانی به برخی ولسوالی‌های دورافتاده (مانند ولسوالی‌های کجران، خدیر در دایکندی و برخی مناطق غزنی) امکان‌پذیر نبود و داده‌های مربوط به این مناطق عمدتاً از طریق تماس‌های تلفنی، مصاحبه‌های آنلاین و گزارش‌های ثانویه جمع‌آوری شده است.

۲- **ترس و خودسانسوری مصاحبه‌شوندگان:** بسیاری از باشندگان مناطق هزاره‌نشین، به ویژه زنان، به دلیل ترس از پیامدهای امنیتی و انتقام‌جویی طالبان، از ارائه اطلاعات کامل یا ذکر نام واقعی خود خودداری می‌کردند. این مسئله، اگرچه با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله‌برفی و تضمین ناشناسی تا حدی کاهش یافت، اما همچنان ممکن است بر عمق و صحت برخی از پاسخ‌ها تأثیر گذاشته باشد.

۳- **نبود دسترسی به اسناد رسمی و داده‌های دست اول دولتی:** از آنجا که طالبان آمارهای رسمی در زمینه حملات، بازداشت‌ها و وضعیت حقوقی شهروندان را منتشر نمی‌کند و یا داده‌های منتشرشده فاقد شفافیت و تفکیک قومی است، پژوهشگر ناچار به استفاده از برآوردهای سازمان‌های غیردولتی، گزارش‌های رسان‌های و شواهد میدانی شده که ممکن است با خطای آماری همراه باشد.

۴- **محدودیت‌های مالی و لوژستیک:** این پژوهش با هزینه شخصی و بدون حمایت حتی نهادی پژوهش‌گران صورت گرفته، که بدون شک نبود بودجه لازم و امکانات لوژستیک به میزان نمونه‌گیری از جامعه تأثیر گذاشته است. در صورت موجودیت امکانات مالی و لوژستیک مناسب می‌توان به نتایج به مراتب بهتر دست یافت.

۵- **زمان محدود و تغییرپذیری شرایط میدانی:** شرایط امنیتی و سیاسی افغانستان به ویژه وضعیت هزاره‌ها به سرعت در حال تغییر است و ممکن است برخی از یافته‌های این تحقیق در زمان انتشار، با تحولات جدید دست‌خوش تغییر شوند. از اینرو، این تحقیق وضعیت را تا زمان گردآوری داده‌ها (تا پایان جولای ۲۰۲۶) منعکس می‌کند و نمی‌تواند تحولات پس از آن را پوشش دهد.

با وجود این محدودیت‌ها، تلاش شده است با استفاده از روش مثلث‌سازی (ترکیب داده‌های کمی، کیفی و اسنادی)، ارجاع به منابع معتبر و رعایت اصول اخلاقی پژوهش، تا حد امکان به واقعیت نزدیک‌تر شده و تصویری روشن و مستند از وضعیت امنیتی جامعه هزاره ارائه گردد.

فصل اول

وضعیت امنیتی

درآمد

امروز دقیقاً پنج سال از به قدرت رسیدن دوباره طالبان بر افغانستان و سقوط دولت جمهوری اسلامی افغانستان می‌گذرد. دولتی که بر اساس قانون اساسی^۱، هزاره‌ها را به عنوان یکی از اقوام ساکن به رسمیت شناخته بود و با توجه به اینکه بخش بزرگی از هزاره‌ها را پیروان مذهب شیعه (جعفری و اسماعیلی) تشکیل می‌دهند، برای نخستین بار در تاریخ این کشور، مذهب شیعه نیز در قانون اساسی به رسمیت شناخته شد و رسیدگی به دعاوی مربوط به احوال شخصیه شیعیان بر اساس احکام این مذهب مجاز دانسته شده بود.

با وجود نشانه‌های بارز تعصب و تبعیض در اجراآت مقامات رسمی دولت افغانستان در مورد هزاره‌ها – از جمله سهمیه‌بندی در آزمون کانکور مؤسسات تحصیلات عالی ملی و همچنین نهادهای امنیتی و نظامی، ایجاد موانع در شمولیت هزاره‌ها در نهادهای دولتی و اعمال تبعیض و محدودیت بر کارمندان بر حال دولتی^۲ – اما اکثراً موافقاند که دو دهه جمهوریت، فرصتی نسبتاً مناسب برای رشد و تبارز هزاره‌ها در بخش‌های مختلفی چون آموزش، فرهنگ، ورزش، هنر و ... بود. با این حال، قدرت‌گیری طالبان تمامی آنچه را که یاد شد، نادیده گرفته و زندگی را برای جامعه هزاره، به ویژه هزاره‌های شیعه، شدیداً محدود نموده است.

در دو دهه گذشته (۲۰۲۱-۲۰۲۰)، از لحاظ امنیت فیزیکی یا امنیت نظامی، حملات تروریستی بسیاری علیه جامعه هزاره از جانب گروه‌های مختلف تروریستی مانند طالبان و داعش خراسان اتفاق افتاده است که به درستی مصداقی از نسل‌کشی در آن دیده می‌شود. بر اساس شواهد و ادعاهای مطرح شده از جانب مقامات دولت پیشین و همچنین اعلامیه‌های رسمی طالبان، مسئولیت بخش بزرگی از این حملات بر عهده طالبان بوده است. هرچند داعش خراسان نیز پس از ظهور در افغانستان، برخی از حملات سنگین و پرتلفات را علیه جامعه هزاره و شیعه سازماندهی و اجرا

^۱ ماده ۴ قانون اساسی مصوب ۲۰۴۴: ملت افغانستان متشکل از اقوام پشتون، تاجیک، هزاره، اوزبیک، تورکمن، بلوچ، پشه‌یی، نورستانی، ایماق، عرب، قیرغیز، قزلباش، گوجر، براهوی و سایر اقوام.

^۲ در این موارد نمونه‌های زیاد وجود دارد اما یکی از پرسروصداترین برخورد تبعیض آمیز در مقابل هزاره‌ها، برخورد ثواب الدین مخکش یکی از کارمندان عالی رتبه اداره امور ریاست جمهوری افغانستان در سال ۲۰۱۷ بود. آقای مخکش با ترتیب یک سند رهنمود اداری بطور آشکارا تبعیض قومی علیه هزاره‌ها را طرح نموده بود. که بعداً براساس رای دادگاه

به دوسال حبس محکوم شد. <https://www.bbc.com/persian/afghanistan-۴۱۹۱۲۰۹۸>

نموده بود، اما به باور بسیاری از کارشناسان و آگاهان امنیتی، داعش خراسان بخش زیادی از حملات خود را با همکاری طالبان – به ویژه شاخه حقانی‌های این گروه – علیه هزاره‌ها انجام داده است.

بعد از قدرت‌گیری طالبان در ۱۵ اگست ۲۰۲۱، با وجود ادعاهای مطرح شده از سوی این گروه در زمینه تأمین امنیت سراسری در افغانستان، جامعه هزاره همچنان شاهد حملات تروریستی بسیاری بوده است. این حملات اگرچه از لحاظ تعداد نسبت به دوره دولت پیشین کاهش یافته و در سال‌های حاکمیت طالبان نیز هر ساله کمتر گزارش شده است، اما یافته‌های ما نشان می‌دهد که در واقع هیچ تغییری در ماهیت هزاره‌کشی و هدف قرار دادن این گروه قومی در نیت و افکار طالبان به وجود نیامده است؛ بلکه شیوه هدف قرار دادن این گروه قومی متفاوت شده است.

اگرچه در افغانستان با قدرت‌گیری طالبان به طور کلی هیچ نوع امنیتی برای تمامی شهروندان وجود ندارد و گزارش‌های متعددی از کشتار، بازداشت و سر به نیست نمودن بی‌رحمانه اعضای نیروهای امنیتی و دفاعی پیشین، فعالان مدنی و سیاسی، بزرگان قومی، فعالان حقوق بشر و حقوق زنان در سراسر افغانستان مستند و منتشر شده است، اما بررسی‌های ما نشان می‌دهد که ناامنی در جامعه هزاره به طور هدف‌مند، مستمر و بر اساس روایت فکری طالبانی در حال انجام است.

طالبان در برخورد با جامعه هزاره و شیعه، بر اساس روایت رادیکال خود در قالب مذهب و قومیت آن‌ها اقدام نموده است که می‌تواند به وضوح مصداق جنایت علیه بشریت و حتی نسل‌کشی باشد. این نوشته به هیچ عنوان به معنای نادیده گرفتن یا انکار رفتار طالبان با سایر گروه‌های انسانی در افغانستان نیست؛ با گواهی بر اینکه در پنج سال گذشته، تعداد قابل توجهی از مردان در ولایات پنجشیر^۳، پروان، کاپیسا، بغلان و تخار به بهانه هم‌سویی با گروه‌های نظامی مخالف طالبان بازداشت و محاکمه صحرایی شدند؛ با گواهی بر ستم مطلق و غیرانسانی بر زنان افغانستان؛ با گواهی بر انتقام‌جویی قبیله‌ای از مردمان متعلق به قوم اچکزی در ولایت قندهار؛ و با گواهی بر انتقام‌جویی گسترده از نیروهای امنیتی و دفاعی پیشین^۴، در تداوم گزارش‌های سالانه بررسی وضعیت هزاره در حاکمیت طالبان، به طور ویژه به وضعیت جامعه هزاره می‌پردازیم.

بررسی وضعیت امنیتی اگر چند به‌طور کلی به دو عنصر مهم یعنی رهایی از ترس و رهایی از نیاز متمرکز است، اما در شرایط کنونی حتی با تکیه بر این دو عنصر یک موضوع بسیار گسترده و عمیق است که نیازمند پرداختن به ابعاد

^۳ Amin Kawa, "War Crime and Genocide: Taliban Shot ۷۰ Prisoners in Panjshir Last Week", *Hasht-e Subh (8am Media)*, September ۱۷, ۲۰۲۲. <https://8am.media/fa/war-crime-and-genocide-taliban-shot-۷۰-prisoners-in-panjshir-last-week/>

^۴ Fahim Abed et al., "Hunted by the Taliban," *Lighthouse Reports*, October ۱۵, ۲۰۲۵, <https://www.lighthousereports.com/investigation/hunted-by-the-taliban/>

مختلف از ناامنی در یک جامعه می‌باشد. با آنکه فهرست امنیت انسانی طولانی است اما براساس تعریف ارائه شده از جانب سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۴ می‌توان آنرا به هفت دسته اصلی خلاصه کرد:

۱. امنیت اقتصادی
۲. امنیت غذایی
۳. امنیت صحتی (بهداشتی)
۴. امنیت محیط‌زیستی
۵. امنیت فردی
۶. امنیت اجتماعی / امنیت جامعه
۷. امنیت سیاسی^۵

در این بخش تلاش می‌شود تا به سه مورد اخیر، امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت سیاسی و به‌علاوه آن امنیت حقوقی جامعه هزاره در پنج سال حاکمیت طالبان پرداخته شود.

۱. امنیت فردی

چارچوب مفهومی

امنیت فردی یکی از مهم‌ترین ارکان امنیت انسانی در هر جامعه به شمار می‌رود. در تمامی جوامع بشری، زندگی انسان‌ها به طور فزاینده‌ای در معرض عواملی قرار دارد که امنیت فردی آنان را تهدید می‌کند. برای درک این موضوع، تعاریف متعددی، همچون سایر مباحث علوم انسانی، ارائه گردیده است، اما در تمامی تعاریف مطرح شده می‌توان مفاهیم مشترکی، به ویژه نبود تهدید و امکان بقا برای زندگی انسان‌ها را یافت. به گونه‌ای که «آندژی اوربانیک» امنیت فردی را چنین تعریف نموده است:

امنیت شخصی (Personal Security) به وضعیتی اشاره دارد که در آن افراد و جوامع انسانی در برابر تهدیدهای فیزیکی، اجتماعی و نهادی مصئون بوده و امکان بقا، فعالیت و توسعه در شرایطی نسبتاً پایدار و بدون تهدید مستقیم را دارا هستند.^۶

^۵ United Nations Development Programme (UNDP), *Human Development Report 1994: New Dimensions of Human Security* (New York: Oxford University Press, ۱۹۹۴), ۲۵.

<https://hdr.undp.org/system/files/documents/hdr۱۹۹۴encompletenostats.pdf>

^۶ Andrzej Urbanek, "Personal Security: Current State and Development Prospects for the Reflection on Security of Individuals and Human Collectivities," *Security Dimensions* no. ۲۳ (۲۰۱۷): ۴۶, DOI ۱۰.۲۴۳۵۶/SD/۲۳/۱

این مفهوم در چارچوب گسترده‌تر امنیت انسانی شکل گرفته و با عبور از رویکرد دولت‌محور، انسان و جمع‌های انسانی را به عنوان واحد اصلی تحلیل امنیتی در نظر می‌گیرد. در این دیدگاه، امنیت شخصی نه تنها یک وضعیت عینی (فقدان تهدید)، بلکه یک تجربه ذهنی (احساس امنیت) نیز محسوب می‌شود و با ساختارهای اجتماعی و نهادی در پیوند مستقیم قرار دارد.

در واقع، می‌توان امنیت فردی را به معنای حفاظت از جان و سلامت افراد در برابر هرگونه آسیب عمدی (خشونت، تعرض، ترور، شکنجه، جنگ) یا غیرعمدی (حوادث طبیعی، سوانح) دانست. در سطح کلان، این مفهوم شامل ایمنی در برابر حملات مسلحانه، انفجار، آدم ربایی و سایر اشکال مستقیم آسیب فیزیکی می‌شود. این بُعد، بنیادی‌ترین سطح امنیت انسانی به شمار می‌رود، زیرا فقدان آن، سایر ابعاد را بی‌معنا می‌سازد.

یافته‌ها

با توجه به تعریف ارائه شده از امنیت فردی، از زمان قدرت‌گیری طالبان تا کنون – با وجود ادعاهای بزرگ این گروه در زمینه امنیت سراسری و آنچه به عنوان کارکرد مثبت طالبان برجسته می‌شود – جامعه هزاره هم‌چنان در ناامنی نگران‌کننده‌ای به سر می‌برد. بر اساس مستندات صورت گرفته از سوی «شبکه تحلیل گران بلاق» در چهار سال گذشته، دستکم ۳۶ حمله تروریستی علیه جامعه هزاره – شیعه ثبت شده است. این حملات از لحاظ محل وقوع، برخلاف دوره دولت پیشین، حتی در امن‌ترین نقاط کشور یعنی بامیان، دایکندی و غور نیز به ثبت رسیده است که می‌تواند نگرانی جدی را در زمینه تأمین امنیت هزاره‌ها ایجاد نماید.

اگرچه از لحاظ آماری، تعداد حملات علیه جامعه هزاره کاهش را نشان می‌دهد – موضوعی که به ابزار تبلیغاتی دستگاه طالبان در زمینه امنیت سراسری در افغانستان تبدیل شده است – اما سؤال اساسی که کمتر از سوی این گروه و حامیان‌شان مطرح می‌شود، این است که در دو دهه گذشته، چه کسانی مسبب یا زمینه‌ساز حملات تروریستی و یا هدف قرار دادن هزاره‌ها در جرایم سازمان‌یافته بودند؟ بر اساس ادعای مکرر مقامات دولت پیشین، زمینه‌ساز یا مسبب اکثریت قریب به اتفاق حملات علیه هزاره‌ها، طالبان به عنوان یک گروه و یا افراد این گروه در هماهنگی با سایر گروه‌های تروریستی مانند داعش بوده است.

به باور برخی از کارشناسان، طالبان با کشتن هزاره‌ها دو هدف را دنبال می‌نمودند – یا به تعبیری دو دشمن را از بین می‌بردند^۷: نخست، کسانی را می‌کشتند که از لحاظ روایت رادیکال طالبانی، «رافضی» و مستحق قتل تلقی می‌شدند؛ و از سوی دیگر، نیروهایی را هدف قرار می‌دادند که به عنوان حامیان دولت پیشین شناخته می‌شدند. بدین ترتیب، با

^۷ Jakub Mirowski, "„Gdy zabijasz Hazara, ginie dwóch wrogów”. Mniejszości w Afganistanie grozi ludobójstwo?" ["When You Kill a Hazara, You Kill Two Enemies": Is Genocide Threatening Minorities in Afghanistan?], OKO.Press, October ۸, ۲۰۲۲, <https://oko.press/gdy-zabijasz-hazara-ginie-dwuch-wrogow-mniejszosci-w-afganistanie-grozi-ludobojstwo/>

به قدرت رسیدن این گروه، هزاره‌ها به دلیل تعلق قومی و مذهبی خود – که عمدتاً شیعه هستند – بیش تر تنها به عنوان یک هدف یا دشمن تلقی می‌شوند که همانا «رافضی» بودن، به علاوه قومیت هزاره داشتن، و آن‌هم با فهم بسیار رادیکال طالبانی، معنا می‌یابد. به همین دلیل، ناامنی فردی به عنوان یکی از ترس‌های دائمی و سایه‌وار، هر فرد هزاره را دنبال می‌نماید. حتی طفل نوزادی^۸ که از زمان تولدش یک ساعت هم نمی‌گذشت، در بستر شفاخانه هدف قرار گرفته است؛ تا مراسم‌های عزاداری و حتی جمع آوری جنازه‌ها^۹ نیز از این حملات در امان نمانده است.

در سال نخست به قدرت رسیدن طالبان، دست کم ۱۸ مورد حمله تروریستی علیه جامعه هزاره و شیعه توسط شبکه تحلیل‌گران بلاق در چوکات آرشیف نسل کشی هزاره‌ها مستند شده است. این حملات شامل حملات انتحاری، بمب‌گذاری و حملات مستقیم مسلحانه بوده که در نتیجه آن‌ها، دست کم ۲۲۲ تن از انسان هزاره کشته شده‌اند. بیش‌ترین حملات در شهر کابل با ۴۴٪ و پس از آن در ولایت بلخ با ۱۷٪ گزارش شده است.

همچنین بر اساس یافته‌های شبکه تحلیل‌گران بلاق در سال دوم حاکمیت طالبان (۱۵ اگست ۲۰۲۲ تا ۱۵ اگست ۲۰۲۳)، دست کم ۲۲ مورد حمله تروریستی علیه افراد ثبت شده است که شامل ترور انفرادی، بازداشت و سر به نیست اجباری، مسمومیت دانش‌آموزان و اختطاف بوده و در نتیجه آن، ۳۲ تن از زنان و مردان هزاره در چندین ولایت کشته و یا سر به نیست شدند. این موارد شامل یک مورد حمله انتحاری، ۲ مورد انفجار بمب، ۵ مورد بازداشت و کشتن، ۱۲ مورد ترور انفرادی، ۱ مورد مسمومیت جمعی و ۱ مورد حمله مسلحانه بر منزل مسکونی می‌باشند.

در سال ۲۰۲۴ نیز بر اساس مستندسازی شبکه تحلیل‌گران بلاق، حداقل ۶ حمله تروریستی علیه هزاره‌ها صورت گرفته که در نتیجه آن، ۳۲ نفر کشته و ۱۸ نفر دیگر زخمی شده‌اند. در ماه می این سال، برای نخستین بار حمله تروریستی مسلحانه علیه گردش‌گران خارجی در شهر بامیان صورت گرفت که در نتیجه آن، تعدادی از شهروندان خارجی و باشندگان بامیان کشته و زخمی شدند. در ماه سپتامبر ۲۰۱۴، داعش-خراسان مسئولیت حمله مسلحانه‌ای را در منطقه مرزی ولایت دایکندی و غور در مرکز افغانستان بر عهده گرفت^{۱۰} که در آن دست کم ۱۴ مرد هزاره که برای استقبال از کاروان زیارتی می‌رفتند، کشته شدند. سازمان دیدبان حقوق بشر^{۱۱} در واکنش به این حمله، از جامعه جهانی خواست تا از هزاره‌ها محافظت کند.

^۸ Doctors Without Borders/Médecins Sans Frontières (MSF), "Afghanistan: Massacre in a Maternity Ward: Honoring the Victims of the Attack on Dasht-e-Barchi Hospital in Kabul," August ۲۱, ۲۰۲۰,

^۹ Thomas Gibbons-Neff and Najim Rahim, "Bombing Outside Afghan School Kills at Least ۹۰, with Girls as Targets," *New York Times*, May ۸, ۲۰۲۱, <https://www.nytimes.com/2021/05/08/world/asia/bombing-school-afghanistan.html>

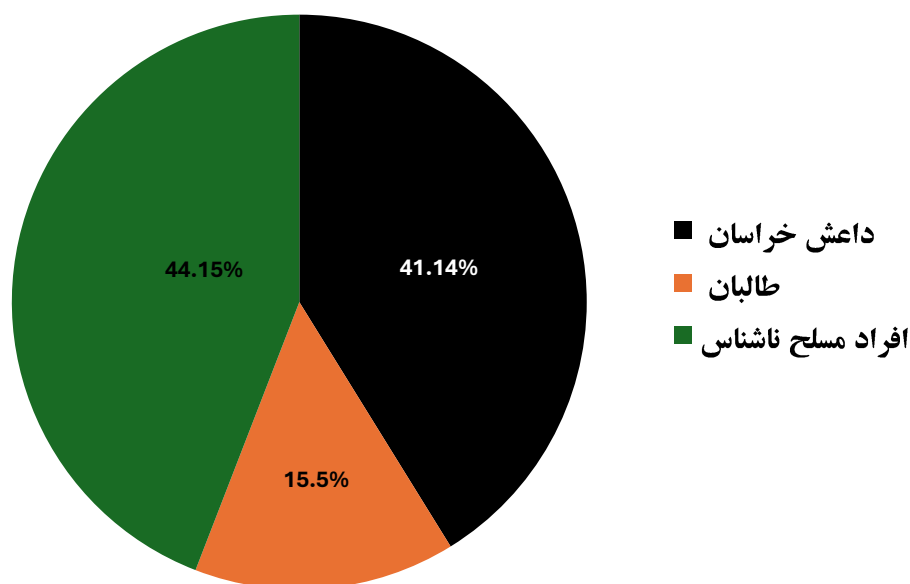
^{۱۰} "ISKP Claims Responsibility for Attack on Hazaras in Central Afghanistan," *KabulNow*, September ۱۳,

۲۰۲۴, <https://www.kabulnow.com/news/2024/09/13/iskp-claims-responsibility-for-attack-on-hazaras-in-central-afghanistan>

^{۱۱} Fereshta Abbasi, "Afghanistan's Hazara Community Needs Protection," *Human Rights Watch*, September ۱۳, ۲۰۲۴,

<https://www.hrw.org/news/2024/09/13/afghanistans-hazara-community-needs-protection>

یافته‌های ما در این پژوهش نشان می‌دهند، در کشتار هزاره‌ها افزون بر داعش خراسان افراد مسلح ناشناس و اعضا طالبان نیز دست دارند. طوری که از مجموع ۳۴ حمله صورت گرفته ۱۴ مورد آنرا داعش خراسان به عهده گرفته و متباقی توسط اعضا طالبان یا افراد مسلح ناشناس انجام یافته است. البته بسیاری از کارشناسان براین باوراند که با توجه به ادعای طالبان مبنی بر عدم موجودیت افراد مسلح غیرمسئول و همچنان کنترل کامل این گروه بر افغانستان، حملات که به افراد مسلح ناشناس نسبت داده شده، نیز اقدامات است که یا توسط اعضا طالبان رخ داده و یا هم توسط کسانی که به نحوی از سوی طالبان حمایت می‌شود به وقوع پیوسته است.



شکل ۱: درصدی عاملین کشتار هزاره‌ها

برخی کارشناسان^{۱۲}، این حملات در ولایات هزاره‌نشین را بی سابقه دانسته و آن را نشانه‌ای از عدم توانایی و نیت طالبان برای حفاظت از هزاره‌ها می‌دانند. آنان بر این باورند که چنین حملاتی در جغرافیای هزاره‌نشین می‌تواند تأثیر منفی بر فعالیت نهادهای مدد رسان بین‌المللی و صنعت گردش‌گری داشته باشد؛ صنعتی که بخش عمده‌ای از اقتصاد محلی هزاره‌ها در بامیان به آن وابسته است. در پی این حمله، طالبان یک باشندۀ ولایت بامیان را بازداشت نمود که

^{۱۲} Besmillāh Tabān, "کشتار در دایکندی و روایت یک «نسل‌کشی» در سرزمین فراموش‌شده", [Massacre in Daykundi and the Narrative of a 'Genocide' in a Forgotten Land], افغانستان اینترنشنال (Afghanistan International), September ۲۰۲۴), <https://www.afintl.com/۲۰۲۴۰۹۱۳۹۳۶۷>

تاکنون از سرنوشت او خبری در دست نیست. منابع محلی تأیید می‌نمودند که طالبان یک فرد بی‌گناه را بازداشت نموده تا به مردم و اذهان عمومی القا کند که عامل حمله را دستگیر کرده‌اند.

بر اساس یافته‌های شبکه تحلیل‌گران بلاق، تنها در سال گذشته (از اگست ۲۰۲۴ تا اگست ۲۰۲۵) دستکم ۱۹ تن از انسان هزاره با حمایت طالبان و از سوی کوچی‌ها در سراسر مناطق هزاره‌نشین افغانستان کشته شده‌اند. این آمار نشان می‌دهد که هدف قرار دادن هزاره‌ها تنها از لحاظ شکل تغییر یافته است؛ در دو دهه گذشته، هزاره‌ها توسط ماین‌های کنارجاده‌ای، موتر بمب‌ها و یا افراد انتحاری کشته می‌شدند، اما اکنون به طور مستقیم توسط افرادی که حمایت طالبان را با خود دارند، هدف قرار می‌گیرند.

به‌طور کلی طی پنج سال حاکمیت طالبان دست کم ۸۶۲ انسان هزاره در حملات تروریستی مانند حملات انتحاری، انفجار بمب و کشتار دسته جمعی و یا ترور انفرادی جان‌های شان را از دست داده‌اند. در جدول ذیل دسته‌بندی آمار تلفات قربانیان هزاره در ۵ سال گذشته قابل مشاهده است.

حملات تروریستی			ترور انفرادی
کشته	زخمی	مجموع	۴۷ نفر
۴۵۰ نفر	۳۶۳ نفر	۸۱۳ نفر	

جدول ۱: آمار تلفات هزاره‌ها در ۵ سال گذشته

یحیی بیضا، استاد دانشگاه و پژوهشگر، در زمینه وضعیت امنیتی هزاره‌ها در افغانستان، می‌گوید:

آنچه که وضعیت را برای همه شهروندان کشور، به ویژه هزاره‌ها، بیش از هر وقت دیگر نگران‌کننده ساخته است، دو مسأله است. مسأله نخست، نبود نهادهای مسئول است. اگر دانش آموزان در مکتب، نمازگزاران در مسجد، و مسافرین در مسیر راه مورد حملات تروریستی قرار می‌گیرند، طالبان هر نوع دادخواهی برای تأمین امنیت را سرکوب می‌کنند. مسأله دوم، عدم پیشبینی و اطلاعات استخباراتی و یا برنامه‌های راهبردی برای جلوگیری از حملات بعدی است. در چنین شرایطی، شهروندان کشور، به ویژه هزاره‌ها، در میان حملات تروریستی و عدم مسئولیت‌پذیری طالبان قرار گرفته‌اند.^{۱۳}

^{۱۳} Yahia Baiza, "Targeted Attacks on Afghanistan's Hazaras: What is the [حملات هدفمند به هزاره‌های افغانستان؛ مسئولیت طالبان چیست؟]", (BBC Persian), May ۸, ۲۰۲۲, <https://www.bbc.com/persian/blog-viewpoints-۶۱۳۴۸۱۹۷>.

در کنار حملات پی‌هم و هدف‌مند علیه جامعه هزاره در سراسر افغانستان، خلق و گسترش احساس ناامنی، یکی از مهم‌ترین جلوه‌های تهدید علیه این جامعه به شمار می‌رود. در مطالعات امنیتی و جامعه‌شناسی، میان «امنیت عینی» (وجود واقعی تهدیدها و خشونت) و «امنیت ذهنی» یا «احساس امنیت/ناامنی» تفاوت اساسی قائل می‌شوند. در چارچوب رویکرد امنیت انسانی، احساس ناامنی صرفاً به تهدیدات نظامی محدود نمی‌گردد، بلکه هر عاملی که کرامت انسانی، آزادی، هویت و رفاه افراد را تهدید نماید، می‌تواند زمینه ساز شکل‌گیری احساس ناامنی شود.

در مورد جامعه هزاره، تداوم خشونت‌های هدفمند، تبعیض ساختاری، نبود حمایت مؤثر امنیتی و تکرار حملات بر اماکن آموزشی، مذهبی و اجتماعی، نه تنها امنیت فیزیکی افراد را به خطر انداخته، بلکه با گسترش ترس، بی‌اعتمادی و اضطراب جمعی، زندگی روزمره، مشارکت اجتماعی و احساس تعلق شهروندی آنان را نیز عمیقاً متأثر ساخته است. تداوم چنین وضعیتی می‌تواند به انزوای اجتماعی، محدود شدن آزادی‌های فردی و جمعی، تضعیف سرمایه اجتماعی و کاهش اعتماد عمومی نسبت به تمام ساختار حاکم در محیط آن‌ها منجر گردد. به گونه‌ای که محمد زمان، یکی از باشندگان بامیان، در مصاحبه با شبکه تحلیل گران بلاق اذعان می‌دارد:

با اینکه ادعا می‌شود امنیت سراسری وجود دارد، اما موجودیت طالبان در قدرت با توجه به سابقه رفتاریشان با مردم هزاره و همچنین عملکردشان در دو دهه گذشته و نیز سیاست‌هایشان در چهار سال حاکمیت کنونی شان، حس ناامنی و در معرض خطر بودن همیشه همراه من است. وقتی در مسیر کابل به کاروان از کوچی‌ها خصوصاً در مناطق هزاره‌نشین روبرو می‌شوم، وقتی در جلریز به پوستان طالبان می‌رسم، وقتی در اداره ای برای انجام کار رسمی می‌روم، اصلاً احساس امنیت نمی‌کنم.^{۱۴}

محمد کاظم (اسم مستعار) که خود در کمیسیون مردمی غرب کابل^{۱۵} عضویت دارد، نیز در مصاحبه با شبکه تحلیل گران بلاق در مورد احساس امنیت در ذهنیت عمومی بیان می‌دارد:

مردم ترس زیادی دارند. با اینکه تلاش می‌شود از تأمین امنیت اطمینان داده شود، اما نسبت به گذشته کمتر در مراسم‌های عمومی مانند عاشورا، نمازهای جمعه و نمازهای عید اشتراک می‌کنند.^{۱۶}

وی علت این ترس را برخورد طالبان و وضع محدودیت‌های آن‌ها بر مراسم‌های جمعی و همچنین ناامنی می‌داند. بازداشت گسترده زنان و دختران از ساحات هزاره‌نشین در کابل نیز یکی از موضوعات جدی است که ترس را همانند سایه‌ای همراه زنان و دختران هزاره نموده است. رسانه «زن تایمز» در گزارش خود مستند نموده که یک زن بازداشت شده گفته است:

^{۱۴} مصاحبه نویسنده با محمد زمان باشنده ولایت بامیان از طریق واتس‌آپ بتاريخ ۲۹ می ۲۰۲۶

^{۱۵} کمیسیون مردمی غرب کابل، سازوکار مردمی است که در زمان جمهوریت بمنظور ایجاد هماهنگی میان مردم و نیروهای امنیتی در مناسبت‌های بزرگ مذهبی و مردمی مانند مراسم‌های مرتبط به ماه محرم و یا جشن باستانی نوروز تشکیل شده بود و بعد از قدرت‌گیری طالبان همچنان باوجود محدودیت‌های جدی بطور شکلی و تشریفاتی فعالیت می‌نماید.

^{۱۶} مصاحبه به محمد کاظم (اسم مستعار) عضو کمیسیون مردمی غرب کابل، از طریق واتس‌آپ بتاريخ ۲۹ می ۲۰۲۶

آنها ما را به حوزه ۱۳ پولیس (ساحه دشت برچی در غرب کابل) بردند و در آنجا با مشت، لگد و شلاق لت و کوب کردند. سر ما را زیر آب کردند. از نحوه نماز خواندن ما پرسیدند و گفتند: تو هزاره هستی، تو مسلمان نیستی. این را هرگز فراموش نخواهم کرد که به جرم هزاره بودن و زن بودن دستگیر شدم.^{۱۷}

یافته‌های ما نیز نشان می‌دهد که زنان و دختران حتی در نزدیک‌ترین بازار یا خانه دوستان شان نیز نمی‌توانند بدون ترس از برخورد طالبان رفت و آمد کنند. زحل، یکی از باشندگان شهرک امید سبز در غرب کابل، می‌گوید:

وقتی من حتی برای دیدن دوستانم دو کوچه دورتر از خانه ما می‌روم، مادر و پدرم بارها با من از طریق تلفن تماس می‌گیرند تا مطمئن شوند من بدون مشکل به مقصد رسیده‌ام و در برگشت نیز چنین می‌کنند. آنها واقعاً نگران‌اند که در مسیر راه کدام مشکل از جانب دزدان یا افراد طالبان برایم پیش نیاید.^{۱۸}

بر اساس یافته‌های مستندشده «آرشیف نسل‌کشی هزاره‌ها»، از زمان قدرت‌گیری طالبان تاکنون، تعداد ۴۷ تن از مردان و زنان هزاره توسط اعضای گروه طالبان یا افراد مسلح ناشناس به طور مستقیم ترور گردیده‌اند که در میان آنها، از طفل ۱۱ ساله تا فرد ۷۰ ساله دیده می‌شود. این افراد دستکم در یازده ولایت افغانستان مورد هدف قرار گرفته‌اند.

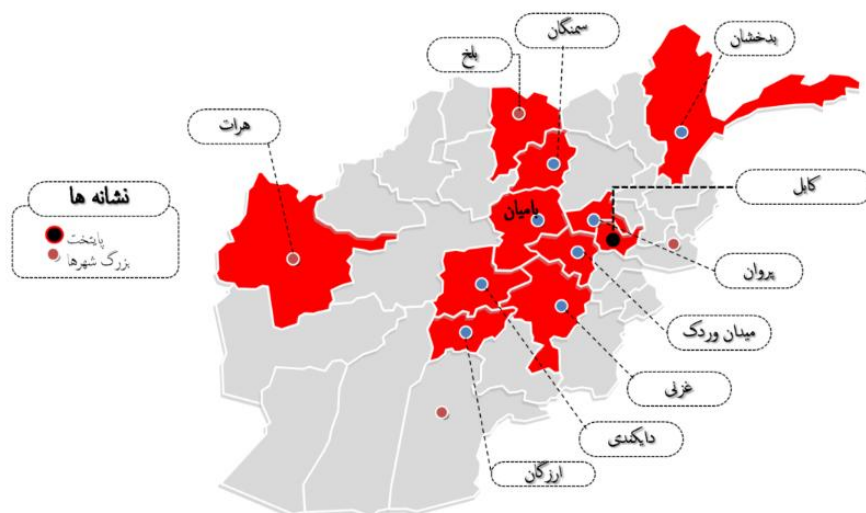
در تازه‌ترین موارد گزارش شده، دو تن از شهروندان هزاره افغانستان در ولایت‌های دایکندی و غزنی توسط افراد مسلح کشته شده‌اند. بر بنیاد گزارش‌های محلی، محمدعلی طوفان، باشنده اصلی ولسوالی شهرستان ولایت دایکندی، که پیش از این عضو نیروهای امنیت ملی افغانستان بود و پس از سقوط نظام جمهوری به فعالیت‌های زراعتی (دهقانی) روی آورده بود، در یک رویداد مسلحانه به تاریخ ۱۶ جولای ۲۰۲۶ جان باخته است.^{۱۹}

همچنین، قادر علی رفعت، باشنده اصلی قریه شاکی نو که از مربوطات ولسوالی قره‌باغ ولایت غزنی، در تاریخ ۱۶ جولای ۲۰۲۶ ناپدید شد. جسد وی یک روز بعد در یکی از کوه‌های این قریه پیدا گردید. بر اساس اطلاعات منتشر شده در گزارش‌های محلی، آثار چندین اصابت مرمی در بدن او مشاهده شده بود.

^{۱۷} Zahra Nader and Freshta Ghani, "I was arrested for the crime of being a Hazara and a woman": The Taliban's 'Bad Hijab' Campaign Targets Hazara Women," *Zan Times*, January ۲۲, ۲۰۲۴, <https://zantimes.com/۲۰۲۴/۰۱/۲۲/i-was-arrested-for-the-crime-of-being-a-hazara-and-a-woman-the-talibans-bad-hijab-campaign-targets-hazara-women/>

^{۱۸} مصاحبه با زحل (اسم مستعار) یکی از باشندگان شهر کابل، از طریق واتساب بتاريخ ۲۳ می ۲۰۲۶

^{۱۹} Besmellah Zahidi, "Former Intelligence Officer Killed in Daikundi as Attacks on Ex-Security Forces Continue," *KabulNow*, July ۱۷, ۲۰۲۶, <https://kabulnow.com/۲۰۲۶/۰۷/former-intelligence-officer-killed-in-daikundi-as-attacks-on-ex-security-forces-continue/>



شکل ۲: ولایات که در آن هزاره‌ها از ۱۵ آگست ۲۰۲۱ تا آگست ۲۰۲۶ ترور شده است

تحلیل علی در بُعد امنیت فردی

ناامنی فردی هزاره‌ها در دوران حاکمیت طالبان، زائیده عوامل ساختاری، نهادی، ایدئولوژیک و جغرافیایی متعددی است که در هم تنیدگی آن‌ها، شرایط کنونی را رقم زده است. از منظر عوامل ایدئولوژیک، روایت رادیکال طالبان که مبتنی بر تفسیر انحصارگرایانه از مذهب حنفی و تکفیر پیروان سایر مذاهب - به ویژه شیعیان - است، هزاره‌ها را به دلیل تعلق مذهبی خود «رافضی» تلقی می‌کند. این نگرش که در متون درسی و گفتار مقامات طالبان بازتولید می‌شود، خشونت علیه هزاره‌ها را نه تنها موجه، که در برخی موارد واجب شرعی جلوه می‌دهد. به عبارت دیگر، ایدئولوژی طالبان، چارچوبی اخلاقی-شرعی برای هدف‌گیری هزاره‌ها فراهم آورده است که فراتر از انگیزه‌های سیاسی یا قومی عمل می‌کند.

از حیث عوامل نهادی، ساختار امنیتی و قضایی طالبان فاقد هرگونه پاسخگویی، شفافیت و تفکیک قواست. نیروهای امنیتی این گروه، ترکیبی از عناصر نظامی-جهادگرا، دینی و قبیله‌ای هستند که اغلب آموزش‌های حرفه‌ای ندیده و وفاداری آن‌ها به فرماندهان محلی یا رهبران مذهبی بیشتر از نهادهای رسمی است. در چنین ساختاری، هیچ نهاد مستقلی برای رسیدگی به خشونت‌های هدفمند علیه هزاره‌ها وجود ندارد و حتی زمانی که حملاتی توسط داعش خراسان رخ می‌دهد، توانایی یا اراده کافی برای شناسایی، پیگیری و مجازات عاملان وجود ندارد. در واقع، نهادهای امنیتی طالبان خود بخشی از مشکل هستند و به جای حمایت از هزاره‌ها، گاهی با بی‌تفاوتی یا هم‌دستی غیرمستقیم، زمینه را برای ادامه خشونت‌ها فراهم می‌سازد.

در سطح عوامل ساختاری، باید به ترکیب قومی-مذهبی نیروهای مسلح طالبان اشاره کرد که عمدتاً از میان پشتون‌های سنی (به ویژه از مناطق جنوبی و شرقی) شکل گرفته‌اند.^{۲۰} و هزاره‌ها در این ساختارها حضوری ندارند. این شکاف قومی، هزاره‌ها را در موقعیت «دیگری» خارج از ساختار قدرت قرار می‌دهد. هم‌چنین، تغییر الگوی حملات از بمب‌گذاری‌های گسترده به ترورهای هدف‌مند و بازداشت‌های خودسرانه، نشان از گذار از خشونت «نمایشی» به خشونت «ساختاری» دارد که در آن، هدف نه صرفاً کشتن، بلکه ایجاد فضای ترس و تردید جمعی است.

در بعد عوامل جغرافیایی، بخش زیاد از مناطق عمدتاً هزاره‌نشین (بامیان، دایکندی، غور، سمنگان، سرپل، بخش‌هایی از غزنی، میدان وردک) در مرکز افغانستان واقع شده‌اند که به‌طور تاریخی از مراکز تصمیم‌گیری و قدرت دور بوده‌اند. این دورافتادگی جغرافیایی، دسترسی نهادهای مدنی و بین‌المللی را دشوار کرده و به طالبان امکان داده است تا با خیال آسوده‌تر، سیاست‌های تبعیض آمیز را در این مناطق اجرا کند. از سوی دیگر، نزدیکی برخی از مناطق هزاره‌نشین به مسیرهای حرکت فصلی کوچی‌ها، این مناطق را به کانون درگیری‌های نیابتی و رقابت‌های قبیله‌ای تبدیل کرده است.

۲. امنیت حقوقی

چارچوب مفهومی

امنیت حقوقی به عنوان یکی از مباحث جدید در مطالعات حقوقی و امنیتی، یکی از بنیان‌های اساسی دولت مبتنی بر حاکمیت قانون تلقی می‌شود. به‌طور خاص‌تر، در چارچوب مطالعات امنیت انسانی، «امنیت حقوقی» به عنوان یکی از ابعاد مهم امنیت فردی و اجتماعی، به وجود نظام حقوقی عادلانه، قابل دسترس و مبتنی بر حاکمیت قانون اشاره دارد. به‌طور مشخص، امنیت حقوقی را می‌توان وضعیت و فرآیندی دانست که در آن افراد و گروه‌ها از حمایت مؤثر قوانین، دسترسی برابر به عدالت، و مصونیت از تبعیض و سوءاستفاده قدرت برخوردار باشند.

به گونه‌ای که قدری تاراک (Qadri Tarak) امنیت حقوقی را «انتظار مشروع» (legitimate expectation) تبیین کرده است؛ به این معنا که امنیت حقوقی عبارت از وضعیتی است که از شفافیت و دقت قواعد حقوقی قابل استنباط باشد و به افراد امکان دهد حقوق و تکالیف خود را بشناسند و بر اساس آن تصمیم‌گیری کنند.^{۲۱} هم‌چنین وی با استناد به

تولیزون، [Richard Bennett: Taliban Cabinet Is "Full of Pashtun Men"] "ریچارد بنت: کابینه طالبان «پر از مردان پشتون» است"، Hasiba Atakpal،^{۲۰} AMU TV)، March ۶، ۲۰۲۳، <https://amu.tv/fa/۳۸۹۹۵/>

^{۲۱} Qadri Tarak, "The Concept of the Principle of Legal Security and Its Constitutional Value," *Ancient Land International Scientific Journal* ۷, no. ۲ (۲۰۲۵): ۱۵۲, <https://doi.org/10.36۷۱۹/۲۷۰۶-۶۱۸۵/۴۴/۱۵۱-۱۵۷>

شورای دولتی فرانسه، امنیت حقوقی را شرط اساسی حاکمیت قانون می‌داند و تأکید می‌کند که قوانین باید «روشن و قابل فهم باشند و نباید در طول زمان به طور غیرمنتظره دستخوش تغییرات بیش از حد شوند».

با توجه به آنچه در فوق تذکر یافت، امنیت حقوقی صرفاً به وجود قوانین رسمی محدود نمی‌شود، بلکه میزان تحقق عملی عدالت، کارآمدی نهادهای قضایی، و تضمین دسترسی برابر همه شهروندان به سازوکارهای حقوقی را نیز در بر می‌گیرد. در واقع، امنیت حقوقی زمانی معنا می‌یابد که افراد بتوانند بدون ترس از تبعیض یا انتقام، حقوق خود را از طریق نهادهای قانونی پیگیری نمایند.

یافته‌ها

رهبر طالبان، پس از قدرت‌گیری این گروه، تمام قوانین نافذه در دوران دولت قبلی «جمهوریت» افغانستان را لغو و به جای آن، تاکنون ده‌ها سند جدید بدون رعایت اصول قانون‌گذاری دموکراتیک، به عنوان اسناد تقنینی و آن‌هم تنها بر اساس مستندات مذهب حنفی، صادر نموده است. در چنین وضعیتی، به ویژه در رابطه با جامعه هزاره، امنیت حقوقی با چالش‌های جدی مواجه شده است. وضع قوانین بر اساس دستور مذهب حنفی، آن‌هم با روایت شدیداً رادیکال طالبان، محدودیت در دسترسی برابر به نهادهای عدلی، ضعف ضمانت‌های حقوقی در برابر خشونت‌های هدفمند، و نبود سازوکارهای مؤثر برای رسیدگی بی‌طرفانه به شکایات، زمینه‌ساز احساس بی‌عدالتی و تضعیف اعتماد به رژیم گردیده است.

در چنین شرایطی، امنیت حقوقی نه تنها در سطح نهادی تضعیف می‌شود، بلکه در تجربه زیسته افراد نیز به صورت احساس آسیب‌پذیری در برابر تبعیض و نبود حمایت قانونی بازتاب می‌یابد. این وضعیت می‌تواند به بازتولید چرخه بی‌عدالتی، افزایش ترس اجتماعی، و کاهش اعتماد جمعی منجر شود.

طالبان با وضع قوانین و نشر محتوایی که به عنوان منابع قوانین این گروه تلقی می‌شود، عملاً پیروان مذهب شیعه را – که بخش قریب به کل آن را هزاره‌ها تشکیل می‌دهند – «رافضی» و همدست کفار خوانده^{۲۲} و مناسبت‌های مذهبی و فرهنگی آنان (مراسم‌های به مناسبت شهادت امام حسین علیه‌السلام و جشن باستانی نوروز) را بدعت می‌دانند. در جولای ۲۰۲۴، احمدالله متقی، رئیس اطلاعات و فرهنگ طالبان در هرات، در نشست با روحانیان شیعه، مراسم عاشورا را «بدعت سیاسی و خارجی»^{۲۳} خواند و تأکید کرد که باید از برگزاری چنین مراسمی جلوگیری شود. همزمان به آن محدودیت‌های جدی بر چگونگی برگزاری مراسم‌های مانند مراسم‌های ماه محرم هم از لحاظ محتوی

^{۲۲} Taliban's Governor Who Called Shias Unbelievers, Now Looks To Reassure Them," *Afghanistan International*, December ۴,

۲۰۲۳, <https://www.afintl.com/2023/12/04/2023120416>

^{۲۳} "A Taliban Official Called Ashura Ceremonies a 'Political and Foreign

Innovation"], *افغانستان اینترنشنال* (Afghanistan International), July ۱۲, ۲۰۲۴, <https://www.afintl.com/2024/07/12/2024071218724>

و از لحاظ شکلی محدودیت جدی وضع گردید که در سال ۲۰۲۶ شاهد بدترین قیودات وضع شده از جانب طالبان در این زمینه بودیم که حتی منجر به بازداشت و زندانی نمودن توأم با تحقیر و توهین ده‌ها تن از پیروان مذهب شیعه به ویژه هزاره‌ها در سراسر افغانستان گردید.^{۲۴} حتی براساس گزارش‌های معتبر خبرنگاران را بازداشت نمودند که مراسم‌های ماه محرم را پوشش خبر داده بودند.^{۲۵}

بر اساس همین روایت‌ها، دعاوی متعدد مدنی و جزایی علیه هزاره‌ها – چه به عنوان افراد و چه علیه ساکنین یک محل به طور جمعی – از جانب افراد با حمایت طالبان مطرح شده که در نتیجه آن، هزاره‌ها طی چهار سال گذشته، بدون داشتن حق دفاع و دادخواهی عادلانه، مجبور به پرداخت میلیون‌ها افغانی به عنوان مجازات و هم‌چنین کوچ اجباری از سرزمین خود شده‌اند. به طور مثال، گزارش تحقیقی روزنامه کابل نو (KabulNow) نشان می‌دهد^{۲۶} که پس از حاکمیت طالبان، کوچی‌ها با حمایت مستقیم مقامات محلی طالبان، ادعاهای مالی بی‌سابقه‌ای را علیه روستاییان هزاره مطرح کرده و در برخی موارد، زمین‌های کشاورزی آنان را تصاحب کرده‌اند.

استفاده از ادبیات نفرت‌انگیز – چه در متون رسمی رژیم طالبان و چه در گفتار مقامات رسمی آن – علیه هزاره‌ها در حال عادی شدن است. اگرچه نفرت پراکنی و انسانیت‌زدایی از هزاره‌ها در افغانستان تاریخچه‌ای طولانی دارد و عمدتاً به عنوان ابزار سرکوب این قوم استفاده شده است، اما در حاکمیت طالبان، این رویکرد شدت یافته و بدون هیچ‌گونه هراس از پیامد آن، به کار گرفته می‌شود.

در برخی موارد مستند، مقام‌های محلی وابسته به ساختار امر به معروف و نهی از منکر طالبان در ولایت بامیان، استادان و دانشجویان هزاره را با الفاظی چون «مرتد» خطاب کرده‌اند؛ امری که از سوی ناظران حقوق بشری به عنوان مصداقی از انگ زنی مذهبی و تهدیدکننده همزیستی اجتماعی ارزیابی شده است. همچنین گزارش شده است که برخی مقامات محلی طالبان در مناطق مرکزی کشور، از جمله جاغوری و مالستان، هزاره‌های شیعه را با عبارات تحقیرآمیز دینی مورد خطاب قرار داده و مشروعیت مذهبی آنان را زیر سؤال برده‌اند و برخی از تحلیل‌گران^{۲۷}، این رویکرد را گسترش نفرت علیه هزاره‌ها و زمینه‌سازی برای تداوم نسل‌کشی دانسته‌اند.

^{۲۴} "Afghanistan's Shia Community Marks Ashura Under Tight Taliban Restrictions," *KabulNow*, June ۲۶, ۲۰۲۶,

<https://kabulnow.com/۲۰۲۶/۰۶/afghanistans-shia-community-marks-ashura-under-tight-taliban-restrictions/>

^{۲۵} "Taliban Detains Female Journalist in Kabul Over Ashura Coverage," *Afghanistan International*, June ۲۶, ۲۰۲۶,

<https://www.afintl.com/en/۲۰۲۶۰۶۲۶۲۶۲۶>

^{۲۶} Sayed Madadi, Jalil Raunaq, Sakina Amiri, and Amir Behnam, "Law of the Gun: How Local Conflicts Became Extortion

Sprees," *KabulNow*, January ۲۳, ۲۰۲۴, <https://kabulnow.com/۲۰۲۴/۰۱/law-of-the-gun/>

^{۲۷} Bismillah Alizada, "Genocidal Attacks and Hate Speech Against Shia Hazaras under Taliban Rule," trans. Maisam

Iltaf, *KabulNow*, November ۱۰, ۲۰۲۴, <https://kabulnow.com/۲۰۲۴/۱۱/genocidal-attacks-and-hate-speech-against-shia-hazaras-under-taliban-rule/>

نبود قوانین مدون، آن‌هم بر اساس ارزش‌های اجتماعی و مذهبی هزاره‌ها، ترس دائمی را در زمینه برخورد طالبان به بهانه نقض قانون و شریعت، در ذهنیت عمومی این مردم به وجود آورده است. طالبان هرازگاهی قوانین و دستورهای جدیدی را وضع می‌کنند که در تمامی آن‌ها، به نحوی ارزش‌های اجتماعی، فرهنگی و مذهبی هزاره‌ها و شیعیان نادیده گرفته شده و آن‌ها را مجبور به پیروی از آن، حتی برخلاف عقاید و باورهای خود، می‌نمایند. اخیراً طالبان دستور چندماده‌ای را تحت عنوان «تعهدنامه دانشجویان» در دانشگاه‌های افغانستان صادر نموده تا تمامی دانشجویان به اجرای آن تعهد نمایند. در ماده ششم این تعهدنامه، دانشجویان پیرو سایر مذاهب از جمله شیعه (جعفری، اسماعیلی) مکلف می‌شوند تا پیرو مذهب سنی حنفی گردند.^{۲۸}

از سال ۲۰۲۱ و پس از قدرت‌گیری طالبان، تعداد زیادی از زنان و دختران هزاره به بهانه عدم رعایت حجاب، آن‌هم بر اساس روایت رادیکال طالبانی، بازداشت، زندانی و شکنجه شده‌اند. این در حالی است که به باور مردم محل، تمام زنان و دختران که بازداشت شده بودند، پوشش متناسب با آنچه در فرهنگ اسلامی حجاب دانسته می‌شود داشته‌اند، اما طالبان مدعی شده بودند که این نوع پوشش، خلاف قوانین وضع شده آن‌ها است.

دیدبان نسل‌کشی می‌گوید که گروه طالبان، زنان و دختران هزاره را از کوچه‌ها و خیابان‌ها دست‌گیر کرده و به قرارگاه‌های خود انتقال می‌دهند و سپس در بدل‌رهای آنان، از خانواده‌های شان پول هنگفتی دریافت می‌کنند. زرین تاج، نویسنده این مقاله، مدعی شده است که بازداشت زنان و دختران هزاره می‌تواند بخشی از الگوی گسترده سرکوب، حذف و آسیب‌رساندن سیستماتیک علیه این گروه قومی باشد. به باور وی، تلاقی تبعیض قومی و جنسیتی علیه زنان هزاره، آنان را در معرض اشکال چندلایه‌ای از خشونت ساختاری قرار داده است.^{۲۹}

تحلیل علی در بُعد امنیت حقوقی

امنیت حقوقی جامعه هزاره در افغانستان تحت حاکمیت طالبان، نه یک نقص موقت، بلکه حاصل بازطراحی بنیادین نظام حقوقی بر مبنای ایدئولوژی انحصارگرایانه است که «امنیت حقوقی» را از یک حق عمومی به یک «امتياز گروهی» تبدیل کرده است. در سطح علل ریشه‌ای، نخستین عامل، نهادینه‌شدگی «قانون» به عنوان مرجع نهایی حل منازعه در تاریخ معاصر افغانستان است؛ در غیاب سنت «دولت قانون»، قوانین همواره ابزاری در دست قدرت حاکمه بوده‌اند و تغییر نظام حقوقی با تغییر حکومت، به یک قاعده تبدیل شده است. دومین علت ریشه‌ای، همبستگی

^{۲۸} Nazanin Mohseni, "Taliban Require Private University Students to Pledge Adherence to the Hanafi School," *KabulNow*, May ۲۵, ۲۰۲۶, <https://kabulnow.com/۲۰۲۶/۰۵/taliban-require-private-university-students-to-pledge-adherence-to-the-hanafi-school/>

^{۲۹} Zareen Taj, in collaboration with Jay Simpson, "Afghanistan's Gender Apartheid: The Genocide of Hazara Women," *Genocide Watch*, April ۱۰, ۲۰۲۴, <https://www.genocidewatch.com/single-post/taliban-gender-apartheid-genocide-of-hazara-women>

ساختاری میان «هویت قومی-مذهبی» و «دسترسی به حقوق» است که طالبان را قادر ساخته تا نظام حقوقی را بر اساس مذهب خود (حنفی با روایت رادیکال) بازتعریف کنند.

در سطح علل محرک، چهار عامل کلیدی مستقیم، امنیت حقوقی را به نقض سیستماتیک تبدیل کرده‌اند: نخست، الغای کامل نظام حقوقی پیشین و جانشینی آن با فقه حنفی-رادیکال که «چارچوب مرجع» را از بین برده و «انتظار مشروع» را از میان برده است؛ زیرا شهروند هزاره نمی‌تواند جرم و مجازات را پیش‌بینی کند. دوم، تعریف هویت شیعه به عنوان «جرم مستمر» با تکفیر و اعلام بدعت بودن مناسک مذهبی و فرهنگی که هر هزاره‌ای را در معرض اتهام قرار می‌دهد. سوم، حذف استقلال نهادهای قضایی و ادغام آن‌ها در ساختار قدرت که در نبود دادستانی مستقل و مرجع بی‌طرف، هر ادعایی (مانند دعاوی کوچی‌ها) را به حکم قطعی و مجازات (جریمه، اخراج، تصاحب زمین) تبدیل کرده است. چهارم، خلق قوانین سلیقه‌ای و غیرمدون مانند «تعهدنامه دانشجویان» که دانشجویان شیعه را به تغییر مذهب مکلف می‌کند و ترس دائمی از نقض قانون را در ذهنیت هزاره‌ها ایجاد نموده است.

این علل به پیامدهای عینی مشخصی انجامیده‌اند: قضایی زدایی از منازعات و تبدیل آن‌ها به ابزار اخاذی و تغییر جمعیتی (پرداخت میلیون‌ها افغانی و کوچ اجباری)، بازداشت خودسرانه به عنوان مجازات فراقضایی (بازداشت زنان و دختران هزاره به بهانه حجاب و دریافت باج برای آزادی)، و سلب حق دفاع و دادخواهی عادلانه (نبود وکیل مستقل و قاضی بی‌طرف). در کنار این‌ها، پیامدهای ذهنی عمیقی نیز شکل گرفته است: تخریب اعتماد جمعی به نظام حقوقی، احساس آسیب‌پذیری مزمن و عادی‌سازی تبعیض، و شکاف عمیق میان «قانون مدون» و «عدالت احساس شده» که انگیزه مشارکت مدنی را از بین برده است.

در نهایت، زنجیره علی نقض امنیت حقوقی بدین صورت است که نبود سنت دولت قانون و همبستگی هویت با حقوق، در تعامل با الغای نظام حقوقی پیشین، تعریف هویت هزاره بدلیل هویت مذهبی (شیعه) و قومی‌شان به عنوان جرم، نابودی استقلال قضایی، و قانونگذاری سلیقه‌ای، به پیامدهای عینی (سلب حق دفاع، بازداشت‌های خودسرانه، و تغییر جمعیتی) منجر شده که خود بازتولیدکننده پیامدهای ذهنی (تخریب اعتماد و عادی‌سازی تبعیض) و در نهایت، تقویت‌کننده «چرخه بی‌عدالتی ساختاری» است. آنچه وضعیت را فراتر از یک نقض حقوقی می‌کند، سیستماتیک شدن ناامنی حقوقی در سه سطح قانون‌گذاری (بر اساس یک مذهب و غیردموکراتیک)، دادرسی (نبود تضمین بیطرفی و حق دفاع)، و اجرا (نقش همزمان شاکی، قاضی و مجری توسط نیروهای نظامی-امنیتی) است. این هم‌پوشانی سه‌گانه، «امنیت حقوقی» را به وضعیتی سلیقه‌ای و تهدیدآمیز تنزل داده است که در آن، قانون، به جای حمایت، به اصلی‌ترین عامل تولید ناامنی و تبعیض علیه هزاره‌ها تبدیل می‌شود و «حاکمیت قانون» جای خود را به «حاکمیت ایدئولوژی مسلط» می‌دهد.

۳. امنیت اجتماعی

چارچوب مفهومی

امنیت اجتماعی یکی از ابعاد اساسی امنیت انسانی و ملی به شمار می‌رود که به حفظ انسجام اجتماعی، اعتماد عمومی، ثبات روابط اجتماعی و مصونیت گروه‌ها و جوامع انسانی از تهدیدات ساختاری، خشونت، تبعیض و بی‌ثباتی اشاره دارد. باری بوزان، نظریه پرداز برجسته مطالعات امنیتی، در سال ۱۹۹۱ «امنیت اجتماعی» را به عنوان حفاظت و تداوم هویت جمعی در برابر تهدیدهای ادراک شده نسبت به زبان، فرهنگ، دین و هویت ملی مفهوم پردازی می‌کند.^{۳۰} اگر بر اساس تعریف ارائه شده از جانب بوزان، وضعیت کنونی هزاره‌ها را بررسی کنیم، درمی‌یابیم که تمامی مصادیق معرفی شده برای هویت جمعی - مانند زبان، فرهنگ و ارزشهای مذهبی هزاره‌ها - در افغانستان به طور جدی در معرض تهدید سیاست‌های رسمی طالبان قرار دارد.

در رویکرد امنیت انسانی نیز، امنیت اجتماعی به معنای مصونیت افراد و گروه‌های اجتماعی از ترس، بیثباتی، خشونت و محرومیت اجتماعی تلقی می‌شود. این مفهوم تنها به نبود تهدیدات فیزیکی محدود نیست، بلکه شامل احساس تعلق اجتماعی، اعتماد به نهادهای حاکم، امکان مشارکت اجتماعی و برخورداری از حمایت اجتماعی نیز می‌گردد. از همین رو، گسترش ناامنی، بی‌اعتمادی، جرم، تبعیض و احساس رهاشدگی اجتماعی می‌تواند امنیت اجتماعی یک جامعه را به شدت تضعیف نماید.

از سوی دیگر، گزارش توسعه انسانی سازمان ملل متحد در سال ۱۹۹۴ خود نگاشته است که اکثر مردم احساس امنیت را از طریق عضویت در یک گروه به دست می‌آورند؛ مانند خانواده، جامعه، سازمان یا یک گروه نژادی یا قومی که می‌تواند هویت فرهنگی و مجموعه‌ای از ارزش‌های اطمینان بخش را فراهم کند.^{۳۱} اما بررسی وضعیت هزاره‌ها در افغانستان نشان می‌دهد که تعلق داشتن به یک گروه قومی - هزاره - باعث ایجاد ناامنی اجتماعی و فردی گردیده است. مناطق هزاره‌نشین به طور عمده در معرض ناامنی قرار گرفته و رژیم طالبان نیز با وجود درک این وضعیت، هیچ گونه تدابیر احتیاطی و پیشگیرانه‌ای را اتخاذ نکرده است.

^{۳۰} Barry Buzan, *People, States and Fear: An Agenda for International Security Studies in the Post-Cold War Era*, ۲nd ed.

(Boulder, CO: Lynne Rienner Publishers, ۱۹۹۱), ۱۱۸-۱۳۴.

^{۳۱} United Nations Development Programme (UNDP), *Human Development Report 1994: New Dimensions of Human Security* (New York: Oxford University Press, ۱۹۹۴), ۳۱.

یافته‌ها

از سال ۲۰۲۱ تا اکنون، با وجود ادعاهای گسترده طالبان مبنی بر تأمین امنیت در افغانستان، شواهد و یافته‌های میدانی نشان می‌دهد که وضعیت امنیت اجتماعی در بسیاری از مناطق هزاره‌نشین با وخامت روبه‌رو شده است. یافته‌های شبکه تحلیل‌گران بلاق که در گزارش سال ۲۰۲۵ منتشر گردید، نشان می‌دهد که ۴۸.۵ درصد از مصاحبه‌شوندگان معتقد بوده‌اند که وضعیت امنیتی در مناطق هزاره‌نشین نسبت به یک سال گذشته بدتر شده است.

همچنین، یافته‌های تحقیق کنونی نشان می‌دهد که باشندگان مناطق مختلف هزاره‌نشین از جمله شهر کابل، شهر هرات، شهر مزارشریف و برخی مناطق ولایت غزنی به ویژه ولسوالی جاغوری، افزایش محسوس ناامنی اجتماعی و جرایم را تجربه کرده‌اند. بر اساس این داده‌ها، ۷۸ درصد پاسخ‌دهندگان اظهار داشته‌اند که وضعیت امنیت در مناطق شان نسبت به سال گذشته بدتر شده است.

محمدعلی، یکی از باشندگان ناحیه سیزدهم شهر کابل، در مصاحبه‌ای بیان می‌کند:

روز به روز ناامنی در این ناحیه بیشتر می‌شود. مردم حتی برای محافظت از دارایی و ملکیت خود، تدابیر احتیاطی مانند افزایش تعداد چوکی‌دار [محافظان شخصی] و نصب کمره‌های امنیتی را روی دست گرفته‌اند؛ با آن هم تقریباً در هر هفته خبر از سرقت و رهگیری شنیده می‌شود^{۳۲}.

در همین حال، برخی رسانه‌ها^{۳۳} نیز از افزایش ناامنی و جرایم در این مناطق گزارش داده و نوشته‌اند که باشندگان محل ناگزیر شده‌اند به صورت فردی و محلی برای حفاظت از جان و مال خود تدابیر امنیتی اتخاذ نمایند. چنین وضعیتی بیان‌گر گسترش احساس ناامنی اجتماعی در مناطق هزاره‌نشین و نیز نشان‌دهنده ضعف‌یابی توجهی طالبان در تأمین امنیت این مناطق می‌باشد.

محمد (نام مستعار)، یکی از باشندگان ولسوالی جاغوری ولایت غزنی، نیز می‌گوید:

قبلاً جاغوری یکی از امن‌ترین ساحات افغانستان، خصوصاً در ولایت غزنی بود؛ اما در چهار سال گذشته، چندین مورد سرقت مسلحانه منازل، قتل و سرقت محلات تجارتنی صورت گرفته است.^{۳۴}

^{۳۲} مصاحبه با محمد علی باشنده ناحیه ۱۳ شهر کابل، از طریق واتساب بتاريخ ۱۸ می ۲۰۲۶

^{۳۳} "Shiite High Commission Holds Meeting Following Increased Insecurity in Western Kabul", [شست کمیسیون عالی شیعیان در پی افزایش ناامنی در غرب کابل] (Afghanistan International), April ۲۶, ۲۰۲۶, <https://www.afintl.com/۲۰۲۶۰۴۲۶۸۵۰۱>

^{۳۴} مصاحبه با محمد باشنده ولسوالی جاغوری ولایت غزنی، از طریق واتساب بتاريخ ۱۰ می ۲۰۲۶

به گفته وی، وضعیت ناامنی به حدی افزایش یافته که مردم مجبور شده‌اند حتی برای محافظت از تجهیزات و وسایل مورد استفاده در چاه‌های عمیق زراعتی نیز شبانه روز نگهبانی کنند؛ زیرا در موارد متعدد، وسایل و تجهیزات مردم به سرقت رفته است.

در همین حال براساس گزارش رسانه‌های معتبر، در ماه جون ۲۰۲۶ محمد علی عطایی یک شهروند دو تابعیت افغانستان-استرالیا که از استرالیا به افغانستان سفر نموده بود توسط فیر سلاح در نزدیکی خانه پدری شان در منطقه باب‌ه ولسوالی جاغوری کشته شد^{۳۵}. اگر چند برخی از منابع گفته‌اند که وی توسط یکی از اقارب‌اش به دلیل نزاع خانوادگی کشته شده، اما موجودیت سلاح و احساس بی‌قانونی در جامعه به فرد قاتل این جرات را داده که می‌تواند به راحتی یک انسان دیگر را به قتل برساند.

این وضعیت نشان می‌دهد که ناامنی در مناطق هزاره‌نشین تنها به تهدیدات فیزیکی محدود نمی‌شود، بلکه به تدریج به تضعیف اعتماد اجتماعی، کاهش احساس امنیت جمعی، محدود شدن فعالیت‌های اقتصادی و گسترش اضطراب اجتماعی نیز انجامیده است. تداوم چنین شرایطی می‌تواند پیامدهای گسترده‌ای بر انسجام اجتماعی، مشارکت مدنی و احساس تعلق شهروندی در میان جامعه هزاره بر جای گذارد.

بر اساس آمار مستندشده از جانب آرشیف نسل‌کشی هزاره‌ها، از زمان قدرت‌گیری طالبان، دستکم ۳۶ حمله تروریستی که جمع بزرگی از جامعه هزاره و شیعه را هدف قرار داده، صورت گرفته است. این حملات در ۱۲ ولایت، به شیوه‌های متفاوتی مانند حملات انتحاری، انفجار بمب، و حملات با فیر سلاح به طور مستقیم بر جمعیت هزاره‌ها و شیعیان، به وقوع پیوسته است.

در صحبتی که با بسیاری از هزاره‌های ساکن در داخل افغانستان انجام شد به این نتیجه دست یافتیم که هیچ‌کس از کشمکش برای بقا آزاد نیست. همه چیز دیگر - از جمله حقوق و آزادی‌های انسانی، آموزش و ... - در اولویت‌های دوم و سوم، حتی بیشتر از آن، در زندگی واقعی مردم قرار گرفته است. به تعبیر دیگر، وضعیتی که طالبان بر بخش بزرگی از مردم افغانستان به ویژه مردم هزاره حاکم نموده، باعث شده که آن‌ها تنها برای زنده ماندن تقلا کنند و سایر موارد، بسیار کمتر از زنده ماندن برای شان ارزش دارد. این وضعیت به وضوح در رفتار هزاره‌ها قابل مشاهده است. قوانین و رفتار طالبان، تمامی محدودیت‌های ممکن را بر این مردم وضع نموده است.

به دلیل نبود حمایت‌های لازم بین‌المللی و حمایت محلی، تقریباً همه به این نتیجه رسیده‌اند که امیدی به یک سازش پایدار با طالبان نیست، و بنابراین به جای اینکه بتوانند به دیگران اعتماد کنند، انرژی خود را صرف این می‌نمایند که

^{۳۵} Habib Mohammadi, "Australian-Afghan Man Killed during Visit to Ghazni, Sources Say," Amu TV, June ۱۱, ۲۰۲۶,

<https://amu.tv/۲۴۲۹۸۲/>

از آسیب دیدن بیشتر خود جلوگیری کنند. راه اندازی پهره داری های محلی از طرف شب، وضع محدودیت بر گشت و گذار زنان و دختران از جانب خانواده ها، زود برگشتن به خانه قبل از غروب آفتاب و تاریک شدن هوا، عدم مراجعه و یا مواجه شدن با طالبان تا حد امکان، خصوصاً در شهرهای بزرگ، و خودسانسوری حتی در زمینه ابراز درد خود، از مکانیزم هایی است که مردم هزاره برای بقای خود اتخاذ نموده اند.

موضوع حمایت طالبان از کوچی ها همان گونه که در بخش امنیت حقوقی مطرح شده و در بخش های دیگر این تحقیق نیز به تفصیل پرداخته شده، به عنوان یکی از تهدید کنندگان امنیت اجتماعی مردم هزاره نیز مطرح می شود. کوچی ها بدون هیچ نوع هراس و ترس از برخورد مردمان ده نشین به کشت زارهای آن ها وارد شده و ملکیت شان را غصب می نماید. در آخرین رویداد براساس گزارش رسانه های محلی کوچی ها با حمایت طالبان در چندین ساحه از جمله ولسوالی پنجاب ولایت بامیان^{۳۶}، ولسوالی بهسود ولایت میدان وردک، ولسوالی کجران و خدیر ولایت دایکندی ضمن وارد نمودن خسارات زیاد و غصب زمین های زراعتی (آبی و للمی) باشندگان محل آنان را مورد لت و کوب نیز قرار داده است.

تحلیل علی در بُعد امنیت اجتماعی

بُعد اجتماعی ناامنی هزاره ها همانند سایر ابعاد ناامنی، ریشه در عوامل ساختاری، نهادی، ایدئولوژیک و جغرافیایی دارد که در تعامل با یک دیگر، بستر فروپاشی انسجام اجتماعی را فراهم آورده اند. از منظر ساختاری، طالبان به عنوان یک گروه متشکل عمدتاً از مردان پشتون و سنی، به دنبال بازتعریف هویت ملی افغانستان بر اساس نژاد، قومیت و مذهب خود هستند. این رویکرد، هزاره ها را به عنوان «دیگری» در ساختار قدرت تعریف می کند که نه تنها در حکمرانی سهم ندارند، بلکه هویت فرهنگی، زبانی و مذهبی آن ها نیز فاقد مشروعیت تلقی می شود. سیاست های زبانی طالبان (تبدیل زبان دری به زبان دوم)، مذهبی (انکار مذهب شیعه) و فرهنگی (منع نوروز، موسیقی و ...) همه در راستای یکسان سازی اجباری و نفی تکرار است که امنیت اجتماعی هزاره ها را به چالش می کشد.

از حیث عوامل نهادی، نهادهای محلی طالبان (والی ها، قوماندانان امنیه، قاضی ها و ...) فاقد پاسخ گویی به مردم هستند و عملکرد آن ها بر اساس وفاداری به رهبری مرکزی و منافع گروهی شکل می گیرد. در چنین فضایی، نه تنها از هزاره ها حمایت نمی شود، بلکه گاهی خود این نهادها در ایجاد ناامنی (مانند حمایت از کوچی ها، توقیف خودسرانه، اخاذی و ...) نقش مستقیم دارند. فقدان نهادهای مدنی مستقل و سرکوب هرگونه تشکل اجتماعی، فضای اجتماعی را به شدت خفقان آور ساخته است.

^{۳۶} Farhaad Farhaad, "Kuchi and Villager Clashes in Bamyan Leave Several Injured, Sources Say," *8am Media*, ۱۶ June ۲۰۲۶

<https://8am.media/eng/kuchi-and-villager-clashes-in-bamyan-leave-several-injured-sources-say/>

در سطح ایدئولوژیک، روایت طالبان از «وحدت اسلامی» در واقع نوعی وحدت اجباری بر اساس مذهب حنفی است که هرگونه هویت مستقل شیعی یا اسماعیلی را به عنوان «بدعت» و «انحراف» تلقی می‌کند. این رویکرد، هزاره‌ها را در موقعیتی قرار می‌دهد که برای بقای اجتماعی ناچار به انکار بخشی از هویت خود یا پنهان کردن آن هستند. خودسانسوری، پنهان‌کاری در مراسم مذهبی، و کاهش مشارکت در فعالیت‌های جمعی، از پیامدهای روانشناختی و اجتماعی این فشار ایدئولوژیک است.

از منظر جغرافیایی، مناطق هزاره‌نشین در مرکز و غرب افغانستان، به دلیل موقعیت کوهستانی و دورافتاده، همواره از توسعه زیرساخت‌ها، دسترسی به خدمات دولتی و حضور نهادهای مدنی بین‌المللی محروم بوده‌اند. این محرومیت جغرافیایی، علاوه بر کاهش سطح رفاه، امکان نظارت و فشار بر نهادهای محلی را نیز کاهش داده و به طالبان اجازه داده تا با آزادی عمل بیشتری سیاست‌های تبعیض آمیز را در این مناطق اجرا کند. همچنین، حضور گروه‌های مخالف مسلح در برخی از این مناطق، آن‌ها را به صحنه درگیری‌های نیابتی تبدیل کرده که بر امنیت اجتماعی شهروندان بی‌تأثیر نبوده است.

۴. امنیت سیاسی

چارچوب مفهومی

بر اساس توضیحاتی که سازمان ملل در سال ۱۹۹۴ در مورد امنیت سیاسی ارائه داشته، می‌توان چنین برداشت کرد که امنیت سیاسی به وضعیتی اطلاق می‌شود که در آن افراد بتوانند در جامعه‌ای زندگی کنند که در آن حقوق اساسی بشر محترم شمرده شده و از سرکوب دولتی، شکنجه، بازداشت خودسرانه، ناپدیدسازی اجباری و سایر اشکال نقض حقوق سیاسی و مدنی مصون باشند.^{۳۷}

و همچنین بر اساس تعریف ارائه شده توسط «امنیت انسانی و امور بین‌الملل» (Human Security and International Affairs)، امنیت سیاسی عبارت است از وضعیت و مجموعه‌ای از سازوکارها که در آن نظام سیاسی قادر باشد ثبات حکمرانی، حاکمیت قانون، و حقوق اساسی شهروندان را تضمین کند، در برابر تهدیدهای داخلی و خارجی مقاومت نماید، و از طریق حکومتداری مشروع و پاسخگو، مشارکت و حقوق سیاسی همه گروه‌های اجتماعی را — بدون تبعیض — حفظ کند.^{۳۸}

^{۳۷} United Nations Development Programme (UNDP), *Human Development Report 1994: New Dimensions of Human Security* (New York: Oxford University Press, ۱۹۹۴), ۳۲.

^{۳۸} Centre for Human Security and International Affairs (CHSIA), "Political Security," CHSIA.org, March ۲۰, ۲۰۲۴, <https://chsia.org/political-security/>

یافته‌ها

با بررسی هر دو تعریف ارائه شده از امنیت سیاسی، می‌توان وضعیت کنونی افغانستان تحت کنترل طالبان را کاملاً بی‌ثبات و شرایط هزاره‌ها را به‌طور خاص‌تر در حالت نگران‌کننده‌ای دانست. زیرا بر اساس رویکرد تجربه شده طالبان در این پنج سال، نه تنها رژیم کنونی فاقد مشروعیت لازم سیاسی و حقوقی است، بلکه هزاره‌ها به‌عنوان یکی از گروه‌های اجتماعی ساکن در آن کشور، کاملاً در معرض بدترین حالت نقض حقوق بشری و شکنجه دسته جمعی – به‌دلیل وضع قوانین رادیکال و اعمال محدودیت‌های جدی در زندگی اجتماعی خود – قرار دارند و همچنین به وضوح در معرض تهدیدات امنیتی در ابعاد مختلف هستند، تا حدی که مصداق جدی از نسل‌کشی در آن دیده می‌شود.

اعتراضات مدنی کاملاً ممنوع قرار گرفته و هر نوع اعتراضی به شدیدترین نوع ممکن سرکوب می‌شود. در سال نخست، تعدادی از زنان و دختران در شهرهای بزرگ از جمله شهر کابل، در برابر قوانین و حاکمیت طالبان اعتراض نمودند، اما آن‌ها به‌طور دسته جمعی بازداشت، شکنجه، تحقیر و زندانی شدند. در این میان، دختران و زنان هزاره سرنوشتی بدتر از سایر زنان و دختران معترض داشته‌اند. رسانه «جاده ابریشم» در یک گزارش خود نوشته است که دختران هزاره به دلیل قومیت و مذهب خود، بیشتر از دیگران مورد شکنجه و تحقیر قرار گرفته‌اند. در همین حال، روزنامه «زن تایمز» در گزارشی در سال ۲۰۲۴، به نقل از یکی از دختران معترض بازداشت شده توسط طالبان، نوشته است: «من به جرم دو چیز توسط طالبان بازداشت و شکنجه شدم: یکی قومیت (هزاره) و دیگری جنسیت (زن)»^{۳۹}.

بر اساس یافته‌های شبکه تحلیل‌گران بلاق – آرشیف نسل‌کشی هزاره‌ها در [گزارش](#) سال چهارم (اگست ۲۰۲۴ – اگست ۲۰۲۵) با عنوان «وضعیت هزاره در حاکمیت طالبان»، ۸۵.۶ درصد از مصاحبه‌شوندگان از افزایش تبعیض فرهنگی، مذهبی و ناامنی روانی در مناطق هزاره‌نشین به دلیل گماشته شدن افراد طالبان در ادارات دولتی خبر داده‌اند. و در همین سند، ۵۱.۳ درصد مدعی شده‌اند که با قدرت‌گیری طالبان، دسترسی آن‌ها به خدمات صحتی دشوار شده است. این وضعیت به وضوح نشان می‌دهد که امنیت سیاسی هزاره‌ها، به ویژه در زمینه تأمین حقوق اساسی و بشری آنان، آسیب دیده و در معرض ناامنی جدی سیاسی قرار دارند.

در آخرین مورد، به تاریخ ۹ جون ۲۰۲۶، نیروهای موسوم به امر به معروف و نهی از منکر طالبان به شهرک جبرئیل در ناحیه ۱۳ شهر هرات – ساحه‌ای عمدتاً هزاره‌نشین در غرب شهر هرات – اقدام به بازداشت زنان به بهانه حجاب (آنطوریکه خودشان تعریف نموده‌اند) نمودند که با واکنش جمعی مردم مواجه گردید و طالبان به این بهانه، به‌طور

^{۳۹} Zahra Nader and Freshta Ghani, "I Was Arrested for the Crime of Being a Hazara and a Woman": The Taliban's 'Bad Hijab' Campaign Targets Hazara Women," *Zan Times*, January ۲۲, ۲۰۲۴, <https://zantimes.com/۲۰۲۴/۰۱/۲۲/i-was-arrested-for-the-crime-of-being-a-hazara-and-a-woman-the-talibans-bad-hijab-campaign-targets-hazara-women/>

گسترده به سرکوب جمعی مردم پرداخت. بر اساس گزارش‌های معتبر رسانه‌ها^{۴۰}، دستکم ۲ تن کشته و چندین تن دیگر زخمی شدند. اگر چند دفتر معاونیت سازمان ملل متحد – یوناما – به تاریخ ۱۰ جون ۲۰۲۶ در گزارش^{۴۱} خود کشته شدن یک تن و مجروحیت چندین تن دیگر را تأیید نموده است.

یک تن به اسم مرتضی کریمی که در این حمله طالبان زخمی شده بوده به تاریخ ۱۶ جون ۲۰۲۶ وفات نمود^{۴۲}. براساس گزارش‌های منتشر شده، بعد از مجروحیت وقتی به شفاخانه‌های خصوصی برای تداوی مراجعه نمود بود آن‌ها بنا به دستور طالبان حاضر به تداوی وی نگردیده تا اینکه بعد از گذشت چند ساعت در مرکز شهر به شفاخانه دولتی مراجعه نموده‌اند. مرگ وی بیشتر به سبب دستور ممنوعیت تداوی مجروحین این تظاهرات توسط طالبان و خون‌ریزی شدید و به تعقیب آن عدم توجه درست داکتران در شفاخانه دولتی اتفاق افتاده، چون وی از ناحیه پا زخمی شده بود که احتمال مرگ در آن در صورت تداوی فوری و مناسب کمتر است. برخی کارشناسان^{۴۳} بر این باورند که طالبان در زمینه سرکوب و اعمال خشونت علیه هزاره‌ها، احساس گناه یا رفتار غیرقانونی نمی‌کنند؛ زیرا به باور طالبان، هزاره‌ها به دلیل تعلق مذهبی خود (شیعه)، به نحوی مستحق چنین فشارهایی می‌باشند.

تحلیل علی در بُعد امنیت سیاسی

امنیت سیاسی جامعه هزاره در افغانستان تحت حاکمیت طالبان، نه یک وضعیت ناپایدار موقت، بلکه حاصل بازتعریف بنیادین مفهوم «حکمرانی» بر مبنای انحصار قومی-مذهبی و حذف هرگونه مشارکت سیاسی غیرهمسو است که «امنیت سیاسی» را از یک حق همگانی به وضعیتی از «سرکوب ساختاری» تبدیل نموده است.

در سطح علل ریشه‌ای، نبود سنت حکمرانی مبتنی بر مشارکت و پاسخ‌گویی در تاریخ معاصر افغانستان، و همبستگی ساختاری میان «هویت قومی-مذهبی» و «دسترسی به قدرت سیاسی»، بسترهای تاریخی‌ای هستند که به طالبان امکان داده‌اند تا حکومت را به انحصار گروه خود (پشتون سنی حنفی) درآورند و هزاره‌ها را به عنوان «دیگری سیاسی» که سهمی در قدرت ندارد، تعریف کنند.

^{۴۰} Flora Drury, "Two Reportedly Killed as Women Take Part in Rare Protest in Afghanistan," BBC News, June ۸, ۲۰۲۶, <https://www.bbc.com/news/articles/c۹۹۲vdk۳g۳yo>

^{۴۱} UNAMA, "UNAMA Alarmed by Arrests of Women in Herat Afghanistan and Excessive Use of Force against Protestors," Press Release, June ۱۰, ۲۰۲۶, <https://unama.unmissions.org/en/press-releases/unama-alarmed-by-arrests-of-women-in-herat-afghanistan-and-excessive-use-of>

^{۴۲} Nazanin Mohseni, "Death of Herat Protest Injured; Morteza Karimi Buried Under Taliban Surveillance," *KabulNow*, June ۱۶, ۲۰۲۶, <https://kabulnow.com/۲۰۲۶/۰۶/death-of-herat-protest-injured-morteza-karimi-buried-under-taliban-surveillance/>

^{۴۳} Besmillah Taban, "What Is the Threshold for Action?: A Question Afghanistan Asks the World," *The Diplomat*, June ۱۲, ۲۰۲۶, <https://thediplomat.com/۲۰۲۶/۰۶/what-is-the-threshold-for-action-a-question-afghanistan-asks-the-world/>

در سطح علل محرک، چهار عامل کلیدی، امنیت سیاسی هزاره‌ها را به نقض سیستماتیک تبدیل کرده‌اند: نخست، نفی مشروعیت سیاسی هزاره‌ها از طریق بازتعریف «شهروندی فعال» به «عضویت در گروه حاکم» و حذف کامل آنان از ساختارهای تصمیم‌گیری. دوم، ممنوعیت مطلق هرگونه اعتراض مدنی و خشونت پیشگیرانه علیه آن؛ به گونه‌ای که هرگونه ابراز نارضایتی، «تهدید امنیتی» تلقی و با بازداشت دسته جمعی، شکنجه و تحقیر (به ویژه علیه زنان هزاره با دوگانگی قومیت و جنسیت) مواجه می‌شود. سوم، نابودی نهادهای مدنی و سیاسی مستقل که هزاره‌ها را بدون هرگونه ساختاری برای پیگیری حقوق سیاسی خود باقی گذاشته است. چهارم، تحمیل سیاست‌های تبعیض آمیز در حوزه خدمات عمومی (مانند محدودیت دسترسی به خدمات صحتی و آموزشی) به عنوان ابزاری برای اعمال فشار و وادار کردن هزاره‌ها به انفعال.

این علل به پیامدهای عینی مشخصی انجامیده‌اند: بازداشت خودسرانه و شکنجه به عنوان ابزار سرکوب سیاسی (همانند سرکوب اعتراضات زنان و بازداشت دسته جمعی در شهرک جبرئیل هرات)، سلب حق حیات و سلامت از طریق انکار خدمات درمانی عاجل (مانند ممانعت از تداوی مجروحین که منجر به فوت مرتضی کریمی گردید و همچنان ممانعت از اهدا خون به زخمیان حمله تروریستی بر مکتب عبدالرحیم شهید در غرب کابل در سال ۲۰۲۲)، و گسترش ناامنی سیاسی در تمام ابعاد زندگی (به گونه‌ای که ۸۵.۶ درصد از هزاره‌ها افزایش تبعیض و ۵۱.۳ درصد دشواری دسترسی به خدمات صحتی را گزارش کرده‌اند).

در کنار این پیامدهای عینی، پیامدهای ذهنی عمیقی نیز شکل گرفته است: تخریب کامل اعتماد به هرگونه سازوکار سیاسی موجود، احساس انزوای سیاسی مزمن و فقدان هرگونه «امید اصلاح»، و عادی سازی خشونت سیاسی که به مرور زمان، این باور را تثبیت می‌کند که «هزاره‌ها مستحق چنین رفتاری هستند».

در نهایت، زنجیره علی نقض امنیت سیاسی بدین صورت است که نبود سنت حکمرانی مشارکتی و همبستگی هویت با قدرت، در تعامل با نفی مشروعیت سیاسی هزاره‌ها، ممنوعیت اعتراض، نابودی نهادهای مدنی، و سیاست‌های تبعیض آمیز، به پیامدهای عینی بازداشت خودسرانه، سلب حق حیات، و گسترش ناامنی منجر شده که خود بازتولیدکننده پیامدهای ذهنی تخریب اعتماد، انزوای سیاسی، و عادی سازی خشونت می‌باشند. آنچه وضعیت را فراتر از یک سرکوب سیاسی ساده قرار می‌دهد، سیستماتیک شدن ناامنی سیاسی در سه سطح تشخیص (هزاره بودن به عنوان جرم سیاسی)، تصمیم‌گیری (حذف کامل از ساختار قدرت)، و اجرا (خشونت مضاعف علیه هزاره‌ها در سرکوب‌ها) است. در چنین ساختاری، هزاره‌ها نه تنها از حق مشارکت سیاسی محروم هستند، بلکه خود «وجود سیاسی» آنان به عنوان یک تهدید دائمی تلقی می‌شود و «حکمرانی» به «سلطه» و «سیاست» به «ابزاری برای حذف» تبدیل می‌گردد.

جمع‌بندی فصل

بررسی چندبعدی وضعیت امنیتی جامعه هزاره در پنج سال حاکمیت طالبان (۱۴۰۰-۱۴۰۵) نشان می‌دهد که این گروه قومی-مذهبی، در غیاب هرگونه حاکمیت قانون مبتنی بر موازین بین‌المللی حقوق بشر، با ترکیبی هم‌پوشان از ناامنی فردی، حقوقی، اجتماعی و سیاسی مواجه است که در مجموع، زندگی روزمره، هویت جمعی و امکان بقای آنان را به طور سیستماتیک مورد تهدید قرار داده است. این وضعیت، فراتر از ناامنی عینی و مقطعی، به الگویی از تبعیض ساختاری و خشونت هدف‌مند تبدیل شده که بر اساس یافته‌های موجود، می‌تواند در زمره جنایات علیه بشریت و حتی مصادیق نسل‌کشی مورد بررسی قرار گیرد.

در بُعد امنیت فردی، با وجود ادعاهای طالبان مبنی بر تأمین امنیت سراسری در افغانستان، جامعه هزاره همچنان هدف حملات تروریستی، ترورهای انفرادی، بازداشت‌های خودسرانه، شکنجه و ناپدیدسازی اجباری قرار دارد. مستندات شبکه تحلیل‌گران بلاق و آرشیف نسل‌کشی هزاره‌ها، وقوع دستکم ۳۶ حمله تروریستی در این مدت، از جمله حملات در ولایات مرکزی و امن چون بامیان و دایکندی، و نیز ثبت ۴۷ مورد ترور مستقیم توسط عوامل طالبان یا افراد مسلح ناشناس در یازده ولایت، که باعث کشته شدن دست کم ۴۹۷ تن که ۸۱ تن آنها را زنان و ۴۴ تن دیگر را اطفال شکل می‌دهند و زخمی شدن ۳۶۳ نفر، گویای تداوم خشونت‌هایی است که از نظر ماهیت، تفاوتی با الگوی هدفگیری در دو دهه پیشین ندارد؛ اگرچه شکل و ابزار آن تغییر یافته است. کاهش آماری حملات نه به معنای کاهش خطر، که بیشتر به تغییر تاکتیک و نیز محدودیت‌های ناشی از فضای سرکوب اطلاع‌رسانی تعبیر می‌شود. تحلیل علی‌نشان داد که عوامل ایدئولوژیک (تکفیر شیعیان)، نهادی (ساختار غیرپاسخگوی امنیتی)، ساختاری (ترکیب قومی‌نیروهای مسلح) و جغرافیایی (دورافتادگی مناطق هزاره‌نشین) در شکل‌گیری و تداوم این ناامنی نقش مستقیم داشته‌اند.

در همین چارچوب، احساس ناامنی ذهنی به عنوان یکی از مؤلفه‌های امنیت فردی، به سطحی از گسترش رسیده که زندگی روزمره، تردد، مشارکت اجتماعی، و حتی حضور در اماکن عمومی و مذهبی را با ترس و اضطراب دائمی همراه ساخته است. این امر در روایت‌های زیسته‌ای باشندگان مناطق هزاره‌نشین به ویژه زنان و دختران، بازتاب گسترده‌ای داشته و مکانیسم‌هایی چون خودسانسوری، محدودیت رفت و آمد، افزایش محافظان شخصی و زود بازگشتن به منزل، به عنوان راهبردهای بقا در برابر ناامنی ساختاری، نهادینه شده است.

در بُعد امنیت حقوقی، لغو تمام قوانین دوران جمهوریت، وضع مقررات جدید صرفاً بر اساس تفسیر رادیکال از مذهب حنفی، و عدم به رسمیت شناسی مذهب شیعه و مناسبت‌های فرهنگی و مذهبی آن، عملاً جامعه هزاره را از هرگونه حمایت قانونی و قضایی بی‌بهره ساخته است. ادبیات نفرت‌انگیز رسمی و غیررسمی - از جمله خطاب قرار

دادن شیعیان با عناوین چون «رافضی» و «مرتد» - نه تنها در گفتار مقامات، که در متون رسمی نیز عادی سازی شده و به مشروعیت‌زدایی از هویت مذهبی و قومی هزاره‌ها انجامیده است. این رویکرد، در کنار اعمال فشارهای مالی، تصاحب زمین‌ها، کوچ اجباری و بازداشت‌های گسترده زنان و دختران به بهانه حجاب، حاکی از فروپاشی بنیادین امنیت حقوقی و نبود هرگونه ضمانت اجرایی برای حمایت از حقوق اولیه‌ای این جامعه است. از جمله مصادیق آشکار، صدور تعهدنامه‌هایی است که دانشجویان پیرو مذهب شیعه را ملزم به پیروی از مذهب حنفی می‌نماید که خود اقدامی در جهت همسانسازی اجباری و نفی تکثر مذهبی تلقی می‌شود.

در بُعد امنیت اجتماعی، یافته‌ها نشان‌دهنده‌ای افزایش چشمگیر ناامنی و جرایم در مناطق هزاره‌نشین است. بر اساس داده‌های میدانی و نظرسنجی‌ها، ۷۸ درصد از پاسخ دهندگان وضعیت امنیتی سال گذشته را بدتر از سال پیش از آن ارزیابی کرده‌اند. گسترش سرقت‌های مسلحانه، قتل، رهگیری و غصب اموال، در کنار حمایت مستقیم طالبان از کوچی‌ها در تصرف زمین‌های زراعتی و للمی، و کشتار باشندگان هزاره، ساختار امنیت جمعی و انسجام اجتماعی را در این مناطق به شدت تضعیف نموده است. همچنین، تهدید هویت جمعی مبتنی بر زبان، فرهنگ و ارزش‌های مذهبی بر اساس نظریه‌ای باری بوزان، که همگی در معرض سیاست‌های طالبانی قرار دارند، نشان از فروپاشی بسترهای اجتماعی امنیت دارد. تحلیل علی‌نشان داد که عوامل ساختاری (بازتعریف هویت ملی)، نهادی (نبود نهادهای پاسخگو)، ایدئولوژیک (تکفیر و بدعت‌پنداری) و جغرافیایی (دورافتادگی و محرومیت) در کنار یکدیگر، فضایی از بی‌اعتمادی، انزوا و اضطراب اجتماعی را رقم زده‌اند که در آن، اعتماد اجتماعی و تعلق شهروندی جای خود را به راهبردهای انفعالی بقا داده است.

در بُعد امنیت سیاسی، فقدان مشروعیت سیاسی، سرکوب گسترده‌ای هرگونه اعتراض مدنی، ممنوعیت مشارکت سیاسی، و بازداشت و شکنجه‌ای معترضان - به ویژه زنان و دختران هزاره که به دلیل تلاقی تبعیض قومی و جنسیتی، در معرض شدیدترین اشکال خشونت قرار گرفته‌اند - نشان‌دهنده‌ای نقض سیستماتیک حقوق سیاسی و مدنی این جامعه است. مستندات نشان می‌دهد که حتی در مواردی چون اعتراضات صنفی یا محلی، طالبان با شدیدترین روش‌ها و بدون هرگونه پاسخگویی، به سرکوب دست می‌زنند و بازداشت‌ها و شکنجه‌هایی را اعمال می‌کند که در آن‌ها «هزاره بودن» و «زن بودن» به عنوان جرم تلقی می‌شود.

به طور کلی، این پژوهش نشان می‌دهد که پنج سال حاکمیت طالبان نه تنها افغانستان را به کشوری فاقد امنیت انسانی برای تمامی شهروندان تبدیل کرده، بلکه جامعه هزاره را به عنوان گروهی هدف‌مند، در کانون یک سیستم چندلایه از تبعیض، خشونت و محرومیت قرار داده است. هم‌پوشانی ناامنی فردی، حقوقی، اجتماعی و سیاسی، یک چرخه‌ای فراگیر از آسیب‌پذیری را شکل داده که در آن امکان بقا بر هرگونه حق دیگر اولویت یافته و مردم ناچار به اتخاذ راهبردهای فردی برای کاهش آسیب شده‌اند. فقدان نهادهای پاسخگو، خلأ قانونی مبتنی بر حقوق شهروندی، و

رویکرد ایدئولوژیک طالبان در بازتعریف هویت ملی و مذهبی، زمینه‌های نسل‌کشی فرهنگی و فیزیکی را فراهم آورده و ضرورت توجه فوری جامعه‌ای بین‌المللی، نهادهای حقوق بشری و مکانیسم‌های نظارتی را برای حمایت از این جامعه‌ای در معرض خطر، بیش از پیش آشکار می‌سازد.

تداوم این وضعیت نه تنها بقای جامعه هزاره را به مخاطره می‌اندازد، بلکه ثبات آینده‌ای افغانستان و امکان هرگونه صلح پایدار را نیز با چالش‌های اساسی روبه‌رو خواهد کرد. از این‌رو، هرگونه راهکار برای گذار سیاسی و تأمین امنیت در افغانستان، بدون در نظر گرفتن وضعیت ویژه‌ای هزاره‌ها و تضمین حقوق برابر، مشارکت سیاسی و امنیت وجودی آنان، نه جامع و نه ماندگار خواهد بود.

فصل دوم

وضعیت اقتصادی

درآمد

با فروپاشی نظام جمهوریت افغانستان و سلطه نظامی گروه طالبان در افغانستان به تاریخ ۱۵ آگست ۲۰۲۱، نظام اقتصادی افغانستان هم فروپاشید، معاش کارمندان متوقف شد، بازار تجارتی از رونق افتاد، شرکت‌های لوژستیکی و خدماتی که با حکومت افغانستان در معامله بوده و قرارداد همکاری داشتند دچار ورشکستگی گردیده و اکثراً پول‌هایشان پرداخت نشد، حجم بالایی از مردم افغانستان در تلاش فرار از کشور شدند که تعدادی از این افراد در پروسه تخلیه همکاران کشورهای خارجی از کشور بیرون شدند و تعداد زیادی دیگر با فروش اجناس و وسایل خانه‌هایشان به قیمت‌های ناچیز به اشکال غیرقانونی و قاچاقی راهی ایران و پاکستان گردیدند تا اینکه بتواند حداقل چند صباحی را از گرسنگی فرار نموده؛ شکم خود و فرزندانش را با تحمل انواع تحقیر و توهین در کشورهای دیگر سیر نماید که این مورد دو ضربه اقتصادی را به جامعه وارد می‌نمود؛ اول اینکه اندک سرمایه جمع شده سال‌های طولانی یک خانواده به قیمت ناچیز فروخته شده و از بین رفت، دوم اینکه بازار تجارتی نیمه فعال افغانستان را دچار رکود نمود که همه فروشنده بود ولی کسی خریدار نبود.

تعداد دیگری که در افغانستان ماندند به دلیل وضعیت خراب اقتصادی دست به فروش فرزندان خود زدند^{۴۴} تا از این طریق هم بتواند اندک خوراکی برای خانواده تهیه نماید و هم کودک فروخته شده را از گرسنگی نجات دهد؛ تعدادی دیگر هم فرزندانش را فروخته بودند از شرایط نا به سامان اقتصادی مجبور به فروش اعضای بدنشان شدند.^{۴۵} از سوی دیگر بعد از سقوط جمهوریت بانک‌های افغانستان فعالیت‌هایشان را تعلیق کردند که اندک سرمایه تعدادی از مردمان در این بانک‌ها مسدود ماند و مردم وضعیت معیشتی و اقتصادی خیلی ناگواری را تجربه کردند؛ وقتی که بانک‌های افغانستان در اوایل سال ۲۰۲۲ کم‌کم فعالیت‌هایشان را از سر گرفتند مردمان صف‌های طولانی پیش دروازه‌های بانک‌ها تشکیل می‌دادند و روزها و هفته‌ها منتظر رسیدن نوبت بودند تا اندک پول گیر مانده‌اش در بانک را به دست آورده و روزگار بگذرانند که صف‌های طولانی پیش دروازه‌های بانک‌ها اندک‌اندک کمتر شد ولی اخذ پول از بانک‌ها تا حال هیچ‌وقت به حالت سابق برنگشت.

از آنجایی که اجتماعات انسانی در افغانستان بسیار پراکنده است وضعیت اقتصادی، منابع اقتصادی و کارهای روزمره افراد جامعه هم به تناسب آن با پراکندگی مواجه می‌باشد که تحلیل همه‌جانبه وضعیت اقتصادی افغانستان از یک‌طرف به دلیل این پراکندگی و از طرف دیگر با شرایط فعلی که یک رژیم توتالیتار در افغانستان سلطه دارد بسیار مشکل است^{۴۶} و در کنار آن هیچ‌گاه نمی‌توان به آمار و ارقام نشر شده رژیم موجود در افغانستان اعتماد کرد چون که آمار و ارقام مذکور با واقعیت عینی و تحقیق میدانی در جامعه هیچ مطابقت ندارد؛ لذا تحقیق فعلی به صورت میدانی روی وضعیت اقتصادی هزاره‌ها در پنج سال سلطه رژیم طالبان در افغانستان متمرکز بوده و لازم به یادآوری است که به دلیل قلت امکانات، کمبود زمان، شرایط سیاسی، سرکوب اجتماعی و پراکندگی اجتماعی هزاره‌ها بررسی و تحلیل تمام جزئیات از همه مناطق هزاره‌نشین مقدور و میسر نبوده بلکه به صورت نمونوی، بزرگ‌ترین مشکلات و چالش‌های اقتصادی هزاره‌ها را در پنج سال سلطه طالبان در افغانستان از مناطقی که تهیه گزارش و دسترسی به آن‌ها نسبتاً آسان بوده و امکانات زیادی ضرورت نداشته مورد بررسی قرار گرفته و امید می‌رود که در آینده زمینه تحقیق همه‌جانبه

^{۴۴} طلوع‌نیوز، «فروش یک کودک در کابل به علت فقر و ناداری»، ۱۱ اکتبر ۲۰۲۱، ویدیو، <https://youtu.be/h0rSxKAYzE?is=SL3o-lhAEatpDh-Y> (بازدید

۲۵ ژوئن ۲۰۲۶). صدای آمریکا، «فروش دختران خردسال به دلیل افزایش فقر در افغانستان»، ۶ فبروری ۲۰۲۲، ویدیو،

<https://youtu.be/ZRNxf0dUQhU?is=fOsH4FcnquaxTAz1> (بازدید ۲۵ ژوئن ۲۰۲۶). روزنامه هشت‌صبح، «فروش نوزادان به دلیل فقر؛ جمعه: چهار

دخترم را در بدل ۴۲ هزار افغانی فروخته‌ام»، ۱۷ فبروری ۲۰۲۲، <https://am.media/fa/sell-babies-due-to-poverty-friday-i-dropped-four->

[daughters-at-42000-afghani/](https://am.media/fa/selling-children-in-three-northern-provinces-about-70-children-were-sold-last-year/) (بازدید ۲۵ ژوئن ۲۰۲۶). و اسماعیل سادات، «فروش کودکان در سه ولایت شمالی، حدود ۷۰ کودک در سال گذشته فروخته شده‌اند»، هشت‌صبح، ۲۸ جنوری ۲۰۲۴، [https://am.media/fa/selling-children-in-three-northern-provinces-about-70-children-were-](https://am.media/fa/selling-children-in-three-northern-provinces-about-70-children-were-sold-last-year/)

[sold-last-year/](https://am.media/fa/selling-children-in-three-northern-provinces-about-70-children-were-sold-last-year/) (بازدید ۲۵ ژوئن ۲۰۲۶).

^{۴۵} «گرسنگی و فقر؛ باشند هرات به گاردین: پس از فروش دخترانم، حالا نوبت گردهام است». هشت‌صبح، (۲۴ جنوری ۲۰۲۲). [https://am.media/fa/hunger-](https://am.media/fa/hunger-and-poverty-herat-resident-to-the-guardian-after-selling-my-daughters-now-is-my-turn/)

[and-poverty-herat-resident-to-the-guardian-after-selling-my-daughters-now-is-my-turn/](https://am.media/fa/hunger-and-poverty-herat-resident-to-the-guardian-after-selling-my-daughters-now-is-my-turn/) (بازدید ۲۵ جون ۲۰۲۶).

^{۴۶} برای بررسی کلی وضعیت اقتصادی کشور در دو سال اول رژیم طالبان مراجعه کنید به نوشته محمد ارزگانی تحت عنوان «وضعیت اقتصادی افغانستان در حاکمیت دوم طالبان» در نشریه «راه عدالت» ارگان نشراتی حزب عدالت و آزادی افغانستان، شمار ۱۸ اسد ۱۴۰۲ مطابق ۹ اگست ۲۰۲۳ صفحات ۸ و ۹.

اوضاع امنیتی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی از تمام اقشار آسیب‌پذیر افغانستان فراهم گردیده با امکانات و زمان بیش‌تر این تحقیق چه توسط شبکه تحلیل‌گران بلاق و چه شبکه‌ها و نهادهای دیگر حقوق بشری صورت پذیرفته و دردهای مردمان آسیب‌پذیر این خطه در این سالیان سلطه طالبانی ثبت و مستند گردد. در این فصل وضعیت اقتصادی هزاره‌ها در پنج سال سلطه طالبان را ذیل دو مبحث اساسی مورد مطالعه قرار داده و در نهایت به شکل خیلی مختصر به دلایل ضعف اقتصادی هزاره‌ها می‌پردازیم.

۱. تولید اقتصاد

رفاه اجتماعی، پیشرفت علمی و تکنالوژیکی یک جامعه و یا یک کشور با میزان اقتصاد تولید شده توسط افراد جامعه؛ و اینکه افراد یک جامعه از طریق تولید مواد خام و یا تبدیل مواد خام به مواد مورد استفاده و یا هم راه‌های دیگر، در جامعه به چه میزان اقتصاد تولید می‌گردد، رابطه مستقیم دارد. در زیر به مهم‌ترین راه‌های تولید اقتصاد در جامعه هزاره پرداخته و وضعیت هر کدام آن را در پنج سال حاکمیت رژیم طالبان بررسی و با دوران جمهوریت مقایسه می‌نماییم.

الف- زراعت و مال‌داری

مهم‌ترین راه تولید اقتصاد در جامعه هزاره زراعت و مال‌داری است به‌طوری‌که در افغانستان کمتر خانواده هزاره را در دهات می‌توان یافت که زراعت و مال‌داری را هم‌زمان و یا یکی از آن‌ها را نداشته باشد؛ تنها راز بقای هزاره‌ها در مناطق کوهستانی و سرد ساحات هزاره‌نشین همین زراعت و مال‌داری می‌باشد که در این پنج سال زراعت و مال‌داری هزاره‌ها اکثراً به‌طور سالانه روند نزولی داشته؛ زیرا از یک‌طرف با حوادث طبیعی مانند برف کوچ، سیلاب‌های بدون موقع، خشک‌سالی‌های پی‌درپی و انواع مرض‌های حیوانی و زراعتی روبه‌رو بوده که به دلیل همکاری نکردن ریاست مبارزه با حوادث طبیعی رژیم طالبان بیشتر زراعت و چراگاه‌های مال‌داری از بین رفته است؛ از سوی دیگر اگر برخی مناطق با حوادث طبیعی به‌صورت جدی روبه‌رو نبوده با مشکل دیگری به نام کوچی‌ها که با حمایت گروه طالبان به منطقه آمده مواجه بوده است؛ در کنار آن اگر یک بخش از محصولات زراعتی و یا مال‌داری از همه این حوادث طبیعی و غیرطبیعی در امان مانده و صاحبانش جمع‌آوری کرده باشد قسمتی از آن توسط مالیات طالبان با نام‌های متفاوت از جمله عشر و زکات از دست صاحبش خارج شده و به حساب رژیم طالبان واریز می‌شود. در ادامه بیشتر روی دو مورد اخیر (کوچی‌ها و مالیات رژیم طالبان) توجه می‌کنیم؛ لازم به تذکر است که یک بخش عمده حاصلات زراعت و مال‌داری و زمین‌های زراعتی مناطق هزاره‌نشین از طریق غصب سرزمین و کوچ‌های اجباری هزاره‌ها از بین رفته و ضعف مضاعف اقتصاد را بار آورده در بخش آخر تحت عنوان غصب زمین بررسی می‌گردد برای پرهیز از طولانی شدن گزارش و جلوگیری از تکرار نویسی در این قسمت مورد بررسی قرار نگرفته است.

کوچی ها

گرچند هجوم کوچی‌ها به مناطق هزاره‌نشین پیشینه طولانی دارد که در این مختصر مجال بحث آن نیست؛ تا سال ۲۰۲۱ به دلیل موجودیت آزادی نسبی تحت عنوان دموکراسی در افغانستان، کوچی‌ها در تمام مناطق هزاره‌نشین هجوم برده نمی‌توانست - اگرچه در برخی مناطق از جمله بهسود هر ساله هجوم برده باعث از بین بردن کشت و زراعت مردم محل می‌گردید و در بعضی سال‌ها تلفات جانی هم در پی داشت - اما بعد از سلطه رژیم طالبان در ۱۵ آگست ۲۰۲۱ کوچی‌ها در بهار ۲۰۲۲ مناطق بیشتری از ساحات هزاره‌نشین را مورد هجوم قرار داده و با رمله‌های‌شان وارد مناطق هزاره‌جات شدند^{۴۷}، چراگاه‌های مواشی هزاره‌ها را از بین بردند که بنا به دلایلی در بعضی مناطق هزاره‌جات تا حدودی تلاش می‌کردند که مشکلات جدی با مردم محل نداشته باشند؛ اما در تعدادی مناطق دیگر از همان بدو ورود به زورگویی، باج‌خواهی، تهدید دهنشینان به کوچ اجباری و لت و کوب و تخریب چراگاه‌ها شروع کردند^{۴۸} به همین منوال زمانی که در بهار سال بعد (۲۰۲۳) وارد مناطق هزاره‌جات شدند. افزون بر چراگاه‌های مواشی هزاره‌ها، در تلاش تخریب زراعت هزاره‌ها در تعدادی زیاد مناطق شدند^{۴۹} ولی در تعدادی منطقه‌های دیگر همچنان آرام بودند و تلاش برای روابط حسنه با دهنشینان داشتند؛ با سپری شدن زمستان و برگشت کوچی‌ها در بهار سال بعد (۲۰۲۴) دیگر آن رویه سال‌های قبل را نداشتند بلکه عملاً به تخریب منابع اقتصادی هزاره‌ها از جمله زراعت^{۵۰} قطع درختان مثمر و غیر

۴۷ «هجوم کوچ‌های مسلح در چندین روستا در ساحه‌ی «غم‌قول» و لساواله، خدیو داکندی». اطلاعات روز. (۱۷ مه، ۲۰۲۲).

<https://www.etilaatroz.com/۱۴۲۵۹۸/armed-nomads-attack-several-villages-in-gham-qool-area-of-khadir-daikundi-district/> (بازدید ۲۵ جون ۲۰۲۶). «فشار چند جانبه بر گروه‌های مردم مناطق مرکزی، خشک‌سالی، هجوم کوچ‌ها و کوتاهی طالبان». اطلاعات روز. (۱۴ جون ۲۰۲۲).

<https://www.etilaatroz.com/١٤٤٧٤٨/multilateral-pressure-on-pollens-of-people-of-central-regions/> (ماز ديد ٢٥ جون ٢٠٢٦).

^{۴۸} از صحبت‌های مردمان اکثر مناطق هزاره‌جات، و هم‌چنان؛ «ناج‌گیری کوچ‌ها و طالبان از باشندگان خدیر دایکندی؛ مردم: به ستوه آمده‌ام». اطلاعات روز، (۲۶ سپتامبر ۲۰۲۲).

[illegible]

^{۴۹} از صحبت‌های مردمان محلی؛ هم‌چنان، «هجوم که هر هاه‌ها چندین روستا در ولسوالی خدین دابکندی»، اطلاعات روز، (۲۱ این بار ۲۰۲۳).

[illegible]

٢٠٢٩

۵۰ «منابع محلی: کوچی‌های مسلح باشندگان یک روستا در بهسود میدان وردک را آزار و اذیت و مزارعشان را تخریب کرده‌اند». اطلاعات روز. (۴ می ۲۰۲۴).

<https://www.etilaatroz.com/%d9%80%d9%86%d8%a7%d8%a%d8%b9-%d9%80%d8%ad%d9%84%db%ac-%da%a%d9%88%da%87%db%ac%d9%87%d8%a7%db%ac-%d9%80%d8%b3%d9%84%d8%ad-%d8%a8%d8%af%d9%86%d8%af%da%af%d8%af%d9%8e>

چراگاه‌های رمه‌هایشان کرده‌اند. از رسیدن آب به کشت و زراعت هزاره‌ها جلوگیری نمودند. در اکثر جاهای هزاره‌جات علوفه جمع‌آوری شده مردم برای زمستان مواشی‌شان را از بین برده با خاک یکسان نمودند که مهم‌ترین منبع اقتصادی هزاره‌ها (زراعت و مال‌داری) به پیمانه بسیار بالا توسط کوچی‌ها از بین رفته و نابود گردید.

مالیات رژیم طالبان

بعد از نابودی زمینه‌های رشد مال‌داری و بعد از پایمال نمودن زراعت مردم هزاره توسط کوچی‌های که حمایت همه‌جانبه رژیم طالبان را با خود دارند؛ اندک محصولات باقی‌مانده از نابودی را که هزاره‌ها جمع‌آوری می‌کند با انواع مالیات از سوی رژیم طالبان روبه‌رو می‌شود. مهم‌ترین بخش این مالیات سنگین عشر و زکات است؛ عشر در سال‌های ۲۰۲۱ و ۲۰۲۲ از اکثر مناطق هزاره‌جات به صورت شورایی اخذ گردید. طالبان از هر شورای اجتماعی مبلغ مشخصی را در خزان سال مطالبه می‌نمود؛ ولی محصولات مردم به صورت دقیق بررسی نمی‌گردید اما از سال ۲۰۲۳ به صورت دقیق و خانه به خانه به جمع‌آوری عشر شروع کردند. طالبان بیشتر اوقات از یک محصول چند بار عشر و زکات اخذ نموده‌اند. در ابتدا یک‌بار از صاحب محصول در خان‌هاش عشر گرفته می‌شود، بار دیگر از خرده‌تاجران که محصول را خریده به بازارهای بزرگ مثل کابل، مزار و جاهای دیگر به فروش می‌رسانند عشر اخذ می‌شود و گاهی اوقات برای بار سوم در بازارهای بزرگ از همان محصول عشر اخذ می‌گردد؛ همه این پول‌ها از قیمت اولیه محصول (زراعتی یا حیوانی) که تأمین‌کننده اقتصاد خانواده‌ها است کاسته می‌شود؛ از طرف دیگر در اکثر جاها عشر بر اساس زمین قابل زرع و یا تعداد درختان مثمر اخذ گردیده نه مقدار محصول به‌دست‌آمده.^{۵۷}

ما با چند مرد که به دلیل فقر از مناطق مختلف دایکندی به کابل مهاجرت کرده بودند صحبت کردیم. به روایت آن‌ها:

در سال‌های جمهوریت خوب بود، روزگار خود را با همان حاصلات زراعتی مخصوصاً بادام می‌گذرانیدیم و معیشت خانواده را [تأمین] می‌کردیم اما با آمدن طالبان در کنار مشکلات دیگر که سال‌های قبل هم بود، عشر طالبان هم اضافه شد. [ما] دیگر توانایی تأمین معیشت را نداشتیم. مجبور به کابل کوچ کردیم که در این جا هم شما می‌دانید کاری نیست؛ یک سال افراد [مستول] جمع‌آوری عشر طالبان از من پول زیاد طلب کرد، برای‌شان گفتم که امسال به دلیل خشک‌سالی و دیگر حوادث طبیعی حاصل خوبی برداشت نتوانستم، تمام حاصل درختان من امسال عشر شما را به سختی پوره می‌کند چه برسد که برای خورا که فرزندانم چیزی بماند، افراد جمع‌آوری عشر برایم گفت چیزی که تو گفتی به ما مربوط نمی‌شود بلکه عشر درختان چیزی می‌شود که ما می‌گوییم، ما عشر می‌خواهیم نه دلیل.^{۵۸}

همین‌گونه شخص دیگری چنین صحبت می‌کرد:

^{۵۷} «وضعیت هزاره‌ها در سال چهارم حاکمیت طالبان». شبکه تحلیل‌گران بلاق. (۱۵ اگست ۲۰۲۵). صفحه ۴۳.

^{۵۸} صحبت‌های عبدالله (اسم مستعار) از میرامور دایکندی

یکی دو سال پیش زمانی که افراد برای خرید بادام‌هایم آمدند قیمت بسیار پایین برایم گفتند، برای‌شان گفتم این قیمت خیلی پایین است، گفتند به ما هم چیزی نمی‌شود و از این نمی‌توانیم بالاتر بخریم چون تا رسیدن به بازارهای بزرگ دوبار عشر می‌دهیم و در پهلوی آن عوارض سرک، کرایه موتر و چندین مورد دیگر را می‌دهیم در صورتی که مأموران ترازوها و یا دروازه‌های ولایت‌ها بهانه‌گیری نکند که اگر آن‌ها هم خواستار پولی باشد ضرر می‌کنیم.^{۵۹}

از طرف دیگر عشر طالبان هم حد مشخصی ندارد، گرچه در ظاهر از چهل حصه یک حصه را می‌گویند ولی در حقیقت هر چه مأمورین جمع‌آوری عشر بخواهد مطالبه می‌کند مثلاً در ولسوالی لعل و سرجنگل در یک ساحه از شش صد سیر کچالو خواستار شش هزار افغانی شده و در جای دیگر از شش صد سیر کچالو خواستار شانزده هزار افغانی^{۶۰}؛ همچنان در کنار همه این‌ها نبود بازار گرم فروش به دلیل بسته بودن مرزهای پاکستان در دو سال اخیر و قیمت پایین حاصلات زراعتی مشکلات را مضاعف نموده است اکثر دهاقین و زمین‌داران از این بابت شکایت دارند. مخصوصاً آن‌هایی که درختان مثمر مثل سیب دارد، زیرا میوه‌اش قابل نگهداری در طولانی مدت نیست. یکی از زمین‌داران یک‌هولنگ در صحبت با ما چنین بیان می‌کند:

درختان سیب زیاد دارم پارسال [(سال قبل)] و پیرار سال [(دو سال قبل)] (۲۰۲۴ و ۲۰۲۵) میوه‌های درختانم را نچیدم و برای مردم منطقه گفتم که هر کس برای خود هر قدر می‌توانید برداشت کنید آزاد هستید؛ چون وقتی که محاسبه کردم که قیمت فروش حاصل، کرایه جمع‌آوری، قیمت پلاستیک و کرایه انتقال آن نمی‌شود یک بخش میوه‌ها را همسایه‌ها جمع‌آوری کردند یک بخش دیگر زیر درختان ریخت و گوسفندان خوردند.^{۶۱}

هم چنان فرد دیگری از ساکنان ورس در مصاحبه با ما چنین اذعان داشت:

پارسال [(۲۰۲۵)] درختان سیب خود را کاملاً اره [(قطع)] کردم به خاطری که سالانه خیلی خوب بار [(میوه)] می‌گرفت. بازار فروش ضعیف بود ولی مجبور بودم عشر آن را طبق گفته مأموران جمع‌آوری عشر پرداخت کنم، با خود حساب و کتاب کردم که باید درختان را اره کنم حداقل از شر عشر که خلاص می‌شوم.^{۶۲}

به‌طور کلی وضعیت اقتصادی هزاره‌ها که بیشتر متکی به زراعت و مال‌داری می‌باشد از یک‌طرف با حوادث طبیعی و تغییرات اقلیمی تضعیف گردیده و از سوی دیگر با سیاست‌های قومی‌رژیم طالبان، حمایت از کوچی‌ها و وضع مالیات چند لایه مواجه بوده است. در این پنج سال به سرایشی سقوط سوق داده شده است و سال‌به‌سال شرایط برای هزاره‌ها ضیق شده و اقتصاد هزاره‌ها نسبت به سال قبل بدتر گردیده است.

^{۵۹} صحبت‌های جواد (اسم مستعار) از گبروی شهرستان

^{۶۰} «وضعیت هزاره‌ها در سال چهارم حاکمیت طالبان». شبکه تحلیل‌گران بلاق. (۱۵ اگست ۲۰۲۵). صفحه ۲۴.

^{۶۱} صحبت‌های قادر (اسم مستعار) از چمن یک‌هولنگ

^{۶۲} صحبت‌های خداداد (اسم مستعار) از ورس

ب- کارهای تولیدی

دومین منبع اقتصادی هزاره‌ها به صورت گسترده بعد از زراعت و مال‌داری کارهای تولیدی است؛ کارهای که با تبدیل مواد خام به مواد قابل استفاده و عرضه آن به بازار مانند صنایع دستی، خیاطی و کارخانه‌های شیرینی‌پزی کسب اقتصاد نموده و زندگی خود را می‌گذرانند. در ادامه هر کدام را تا حد امکان به صورت فشرده بررسی می‌کنیم:

صنایع دستی

صنایع دستی در جامعه هزاره قدمت به تاریخ این قوم دارد. در سالیان متمادی البسه و پوشیدنی این قوم دست‌ساز خودشان بوده است. در اینجا چند مورد از صنایع دستی هزاره‌ها به عنوان نمونه مورد بررسی قرار می‌دهیم. یکی از آن‌ها قالین‌بافی است. در سال‌های طولانی قالین‌بافی روزنه مهم اقتصادی هزاره‌ها در شهرها بود؛ تعدادی خانواده‌های که در سال‌های بعد از ۲۰۰۸ از روستاها کوچیده و به امید راحتی و آسودگی راهی شهر می‌گردید یکی از بزرگ‌ترین امیدواری‌شان قالین‌بافی بود. به زعم آن‌ها، با آموختن قالین‌بافی می‌توان اقتصاد خانواده را چرخاند. این صنعت طوری رونق داشت که کم‌تر می‌توان خانواده هزاره را در شهرها بدون پایه‌های قالین‌بافی در خانه‌هایشان تصور کرد. با سلطه رژیم طالبان این صنعت با کاهش بی‌سابقه بازار فروش مواجه شده و از رونق افتاد.^{۶۳} در حال حاضر کمتر خانواده‌هایی را می‌توان یافت که در خانه‌هایشان پایه قالین‌بافی فعال بوده و اعضای خانواده مشغول بافتن قالین باشند. هم‌چنین گلیم، نمد و برک که در بیشتر مناطق هزاره‌جات از پشم گوسفند ساخته و استفاده می‌شود در سال‌های اخیر به دلیل رکود اقتصادی، افت قیمت‌ها و کمبود نیروی کار به شکل سنتی، این نوع صنایع دستی زیاد مورد استفاده قرار نمی‌گیرد. در صحبت که با یکی از خیاطی‌های دوخت و دوز برک داشتیم، چنین بیان کرد:

سابق‌ها کاروبار برک بسیار خوب بود از داخل و خارج سفارش می‌گرفتم بعضی وقت‌ها تکه برک کمبود می‌کردم با آمدن حکومت امارت اسلامی فعلاً کاروبار نصف شده تقریباً از داخل که چندان سفارش نداریم مردم مواد خوراکی خود را به سختی پیدا می‌کند دیگر توانایی برک خریدن و برک پوشیدن را ندارد، سفارش‌های خارج هم کم شده مثل سابق نیست.^{۶۴}

از جمله دیگر صنایع دستی، خامک‌دوزی است. این صنعت از یک دهه بدین سو بیشتر مورد استقبال مردم قرار گرفته است. تا قبل از روی کار آمدن طالبان، خامک‌دوزی بیشتر در داخل افغانستان مورد استفاده قرار می‌گرفت چون تعداد مهاجران نظر به سال‌های بعد از سلطه دوم طالبان کمتر بود، از سالی که طالبان روی کار آمد این بخش صنایع دستی

^{۶۳} احمد منصور. «صادرات قالین نسبت به سال گذشته ۸۴ درصد کاهش یافته است». هشت صبح. (۲۹ جنوری ۲۰۲۲). <https://am.media/fa/carpet-exports-decreased-by-84-compared-to-last-year/>

بازدید ۲۵ جون ۲۰۲۶.

هم‌چنان؛ «افزایش تولید و کاهش فروش؛ قالین بافان بلخ از نبود بازار شکایت دارند». هشت صبح. (۲۶ دسامبر ۲۰۲۳). <https://am.media/fa/increase-in-production-and-decrease-in-sales-balkh-carpet-weavers-complain-about-the-lack-of-a-market/>

بازدید ۲۵ جود ۲۰۲۶.

^{۶۴} صحبت‌های خلیفه عوض (اسم مستعار) خیاط برک.

بیشتر مورد استقبال مردم از جمله مهاجران کشورهای جهان اول قرار گرفته و اکثریت زنان و دخترانی که از کار در دفاتر دولتی بازنمانده‌اند و هم دخترانی که از مکتب و دانشگاه بازنمانده‌اند بیشتر به این کسب از طریق آنلاین و حضوری رو آورده‌اند. با این کار، هم چرخه اقتصادی زن‌های قریه‌های هزاره‌جات تا حدودی فعال می‌ماند و هم شهرنشینان با تولید ایده‌ها و طرح‌های جدید در حال رونق دادن فرهنگ و هویت هزاره‌ها است^{۶۵} ما با چند تن از کسانی که مشغول این شغل است صحبت کردیم. به گفته آن‌ها اگر کار فقط متکی به داخل افغانستان باشد سود چندانی برای مردم نمی‌ماند؛ اما استقبال مهاجران کشورهای غربی از این بخش صنایع دستی وضعیت را اندکی بهبود بخشیده است. مهره دوزی نیز پیشینه طولانی در بین هزاره‌ها دارد. بعد از مهاجرت هزاره‌ها در پاکستان و ایران با طرح‌های متفاوت مورد استفاده قرار گرفت. امروزه بعد از سال‌ها مردم دوباره از آن به شکل مدرن استفاده می‌کنند اما به دلیل وضعیت نابسامان اقتصادی رونق چندانی ندارد در این مورد با خانم‌های که مصروف این کسب و کارند صحبت کردیم. به گفته آن‌ها، نظر به خامک دوزی و دیگر بخش‌های صنایع دستی مهره دوزی آن‌چنانی که باید، رشد نکرده است یک‌تن از این زنان در این مورد چنین صحبت داشتند:

خامک دوزی خیلی خوب است بازار فروش دارد ولی بازار مهره دوزی ضعیف است مخصوصاً دو سال شده که خیلی ضعیف شده [است]. هم کرایه پایین آمده و هم به خاطر که چندان بازار ندارد کار کم است^{۶۶}.

خیاطی

در سال‌های دهه ۱۳۹۰ هجری خورشیدی خیاطی به یکی از شغل‌های پر درآمد برای هزاره‌های شهرنشین تبدیل گردیده بود. خانواده‌های زیادی از این طریق ادامه حیات داده و تأمین معیشت و اقتصاد می‌کرد؛ با سلطه رژیم طالبان در ۱۵ آگست ۲۰۲۱ بازار تجارت و اقتصاد به میزان بالایی با رکود شدید مواجه شد که تأثیر مستقیم روی خیاطی گذاشت و کارهای خیاطی ضعیف گردید. از سوی دیگر با بسته شدن دروازه‌های مکاتب بالاتر از صنف ششم در سال ۲۰۲۲ و دانشگاه در سال ۲۰۲۳ به روی دختران بازار خیاطی را آشفته‌تر از قبل کرد؛ زیرا که دختران بازنمانده از مکتب و دانشگاه برای پر کردن روزهای بیکاری و فرار از فشار روحی ناشی از نبود درس و تعلیم به خیاطی روی آوردند. رجوع یک‌بارگی همه در کنار نبود بازار فروش، این صنعت را به ورطه سقوط کشانید؛ از طرفی هم کارمزد خیاطی به‌طور چشم‌گیر افت کرد. در این رابطه با یکی از کارگاه‌داران خیاطی صحبت کردیم. به گفته وی:

در دوران جمهوریت کار خیلی خوب بود. من ۵۰ چرخ داشتم، شاگردانم در دو تایم شب و روز کار می‌کرد. هنوز چرخ‌هایم کمی می‌کرد. چندین چرخ کار بیرون دوز هم داشتم. کار از من برده در

^{۶۵} «روز جهانی صنایع دستی؛ روایتی از ایستادگی و تاب‌آوری»، هشت صبح. (۱۰ جون ۲۰۲۵). <https://am.media/fa/world-handicrafts-day-a-story-of-resilience-and-resilience/>

^{۶۶} [resilience-and-resilience/](https://am.media/fa/world-handicrafts-day-a-story-of-resilience-and-resilience/) بازدید ۲۵ جون ۲۰۲۶.

^{۶۶} صحبت‌های مرضیه (اسم مستعار) کسی که کار صنایع دستی جمله خامک و مهره دوزی می‌کند.

خان‌هاش می‌دوخت و برایم آورده [در آخر] هفته‌ها کرایه دوخت‌شان را می‌گرفتند. باز هم تصمیم داشتم چند پایه چرخ خریداری نموده شاگردان بیشتر استخدام کنم. در همان زمان‌ها دولت سقوط کرد، بعد از سقوط دیگر روزه‌روز کارها ضعیف شد از سال ۱۴۰۳ کم‌کم کارهای شبانه را تعطیل کردم و از پارسال (۱۴۰۵) چرخ‌کاران بیرونی را هم یکی‌یکی جواب دادم. فعلاً برای ۳۰ نفر چرخ‌کار که بیشتر آشناها است به مشکل کار پیدا می‌شود. این‌که طالبان به اشکال مختلف سخت‌گیری می‌کند مانند موسیقی نباید پخش شود، شاگرد دختر نباید داشته باشم و گاه و ناگاه بدون اطلاع برای بررسی و تفتیش می‌آید سر جایش [باشد].^{۶۷}

همین‌گونه با چند نفر از کسانی که در خانه خود ماشین خیاطی داشتند و از کارگاه‌ها لباس برای دوخت آورده کار می‌کردند صحبت کردیم. همگی از کرایه پایین دوخت و نبود کار شکایت داشتند تقریباً حرف همه آن‌ها یکی بود:

دوران جمهوریت کارها بسیار خوب بود. هم کار بود و هم کرایه دوخت بالا بود. مثلاً ما یک لباس را نظر به نوع آن از ۱۵۰ تا ۲۵۰ افغانی می‌دوختیم و یک نوع شلوار بود که دوخت آسان داشت از ۳۰ تا ۵۰ افغانی کرایه پایین نداشت. مگر در سال اول سقوط کرایه کار نصف شد و از آن به بعد سال‌به‌سال کرایه‌ها پایین آمد. مخصوصاً از زمانی که مرزهای پاکستان بسته شد دیگر کرایه‌ها خیلی پایین آمد. مثلاً لباسی را که در جمهوریت به ۲۵۰ افغانی می‌دوختیم فعلاً از ۷۰ الی ۹۰ بالا نیست. زیاده‌تر لباس‌ها که در سابق بین ۱۵۰ الی ۲۰۰ افغانی بود. فقط از ۳۰ الی ۴۰ افغانی کرایه دارد و همان شلوار که در جمهوریت بین ۳۰ الی ۵۰ افغانی بود فعلاً به ۵ الی ۱۰ افغانی دوخته می‌شود. همین قسم در دوران جمهوریت کار بسیار زیاد بود در آن زمان به کارها رسیدگی نمی‌توانستیم و تلاش داشتیم کار کمتر بگیریم، ما خیلی وقت‌ها کارهای آسان‌تر و یا با کرایه بالاتر را خوش کرده و به دلخواه خود می‌گرفتیم. مگر فعلاً کار هیچ نیست. در این روزها من با سه کارخانه خیاطی در تماس هستم از هر هفته شاید سه روز کار داشته باشم و چهار روز دیگر بیکار هستم. می‌گویم کاش با همین کرایه پایین کار بودی که هم نیست؛ فقط پیشاپیش عیدها و نوروز کار کم‌وبیش خوب‌تر می‌شود، ولی در وقت‌های دیگر زمانی هم است که یک ماه کار پیدا نمی‌شود.^{۶۸}

با چندین خیاط دیگر هم صحبت کردیم. همه تقریباً عین روایت را داشتند. در کل می‌گفتند اول اینکه کرایه دوخت به طور اوسط بین ۶۰ الی ۸۰ درصد کاهش یافته و با همین کرایه کم کار پیدا نمی‌شود و کارها به تناسب کرایه بالاتر از ۷۰ درصد سقوط کرده است.

شیرینی‌پزی

در کنار خیاطی افراد زیادی در کارخانه‌های کوچک و بزرگ شیرینی‌پزی مصروف به کار بودند که با ضعف اقتصادی کشور اکثر این کارخانه‌ها توانایی تولید را از دست داده و شکست اقتصادی خوردند و کسانی دیگر هم

^{۶۷} صحبت‌های محمدعلی (اسم مستعار) از افرادی که در برچی کارگاه خیاطی دارد.

^{۶۸} صحبت‌های رحمت‌الله (اسم مستعار) کسی در خانه‌اش به کار خیاطی مشغول است.

کارهایشان به پیمانۀ زیادی پایین آمدند. یکی از کسانی که در سال ۲۰۲۴ مجبور شد کارخانۀ هاش را بفروشد چنین صحبت می کرد:

در حکومت قبلی کاروبار خیلی خوب بود، من همیشه بین ۲۰ تا ۳۰ نفر شاگرد داشتم. اکثر وقت ها کمی می کرد. برای انتقالات، افراد دیگر به روزمزد کرایه می کردم. اول وقتی که کرونا آمد همه جا قرنطین شد. کارها ضعیف شد. بعد قرنطین به طور کامل برداشته نشده بود که دولت غنی سقوط کرد. پس از سقوط از یک جهت بازار روزبه روز ضعیف شد از طرف دیگر اعضای گروه طالبان به بهانه های مختلف از ما اخاذی می کرد. گاهی از وزارت صنعت و تجارت هیئت آمده بهانه گیری می کرد و در نهایت رشوت می خواست. گاهی هم از اداره دوا-غذا. وقتی هم که تمام اسناد قانونی شان را تکمیل می کردیم گیر می داد که چرا از فلان آرد و روغن استفاده می کنید و از [این] آرد و روغن دیگر استفاده نمی کنید، بالاخره دیدم که کار کردن نمی ماند. در بهار ۱۴۰۳ مجبور شدم کارخانه را تعطیل نموده وسایل خود را بفروشم و فعلاً با کارهای روزمره روزگار می گذرانم.

همین طور آن هایی که فعال است از نبود بازار فروش و قیمت بودن مواد اولیه شکایت دارد. نصیر (اسم مستعار) صاحب یک کارخانه کیک و کلوچه در این مورد صحبت می کرد:

زمانی بود که در همین کارخانه بدون نمایندگی های که در دیگر ولایت ها داشتم ۷۰ نفر مشغول کار بود؛ ولی فعلاً خودت می بینی که برای ۱۵ نفر هم کار کافی نیست. وضعیت سال به سال چه که ماه به ماه بدتر می شود. در همین دوران طالب هم سال های اول کار خیلی خوب بود ولی امسال فقط پیشاپیش و عید قربان تا حدودی خوب تر بود. در عید رمضان هم بازار تفاوت چندانی از دیگر وقت ها نداشت؛ نبود فروش یک قضیه است، گپ دیگر این است که نرخ مواد خام بسیار قیمت شده [است]. تا که در سطح جهانی و بین المللی یک ذره مشکلات و جنجال پیدا شود نرخ مواد خام فوراً بالا می رود. [اما] پایین آمدنش به خدا معلوم است.^{۶۹}

کارمندان دولتی

در بیست سال جمهوریت و تا قبل از حکومت دوم طالبان، هزاره ها با تمام وجود و توان به سراغ علم و تحصیل شتافتند. آن ها از محصولات زراعتی، مال داری، صنایع دستی، خیاطی و تحمل کارهای شاقه برای شان خرج و مصرف تحصیل تهیه نموده با سخت کوشی و تلاش های شبانه روزی موفقیت های زیادی کسب کردند. هزاره ها با تکیه به شایستگی و لیاقت شان در مناصب بلند و پایین دولتی راه یافته و کار می کردند. کار در ادارات حکومتی، در کنار زراعت، مال داری و کارهای تولیدی بخش مهم و اساسی دیگر اقتصادی هزاره را شکل می دهد. اینان از همین طریق، امرار معاش می کردند و بازارهای اقتصادی شان در گردش بودند. با فروپاشی جمهوریت بیشتر از ۹۵ درصد کارمندان نظامی و حقوقی هزاره ها بیکار شده و تعدادی کشور را ترک کردند. آن هایی که باقی مانده بود در سال های پسین از وظیفه

^{۶۹} صحبت های نصیر (اسم مستعار) صاحب یک کارخانه شیرینی پزی در کابل

سبک دوش شدند. از سوی دیگر با حذف کارمندان زن از ادارات دولتی یک بخش مهم اقتصادی تعدادی خانواده‌ها فلج گردید و کارمندان ادارات ملکی هم که در قالب رژیم طالبان باقی ماندند چندان شرایط خوبی را نداشت. آن‌ها در قدم اول با کسر معاش مواجه شدند، طالبان فقط شش ماه باقی‌مانده سال ۱۴۰۰ هجری خورشیدی را همان معاش دوران جمهوریت را پرداخت کردند و با شروع سال ۱۴۰۱ از معاش کارمندان ملکی نظر به موقف‌شان به طور چشم‌گیری کاسته شد. در پهلوی کم شدن معاشات، در طول پنج سال سلطه رژیم طالبان کارمندان هزاره تبار ادارات ملکی با حذف و انواع تبعیض سیستماتیک روبرو شدند. تعدادی را بدون دلیل به مناطق دور دست تبدیل کردند، تعدادی را بدون دلیل از وظایف‌شان منفک کردند و تعداد دیگری را هم تحت نام پروسه تنقیص از اداره پاک‌سازی نمودند.^{۷۰} آن عده کارمندان هزاره که در ولایات دور دست تبدیل کرده بودند شرایط آن ولایات را تحمل نتوانستند و به نحوی وظایف‌شان را رها نمودند. بعد از تبدیل و یا حذف یک کارمند هزاره، رئیس ادارات جای خالی کارمندان هزاره را با افرادی از دوستان و اقوام خویش پر نمودند. تقریباً ۸۰ درصد بودجه تخصیص داده‌شده برای یک ولایت یا ولسوالی هزاره‌نشین از طریق همین کارمندان به ولایات دیگر انتقال داده می‌شود و تأثیری بسیار کمی در چرخش اقتصادی بازارهای هزاره‌نشین دارد. از این رو، هزاره‌ها هم چنان در فقر باقی می‌مانند.

^{۷۰} «و وضعیت هزاره‌ها در سال چهارم حاکمیت طالبان». شبکه تحلیل‌گران بلاق. (۱۵ اگست ۲۰۲۵). صفحه ۲۱ و ۴۴.

مازد ۲۵ جون ۲۰۲۶ <https://www.etilaatroz.com/۲۳۹۳۸۹/request-for-weapons-from-the-residents-of-dara-suf/>

[illegible]

<https://www.etilaatroz.com/۱۵۳۲۹۱/sources-in-ghazni-jaguri-taliban-take-weapons-or-money-from-people-by-torture/>

<https://www.etilaatroz.com/۱۵۴۵۳۹۱/۰d۸%b۷%۰d۸%a۷%۰d۹%۸۴%۰d۸%a۸%۰d۸%a۷%۰d۹%۸۶%۰d۸%a۰%۰d۸%b۱-%۲۰۲۲>

همچنان در گزینش کارمندان دولتی و کادرهای تحصیلی بر خورد کاملاً تبعیض آمیز صورت می گیرد. به طور نمونه، در سال‌های ۲۰۲۳ الی ۲۰۲۵ که عثمان سولیزی به عنوان معاون علمی دانشگاه بامیان مقرر گردیده بود، بست‌های کادری و اداری دانشگاه بامیان را با اقوام و دوستانش پر نمود. امتحان بست‌های کادری دانشگاه بامیان توسط دانشگاه ننگرهار اخذ می‌گردید. در بسیاری از تقرری‌ها، از طرف سولیزی مستقیم به دانشگاه ننگرهار مکتوب می‌شد. در ننگرهار قطعاً زمینه برای کامیابی هزاره‌ها به پایین‌ترین سطح بود چون هم تبعیض قومی اهمیت داشت و هم امتحان به زبان پشتو گرفته می‌شد. زبانی که کمتر هزاره‌ها، تاجیک‌ها و ازبک‌ها به آن تسلط در سطح کادری دارند. این در حالی است که ۹۵ درصد محصلین بامیان فارسی‌زبان هستند و به زبان پشتو آشنایی کمی دارد. این گونه هم منابع اقتصادی هزاره‌ها را از آن‌ها می‌گیرند، هم زمینه رشدشان را سد می‌کند و هم در دانشگاه‌ها زبان افهام و تفهیم بین محصلین و اساتید وجود ندارد.

در ثبات اقتصاد افغانستان مخصوصاً اقتصاد خانواده‌ها بعد از ۱۵ اگست ۲۰۲۱ کمک‌های جامعه جهانی نقش مهم بازی می‌کرد. این کمک‌های بشردوستانه جامعه جهانی از فلتر گروه طالبان می‌گذرد. در ابتدا گروه طالبان تا حد توان، بخشی از کمک‌ها را اختلاس نموده حیف و میل می‌کند. به طور نمونه می‌توان از حیف و میل کمک‌های جامعه جهانی در جاغوری یاد کرد^{۷۵}. در قدم دوم زمانی که توانایی حیف و میل نداشته باشد بالای اجرا کنندگان کمک‌ها فشار آورده و مشخص می‌کند که کمک‌ها در کجا باید توزیع شود و در کجا توزیع نشود. طالبان بسیاری از مواقع، با استفاده از زور کمک‌ها را به منطقه اقوام و فامیل خود می‌برد. به عنوان مثال در اواخر سال ۲۰۲۱ و اوایل ۲۰۲۲ کمک‌های موسسه اسلامیک ریلیف که باید در ولسوالی‌های یکه‌ولنگ، پنجاب و ورس بامیان توزیع می‌گردید توسط افراد حکومتی گروه طالبان به منطقه غندک ولسوالی شیر و ولسوالی کهمرد انتقال داده شده و توزیع گردید^{۷۶}؛ در صورتی که دو راه قبل نتیجه ندهد و کارمندان موسسات بین‌المللی کمک‌ها را به مناطق از قبل تعیین شده توزیع نمایند، در برخی مناطق هزاره‌نشین، افراد گروه طالبان به دروازه‌های خانه‌های مردم رفته بخشی از کمک‌های جنسی و

<https://www.etilaatroz.com/\0440/the-taliban-arrested-and-imprisoned-six-people-in-daikundi-for-not-paying-money-to-the-nomads/>

[illegible]

FV

یا پول نقد را از خانواده‌ها به‌زور و تهدید تحت نام عشر و نام‌های دیگر پس می‌گیرند و می‌گویند شما کمک از موسسه گرفته‌اید باید عشرش را بدهید^{۷۷}؛ البته در دو سال پسین کمک‌های جامعه جهانی هم تا حدودی کاهش یافته است.

گیاهان طبی

کوهستان‌های مناطق هزاره‌نشین انواع گیاهان طبی خودروی دارد که تعدادی آن‌ها دارای قیمت قابل توجه بوده و در برخی مناطق بخش بزرگ اقتصاد جامعه را تشکیل می‌دهد؛ سال‌ها بود که مردم با جمع‌آوری و فروش این گیاهان یک قسمت از ضروریات اقتصادی و معیشتی‌شان را مرفوع ساخته و تا حدودی همین گیاهان را به عنوان یک منبع مهم اقتصادی در نظر داشتند. با روی کار آمدن رژیم طالبان و ورود کوچی‌ها به منطقه، جمع‌آوری و فروش این گیاهان محدود گردید. از سال ۲۰۲۴ طالبان در بعضی مناطق جمع‌آوری این گیاهان را ممنوع اعلان کردند و در سال ۲۰۲۵ با برخی شرکت‌های وابسته به اعضای طالبان، تمام منطقه‌ها قرارداد شده و افراد شرکت‌های مذکور به جمع‌آوری این گیاهان شروع کردند. گماشتگان طالبان، دهبده و قریه به قریه این گیاهان را جمع‌آوری نمودند^{۷۸}؛ اما در سال جاری (۲۰۲۶) مردمان تعدادی از مناطق در مقابل جمع‌آوری بی‌رویه این افراد ایستاد شدند. این ایستادگی، منجر به تنش بین مردم محل و طالبان گردید. در بعضی ساحات به لت و کوب مردم محل پرداخته و این گیاهان را جمع‌آوری نموده بردند^{۷۹}. این گونه جمع‌آوری و از ریشه کشیدن این گیاهان هم منبع اقتصادی مردم را از بین می‌برد و هم پوشش نباتی زمین را نابود کرده و صحراها را در مقابل باد، باران و رانش زمین خیلی آسیب‌پذیر می‌سازد.

معادن

مواد معدنی از جمله مهم‌ترین منابع اقتصادی یک کشور و مخصوصاً مردمان ساکن در نزدیک معادن است. برخی از مناطق هزاره‌جات سرشار از معادن است. در دوران طالبان به دلیل مشکلات سیاسی کار معادن ذغال سنگ دره صوف و بلخاب به میزان بسیار بالا متوقف گردید و برخی از معادن دیگر مانند سرب و جست یک‌ه‌اولنگ که استخراج آن‌ها در دوران رژیم طالبان شروع شده بود در ابتدا به مدت دو سال روزانه موترها خاک و سنگ از منطقه سیاه دره یک‌ه‌اولنگ برده می‌شد ولی معلوم نبود که چرا و به کجا می‌برد؟ در سال‌های ۲۰۲۴ و ۲۰۲۶ استخراج این معادن با

^{۷۷} صحبت با حبیب الله (اسم مستعار) از مردمان محل و هم‌چنان؛ «وضعیت هزاره‌ها در سال چهارم حاکمیت طالبان»، شبکه تحلیل‌گران بلاق، (۱۵ اگست ۲۰۲۵)، صفحه ۴۴.

^{۷۸} «وضعیت هزاره‌ها در سال چهارم حاکمیت طالبان»، شبکه تحلیل‌گران بلاق، (۱۵ اگست ۲۰۲۵)، صفحه ۴۷.

^{۷۹} «درگیری میان طالبان و باشندگان غور بر سر برداشت یک گیاه کمیاب»، افغانستان انترنشنال، (۱۹ جوزا ۱۴۰۵).

<https://www.facebook.com/reel/۲۱۰۰۳۹۹۹۰۸۶۵۵۰۴/?app=fbl> بازدید ۲۵ جون ۲۰۲۶.

هم‌چنان؛ «درگیری باشندگان غور و طالبان بر سر برداشت یک گیاه کمیاب»، افغانستان انترنشنال، (۲۰ جوزا ۱۴۰۵)، <https://www.afintl.com/۲۰۲۶.۶۱۰۹۴۷۷> بازدید ۲۵ جون ۲۰۲۶.

۲۵ جون ۲۰۲۵

هم‌چنان؛ «اخبار ۱۲ جون ۲۰۲۶»، افغانستان مرکزی / Central Afghanistan، (۱۲ جون ۲۰۲۶).

<https://www.facebook.com/reel/۱۰۳۱۶۳۱۴۸۶۰۴۰۳۱۵/?app=fbl> بازدید ۲۵ جون ۲۰۲۶.

شرکت‌های نزدیک به گروه طالبان قرارداد گردید. شرکت‌های قرارداد کننده متعهد شدند که به ازای استخراج این معادن، از سودش در ولایت‌های دیگر مانند قندهار، ارزگان و میدان وردک شفاخانه، سرک و دانشگاه بسازد. نصیب هزاره‌ها از این معادن فقط آلودگی صوتی، آلودگی محیط‌زیست و حادثات ترافیکی می‌باشد^{۸۰}. حتی کارگران معادن از مردم محل استخدام نشده‌اند، بلکه از جاهای دیگر کارگر آورده است.

گردشگری

کشورهای که جاهای تاریخی، طبیعی، دینی و مناظر دیدنی دارند، سیاحت و گردشگری نقش اساسی در اقتصاد آن کشور بازی می‌کند. افغانستان هم از جمله کشورهای می‌باشد که مکان‌های تاریخی و طبیعی زیاد برای دیدن دارد. سال‌ها جنگ و ناامنی در کشور باعث شد تا این مکان‌ها برای گردشگران بین‌المللی و داخلی معرفی نگردد و از چشم آن‌ها مغفول بماند. با آغاز دموکراسی و آزادی بیان در افغانستان و شروع به فعالیت رسانه‌های ملی و بین‌المللی در داخل افغانستان، تعدادی از این مکان‌ها توجه گردشگران داخلی و خارجی را به خود جلب نموده بود. به طور مثال، بامیان مرکز گردشگری افغانستان شناخته می‌شد. در سال‌های اخیر دولت جمهوری افغانستان، بامیان سالانه میزبان صدها هزار گردشگر داخلی و صدها گردشگر خارجی بود که منبع عایداتی مهم برای بازاریان و شهر بامیان و بند امیر به شمار می‌رفت. در آخرین سال جمهوری، تنها فروش تکت ورودی دروازه بند امیر به ارزش سه میلیون افغانی معادل ۴۷۰۰۰ هزار دالر امریکایی - به قیمت فعلی - به یک شرکت داخلی واگذار شده بود^{۸۱}.

اکثر این گردشگران داخلی و خارجی، هنگام برگشت برای عزیزانشان از صنایع دستی مردمان محل تحفه می‌خریدند. در کنار فروش صنایع دستی، تبادل فرهنگ و بازاریابی برای صنایع دستی می‌کرد. بازار صنایع دستی به این جهت رونق بیشتری می‌گرفت؛ اما در ابتدای سلطه رژیم طالبان به مدت دو سال گردشگری کاملاً از رونق افتاده بود، بعد از آن هم تغییری کمی کرده که هرگز به میزان قبل از رژیم طالبان نرسید.

اکثر گردشگران را که در بامیان با ما صحبت کرده است، از ممانعت ورود زنان به بند امیر، قوانین امر به معروف و نهی از منکر، ضعف اقتصادی شکایت داشته و اذعان داشتند که این موارد باعث شده حتی از تفریح و گردشگری هم لذت نبرند. با تعدادی از گردشگران داخلی که ایام تعطیلی عید قربان را در بامیان و بند امیر می‌گذراندند، صحبت کردیم. جاوید (اسم مستعار) یکی از آن‌هاست. وی از مزار شریف به بامیان آمده است. به گفته او:

در دوران حکومت قبلی خیلی شوق داشتیم و چند بار تصمیم گرفتیم که با خانواده بامیان چکر [تفریح] بیایم و بند امیر برویم و یک چکر خوش داشته باشیم. مگر نظر به مشکلات و گرفتاری‌ها نشد که بیایم. وقتی که حکومت سقوط کرد دیگر نا امید شدیم [و فکر می‌کردم] نمی‌توانیم چکر برویم. تصمیم چکر

^{۸۰} «وضعیت هزاره‌ها در سال چهارم حاکمیت طالبان»، شبکه تحلیل‌گران بلاق، (۱۵ اگست ۲۰۲۵)، صفحه ۴۶.

هم‌چنان؛ «سرزمین بودا زیر برمه شرکت‌های استخراج معدن»، افغانستان انترنشنال، (۱ سرطان ۱۴۰۵)، <https://www.afintl.com/202606220611>، بازدید ۲۵ جون ۲۰۲۶.

^{۸۱} «وضعیت هزاره‌ها در سال چهارم حاکمیت طالبان»، شبکه تحلیل‌گران بلاق، (۱۵ اگست ۲۰۲۵)، صفحه ۴۷.

نداشتیم، امسال رفیقا و دوستانم زیاد اصرار کردند که بامیان چکر برویم، مجبور شدم [و] با دوستانم آمدم.^{۸۲}

وقتی از او سوال کردیم چه حسی دارید از دیدن بامیان و بند امیر؟ در جواب گفت:

فعلاً از دیدن بامیان حسرت می‌خورم و به خانواده‌ام فکر می‌کنم. بامیان جای قشنگ و دیدنی است. بودا، بند امیر، اژدر و جاهای دیگر، واقعاً جاهای دیدنی است. خانواده‌ام چقدر علاقه داشت که اینجا بیاید و با هم اینجا را ببینیم. چکر بگردیم و از این طبیعت زیبا لذت ببریم. ولی آن‌ها به خاطر قوانین امر معروف حکومت و ممنوعیت ورود زنان به بند امیر نتوانست بیاید. کاش روزی بیاید که یک‌بار دیگر با خانواده بامیان بیایم و یک دل سیر چکر بگردیم. این یکی از آرزوهایم شده [است].^{۸۳}

همین‌گونه همه منابع عایداتی مکان‌های گردشگری بامیان هم در دست طالبان و افراد نزدیک به طالبان قرار گرفته است و برای هزاره‌ها جز رونق بازار بامیان عاید اقتصادی دیگری نداشته است.^{۸۴}

۲. چرخش اقتصاد

در این بخش، بیشتر روی کارهای توجه می‌کنیم که به چرخش اقتصاد موجود در جامعه هزاره مرتبط است، نه تولید اقتصاد. بعد از تولید اقتصاد مهم‌ترین بخش در جوامع انسانی گردش اقتصاد می‌باشد تا برای همه افراد پول موجود توزیع گردد، از رکود اقتصادی جلوگیری شود و تناسب اقتصادی رعایت گردد.

خرده‌تجارت‌ها

تجارت‌های کوچک داخلی بخش اساسی جمع‌آوری مواد خام و عرضه آن به بازارهای داخلی و از آنجا به بازارهای بین‌المللی می‌باشد. از طرف دیگر مواد مورد ضرورت جامعه هم توسط همین خرده‌تجارت‌ها تأمین می‌گردد. در دوران حکومت جمهوری افغانستان، این خرده‌تجارت‌ها در حال رونق گرفتن بود. با سلطه رژیم طالبان این مهم با مشکلات جدی مواجه گردید. در قدم اول هر خرده‌تاجر باید از رژیم طالبان با پرداخت مبالغ هنگفت جواز فعالیت بگیرد. نفس همین جواز فعالیت با در نظر داشت شرایط شکننده اقتصادی کشور، تعداد زیادی خرده‌تاجران را از فعالیت باز می‌دارد و در سوی دیگر زمانی که یک خرده‌تاجر جواز فعالیت بگیرد در وقت انتقال بار باید عشر پیردازد. اخذ چندین باره عشر و زکات یا مالیات دینی قیمت اولیه محصول را پایین آورده و خرده‌تاجران را هم متحمل ضرر می‌کند. یکی از خرده‌تاجران که در فصل خزان جمع‌آوری و انتقال کچالو را از ولسوالی ورس به کابل و مزار انجام می‌دهد، در این باره چنین صحبت می‌کرد:

^{۸۲} صحبت‌های جاوید «اسم مستعار» گردشگری که از مزار به بامیان آمده بود.

^{۸۳} همان

^{۸۴} «وضعیت هزاره‌ها در سال چهارم حاکمیت طالبان». شبکه تحلیل‌گران بلاق. (۱۵ اگست ۲۰۲۵). صفحه ۴۷.

در سال‌های دوران جمهوریت، کاشت کچالو تازه به صورت اساسی در منطقه شروع شد. خرید و انتقال کچالو کار بسیار خوب و پر درآمد بود. با آمدن امارت اسلامی مشکلات زیادی پیدا شد که قبلاً نبود. مثلاً در اول باید جواز فعالیت بگیریم تا بتوانیم بارهای خود را از منطقه به شهر انتقال بدهیم. گرفتن جواز یک غم بزرگ و یک درد سر است. بعد از آن وقتی که جواز را گرفتیم بعد از خرید و بارگیری کچالو تا انتقال و فروش آن [افزون بر] چند نوع مالیه، تنها چند دفعه عشر می‌دهیم. خلاصه که برای تان بگویم بعد از خرید از منطقه‌ها تا فروش در بازارهای کابل و مزار از تنها چیزی که پول نمی‌دهیم نفس کشیدن ما است. و گرنه در هر جا و از هر چیز دیگر باید پول بدهیم. خیلی وقت‌ها همین خرید و فروش کچالو چیزی سود برای ما ندارد.^{۸۵}

به همین شکل دست‌فروشی‌های شهری را نیز به نحوی از انحا می‌توان تحت عنوان خرده‌تجارت بررسی کرد. در دوران طالبان با ضعف بیش‌ازحد مواجه گردیده است. در تمام شهرهای افغانستان از دیرباز دست‌فروشان در گوشه و کنار سرک‌ها به فعالیت مشغول بوده و خانواده‌شان را تأمین معیشت می‌کردند. رژیم طالبان در سال ۲۰۲۳ غرفه‌های آن‌ها را از کنار سرک برداشته و به جای‌شان غرفه‌های دیگر را جایگزین کردند. بعد از جایگزینی غرفه‌ها بر هر غرفه کرایه‌های سنگین وضع کردند که سالانه هر سال کرایه را افزایش داده‌اند. در سال جاری (۲۰۲۶) از هر غرفه کوته سنگی نظر به اندازه غرفه تا بالاتر از ۲۰۰۰ افغانی ماهانه اخذ می‌کند. تعدادی از این غرفه‌داران می‌گفتند بعضی ماه‌ها می‌شود در کنار مصارف خانواده کرایه غرفه را کار نمی‌توانیم و مجبور از کسی قرض نموده پرداخت می‌کنیم.

کارهای روزمزد

در اکثر کشورها، کارهای روزمزد و ساختمانی در ساحات شهری از جمله مهم‌ترین کارها به حساب می‌رود و در توزیع پول نقش اساسی را بازی می‌کند. در دوران جمهوریت، ساخت‌وساز شهری روزبه‌روز در حال افزایش بوده و افراد زیادی مشغول به کارهای ساختمانی و روزمزد بود. با آمدن گروه طالبان در ۱۵ اگست ۲۰۲۱، همان سال اول در بعضی نقاط شهری به صورت کم‌وبیش ساخت‌وساز شهر و اعمار ساختمان‌ها دیده می‌شد. از سال ۲۰۲۲ اعمار ساختمان در شهرها مطلقاً متوقف گردید. در سال ۲۰۲۵ به صورت نسبی و در مقابل پرداخت مبالغ بسیار هنگفت اجازه کار را می‌دهد؛ اولاً مبلغی که در مقابل جواز کار خواستار است از توانایی تقریباً ۹۵ درصد جامعه نیست. در قدم دوم آن‌هایی هم که با پرداخت مبالغ هنگفت جواز کار را به دست می‌آورد خیلی کم است و در نتیجه در بازار بیکاری افغانستان هیچ حساب می‌شود.

^{۸۵} صحبت‌های احمد «اسم مستعار» خرده‌تاجر کچالو از ولسوالی ورس.

ترانسپورت و مسافری

یکی دیگر از بخش‌های که در توزیع اقتصاد نقش بازی می‌کند ترانسپورت و مسافری‌های داخلی، درون‌شهری و بین ولایتی است. بعد از به قدرت رسیدن رژیم طالبان در افغانستان به مدت بیشتر از یک سال ترانسپورت به همان شکل سابق بود. ولی بعد از آن، رژیم طالبان در پی جمع‌آوری عواید چند برابر از ترانسپورت شد. در نتیجه کرایه‌های نقلات و مسافرت بالا رفت. همچنان از سال ۲۰۲۳، شروع به ایجاد غرفه‌های جمع‌آوری عوارض سرک‌ها در شاهراه‌ها کردند و در سال ۲۰۲۴ در همه شاهراه‌ها غرفه‌های جمع‌آوری عوارض سرک ایجاد گردید. این غرفه‌ها، از موترهای خورد شخصی ۸۰ افغانی و از موترهای بزرگ‌تر مسافری ۱۸۰ افغانی اخذ می‌کنند. به همین ترتیب، به نسبت مسافر و بار بیشتر، عواید هم بالاتر می‌رود. این مورد هم‌روی کرایه مسافری اضافه شد. در اثر بالا رفتن کرایه‌ها اکثر مردم تلاش دارد تا کمتر مسافرت کنند. افزون بر آن، قانون رنگ نمودن دوباره تکسی‌های شهری و بین ولایتی هزینه سنگینی را روی دوش رانندگان گذاشتند. تعدادی نتوانستند هزینه رنگ‌مالی موترها را تکمیل کنند، زیرا با جواز رنگ‌مالی بالاتر از ۴۰۰۰۰ افغانی می‌گردید. به همین دلیل، رانندگان زیادی هزاره موترهای‌شان را فروختند و به جمع بیکاران اضافه گردیدند. یکی از این رانندگان در صحبت با ما چنین بیان می‌دارد:

من نزدیک به ۱۰ سال راننده بودم. از کابل به مزار، غزنی، بامیان و ولایت‌های دیگر رفت‌وآمد داشتم و مسافر می‌بردم. زمانی که امارت اسلامی آمد روز به روز محدود شدید و نتوانستیم به چند ولایت مسافری کنیم؛ همین قسم به نام‌های مختلف از ما پول می‌گرفت. در هر بار مسافری از کابل به بامیان سه / چهار روز سر نوبت منتظر می‌ماندیم نوبت هم که می‌رسید تقریباً یک‌طرفه ۳۰۰ افغانی به دولت می‌دادیم و در آخر هم چیزی به ما نمی‌ماند. اگر خدای نکرده کدام سواری زن بدون محرم شرعی با خود می‌بردیم هزاران گپ و سخن دیگر را هم باید می‌کشیدیم. به همین شکل تا دو سال پیش (۲۰۲۴) موتر داشتم و سواری می‌بردم. تا اینکه جبری کرد باید موترها را رنگ مخصوص کنیم. زمانی هم که برای رنگ کردن رفتیم تقریباً ۴۵۰۰۰ تا ۵۰۰۰۰ افغانی هزینه داشت، مشکلات دیگر پیش آمد و نتوانستم پول رنگ‌مالی را پوره کنم، به خاطری که دیگر نمی‌توانستم کار کنم. مجبور شدم موترم را بفروشم و فعلاً دو سال می‌شود که بیکار هستم.^{۸۶}

به همین گونه اکثر رانندگان با مشکلات فراوان روبرو هستند. به بهانه‌های مختلف از آن‌ها باج‌گیری می‌شود. از سوی دیگر، در سطح شهر کابل، جمع‌آوری و ممنوعیت کار موترهای نوع تونس هم ضربه اقتصادی به قشر بزرگ دارندگان این نوع موتر وارد نموده و هم رفت‌وآمد سطح شهری را مختل کرده که رفت‌وآمد زیاد است ولی موتر کم. سرانجام و به‌طور کلی در پنج سال سلطه رژیم طالبانی در افغانستان، سال به سال وضعیت اقتصادی همه کشور رو به وخامت نموده و زمینه‌های توسعه اقتصادی در کشور رشد نکرده است. رژیم طالبان هم به بهانه‌های مختلف از همه

^{۸۶} صحبت‌های حسین (اسم مستعار) راننده سابق لین کابل - بامیان.

مردم افغانستان اخاذی می‌کند. معادن افغانستان به صورت بی‌رویه استخراج می‌شود سود حاصل از آن بیشتر به جیب چند فرد که نزدیک به افراد بلند پایه طالبان است می‌رود. مردم افغانستان روزبه‌روز فقیرتر شده و اوضاع اقتصادی بدتر می‌شود. وضعیت هزاره‌ها هم با تأثیرپذیری از شرایط کشور روزبه‌روز بدتر شده است. در این میان، هزاره‌ها به دلیل قوم، نژاد، مذهب و موقعیت جغرافیای این فشارها را چندین برابر بر شانه‌های‌شان حمل می‌کند. بعد از تحقیق میدانی گسترده، بازدید از اکثر ساحات و گفتگو با اقشار مختلف جامعه که خلاصه‌اش به صورت بسیار فشرده و موجز در بالا آورده شده است، به‌طور کلی می‌توان گفت در این پنج سال طالبانی وضعیت اقتصادی هزاره‌ها از هر لحاظ دچار ضعف بیش‌ازحد گردیده و زمینه‌های تولید اقتصاد این قوم به میزان بسیار بالا از بین رفته است. هزاره‌ها با باج‌گیری‌های چندلایه مواجه بوده، کوچی‌ها با حمایت رژیم طالبان تلفات جانی و مالی از این قوم گرفته و روزبه‌روز شرایط را برای‌شان تنگ و تنگ‌تر می‌کند. فقط در زمینه برخی اقلام صنایع‌دستی‌اندک امیدی است که هم بیشتر بر اساس بازاریابی مهاجرین جهان اول رونق داشته است. این موارد هم کم‌وبیش با محدودیت‌های طالبانی مواجه بوده و متأثر از این محدودیت‌ها می‌باشد.

۳. جمع‌بندی: دلایل ضعف اقتصادی

همان‌طوری که بیان شد، اقتصاد هزاره‌ها رو به ضعف نهاده و در این پنج سال به صورت مداوم تضعیف شده است. در بخش فعلی تلاش می‌شود تا دلایل ضعف اقتصاد هزاره‌ها به صورت بسیار مختصر موردبررسی قرار گیرد. هرچند که اکثر دلایل در لابلای موضوعات یادآوری گردیده ولی در این جا به صورت منسجم و خلاصه ذکر می‌گردد.

۱. افزایش بیکاری در پی مسدود شدن تعلیم و تحصیل بالاتر از صنف ششم دختران: با مسدود شدن مکاتب بالاتر از صنف ششم در سال ۲۰۲۲ و دانشگاه در سال ۲۰۲۳ به روی دختران، تعداد زیادی از دختران بیکار شدند که رو به کارهای اقتصادی و تولید آوردند، افزایش روزافزون توجه به کار و در سوی دیگر نبودن کارهای موردنیاز؛ همچنان متوقف شدن برخی کارهای دیگر موجب آن شد که اقتصاد و زمینه‌های پیدایش پول دچار ضعف گردد.

۲. سیاست‌های رژیم طالبان: دادوستد با کشورهای همسایه در طول تاریخ باعث ثبات اقتصاد افغانستان بوده است. زمانی که رژیم طالبان تسلط یافت با همسایه‌های جنوبی و غربی کشور به‌نوبت وارد تنش شد. نتیجه این تنش‌ها مسدود شدن مرزهای تجارتي به روی کشور بود؛ بنای قیمت‌های محصولات داخلی پایین آمد و قیمت کالاهای وارداتی تا چند برابر افزایش یافت. هر دو مورد به اقتصاد متزلزل کشور ضربه زد و مخصوصاً هزاره‌ها را به پرتگاه سقوط کشانید.

۳. سرازیر شدن مهاجرین: در کنار دو مورد قبلی، اخراج یکباره صدها هزار مهاجر از ایران و پاکستان به افغانستان و نبود بازار کار زمینه‌های اقتصادی کشور را از بین برد. در جمع بیکاران داخلی، مهاجرین اخراج شده هم اضافه شد. این امر منجر به افزایش کرایه خانه در شهرها تا چند برابر گردید و در نتیجه، بیشتر از پیش اقتصاد را دچار ضعف گردانید.
۴. حوادث طبیعی و نبود میکانیزم مبارزه با آن: حوادث طبیعی مانند خشک‌سالی، سیلاب‌های بدون موقع، برف کوچ و امراض نباتی و حیوانی از جمله بزرگ‌ترین مشکلات هزاره‌ها بوده است. در دوران رژیم طالبان از یکسو این حوادث بیشتر شده و از سوی دیگر نبود میکانیزم مبارزه با این حوادث باعث گردیده تا اقتصاد هزاره‌ها آسیب‌پذیر شود و با ضعف مضاعف روبه‌رو گردد.
۵. تبعیض و انحصار قومی: از علت‌های دیگر ضعف اقتصاد هزاره‌ها برخورد تبعیض‌آمیز و انحصار ادارات است. اکثر کارمندان مناطق هزاره‌نشین از اقوام و دوستان اعضای رژیم طالبان است که بخش بزرگ اقتصاد توسط همین کارمندان از بازارهای هزاره‌جات به مناطق دیگر انتقال می‌یابد.
۶. ممانعت از ساخت‌وساز شهری: ممنوع کردن ساخت و شهری هم‌زمان با عودت صدها هزار مهاجرین اخراج شده از کشورهای همسایه اقتصاد جامعه را با رکود مواجه ساخته و نتیجه توزیع نشدن پول ضعف اقتصادی جامعه است.
۷. کوچی گری: هجوم ده هزار گوسفند در کوهستان‌های هزاره‌جات، چراگاه‌های مواشی هزاره‌ها را از بین برده و در بسیاری مناطق باعث از بین رفتن کشت و زراعت هزاره‌ها گردیده است. از سوی دیگر، با حمایت رژیم طالبان تعدادی از مناطق را تحت دعوا قرار داده و غصب نموده‌اند. در مناطق دیگر به نام‌های متفاوت به باج‌گیری و زورگیری رو آورده و هزاره‌ها را در شرایط بد اقتصادی قرار داده‌اند.
۸. باج‌گیری کارمندان ادارات محلی: در اکثر مناطق هزاره‌نشین کارمندان دولتی باج‌گیری‌های بزرگ را تحت عنوان‌های جمع‌آوری اسلحه و مهمات نظامی، عشر، زکات و نام‌های دیگر نموده که گاه این باج‌گیری‌ها را برای چندمین بار اعمال کرده که اقتصاد جامعه را به‌سوی نابودی سوق داده است.

فصل سوم

وضعیت فرهنگی

درآمد

فرهنگ از ارکان اصلی هویت مشترک جوامع است. این رکن، عناصری مانند زبان، مذهب، آیین‌ها، هنر، ادبیات و میراث تاریخی را دربر می‌گیرد. حمایت از این رکن و تمام عناصر آن در اسناد بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است.^{۸۷} افغانستان کشوری با تنوع قومی، مذهبی و فرهنگی است و هزاره‌ها یکی از مهم‌ترین اقلیت‌های آن به شمار می‌روند. آیین‌های مذهبی، ادبیات شفاهی، موسیقی محلی، هنرهای سنتی، مراکز فرهنگی و میراث تاریخی، بخش مهمی از هویت فرهنگی این جامعه را تشکیل می‌دهد. با این حال، هزاره‌ها در دوره‌های مختلف تاریخ معاصر با تبعیض و محدودیت‌های فرهنگی و مذهبی مواجه بوده‌اند.^{۸۸}

پس از سال ۲۰۰۱، فضای نسبتاً باز فرهنگی زمینه گسترش فعالیت‌های آموزشی، رسان‌های و فرهنگی هزاره‌ها را فراهم کرد، اما بازگشت طالبان در ۱۵ آگست ۲۰۲۱، نگرانی‌ها درباره آینده حقوق فرهنگی این جامعه دوباره افزایش یافت.^{۸۹} گزارش‌های منتشر شده از سوی رسانه‌ها، سازمان‌های حقوق بشری و فعالان فرهنگی از محدودیت

⁴⁹ United Nations, *Universal Declaration of Human Rights* (Paris: United Nations, 1948), art. 27, https://www.ohchr.org/sites/default/files/UDHR/Documents/UDHR_Translations/eng.pdf; United Nations, *International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights* (New York: United Nations, 1966), art. 15, <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/international-covenant-economic-social-and-cultural-rights>; United Nations, *Declaration on the Rights of Persons Belonging to National or Ethnic, Religious and Linguistic Minorities* (New York: United Nations, 1992), <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/declaration-rights-persons-belonging-national-or-ethnic>.

^{۸۸} عسکر موسوی، هزاره‌های افغانستان (تاریخ، فرهنگ، اقتصاد، سیاست)، ترجمه اسدالله شفايي (تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری نقش سیمرغ، ۱۳۷۹)، فصل سوم، ۱۰۹-

5119

Niamatullah Ibrahim, *The Hazaras and the Afghan State: Rebellion, Exclusion and the Struggle for Recognition* (London: Hurst, 2017); Alessandro Monsutti, *War and Migration: Social Networks and Economic Strategies of the Hazaras of Afghanistan* (New York: Routledge, 2005), chap. 3, 41–102, <https://doi.org/10.4324/9780203959107>.

⁴⁹ United Nations Assistance Mission in Afghanistan (UNAMA), *Human Rights in Afghanistan: 15 August 2021–15 June 2022* (UNAMA, 2022), <https://afghanistan.un.org/en/191313-human-rights-afghanistan-15-august-2021-%E2%80%9315-june-2022>; « بازگشت طالبان و چالش‌های حقوق بشری », یورونیوز فارسی، ۱۲۲ اکتبر ۲۰۲۱، <https://parsi.euronews.com/2021/11/04/afghanistan-the-return-of-the-taliban>; United States Commission on International Religious Freedom (USCIRF), *Afghanistan Chapter, Annual Report 2025* (USCIRF, 2025), 18–20, <https://www.uscifr.gov/sites/default/files/2025->

افغانستان: سر کوب بې امان در چهار سال سلطه ی «، (Human Rights Watch) دیدمان حقوق بشر ۰۳/۲۰۲۵٪۲۰۰۰۰۰۰۰٪۲۰۰۰۰۰۰۰٪۲۰۰۰۰۰۰۰

تبعیض مذهبی، حذف فرهنگی و به حاشیه راندن هویت جمعی خود مواجه بوده‌اند.^{۹۱} هویت فرهنگی هزاره‌ها بر مذهب، زبان و گویش‌های محلی، ادبیات شفاهی، موسیقی، آیین‌های مذهبی، هنرهای سنتی، حافظه تاریخی و سرزمین تاریخی هزاره‌جات (هزارستان) استوار است؛ مؤلفه‌هایی که بخشی از تنوع فرهنگی افغانستان را تشکیل می‌دهند^{۹۲}، اما در دوره‌های مختلف تحت فشارهای سیاسی، مذهبی و ایدئولوژیک قرار گرفته‌اند.^{۹۳}

لشکرکشی امیر عبدالرحمن خان علیه هزاره‌ها در سال‌های ۱۸۹۱ تا ۱۸۹۳ میلادی به هدف نابودی کامل هزاره‌ها، یکی از نمونه‌های برجسته آن است.^{۹۴} این سرکوب گسترده علاوه بر تلفات انسانی، مصادره زمین‌ها، کوچ اجباری و پراکندگی جمعیت، موجب تضعیف نهادهای اجتماعی و فرهنگی هزاره‌ها شد و آثار آن تا امروز ادامه دارد.^{۹۵} در دهه‌های بعد، اگرچه خشونت مستقیم کاهش یافت، اما تبعیض ساختاری ادامه یافت. مناطق هزاره‌نشین از توسعه، آموزش و خدمات عمومی محروم ماندند و نقش هزاره‌ها در روایت‌های رسمی تاریخ، کتاب‌های درسی و آثار دولتی کمتر بازتاب یافت. این حذف نمادین، به تضعیف جایگاه فرهنگی و استمرار کلیشه‌های تبعیض آمیز انجامید.^{۹۶}

تفاوت مذهبی نیز یکی از عوامل اصلی تبعیض علیه هزاره‌ها بوده است.^{۹۷} از آنجا که بخش مهمی از فرهنگ هزاره‌ها با آیین‌های مذهبی پیوند دارد، محدودیت‌های اعمال‌شده بر شیعیان، بر حیات فرهنگی این جامعه نیز تأثیر مستقیم گذاشته است.^{۹۸} با ظهور طالبان در دهه ۱۹۹۰، محدودیت‌های فرهنگی و مذهبی تشدید شد. در نخستین دوره

^{۹۱} سید عسکر موسوی، هزاره‌های افغانستان (تاریخ، فرهنگ، اقتصاد و سیاست)، ترجمه اسدالله شفاایی (تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری نقش سیمرغ، ۱۳۷۹)، فصل هفتم، ۲۲۲؛ حسن پولادی، هزاره‌ها، مترجم (یا نسخه انگلیسی)، chap. 6, [Hassan Poladi, *The Hazara* (Stockton, CA: Mughal Publishing Co., 1989)], 182-234.

^{۹۲} سید عسکر موسوی، هزاره‌های افغانستان، فصل سوم، ۱۰۹-۱۱۹.

^{۹۳} Thomas Barfield, *Afghanistan: A Cultural and Political History* (Princeton University Press, 2010), page 31 and 119-160.

^{۹۴} سید عسکر موسوی، هزاره‌های افغانستان، فصل هفتم، ۲۱۳-۲۱۹، ۱۱۱-۱۴۶.

^{۹۵} حسن پولادی، هزاره‌ها، ۶۱-۸۹.

^{۹۶} سید عسکر موسوی، همان، فصل هفتم، ۲۲۲-۲۲۶؛ Afghanistan Independent Human Rights Commission (AIHRC), *Reports on*

Discrimination and Minority Rights, <https://www.ecoi.net/en/source/10940.html>.

^{۹۷} Minority Rights Group International, *World Directory of Minorities and Indigenous Peoples: Hazaras*,

<https://minorityrights.org/?s=Minority+Rights+Group+International%2C+World+Directory+of+Minorities+and+Indigenous+Peoples%3A+Hazaras>; Amnesty International, *Afghanistan Annual Reports*, <https://www.amnesty.org/en/location/asia-and-the-pacific/south-asia/afghanistan/report-afghanistan/>.

^{۹۸} Thomas Barfield, *Afghanistan: A Cultural and Political History* (Princeton: Princeton University Press, 2010), 31, 119-60;

Afghanistan Independent Human Rights Commission (AIHRC), *Reports on Discrimination and Minority Rights*, <https://www.ecoi.net/en/source/10940.html>; Thomas Barfield, *Afghanistan: A Cultural and Political History* (Princeton: Princeton University Press, 2010), 119-60; Minority Rights Group International, *World Directory of Minorities and Indigenous Peoples: Hazaras*, <https://minorityrights.org/?s=Minority+Rights+Group+International%2C+World+Directory+of+Minorities+and+Indigenous+Peoples%3A+Hazaras>; Amnesty International, *Afghanistan Annual Reports*, <https://www.amnesty.org/en/location/asia-and-the-pacific/south-asia/afghanistan/report-afghanistan/>.

حاکمیت طالبان (۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱)، موسیقی، فعالیت‌های هنری و بسیاری از مراسم مذهبی محدود شد.^{۹۹} تخریب مجسمه‌های بودای بامیان در مارچ ۲۰۰۱ نیز به نمادی از نابودی میراث فرهنگی افغانستان و تهدید هویت تاریخی مناطق مرکزی، به ویژه برای هزاره‌ها، تبدیل شد.^{۱۰۰}

پس از سقوط طالبان در سال ۲۰۰۱، فضای نسبتاً بازتری برای فعالیت‌های فرهنگی ایجاد شد. در فاصله ۲۰۰۱ تا ۲۰۲۱، رسانه‌ها، مراکز فرهنگی و آموزشی، جشنواره‌های فرهنگی و آثار پژوهشی مرتبط با تاریخ و فرهنگ هزاره‌ها گسترش یافت و بامیان به یکی از مهم‌ترین مراکز فرهنگی افغانستان تبدیل گردید.^{۱۰۱} با این حال، حملات هدفمند علیه مراکز آموزشی، فرهنگی و مذهبی هزاره‌ها نشان می‌داد که تبعیض و تهدید همچنان ادامه دارد.^{۱۰۲}

بازگشت طالبان در ۱۵ آگست ۲۰۲۱ نگرانی‌های تاریخی هزاره‌ها را دوباره زنده کرد. محدودیت‌های اعمال‌شده بر آموزش، فعالیت‌های فرهنگی، مراسم مذهبی، رسانه‌ها و میراث فرهنگی نشان می‌دهد که چالش‌های کنونی ادامه روندی تاریخی از تبعیض و حذف فرهنگی است.^{۱۰۳} از این رو، ارزیابی وضعیت فرهنگی هزاره‌ها در دوره کنونی تنها با در نظر گرفتن این پیشینه تاریخی امکان‌پذیر است.

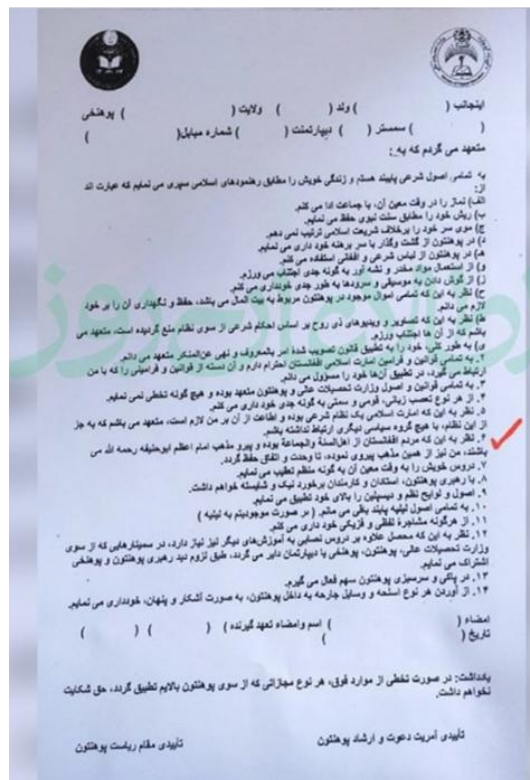
^{۹۹} William Maley, *The Afghanistan Wars* (New York: Palgrave Macmillan, 2009), 175–99 (chap., The rise and rule of Taliban 1994–2001); Special Rapporteur on Afghanistan, *Situation of Human Rights in Afghanistan (2023–2025)*, <https://docs.un.org/en/A/HRC/RES/60/2>; Special Rapporteur on Afghanistan, *Situation of Human Rights in Afghanistan*, <https://www.ohchr.org/sites/default/files/documents/countries/afghanistan/sr/hrc-58-74/a-hrc-58-74-farsi-dari-complete-updated.pdf>.

^{۱۰۰} United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO), *Bamiyan World Heritage Reports*, <https://whc.unesco.org/en/list/208>; UNESCO World Heritage Committee, *Destruction of the Bamiyan Buddhas Documentation*, <https://whc.unesco.org/en/list/208>.

^{۱۰۱} Afghanistan Analysts Network (AAN), *Social and Cultural Developments in Afghanistan after 2001*. <https://www.afghanistan-analysts.org/en/reports/political-landscape/the-pastures-of-heaven-an-update-of-kuchi-hazara-disputes-as-spring-approaches/>

^{۱۰۲} Afghanistan Independent Human Rights Commission (AIHRC), *Reports on Discrimination and Minority Rights*. <https://www.ecoi.net/en/source/10940.html>, and UNAMA, *Human Rights Reports (2022–2025)*. https://unama.unmissions.org/sites/default/files/unama_human_rights_in_afghanistan_report_-_june_2022_english.pdf https://unama.unmissions.org/sites/default/files/english_-_unama_-_update_on_hr_situation_in_afghanistan_-_july-sept_2024.pdf

^{۱۰۳} USCIRF, *Religious Freedom Conditions in Taliban-Controlled Afghanistan (2024–2025)*. <https://www.uscifr.gov/sites/default/files/2024-05/Afghanistan.pdf>, and Special Rapporteur on Afghanistan, *Situation of Human Rights in Afghanistan (2023–2025)*. <https://docs.un.org/en/A/HRC/RES/60/2>, <https://www.ohchr.org/sites/default/files/documents/countries/afghanistan/sr/hrc-58-74/a-hrc-58-74-farsi-dari-complete-updated.pdf>



شکل ۳: تعهد نامه طالبان از دانشجویان دانشگاه‌های دولتی (منبع عکس از روز نامه اطلاعات روز)

این سیاست تنها به دانشگاه‌ها محدود نماند. گزارش‌ها و یافته‌های شبکه تحلیل گران بلاق نشان می‌دهد آموزش فقه جعفری در مکاتب نیز عملاً متوقف شده. و بسیاری از منتقدان این روند را تلاشی برای ایجاد نظام آموزشی مبتنی بر یک قرائت مذهبی واحد دانسته‌اند؛ سیاستی که تنوع مذهبی و فرهنگی افغانستان را با چالش روبه رو می‌کند.^{۱۰۶}

در این راستا شبکه تحلیل گران بلاق نظر فعالین حوزه آموزش را گرفته که به‌طور نمونه یکی از فعالین بنام محمد طاهر رسا (اسم مستعار) که در یکی از مکاتب غرب کابل به عنوان استاد ایفای وظیفه می‌کند می‌گوید:

توقف و حذف فقه جعفری از مکاتب ودانشگاه‌ها تنوع فرهنگی مردم افغانستان را نادیده می‌گردد، که این کار طالبان به عنوان فرهنگ زدایی گفته می‌شود چرا که طالبان با این کار خود در حقیقت فرهنگ یک بخش مشخص از مردم را هدف قرار داده است، تمام این کارهای که طالبان کرده‌اند، از حذف فقه جعفری از مکاتب دانشگاه گرفته تا جمع آوری کتب مرتبط به جامعه هزاره ونیز سانسور شدید بر

^{۱۰۶} Amnesty International. Afghanistan: Annual Report 2022/23, 2023/24, and 2024/25.

<https://www.amnesty.org/en/location/asia-and-the-pacific/south-asia/afghanistan/report-afghanistan/>, and Afghanistan Analysts Network (AAN). Reports and analyses on cultural and social developments under Taliban rule, 2022–2025. <https://www.hrw.org/news/2022/09/07/un-report-details-taliban-abuses-afghanistan>

نشر آثار نویسنده گان جامعه هزاره را می توان به عنوان فرهنگ زدایی توصیف کرد که این کارها در حقیقت زمینه بی اعتمادی جامعه هزاره نسبت به حاکمان فعلی در افغانستان را به میان آورده است.^{۱۰۷}

کمیسیون ایالات متحده برای آزادی مذهبی بین المللی (USCIRF) نیز در گزارش سالانه ۲۰۲۴ خود اعلام کرد که آزادی دین و باور در افغانستان پس از بازگشت طالبان به طور مستمر رو به وخامت گذاشته است. این گزارش تأکید می کند که پیروان اقلیت های مذهبی، به ویژه شیعیان، با محدودیت های فزاینده در انجام مناسک دینی، آموزش مذهبی و بهره مندی از حقوق مذهبی خود مواجه هستند.^{۱۰۸}

در سپتامبر ۲۰۲۵ نیز طالبان تغییرات گسترده ای در نصاب آموزشی مکاتب اعمال کردند. بر اساس گزارش های منتشر شده، این گروه ۵۱ عنوان کتاب آموزشی را در کتاب های درسی صنوف اول تا دوازدهم، به دلیل مغایرت با برداشت خود از اسلام و سیاست های «امارت اسلامی»، حذف کرد. این اقدام از سوی کارشناسان آموزشی، فعالان فرهنگی و نهادهای مدافع حقوق بشر بخشی از روند ایدئولوژیک سازی نظام آموزشی و کاهش تنوع فکری، فرهنگی و مذهبی در محتوای آموزشی افغانستان ارزیابی شده است.^{۱۰۹}

در مجموع، سیاست های طالبان در حوزه فرهنگ و آموزش نشان می دهد که این گروه به جای پذیرش تنوع مذهبی و فرهنگی افغانستان، به دنبال ایجاد ساختاری مبتنی بر یک روایت واحد مذهبی و فرهنگی است. حذف یا محدود سازی آموزش فقه جعفری، تغییر محتوای آموزشی، نادیده گرفتن مذاهب دیگر در اسناد رسمی و محدودیت بر آیین های فرهنگی و مذهبی، از جمله اقداماتی است که از سوی بسیاری از نهادهای حقوق بشری و پژوهشگران،

^{۱۰۷} مصاحبه شبکه تحلیلگران بلای با استاد محمد طاهر رسا (اسم مستعار) یکی از استادان برحال در مکت در غرب کابل، در ماه اپریل ۲۰۲۶، نام شخص متذکره به دلیل موضوع امنیتی مستعار ذکر شده است.

^{۱۰۸} نصاب درسی طالبان: حذف هنر؛ تدریس شرح قدوری، جمهور نیوز، تاریخ نشر گزارش پنجشنبه ۱۴۰۳ اسد ۴ - ۱۵:۴۸

^{۱۰۹} فرشید آرام January 14, 2025 <https://zantimes.com/fa/2025/01/14/restrictions-on-afghan-shia-schools-and-books>، ضدیت طالبان با شیعیان مناطق مرکزی و سرکوب سازمان یافته هزاره ها، جمهور نیوز تاریخ نشر گزارش شنبه ۸ قوس ۱۴۰۴ - <https://www.jomhornews.com/fa/news/174545> / تنگتر شدن حلقه ی محدودیت ها بر مدارس و کتاب های مذهبی شیعیان افغانستان Zan Times نویسنده

و محدودیت های مذهبی در افغانستان زیر سلطه طالبان، VOA Dari نویسنده محمد احمدی، تاریخ نشر اسد ۲۴، ۱۴۰۳ <https://www.jomhornews.com/fa/note/188797>

^{۱۰۹} ستیز طالبان با حقوق بشر و آزادی؛ چه موضوعاتی از کتاب های درسی مکاتب حذف شده اند؟ اطلاعات روز، تاریخ نشر ۲۴ سنبله ۱۴۰۴ - ۱۵ سپتمبر ۲۰۲۵ <https://www.etilaatroz.com/241152/what-subjects-have-been-removed-from-school-textbooks>

طالبان ۵۱ درس درباره آزادی، زن و حقوق بشر را از کتاب های درسی مکاتب حذف کرد، افغانستان انترنشنال، تاریخ نشر ۴ میزان ۱۴۰۴ <https://www.afintl.com/202509261280>

منابع: وزارت معارف طالبان ۵۱ عنوان از مضمون های درسی مکتبها را حذف کرده است، خبرگزاری آمو، نویسنده حبیب محمدی، تاریخ نشر ۲۰ سنبله، ۱۴۰۴ <https://amu.tv/fa/198702/>

در چارچوب سیاست همگون‌سازی فرهنگی و مذهبی طالبان تحلیل شده و پیامدهای آن برای حقوق فرهنگی و مذهبی اقلیت‌ها، به‌ویژه جامعه هزاره، مورد توجه قرار گرفته است.

حذف یا تضعیف آموزش فقه جعفری یکی از مهم‌ترین تحولات آموزشی و مذهبی پس از بازگشت طالبان به قدرت است. فقه جعفری برای اکثریت شیعیان افغانستان، به‌ویژه هزاره‌ها، تنها یک نظام فقهی نیست، بلکه بخشی از هویت دینی، فرهنگی و اجتماعی آنان به شمار می‌رود.^{۱۱۰} از این رو، جایگاه آن در نظام آموزشی مستقیماً با حق آموزش، آزادی مذهب و حفظ هویت فرهنگی ارتباط دارد.

در دوره جمهوری (۲۰۰۱-۲۰۲۱)، فقه جعفری در برخی مکاتب و دانشگاه‌ها، به‌ویژه دانشگاه بامیان، به‌عنوان بخشی از دروس دینی تدریس می‌شد و این امر به‌عنوان نشان‌های از به‌رسمیت شناختن تنوع مذهبی در نظام آموزشی تلقی می‌گردید.^{۱۱۱} اما پس از سال ۲۰۲۱، طالبان تدریس فقه جعفری را در دانشگاه بامیان و شماری دیگر از مراکز آموزشی متوقف و در برخی موارد فقه حنفی را جایگزین آن کردند.^{۱۱۲}

این تصمیم با اعتراض شورای علمای شیعه افغانستان، فعالان مدنی و نهادهای حقوق بشری روبه‌رو شد. درخواست شورای علمای شیعه برای ازسرگیری تدریس فقه جعفری از سوی طالبان پذیرفته نشد. همچنین، شبکه تحلیل‌گران بلاق با استناد به گزارش رسانه‌های معتبر، و گفتگوهایی که با فعالین اجتماعی جامعه هزاره در افغانستان و بیرون از افغانستان داشته است توقف تدریس فقه جعفری را تأیید کرده و آن را یکی از مهم‌ترین نگرانی‌های جامعه شیعه در زمینه آزادی آموزش دینی و حفظ هویت مذهبی دانسته است.^{۱۱۳}

^{۱۱۰} Ibrahim, Niamatullah. The Hazaras and the Afghan State: Rebellion, Exclusion and the Struggle for Recognition. London: Hurst Publishers, 2017, pp. 221–245, and United States Commission on International Religious Freedom (USCIRF). 2024 Annual Report: Afghanistan Chapter. Washington, DC: USCIRF, 2024, pp. 38–40.

<https://www.uscifr.gov/resources/afghanistan-annual-report-chapters-and-translations>

^{۱۱۱} United States Department of State. 2023 Report on International Religious Freedom: Afghanistan. Washington, DC:

U.S. Department of State, 2024. <https://www.state.gov/reports/2023-report-on-international-religious-freedom/afghanistan/>, and United States Commission on International Religious Freedom (USCIRF). 2024 Annual Report: Afghanistan Chapter. Washington, DC: USCIRF, 2024, pp. 38–40. <https://www.uscifr.gov/resources/afghanistan-annual-report-chapters-and-translations>

^{۱۱۲} Bennett, Richard. Situation of Human Rights in Afghanistan: Report of the Special Rapporteur on the Situation of Human Rights in Afghanistan. UN Human Rights Council, A/HRC/55/80, February 2024.

<https://digitallibrary.un.org/record/4045185>, and Human Rights Watch. World Report 2024: Afghanistan. New York: Human Rights Watch, 2024. <https://www.hrw.org/world-report/2024/country-chapters/afghanistan>

United Nations. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights. New York: United Nations, 1966, arts. 13 and 15 <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/international-covenant-economic-social-and-cultural-rights>, and Ibrahim, Niamatullah. The Hazaras and the Afghan State: Rebellion, Exclusion and the Struggle for Recognition. London: Hurst Publishers, 2017, pp. 221–245.

^{۱۱۳} شبکه تحلیل‌گران بلاق: هزاره‌ها بدترین روزگار را در افغانستان زیر حاکمیت طالبان تجربه میکنند. فصل اول، وضعیت فعالیت‌های مذهبی، ص ۸

<https://dari.bolaq.org/wp-content/uploads/2022/08/One-Year-Taliban-in-power-Dari2.pdf>

گزارش‌های منتشرشده همچنین از حذف یا کاهش محتوای مرتبط با فقه جعفری، توقف توسعه منابع آموزشی و کاهش فعالیت استادان متخصص در این حوزه حکایت دارد. این روند می‌تواند در بلندمدت ظرفیت علمی و آموزشی مرتبط با فقه جعفری را در افغانستان تضعیف کند.^{۱۱۴} گفتگویی که شبکه تحلیل گران بلایق با بانو سیما نوری، فعال حقوق بشر در ماه می ۲۰۲۶ داشته است صحت این ادعا را تقویت می‌کند، بانو نوری می‌گوید:

بله محدودیت‌های خیلی شدیدی و سیستماتیک است و من دو تا نمونه واضح‌اش را می‌گویم: دربخش مذهبی: در محرم‌های همین چند سال اخیر، دیدیم که استخبارات طالبان چطور پرچم‌های عزاداری را در دشت برچی کابل و سایر نقاط کشور پایین کشیدن، جلو دسته‌های سینه زنی در خیابان‌های کشور را گرفت و مداحان را مجبور کرد که بروند مجوز بگیرند، بانو نوری می‌گوید این موارد نقض ماده ۱۸ اعلامیه جهانی حقوق بشر است که آزادی مذهب و مناسک را حق هر انسان می‌داند.

در بخش سنتی: ممنوع کردن جشن نوروز و بالا کردن «جهنده سخی در مزار شریف و کابل» یک نمونه دیگر از محدودیت فرهنگی طالبان شمرده می‌شود، با آنکه مراسم جشن نوروز، شب یلدا، روز معلم، روز دهقان و غیره تنها به جامعه هزاره محدود نمی‌شود بکله این میراث مشترک تمام مردم فارسی زبان واقوام دیگر مانند تاجکان، ازبک‌ها نیز میباشد، اما طالبان با بدعت خواندن این سنت‌ها عملاً به جنگ فرهنگ کل این جغرافیا رفته‌اند، و همین تندروی‌های شان باعث شده که چهره انحصار طلب شان بیشتر فاش شود و مردم بیشتر از آن‌ها فاصله بگیرند^{۱۱۵}

بانو نوری در ادامه راجع به محدودیت‌های آموزش و نشراتی نیز بیان می‌کند که:

نظام آموزشی در افغانستان کاملاً پاک سازی قومی و مذهبی شده است. حذف فقه جعفری و جمع‌آوری کتب مرتبط به تاریخ هزاره‌ها و فقه جعفری در دانشگاه و مکاتب مغایر با اصول بنیادی حقوق بشر است. این کار طالبان نقص فاحش کنوانسیون مبارزه با تبعیض در آموزش «یونسکو» است.

^{۱۱۴} «وزارت تحصیلات عالی طالبان درخواست تدریس فقه شیعه در دانشگاه‌ها را رد کرد»، بی‌بی‌سی فارسی، ۲۲ فروردین ۱۴۰۲ / ۱۱ آوریل ۲۰۲۳، <https://www.bbc.com/persian/articles/c3g5yvpwqejo>؛ «شورای علمای شیعه از طالبان برای توقف آموزش فقه جعفری در دانشگاه بامیان ابراز تأسف کرد»، افغانستان اینترنشنال، ۲۳ حمل ۱۴۰۲، <https://www.afintl.com/202304129834>؛ «رد درخواست تدریس فقه جعفری در دانشگاه‌های افغانستان»، صفحه فیس‌بوک جهاد فرهنگی، ۱۲ اپریل ۲۰۲۳، <https://www.facebook.com/jehadfarhangi.a.m/posts/>، United States Department of State, [suspicious link removed]; United States Commission on International Religious Freedom (USCIRF), *Religious Freedom Conditions in Taliban-Controlled Afghanistan* (Washington, DC: USCIRF, 2023–2025), <https://www.uscifr.gov/countries/afghanistan>.

^{۱۱۵} مصاحبه شبکه تحلیل گران بلایق با بانو سیما نوری فعال در عرصه حقوق بشر، دیگاه ایشان درمورد محدودیت مذهبی توسط طالبان در افغانستان

حذف زبان فارسی در مکاتبات‌های ادارات دولتی و جمع‌آوری تابلوها به زبان فارسی را و جایگزینی زبان پشتو پاکسازی فرهنگی می‌باشد که از جانب طالبان بشکل هدف‌مندانه در حال اجرا است.^{۱۱۶}

از منظر حقوق بشر، میثاق بین‌المللی حقوق اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اعلامیه حقوق اقلیت‌های سازمان ملل متحد بر حق اقلیت‌ها برای برخورداری از آموزش دینی متناسب با باورهای خود و حفظ هویت مذهبی و فرهنگی تأکید دارند. در این چارچوب، حذف یا محدودسازی آموزش فقه جعفری، پرسش‌هایی درباره رعایت حقوق فرهنگی و مذهبی اقلیت‌ها مطرح کرده است.^{۱۱۷}

در سال‌های پس از ۲۰۲۱، برخی گزارش‌ها از سوی رسانه‌ها و نهادهای مدنی به موضوعات مرتبط با فشار بر فعالیت‌های آموزشی مذهبی در مناطق شیعه‌نشین اشاره کرده‌اند. این گزارش‌ها شامل محدودیت در برخی فعالیت‌های آموزشی مستقل، نظارت شدیدتر بر محتواهای آموزشی و کاهش فضای فعالیت برای نهادهای آموزشی مذهبی است. هرچند این گزارش‌ها در همه موارد به صورت رسمی تأیید نشده‌اند، اما تکرار و تنوع منابع آن‌ها باعث شده است که به عنوان یک نگرانی جدی در تحلیل وضعیت فرهنگی هزاره‌ها مطرح شوند.^{۱۱۸}

در سطح اجتماعی، این تحولات می‌تواند احساس بی‌اعتمادی نسبت به نظام آموزشی را در میان بخشی از جامعه ایجاد کند. زمانی که یک گروه قومی یا مذهبی احساس کند که هویت آموزشی و دینی آن در نظام رسمی نادیده گرفته می‌شود، ممکن است به سمت ایجاد نهادهای غیررسمی آموزشی یا مهاجرت آموزشی سوق پیدا کند.^{۱۱۹} این امر در بلندمدت می‌تواند به دوگانگی آموزشی و فرهنگی در جامعه منجر شود.^{۱۲۰}

^{۱۱۶} ادامه صحبت‌های بانو سیما نوری فعال در عرصه حقوق بشر و دیدگاه ایشان راجع به محدودیت‌های آموزشی در افغانستان توسط طالبان.

^{۱۱۷} United States Commission on International Religious Freedom (USCIRF). 2024 Annual Report: Afghanistan Chapter. Washington, DC: USCIRF, 2024, pp. 38–40. <https://www.uscirt.gov/resources/afghanistan-annual-report-chapters-and-translations>, and United Nations. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights. New York: United Nations, 1966, arts. 13 and 15. <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/international-covenant-economic-social-and-cultural-rights>

^{۱۱۸} Bennett, Richard. Situation of Human Rights in Afghanistan: Report of the Special Rapporteur on the Situation of Human Rights in Afghanistan. UN Human Rights Council, A/HRC/55/80, February 2024. <https://digitallibrary.un.org/record/4045185>, and Human Rights Watch. World Report 2024: Afghanistan. New York: Human Rights Watch, 2024. <https://www.hrw.org/world-report/2024/country-chapters/afghanistan>

^{۱۱۹} United States Commission on International Religious Freedom (USCIRF). 2024 Annual Report: Afghanistan Chapter. Washington, DC: USCIRF, 2024, pp. 38–40. <https://www.uscirt.gov/resources/afghanistan-annual-report-chapters-and-translations>, and United Nations Assistance Mission in Afghanistan (UNAMA). The Human Rights Situation in Afghanistan. Various Reports, 2024. <https://unama.unmissions.org/human-rights>

^{۱۲۰} United States Commission on International Religious Freedom (USCIRF). 2024 Annual Report: Afghanistan Chapter. Washington, DC: USCIRF, 2024, pp. 38–40. <https://www.uscirt.gov/resources/afghanistan-annual-report-chapters-and-translations>, and United Nations Assistance Mission in Afghanistan (UNAMA). The Human Rights Situation in Afghanistan. Various Reports, 2024. <https://unama.unmissions.org/human-rights>

از آنجا که آیین‌ها، مناسک مذهبی و بسیاری از سنت‌های فرهنگی هزاره‌ها با آموزه‌های فقه جعفری پیوند خورده است، محدود شدن آموزش آن صرفاً یک تغییر در نصاب درسی نیست، بلکه می‌تواند بر انتقال هویت مذهبی و فرهنگی به نسل‌های آینده نیز اثر بگذارد. همچنین گزارش‌هایی از افزایش نظارت بر مراکز آموزشی مذهبی شیعی و محدود شدن فعالیت برخی نهادهای آموزشی مستقل منتشر شده که این نگرانی‌ها را تشدید کرده است.

¹¹ Minority Rights Group International. World Directory of Minorities and Indigenous Peoples: Hazaras. London: Minority Rights Group International. <https://minorityrights.org/communities/hazaras/>

¹² United Nations Assistance Mission in Afghanistan (UNAMA), *Human Rights in Afghanistan Reports (2022–2025)* (UNAMA, 2022–2025), https://unama.unmissions.org/sites/default/files/english_-_unama_hrs_update_on_human_rights_in_afghanistan_april-june_2025_final.pdf, <https://afghanistan.un.org/sites/default/files/2026-۰۴/۰۰۰۰۰۰۰۰۲۰۲۵۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰/۲۰۰۰۰/۲۰۰۰۰۰۰۰/۲۰۰۰۰/۲۰۰۰۰۰۰۰۰/۲۰۰۰۰۰۰۰۰-۲۰۰۰۲۶.۰۰۰>; United States Commission on International Religious Freedom (USCIRF), *Religious Freedom Conditions in Afghanistan (2023–2025)* (Washington, DC: USCIRF, 2023–2025), <https://www.uscifr.gov/events/hearings/religious-freedom-conditions-taliban-controlled-afghanistan>, <https://www.uscifr.gov/news-room/releases-statements/uscifr-releases-report-religious-freedom-afghanistan>; Amnesty International, *Afghanistan Annual Reports (2022–2025)* (London: Amnesty International, 2022–۲۰۲۵), <https://www.amnesty.org/en/location/asia-and-the-pacific/south-asia/afghanistan/report-afghanistan/>.

«وزارت تحصیلات عالی طالبان درخواست تدریس فقه شیعه در دانشگاه‌ها را رد کرد»، بی‌بی‌سی فارسی، ۲۲ فروردین ۱۴۰۲ / ۱۱ آوریل ۲۰۲۳، <https://www.bbc.com/persian/articles/c3g5vvpwqejo>؛ «طالبان و ممنوعیت فقه جعفری در مکاتب و دانشگاه‌ها»، روزنامه هشت‌صبح، ۷ سنبله ۱۴۰۳ /

فشار بر پیروان مذهب اسماعیلی نیز از دیگر مصادیق تبعیض فرهنگی است. یوناما در گزارش اکتبر ۲۰۲۵ اعلام کرد که طالبان در برخی ولسوالی‌های ولایت بدخشان، از جمله ولسوالی نسی، پیروان اسماعیلی را برای تغییر مذهب تحت فشار قرار داده و در مواردی، پیروی از مذهب حنفی را شرط دسترسی به برخی کمک‌های اجتماعی قرار داده‌اند. شبکه تحلیل‌گران بلاق نیز با استناد به گزارش یوناما و سایر منابع، این موارد را تأیید کرده است. در مصاحبه مستقل که شبکه تحلیل‌گران بلاق با چندین نفر در افغانستان و متعلق به قوم هزاره و پیرو مذهب اسماعیلی می‌باشد کرده است این فشارها از جانب طالبان را تأیید می‌کند. به عنوان نمونه شخصی مصاحبه شونده بنام نورالدین حسام نام مستعار) باشنده اصلی ولایت بدخشان می‌گوید طالبان چندین بار پیروان مذهب اسماعیلی در بدخشان و سایر نقاط افغانستان را وادار به تغییر مذهب کرده است، حتی شرط دریافت کمک‌های بشردوستانه را پذیرش فقه حنفی قرار داده است. وی می‌افزاید:

از ظلم چه بگویم، ما نمی‌توانیم بطور علنی مناسک مذهبی خود را اجرا کنیم ما از سرناگری باید اطفال خود را بخاطر آموزش دینی به مدرسه‌های اهل سنت بفرستیم، باید نماز خود را دست بسته بخوانیم، طالبان در قریه ما گفته است اگر کمک نیاز دارید باید حنفی مذهب شوید، طالبان ما را کافر و مشرک می‌خواند آن‌ها چندین نفر را مجبور کرده‌اند که از مذهب اسماعیلی بی‌زاری جویند و دوباره شهادتین بخواند، خداوند از دل ما خبر دارد ما آزادی‌های بین قریه و مراسم‌های مذهبی ویژه که داریم را نمی‌توانیم برگزار کنیم، در بعضی مناطق کس حق ندارد بشکل علنی بگوید که من اسماعیلی هستم.^{۱۲۴}

همچنین روزنامه «هشت صبح» در فوریه ۲۰۲۵ و دیده‌بان حقوق بشر در گزارش مارس ۲۰۲۵ از فشار بر پیروان فقه جعفری و اسماعیلیه و تداوم تبعیض علیه اقلیت‌های مذهبی ابراز نگرانی کرده‌اند.^{۱۲۵}

آگست ۲۰۲۴، <https://8am.media/fa/taliban-and-the-prohibition-of-jafari-jurisprudence-in-schools-and-universities/>؛ «حذف

تدریس فقه جعفری از دانشگاه بامیان؛ طالبان به عقاید مردم احترام بگذارند»، روزنامه اطلاعات روز، ۲۶ جوزا ۱۴۰۱ / ۱۶ ژوئن ۲۰۲۲.

<https://www.etalatroz.com/144949/elimination-of-teaching-jafari-jurisprudence-from-bamyan-university-taliban-should-respect-peoples-opinions/>؛ «ستیز طالبان با مذاهب اسلامی؛ ندیم: تمام مردم افغانستان حنفی مذهب‌اند»، روزنامه هشت‌صبح، ۲۷ قوس ۱۴۰۲ / ۱۸ دسامبر ۲۰۲۳، <https://8am.media/fa/taliban-conflict-with-islamic-religions-nadim-all-the-people-of-afghanistan-are-hanafi/>؛ «طالبان

و حذف تدریس فقه شیعی در دانشگاه‌های افغانستان»، سایت خبری شفقنا، ۳۱ فروردین ۱۴۰۲ / ۲۰ آوریل ۲۰۲۳، <https://fa.shafaqna.com/news/1560980/>؛

«عدم پذیرش تدریس فقه جعفری در دانشگاه؛ شورای علمای شیعه ابراز تأسف کرد»، روزنامه اطلاعات روز، ۲۴ حمل ۱۴۰۲ / ۱۳ آوریل ۲۰۲۳،

<https://www.etalatroz.com/169400/%D8%B9%D8%AF%D9%85-%D9%BE%D8%B0%DB%8C%D8%B5-%D8%00%D8%00%D8%01%D8%00%D8%03-%D9%81%D9%82%D9%87-%D8%00%D8%09%09%81%D8%01%D8%00%8D/>؛

«مصاحبه با: نورالدین حسام (نام مستعار) که شبکه تحلیل‌گران بلاق بخاطر مشکلات امنیتی قادر به ارائه مشخصات اصلی فرد مصاحبه شونده نمی‌باشد.

^{۱۲۵} «تحلیل مذهب طالبان بر شیعیان بدخشان؛ سرکوب مذهبی و تغییر مسیر فعالیت رسانه‌ای»، روزنامه هشت‌صبح، ۱۵ دلو ۱۴۰۳ / ۳ فوریه ۲۰۲۵.

<https://8am.media/fa/imposing-the-taliban-religion-on-the-shiites-of-badakhshan-religious-repression-and-changing->

طالبان در ۵ سال حکومت خود در افغانستان نشان دادند، که به هیچ اصول پایبند نبوده بلکه روایت و تفکر خود را بر مردم تحمیل کرده است، و به تمام این روایت‌ها پوشش دینی داده است، از حذف زبان فارسی که زبان دوم اسلام است، و محدودیت‌ها بر جشن‌های فرهنگی که یک‌تعداد آن با جامعه فارسی زبان ما مشترک است مانند جشن نوروز، شب یلدا، روز معلم، روز دهقان، و یا هم محدودیت بر جشنواره‌های فرهنگی مردم هزاره مانند جشن روز فرهنگ هزاره، عید غدیر و غیره موارد نشان می‌دهد که طالبان بطور سیستماتیک فرهنگ مردم را نشانه رفته و این کار نسل کشی فرهنگی است، و زمینه ساز بی اعتمادی به اقشار مختلف جامعه مخصوصاً جامعه هزاره با یشتن‌ها می‌باشد.^{۱۲۷}

99

محدودیت بر مراسم مذهبی شیعیان نیز تنها یک محدودیت دینی نیست، بلکه بخشی از حیات فرهنگی جامعه هزاره را تحت تأثیر قرار می‌دهد. در عاشورای سال ۲۰۲۳ در ولایت غزنی، نیروهای طالبان به سوی عزاداران در منطقه نوآباد تیراندازی کردند که بر اساس گزارش‌ها، چهار نفر کشته و ده‌ها نفر زخمی شدند. شبکه تحلیل‌گران بلاق با بررسی ویدیوهای منتشرشده، وقوع تیراندازی و جمع‌آوری نمادهای عاشورایی را تأیید کرده است.^{۱۲۸} عفو بین‌الملل نیز در گزارش خود اعلام کرد که طالبان در سال ۲۰۲۳ محدودیت‌هایی بر مراسم محرم اعمال کرده و در ۲۸ جولای همان سال در غزنی به سوی عزاداران تیراندازی کردند که در نتیجه آن چهار تن، از جمله یک زن و یک کودک، کشته و شش نفر زخمی شدند.^{۱۲۹}



شکل ۵: عکس از جریان تیراندازی نیروهای طالبان به دسته عزاداری در ولایت غزنی منطقه نوآباد

^{۱۲۸} شبکه تحلیلگران تلاق: هزاره‌ها بدترین روزگار را در افغانستان زیر حاکمیت طالبان تجربه میکنند. فصل اول، وضعیت فعالیت‌های مذهبی، ص ۷-۸

<https://dari.bolaq.org/wp-content/uploads/2022/08/One-Year-Taliban-in-power-Dari2.pdf>

شبکه تحلیلگران بلاق: هزاره هیچ امیدی برای آینده درحاکمیت رژیم طالبان ندارند. فصل اول، وضعیت فعالیت‌های مذهبی، ص ۱۶-۱۲

<https://dari.bolag.org/wp-content/uploads/2023/08/TalibanY2-DariFinal.pdf>

^{۱۲۹} شلیک نیروهای طالبان بر عزاداران عاشورا در غزنه؛ کشته شده‌ها به خاک سپرده شدند، اطلاعات روز گزارش، ۷ اسد ۱۴۰۲ - ۲۹ جولای ۲۰۲۳

[illegible]

<https://amu.tv/fa/110175/> ۱۴۰۳

یافته این گزارش به وضوح نشان می‌دهد، که طالبان با محدودیت شدید بر موسیقی، عملاً در صدد حذف یک بخش از فرهنگ مردم افغانستان است، اگرچه ممنوعیت موسیقی تنها به جامعه هزاره خلاصه نمی‌شود ولی این کار در حقیقت تاثیر منفی بر فعالیت‌های هنرمندان جامعه هزاره گذاشته است، که در این راستا دیده می‌شود که تعداد کثری از هنرمندان محلی هزاره مانند، سید انور آزاد، سید داود یکاولنکی، محمد و کیلی، محمد غلامی، مرتضی غریب نواز، ضرغام و سایر هنرمندان اقدام به ترک کشور نموده است، و نیز هنرمندان زیاد مانند، استاد صفدر توکلی، میر چمن سلطانی، ضیا سلطانی و غیره هنرمندان در فضای شدید سانسور در داخل کشور خانه‌نشین شده است، که این موضوع نگرانی جامعه را بدنبال داشته است، زیرا موسیقی روح زنده فرهنگ یک جامعه محسوب می‌شود، به خصوص اقلیت قومی هزاره که سالها در فضای شدید سانسور فرهنگی دست و پنجه نرم نموده است این اقدام طالبان را می‌توان به عنوان محدودیت سیستماتیک بر جامعه افغانستان مخصوصاً جامعه هزاره نام‌گذاری کرد.



شکل ۶: عکس از جریان هجوم نیروهای طالبان به دفتر رادیو نسیم (منبع: روزنامه اطلاعات روز)

طالبان در ماه می ۲۰۲۶ «رادیو بامیان» را نیز تعطیل کردند.^{۱۳۴} شبکه تحلیل گران بلاق با استناد به گزارش رسانه‌های معتبر، این رویداد را تأیید کرده و آن را بخشی از محدودیت‌های اعمال‌شده بر رسانه‌های محلی و نهادهای فرهنگی مناطق هزاره‌نشین دانسته است.

در مارچ ۲۰۲۶ نیز فعالیت «تلویزیون راه فردا» متوقف شد. مرکز خبرنگاران افغانستان (Afghanistan Journalists Center) این اقدام و تصرف تجهیزات رسانه را محکوم و آن را مغایر آزادی رسانه‌ها و حق دسترسی شهروندان به اطلاعات توصیف کرد. این رسانه نقش مهمی در پوشش مسائل اجتماعی و فرهنگی، به ویژه موضوعات مرتبط با جامعه هزاره، داشت.^{۱۳۵}

^{۱۳۴} مرکز خبرنگاران افغانستان خواستار بازگشایی فوری رادیو بامیان شد، افغانستان انترنشنال، گزارش ۳۱ ثور ۱۴۰۵
<https://www.afintl.com/202605213412> ؛ طالبان نشرات «رادیو بامیان» را متوقف کردند، اطلاعات روز گزارش ۳۰ ثور ۱۴۰۵ - ۲۰ می ۲۰۲۶
<https://www.etilaatroz.com/253974/stopping-the-broadcasts-of-radio-bamyan> / و سرکوب آزادی بیان؛ طالبان نشرات رادیو بامیان را متوقف کردند، روزنامه هشت صبح، گزارش ۳۰ ثور/اردیبهشت ۱۴۰۵-<https://www.etilaatroz.com/253974/stopping-the-broadcasts-of-radio-bamyan> - May 20, 2026
<https://www.etilaatroz.com/253974/stopping-the-broadcasts-of-radio-bamyan>

^{۱۳۵} مرکز خبرنگاران افغانستان توقف فعالیت «تلویزیون راه فردا» از سوی طالبان را محکوم کرد، روزنامه هشت صبح، گزارش ۱۰ حوت/اسفند ۱۴۰۴ - Mar 1, 2026

در مجموع، مستندات موجود نشان می‌دهد که محدودیت بر آموزش مذهبی، آیین‌های فرهنگی و مذهبی، موسیقی، رسانه‌ها، مراکز فرهنگی و میراث تاریخی، ظرفیت جامعه هزاره برای حفظ و انتقال هویت فرهنگی خود را تضعیف کرده است. بررسی این روند در چارچوب مفهوم نسل‌کشی فرهنگی می‌تواند به درک دقیق‌تر ابعاد این محدودیت‌ها و پیامدهای بلندمدت آن بر حقوق فرهنگی هزاره‌ها کمک کند.

در مجموع، حذف فقه جعفری از بخشی از نظام آموزشی افغانستان، فراتر از یک تغییر آموزشی، به مسئله‌ای مرتبط با آزادی مذهب، حقوق اقلیت‌ها و حفظ هویت فرهنگی جامعه هزاره تبدیل شده و از مهم‌ترین چالش‌های آموزشی این جامعه در سال‌های اخیر به شمار می‌رود.

۳. محدودیت بر کتاب‌ها، نشرات و آثار فرهنگی هزاره‌ها و شیعیان

کتاب، نشرات و آثار مکتوب از مهم‌ترین ابزارهای حفظ حافظه تاریخی، انتقال دانش و تداوم هویت فرهنگی هستند. برای جامعه هزاره و شیعیان، آزادی نشر و دسترسی به منابع مرتبط با تاریخ، مذهب و فرهنگ، بخشی از حقوق فرهنگی و آزادی بیان محسوب می‌شود.^{۱۳۶}

پس از بازگشت طالبان به قدرت در سال ۲۰۲۱، گزارش‌های متعددی از محدودیت بر نشر کتاب، فعالیت ناشران و دسترسی به منابع فکری منتشر شد. این محدودیت‌ها به‌ویژه آثار مرتبط با تاریخ هزاره‌ها، مذهب جعفری و اسماعیلی و روایت‌های متفاوت از تاریخ افغانستان را تحت تأثیر قرار داده است.^{۱۳۷} در مواردی، کتاب‌های مذهبی شیعه و آثار تاریخی هزاره‌ها از برخی کتاب‌فروشی‌ها و مراکز توزیع جمع‌آوری شده یا امکان انتشار و توزیع گسترده نیافته‌اند.

هرچند طالبان در همه موارد سیاست رسمی و مکتوبی اعلام نکرده‌اند، اما فضای ایجادشده موجب خودسانسوری گسترده در میان ناشران و کتاب‌فروشان شده است. بسیاری از آنان برای جلوگیری از برخوردهای احتمالی، از چاپ

^{۱۳۶} <https://8am.media/fa/afghan-journalists-center-condemns-talibans-suspension-of-rah-farda-tv> / منابع: طالبان نشرات رادیو و تلویزیون راه فردا را متوقف کردند، سایت خبری آمو، نویسنده ستاره قدسی، گزارش ۹ حوت، ۱۴۰۴ <https://amu.tv/fa/228748>؛ طالبان شبکه تلویزیونی راه فردا متعلق به محمد محقق را به‌طور موقت بست، افغانستان انترنشنال، گزارش ۹ ثور ۱۴۰۴ <https://www.afintl.com/202504290625>

^{۱۳۷} United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO). UNESCO Universal Declaration on Cultural Diversity. Paris: UNESCO, 2 November 2001. <https://www.unesco.org/en/legal-affairs/unesco-universal-declaration-cultural-diversity>, and United Nations Human Rights Council. Report of the Special Rapporteur in the Field of Cultural Rights. Geneva: United Nations, 2023. <https://www.ohchr.org/en/special-procedures/sr-cultural-rights>

^{۱۳۸} Reporters Without Borders (RSF). Afghanistan: Press Freedom at Its Lowest Point as Taliban Closed 12 Media Outlets in Less Than a Year. Paris: RSF, 2024. <https://rsf.org/en/afghanistan-press-freedom-its-lowest-point-taliban-closed-12-media-outlets-less-year>, and United Nations Assistance Mission in Afghanistan (UNAMA). Human Rights and Fundamental Freedoms in Afghanistan: Public Reporting Cycle. Kabul: UNAMA, 2024. <https://unama.unmissions.org/human-rights>

یکی از مهم‌ترین اقدامات طالبان، صدور دستورالعمل ۱۴ دسامبر ۲۰۲۳ برای جمع‌آوری کتاب‌های مرتبط با فقه جعفری از دانشگاه‌ها، کتابخانه‌ها و برخی مراکز فرهنگی بود. این اقدام با اعتراض پژوهشگران، عالمان دینی، فعالان فرهنگی و نهادهای حقوق بشری روبه‌رو شد. منتقدان این سیاست را فراتر از یک تصمیم آموزشی دانسته و آن را بخشی از روند یکسان‌سازی مذهب و فرهنگ و تضعیف میراث علمی و فرهنگی جامعه شیعه ارزیابی کرده‌اند.^{۱۳۹}

۱۳۹ «شیعه‌ستیزی طالبان: از کتاب‌های ممنوعه در افغانستان چه می‌دانیم؟»، خبرگزاری شفقنا، ۲۱ عرَب ۱۴۰۳، <https://af.shafaqna.com/FA/616793>؛ «ستیز مذهبی طالبان با شیعیان؛ ورود کتاب‌های مذهبی ممنوع است و به شیعیان "مشرک" خطاب می‌شود»، روزنامه هشت‌صبح، ۲۷ سنبله ۱۴۰۳ / ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۴، <https://8am.media/fa/religious-conflict-between-taliban-and-shiites-the-entry-of-religious-books-is-prohibited-and-shiites-are-called-polytheists/>؛ «اقدامات تازه طالبان علیه شیعیان افغانستان؛ جمع‌آوری کتاب درسی فقه جعفری و تلاش برای توقف فعالیت بزرگترین رسانه دینی و حوزه علمیه شیعیان»، خبرگزاری شفقنا افغانستان، ۱۸ خرداد ۱۴۰۳، <https://fa.shafaqna.com/news/1818170/>؛ «دستور طالبان: کتاب‌های مغایر با فقه حنفی را از دانشگاه‌ها جمع کنید»، بی‌بی‌سی فارسی، ۳۰ آذر ۱۴۰۲ / ۲۱ دسامبر ۲۰۲۳، <https://www.bbc.com/persian/articles/cg3d173390vo>؛ «طالبان کتاب‌های «خلاف ارزش‌های اسلامی» را جمع‌آوری می‌کنند»، انفو ماگزین، ۲۰ جنوری ۲۰۲۳

«طالبان»
کتاب‌های مغایر با عقاید اهل سنت و جماعت و فقه حنفی جمع‌آوری شوند»، سایت خبری انتخاب، ۲۰ شهریور ۱۴۰۳
<https://www.entekhab.ir/fa/news/816332/%D8%B7%D8%A7%D9%84%D8%A8%D8%A7%D9%86-%DA%A9%D8-AA%D8%A7%D8%A8%E2%80%8C%D9%87%D8%A7%DB%8C-%D9%85%D8%BA%D8%AF-%D8%A8%D8%AF-%D8%B9%D9%A2%D8%AF%DB%AC%D8%AF-%D8%AF%D9%AF%D9%A->
[%D9%AA-%D8%DD%D9%85%D8%DD%D8%DD-%D9%AA-%D9%A1%D9%A2%D9%A7-%](#)

٧٥

یافته این گزارش نشان می‌دهد که طالبان عملاً در صدد از بین بردن بخش از فرهنگ جامعه افغانستان است، از سانسور بر نشریات و جلوگیری از ورود کتاب‌های مرتبط به مذهب خاص، و یک تاریخ و جامعه خاص این موضوع بیش از هر زمان دیگر برجسته کرده است، در این راستا نظر یک کتابفروش که در ولایت کابل کتابفروشی دارد. محمد حسین جهانگیر (نام مستعار) کتابفروش در مصاحبه با شبکه تحلیل‌گران بلاق می‌گوید:

[illegible]



امارت اسلامی افغانستان
وزارت تحصیلات عالی

د افغانستان اسلامي امارت
د لویو زده کړو وزارت



د دعوت او ارشاد ریاست
عمومي اجراییه مدیریت

نېټه: ۱۴۰۲/۹/۲۳ مطابق: ۱۴۴۵/۵/۳۰

کټه: ۱۱/۹/۱۴۰۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

د لویو زده کړو وزارت اړونده ټولو خصوصي پوهنتونونو او لویو زده کړو موسسو ته !

د دعوت او ارشاد ریاست مسئولینو د پام وړ

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته

الله تعالی مو په ټولو چارو کې بریالي او موافق ولره.

د لویو زده کړو وزارت د دعوت او ارشاد ریاست له لوري تاسې ته هدايت درکول کيږي چې د افغانستان په ټولو خصوصي تحصیلي بنسټونو کې چې څومره کتابخانې دي ټولې تصفيه کړئ. ټول هغه کتابونه چې د حنفي فقهی خلاف، سیاسي او هغه کتابونه چې عقیدوي مشکلات رامنځته کوي له کتابخانو څخه لرې او په ځای نور د نبوي سیرت ښه کتابونه ځای په ځای کړئ البته کوم هغه کتابونه چې تاسو ځای په ځای کوي مخکې نه یې مونږ سره فهرست د کتابونو شریک کړئ.

د خپلو ورسټو اجرائیو څخه بیرته اطمینان راکړئ.

په درنښت

()
شیخ شاکرالله (وحدت)

د دعوت او ارشاد رئیس

کاپي: د خصوصي محصلانو د چارو ریاست
ارایه جمع د ښاغلي
حرفه مری نام حنا ازهرت اکل
مرکب محنا څو خصوصي ریدان ټاکنه
۱۴۴۵/۵/۳۰
۱۱/۹/۱۴۰۲

شکل ۷: مکتوب طالبان برای جمع آوری کتب مرتبط به مذهب جعفری از کتابخانه‌های دانشگاه‌ها، (عکس از شبکه‌های اجتماعی)



امارت اسلامی افغانستان

وزارت معارف

ریاست معارف ولایت بامیان
آمریت تربیه معلم و تعلیمات عمومی
مدیریت عمومی مرکز ساینس

د افغانستان اسلامي امارت

د پوهنې وزارت



گڼه: ۱۵۳۵

☐ ساینس ☐ عاقل ☐ عادی ☐ نظمیتیه ☐ ابلاغیه

نېټه: ۱۴۴۵/ ۱۱ / ۲۷

بسم الله الرحمن الرحيم

به آمریت محترم معارف ولسوالی ورس

السلام علیکم ورحمته الله

موضوع: جمع آوری کتب درسی تعلیم و تربیه اسلامی که از یک فقه تدریس میشود

به تمام مکاتب که شاگردان آن از دوفقه (حنفی و جعفری) شامل بوده و کتب درسی شان از یک فقه میباشد هدایت داده میشود تا کتب مکاتب مذکورالی ختم رسمیات روز پنجشنبه مورخ ۱۴۴۵/۱۱/۲۸ جمع آوری تا اینکه کتب جدید جهت استفاده آموزشی هر دو فقه تهیه و توزیع گردد.
موضوع به شما اخبار شد در زمینه اجراء لازم بدارید.

والسلام

قاری عنایت الله سهار
رئیس معارف بامیان

کاپی به:

آمریت محترم معارف ولسوالی پنجاب

آمریت محترم معارف ولسوالی یکاوونگ ۱

آمریت محترم معارف ولسوالی یکاوونگ ۲

آمریت محترم معارف ولسوالی سیغان

آمریت محترم معارف ولسوالی کهمرد

آمریت محترم معارف ولسوالی شیبیر

شکل ۸: عکس از مکتوب طالبان به خاطر جمع آوری کتب مرتبط به فقه جعفری از مکاتب ولایت بامیان، (منبع عکس: شبکه های اجتماعی)

در کنار کتاب‌ها، رسانه‌های چاپی و دیجیتال نیز با محدودیت‌های گسترده مواجه شده‌اند. بسیاری از رسانه‌هایی که پیش از سال ۲۰۲۱ به موضوعات فرهنگی، تاریخی و اجتماعی هزاره‌ها می‌پرداختند، تعطیل شده یا فعالیت آنان به شدت محدود شده است. همچنین گزارش‌هایی از سانسور یا حذف مطالب مرتبط با تاریخ اقوام، تنوع مذهبی و هویت‌های فرهنگی منتشر شده که به کاهش تنوع روایت‌های فرهنگی در فضای عمومی انجامیده است. نمونه‌های تعطیلی رسانه‌های مرتبط با جامعه هزاره و شیعیان در بخش پیشین این گزارش بررسی شد.^{۱۴۱}

در مناطق هزاره‌نشین نیز گزارش‌هایی از محدود شدن دسترسی به کتاب‌های مرتبط با تاریخ هزاره‌ها، آثار نویسندگان شیعه و منابع آموزشی مذهبی منتشر شده است؛ وضعیتی که می‌تواند آگاهی تاریخی و فرهنگی نسل جوان را تحت تأثیر قرار دهد.^{۱۴۲}

یافته‌های این تحقیق نشان می‌دهد که محدودیت‌ها بر نشر آثار و کتاب‌های مرتبط با تاریخ هزاره‌ها، آثار نویسندگان شیعه و واردات کتب فقه مرتبط به فقه جعفری از سایر کشورها ممنوع اعلام شده است، در راستا شبکه تحلیل‌گران بلاق با چند کتاب فروشی در شهر هرات مصاحبه نموده و دیدگاه این قشر از جامعه را گرفته است، آن‌ها بیان می‌کنند که محدودیت بر کتاب‌ها فقه و تاریخ مرتبط به هزاره عملاً اجرا شده و در موارد از سطح کتاب فروشی‌های شهر هرات جمع‌آوری شده است، یکی از این کتاب‌فروشان که نخواست نامش در گزارش ذکر شود می‌گوید:

برادر این کار طالبان در حقیقت تنوع فرهنگی و اجتماعی مردم افغانستان به ویژه هرات را لطمه زده است، و این کار طالبان در حقیقت مبارزه علیه مذهب خاص و تاریخ خاص و جغرافیای خاص صورت می‌گیرد، طالبان هر کتابی که با دیدگاه این گروه نزدیک نباشد را مخالف اسلام تلقی می‌کند، حتی کتب فلسفه و کتاب‌های قصه‌های عاشقانه نیز توسط طالبان جمع‌آوری می‌شود، طالبان بشدت بر فروش کتاب‌ها نظارت دارد و ما از ترس طالبان نمی‌توانیم کتاب‌های که مشتری بیشتر دارد را بفروشیم این کار بازار کتاب فروشی را بشدت تحت تأثیر قرار داده است، طالبان با این کار عملاً به جنگ فرهنگ مردم کشور رفته است.^{۱۴۳}

^{۱۴۱} Committee to Protect Journalists (CPJ). Afghanistan. New York: Committee to Protect Journalists, 2023–2025, and Human Rights Watch. Afghanistan: Freedom of Expression under Taliban Rule. New York: Human Rights Watch, 2023–2025. <https://www.hrw.org/asia/afghanistan>
United Nations Assistance Mission in Afghanistan (UNAMA). Human Rights and Fundamental Freedoms in Afghanistan: Public Reporting Cycle. Kabul: UNAMA, 2024. <https://unama.unmissions.org/human-rights>, and United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO). Culture in Afghanistan. UNESCO Kabul Office, 2023–2025. <https://www.unesco.org/en/fieldoffice/kabul/expertise/culture>

^{۱۴۲} Amnesty International. Afghanistan 2024. In The State of the World's Human Rights. London: Amnesty International,

۲۰۲۴. <https://www.amnesty.org/en/documents/afg/2024/01/01/>

^{۱۴۳} مصاحبه شبکه تحلیل‌گران بلاق با کتاب فروش سطح شهر هرات که نخواست نامش در آن حتی بشكل مستعار ذکر شود، تاریخ مصاحبه اپریل ۲۰۲۶

از منظر حقوق بین‌الملل، حق دسترسی آزاد به اطلاعات، کتاب و مشارکت در زندگی فرهنگی در اسناد بین‌المللی حقوق بشر به رسمیت شناخته شده است. از این رو، محدودیت نظام‌مند بر انتشار یا دسترسی به آثار فرهنگی و مذهبی یک گروه، می‌تواند با حقوق فرهنگی و آزادی بیان اقلیت‌ها در تعارض باشد.^{۱۴۴}

با توجه به اهمیت کتاب و نشر در حفظ هویت فرهنگی هزاره‌ها، محدودیت در این حوزه می‌تواند پیامدهای بلند مدتی داشته باشد. کاهش تولید و توزیع آثار مرتبط با تاریخ، مذهب و فرهنگ این جامعه، به تدریج می‌تواند به تضعیف حافظه تاریخی و کاهش حضور فرهنگی آن در فضای عمومی منجر شود.^{۱۴۵} این مسئله به‌ویژه برای نسل جوان که بخش عمده شناخت خود از هویت فرهنگی را از طریق آموزش و کتاب به دست می‌آورد، اهمیت بیشتری دارد.

در مجموع، محدودیت بر کتاب‌ها، نشرات و آثار فرهنگی پس از سال ۲۰۲۱، بخشی از سیاست گسترده تر کنترل فضای فرهنگی افغانستان بوده است. این روند، به‌ویژه برای جامعه هزاره و شیعیان، موجب کاهش امکان حفظ و انتقال تاریخ، مذهب و هویت فرهنگی شده و نگرانی‌هایی جدی درباره تضعیف حافظه تاریخی و میراث فرهنگی این جامعه ایجاد کرده است.

شبکه تحلیل گران بلاق نظر داکتر محمد مسکن کاوی یکی از بنیان‌گذاران شورای سراسری هزاره‌های اهل سنت را راجع به محدودیت بر کتاب‌های مرتبط به هزاره‌ها و مذاهب داخل این گروه پرسیده است. ایشان می‌گوید:

این محدودیت را می‌توان به عنوان نسل زدایی فرهنگی دسته بندی نمود، وقتی ما نتوانیم کتاب‌های تاریخی و فرهنگی خود را بخوانیم چگونه از گذشته، تاریخ و فرهنگ خود باخبر شویم و چگونه آنرا زنده نگهداریم، این کار طالبان در حقیقت دور کردن مردم از هویت اصلی آن است که این تفکر در جامعه پشتون خریدار دارد، زیر ادامه دهنده همان ناسوسیالیزم پشتونی با شعار افغانیت و اسلامیت است، که سایر اقوام کشور مخصوصاً اقوام فعال در حوزه زبان فارسی به شمول تاجکان، هزاره‌ها را هدف قرار داده است نمونه آن حذف زبان فارسی از ادارات دولتی و تابلوهای دانشگاه‌ها و غیره میباشد اما قصه هزاره‌ها بشدت متفاوت است، چرا که قشر بزرگ از جامعه هزاره پیرو فقه جعفری و اسماعیلی مذهب است که این محدودیت‌ها بر پیروان این مذاهب خود جلوگیری از فعالیت‌های مذهبی، و فرهنگی این

^{۱۴۴} UNESCO. Recommendation concerning the Preservation of, and Access to, Documentary Heritage Including in Digital Form. Paris: UNESCO, 2015. <https://www.unesco.org/en/legal-affairs/recommendation-concerning-preservation-and-access-documentary-heritage-including>, and United Nations Human Rights Council. Report of the Special Rapporteur in the Field of Cultural Rights. Geneva: United Nations, 2023. <https://www.ohchr.org/en/special-procedures/sr-cultural-rights>

^{۱۴۵} Bennett, Richard. Situation of Human Rights in Afghanistan: Report of the Special Rapporteur on the Situation of Human Rights in Afghanistan. UN Human Rights Council, A/HRC/55/80, February 23, 2024. <https://digitallibrary.un.org/record/4045185>, and PEN International. Reports on Freedom of Expression and Publishing. London: PEN International, 2024. <https://www.pen-international.org/reports>

قشر بزرگ از جامعه است، این کار مخالفت صریح طالبان با تنوع فرهنگی افغانستان و نادیده گرفتن بخش بزرگ از جامعه افغانستان است، که این را می‌توان با نسل‌زدایی فرهنگی برابر دانست^{۱۴۶}

۴. محدودیت بر مراسم مذهبی

مراسم مذهبی در جوامع شیعه، به‌ویژه در میان هزاره‌های افغانستان، تنها یک عمل عبادی فردی نیست، بلکه بخشی مهم از هویت جمعی، حافظه تاریخی و انسجام اجتماعی این جامعه محسوب می‌شود. آیین‌هایی مانند محرم، عاشورا، اربعین، مجالس روضه‌خوانی، مراسم سوگواری و گردهمایی‌های مذهبی، علاوه بر بعد دینی، نقش مهمی در بازتولید فرهنگ، انتقال ارزش‌ها و تقویت همبستگی اجتماعی دارند^{۱۴۷}. از این منظر، هرگونه محدودیت بر این مراسم می‌تواند پیامدهایی فراتر از حوزه دین داشته و به طور مستقیم بر حیات فرهنگی یک جامعه اثر بگذارد.

پس از بازگشت طالبان به قدرت در سال ۲۰۲۱، گزارش‌ها و نگرانی‌های متعددی درباره تغییر فضای برگزاری مراسم مذهبی شیعیان در افغانستان منتشر شد. اگرچه طالبان در برخی بیانیه‌های رسمی اعلام کرده‌اند که آزادی مذهبی را برای همه شهروندان تضمین می‌کنند، اما در عمل گزارش‌های متعددی از محدودیت‌ها، نظارت‌ها و مداخلات در برگزاری برخی مراسم مذهبی، به ویژه در مناطق شیعه‌نشین، ارائه شده است^{۱۴۸}.

یکی از مهم‌ترین موضوعات مطرح شده، محدودیت‌های غیرمستقیم بر برگزاری مراسم محرم در برخی مناطق بوده است. این محدودیت‌ها در برخی موارد به شکل اعمال شرایط امنیتی سخت‌گیرانه، محدود کردن مسیرهای عزاداری، کاهش امکان تجمعات بزرگ و نظارت بر محتوای سخنرانی‌ها و شعارهای مذهبی گزارش شده است^{۱۴۹}. هرچند میزان و شدت این محدودیت‌ها در مناطق مختلف یکسان نبوده، اما در مجموع باعث ایجاد نوعی فضای احتیاط و محدودیت در برگزاری آزادانه مراسم شده است.

^{۱۴۶} مصاحبه شبکه تحلیگران بلق با محترم محمد مسکن کاوی یکی از بنیان‌گذاران شورای سراسری هزاره‌های اهل سنت افغانستان، تاریخ مصاحبه اول جون ۲۰۲۶

^{۱۴۷} United Nations Assistance Mission in Afghanistan (UNAMA). Human Rights Situation in Afghanistan: February–April 2024 Update. Kabul: UNAMA, 2024. <https://unama.unmissions.org/human-rights>, and United Nations General Assembly. Declaration on the Rights of Persons Belonging to National or Ethnic, Religious and Linguistic Minorities. Resolution 47/135, December 18, 1992. <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/declaration-rights-persons-belonging-national-or-ethnic>

^{۱۴۸} United Nations Human Rights Council. Bennett, Richard. Situation of Human Rights in Afghanistan: Report of the Special Rapporteur on the Situation of Human Rights in Afghanistan. A/HRC/55/80. Geneva: United Nations, February ۲۰۲۴. <https://digitallibrary.un.org/record/4045185>, and United States Department of State. 2023 Report on International Religious Freedom: Afghanistan. Washington, DC: U.S. Department of State, 2024. <https://www.state.gov/reports/2023-report-on-international-religious-freedom/afghanistan/>

^{۱۴۹} Center for information resilience. “Reports on Ashura and Muharram Restrictions in Afghanistan.” <https://www.info-res.org/afghan-witness/reports/restrictions-on-shias-during-muharram/>, United Nations Assistance Mission in Afghanistan (UNAMA). Human Rights Situation in Afghanistan: February–April 2024 Update. Kabul: UNAMA, ۲۰۲۴. <https://unama.unmissions.org/human-rights>

در برخی گزارش‌ها همچنین به مداخلات اداری در نحوه برگزاری مراسم مذهبی اشاره شده است؛ از جمله الزام به هماهنگی قبلی برای برگزاری تجمعات مذهبی یا اعمال محدودیت بر استفاده از بلندگوها و فضاها عمومی. این نوع مداخلات، حتی در صورتی که با هدف تأمین امنیت انجام شوند، می‌توانند بر ماهیت آزاد و مردمی این مراسم تأثیر بگذارند و فضای دینی را به یک فضای کنترل شده تبدیل کنند.^{۱۵۰}

شبکه تحلیل گران بلای با هیأت امنای چندین مسجد در غرب کابل و سایر ولایات صحبت کرده است و دیدگاه آن‌ها را راجع به محدودیت‌های بر مراسم مذهبی از جمله عاشورا، اربعین، عید غدیر، نمازهای عیدین، و حتی نمازهای جمعه و سالگرد شهادت استاد عبدالعلی مزاری رهبر فقید حزب وحدت اسلامی افغانستان، تولد امام زمان، ولادت امام علی و شب‌های قدر و غیره موارد را جویا شده است. در مجموع تمام این هیأت‌امنا از محدودیت شدید بر مراسم مذهبی توسط طالبان شاکی بوده است، به‌طور نمونه یکی از هیأت‌امنا غرب کابل می‌گوید که طالبان نمادهای عاشورایی را جمع‌آوری نموده و از ورود دسته‌های سینه‌زنی در سطح شهر به شدت جلوگیری کرده و در مواردی حتی مداحان و هیئت‌امنا را مجبور به گرفتن مجوز کرده است کاری که قبلاً در افغانستان اصلاً سابقه نداشته است، او می‌گوید:

طالبان از اول محرم به تمام مساجد به شکل شفاهی دستور داده بود که سقاخانه‌های شهر را نگذارند برگزار شود، دسته‌های سینه زنی نباید در سطح شهر حضور پیدا کند، و مراسم عزاداری بعد از ۹ شب باید متوقف گردد، طالبان دکانداران که بیرق عاشورایی را در دروازه‌های دکان‌هایشان نصب کرده بودند بازداشت کردند، و نیز بسیار از مساجد را اصلاً اجازه نداد تا در آن مراسم عزاداری برگزار شود، راجع به نماز عید فطر طالبان روز عید فطر را بر خلاف دیگر کشورهای اسلامی اعلام نمودند در روز عید فطر بسیار از پیروان فقه جعفری بخاطر ثابت نشدن حلال ماه روزه داشتند ولی طالبان افراد در سطح شهر را مجبور کردند تا روزه‌شان را فطار کند و به زور نماز عید را سر مردم خواند، ولی فردا تمام مساجد را بست و کسی را اجازه نداد که نماز عید را بخواند، طالبان جشن تولد امام علی و روز پدر را حرام اعلام نموده نمی‌گذارد مردم به شکل علنی آن را جشن بگیرد، تولد امام زمان هم به همین قسم و صدها مراسم دیگر از جمله شهادت استاد مزاری را اصلاً اجازه برگزاری نمی‌دهد، در روز شهادت استاد مزاری مناطق هزاره‌نشین عملاً شکل نظامی به خود می‌گیرد.^{۱۵۱}

در جامعه هزاره، مراسم مذهبی به ویژه در ماه محرم، نه تنها یک آیین دینی، بلکه یک رویداد فرهنگی گسترده است که شامل عناصر مختلفی مانند نوحه خوانی، شعر مذهبی، موسیقی آیینی، پوشش سنتی، و گردهمایی‌های اجتماعی

^{۱۵۰} United States Commission on International Religious Freedom (USCIRF). Afghanistan Country Update. Washington, DC: USCIRF, 2023. <https://www.uscifr.gov/countries/afghanistan>, and United Nations. International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR). New York: United Nations, 1966, art. 18. <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/international-covenant-civil-and-political-rights>

^{۱۵۱} مصاحبه با یکی از هیئت‌امنا مسجد در غرب کابل. تاریخ مصاحبه سیزدهم محرم الحرام سه روز بعد از عاشورا ۲۰۲۶

می‌شود. بنابراین، هرگونه محدودیت بر این مراسم، به طور مستقیم بر مجموعه‌ای از عناصر فرهنگی تأثیر می‌گذارد و می‌تواند به کاهش حضور عمومی فرهنگ شیعی در فضای اجتماعی منجر شود.^{۱۵۲}

یکی دیگر از نگرانی‌های مطرح شده، فضای عمومی پیرامون شعائر مذهبی شیعیان است. در برخی مناطق، گزارش‌هایی از محدودیت در نصب نمادهای مذهبی، پرچم‌ها یا نشانه‌های مربوط به مناسبت‌های دینی منتشر شده است. این اقدامات، اگرچه ممکن است در چارچوب ملاحظات امنیتی یا نظم عمومی توجیه شوند، اما در سطح اجتماعی می‌توانند احساس محدودیت فرهنگی و مذهبی را تقویت کنند.^{۱۵۳}

از منظر اجتماعی، کاهش فضای آزاد برای برگزاری مراسم مذهبی می‌تواند پیامدهای روانی و هویتی نیز داشته باشد. در جوامعی که هویت دینی و فرهنگی به طور عمیق با مراسم جمعی گره خورده است، محدود شدن این مراسم ممکن است به احساس به حاشیه رانی، کاهش دیده شدن اجتماعی و تضعیف حس تعلق جمعی منجر شود.^{۱۵۴} این مسئله به ویژه در میان جوانان اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، زیرا بخش مهمی از هویت فرهنگی آنان از طریق مشارکت در این آیین‌ها شکل می‌گیرد.

در سطح حقوق بین‌الملل، آزادی دین و برگزاری مراسم مذهبی یکی از حقوق بنیادین بشر به شمار می‌رود. بر اساس اسناد بین‌المللی حقوق بشر، از جمله میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، هر فرد حق دارد آزادانه در مراسم مذهبی خود شرکت کند و آیین‌های دینی خود را به صورت جمعی یا فردی برگزار نماید.^{۱۵۵} در این چارچوب، هرگونه محدودیت غیرضروری یا تبعیض آمیز بر شعائر مذهبی می‌تواند با اصول حقوق بشر در تعارض قرار گیرد.

^{۱۵۲} BBC Persian. «نگرانی شیعیان افغانستان از محدودیت‌های مراسم محرم پس از بازگشت طالبان». BBC News Persian, August 2022.

<https://www.bbc.com/persian/articles/c3gdpy5wxwo>, and <https://www.bbc.com/persian/articles/cld9l59dyzwo>
Amu TV, Taliban limits Muharram rituals to three days, imposes unprecedented restrictions, Report by Hasiba Atakpal July ۱۰, ۲۰۲۴. <https://www.amutv.af/news/۱۰۹۴۵۰/>

^{۱۵۳} Human Rights Watch. Afghanistan: Taliban Policies Continue to Restrict Fundamental Freedoms. New York: Human Rights Watch, 2023. <https://www.hrw.org/asia/afghanistan>, and Center for information resilience. "Reports on Ashura and Muharram Restrictions in Afghanistan." <https://www.info-res.org/afghan-witness/reports/restrictions-on-shias-during-muharram/>

^{۱۵۴} United Nations General Assembly. Declaration on the Rights of Persons Belonging to National or Ethnic, Religious and Linguistic Minorities. Resolution 47/135, December 18, 1992. <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/declaration-rights-persons-belonging-national-or-ethnic>, and United Nations. International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR). New York: United Nations, 1966, art. 18. <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/international-covenant-civil-and-political-rights>

^{۱۵۵} United Nations General Assembly. Declaration on the Rights of Persons Belonging to National or Ethnic, Religious and Linguistic Minorities. Resolution 47/135, December 18, 1992. <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/declaration-rights-persons-belonging-national-or-ethnic>

در مورد شیعیان افغانستان، این مسئله به طور مستقیم با هویت فرهنگی جامعه هزاره نیز ارتباط دارد. زیرا بسیاری از آیین‌های مذهبی شیعیان در افغانستان به شکل تاریخی با فرهنگ هزاره‌ها پیوند خورده و بخشی از میراث ناملموس فرهنگی این جامعه محسوب می‌شود. بنابراین، محدودیت بر مراسم مذهبی، هم زمان به معنای محدودیت بر بخشی از فرهنگ و سنت‌های اجتماعی این جامعه نیز هست^{۱۵۶}.

در کنار محدودیت‌های مستقیم، برخی تغییرات در فضای عمومی نیز بر کیفیت برگزاری مراسم مذهبی تأثیر گذاشته است. کاهش فعالیت نهادهای فرهنگی مستقل، مهاجرت بخشی از فعالان مذهبی و فرهنگی، و افزایش فضای نظارتی بر تجمعات عمومی، همگی عواملی هستند که به طور غیرمستقیم بر نحوه برگزاری این مراسم اثر گذاشته‌اند^{۱۵۷}.

در مجموع، وضعیت مراسم مذهبی شیعیان در افغانستان پس از سال ۲۰۲۱ را می‌توان بخشی از روند گسترده تر مدیریت و کنترل فضای عمومی فرهنگی و دینی دانست. اگرچه این محدودیت‌ها در همه مناطق و به یک شکل اعمال نشده‌اند، اما مجموعه شواهد نشان می‌دهد که فضای برگزاری آزادانه و گسترده این مراسم نسبت به دوره‌های پیشین محدودتر شده است.

برای جامعه هزاره، که بخش مهمی از هویت فرهنگی و اجتماعی خود را در بستر این آیین‌ها بازتولید می‌کند، این تغییرات می‌تواند پیامدهای عمیق‌تری داشته باشد. از این رو، بررسی این موضوع در کنار سایر ابعاد فرهنگی، برای درک کامل وضعیت فرهنگی این جامعه در دوره حاکمیت طالبان ضروری است.

۵. ممنوعیت موسیقی و نابودی هنر؛ تأثیرات آن بر فرهنگ هزاره‌ها

موسیقی و هنرهای نمایشی از مهم‌ترین عناصر فرهنگ زنده هر جامعه به شمار می‌روند. این عناصر نه تنها جنبه سرگرمی دارند، بلکه حامل حافظه تاریخی، احساسات جمعی، روایت‌های اجتماعی و هویت فرهنگی یک قوم یا ملت نیز هستند. در جوامعی مانند هزاره‌ها، موسیقی محلی، آوازهای فولکلور، اشعار آیینی و هنرهای سنتی بخشی

^{۱۵۶} BBC Persian. «انگرانی شیعیان افغانستان از محدودیت‌های مراسم محرم پس از بازگشت طالبان». BBC News Persian, August 2022.

<https://www.bbc.com/persian/articles/c3gdpky5wxwo>, and <https://www.bbc.com/persian/articles/cld9l59dyzwo>
Amu TV, Taliban limits Muharram rituals to three days, imposes unprecedented restrictions, Report by Hasiba Atakpal
July 10, 2024 <https://amu.tv/109450/>

^{۱۵۷} United Nations Human Rights Council. Bennett, Richard. Situation of Human Rights in Afghanistan: Report of the Special Rapporteur on the Situation of Human Rights in Afghanistan. A/HRC/55/80. Geneva: United Nations, February ۲۰۲۴. <https://digitallibrary.un.org/record/۴۰۴۵۱۸۵>, and United Nations. International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR). New York: United Nations, 1966, art. 18. <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/international-covenant-civil-and-political-rights>

جدایی ناپذیر از زندگی اجتماعی و مناسبت‌های مذهبی و فرهنگی محسوب می‌شود.^{۱۵۸} از این منظر، هرگونه محدودیت بر موسیقی و هنر می‌تواند پیامدهای عمیق فرهنگی و هویتی در پی داشته باشد.

پس از بازگشت طالبان به قدرت در سال ۲۰۲۱، یکی از نخستین حوزه‌هایی که با محدودیت‌های جدی مواجه شد، حوزه موسیقی و هنر بود. در بسیاری از مناطق افغانستان، فعالیت‌های مرتبط با موسیقی، آموزش موسیقی، اجرای کنسرت‌ها و برگزاری محافل هنری به طور گسترده متوقف یا محدود شد.^{۱۵۹} این سیاست، در چارچوب برداشت ایدئولوژیک طالبان از هنر و موسیقی، به عنوان بخشی از نظم فرهنگی جدید در کشور اعمال گردید.

در عمل، گزارش‌های متعدد از توقف فعالیت مراکز آموزشی موسیقی، بسته شدن یا تعطیلی استودیوهای موسیقی، و کاهش شدید فرصت‌های کاری برای هنرمندان منتشر شده است. بسیاری از موسیقی‌دانان، خوانندگان و هنرمندان برای ادامه فعالیت حرفه‌ای خود مجبور به ترک کشور یا تغییر شغل شده‌اند.^{۱۶۰} این روند به کاهش چشمگیر تولید هنری در کشور منجر شده است.

در جامعه هزاره، موسیقی جایگاه ویژه‌ای دارد. موسیقی محلی هزاره‌ها شامل آوازهای سنتی، نغمه‌های عاشقانه، اشعار حماسی، و موسیقی آیینی است که در مراسم عروسی، جشن‌ها، گردهمایی‌های اجتماعی و برخی مناسبت‌های مذهبی اجرا می‌شود. این موسیقی نه تنها بیانگر احساسات فردی، بلکه بازتاب دهنده تاریخ، رنج‌ها، مقاومت و هویت

^{۱۵۸} Freemuse. Afghanistan: Severe Violations of Artistic Freedom after Taliban Takeover. Copenhagen: Freemuse, 2022. <https://www.freemuse.org/wp-content/uploads/2023/02/saf-report-2022.pdf>, and <https://freemuse.org/news/afghanistan-severe-violations-of-artistic-freedom-after-taliban-takeover/>, and Mousavi, Sayed Askar. The Hazaras of Afghanistan: An Historical, Cultural, Economic and Political Study. Richmond: Curzon Press, 1998, 129–156.

^{۱۵۹} Amnesty International. Death in Slow Motion: Women and Girls under Taliban Rule. London: Amnesty International, ۲۰۲۳. <https://www.amnesty.org/en/documents/asa11/6784/2023/en/>, and Bennett, Richard. Situation of Human Rights in Afghanistan: Report of the Special Rapporteur on the Situation of Human Rights in Afghanistan. A/HRC/55/80. Geneva: United Nations Human Rights Council, 2024. <https://digitallibrary.un.org/record/4045185>

^{۱۶۰} UNESCO. ReShaping Policies for Creativity: Addressing Culture as a Global Public Good. Paris: UNESCO, 2024. <https://www.unesco.org/creativity/en/global-report-2024>, and BBC News. “Afghanistan's Musicians Face Uncertain Future under Taliban.” BBC News, 31 July 2023 Kelly Ng. <https://www.bbc.com/news/world-asia-66357611>, and <https://www.bbc.com/news/world-asia-58277463> Afghanistan's Musicians Face Uncertain Future under Taliban bbc 2021, https://video.search.yahoo.com/search/video;_ylt=AwrgLhndtERqYQIACC9XNyoA;_ylu=Y29sbwNncTEEcG9zAzlEdnRpZAMeC2VjA3Nj?type=E210US91215G0&p=Afghanistan%27s+Musicians+Face+Uncertain+Future+under+Taliban+bbc+2021&fr=mcafee&turl=https%3A%2F%2Ftse4.mm.bing.net%2Fth%2Fid%2FOVP.-a2eh6WvzW1nrNrvSxsmgHgFo%3Fpid%3DApi%26w%3D296%26h%3D156%26c%3D7%26p%3D0&rurl=https%3A%2F%2Fwww.youtube.com%2Fwatch%3Fv%3DTEAkW1s4GOA&tit=Keeping+music+alive+under+the+Taliban+-+BBC+World+Service&pos=01&vid=4c92bfd408c1e94793907889a4c86934&sigr=rhaDdlAZpw98&sig=WK4YYI.Ne65X&sigi=_QzAGhtZwyWN

جمعی این جامعه است. به همین دلیل، محدودیت بر موسیقی در عمل به معنای محدود کردن یکی از مهم‌ترین ابزارهای بیان فرهنگی هزاره‌ها محسوب می‌شود.^{۱۶۱}

یکی از پیامدهای مستقیم محدودیت بر موسیقی، توقف یا کاهش شدید برگزاری محافل هنری در مناطق هزاره‌نشین بوده است. پیش از سال ۲۰۲۱، بامیان و برخی دیگر از مناطق مرکزی افغانستان شاهد برگزاری جشنواره‌های فرهنگی، برنامه‌های هنری و محافل موسیقی محلی بودند. این برنامه‌ها نقش مهمی در حفظ و ترویج فرهنگ هزاره‌ها داشتند. با تغییر فضای سیاسی، بسیاری از این فعالیت‌ها متوقف شده یا به شکل غیررسمی و محدود ادامه یافته‌اند.^{۱۶۲}

سیما نوری در مصاحبه با شبکه تحلیل‌گران بلاق، محدودیت‌ها بر موسیقی را این گونه ارزیابی می‌کند:

موسیقی بخش از هویت مردم ما است، مثلاً نواختن دمبوره، نی، دف «دایره»، دیدو، بلی، شعر خوانی در شب چهارده پال، بخش از جدای ناپذیر فرهنگ ما است که متأسفانه طالبان همه شان را ممنوع و حرام اعلام نموده است، این کار باعث شده است که مردم ما از فرهنگ خود قبل نیز دست‌خوش سانسور و محدودیت بود بیش از پیش دور شده و این بزرگ‌ترین خطر برای مردم ما است، چرا که زنده نگه‌داشتن این بخش از فرهنگ ریسک بالایی دارد که تحت حاکمیت طالبان باید آنرا نگه‌داریم، هنرمندان ما خانه نشین شدن، اکثر شان راه‌های مهاجرت را در پیش گرفته‌اند، این شرایط و محدودیت را می‌توان نسل‌زدایی فرهنگی از جانب طالبان عنوان کرد.^{۱۶۳}

از منظر فرهنگی، حذف یا محدودسازی موسیقی تنها به معنای از بین رفتن یک هنر نیست، بلکه به معنای تضعیف یکی از مهم‌ترین ابزارهای انتقال حافظه جمعی است. موسیقی در جوامع سنتی نقش مهمی در انتقال داستان‌های تاریخی، ارزش‌های اجتماعی و تجربه‌های جمعی دارد.^{۱۶۴} در نبود این ابزار، بخشی از حافظه فرهنگی به تدریج کمرنگ می‌شود یا امکان انتقال طبیعی خود را از دست می‌دهد.

^{۱۶۱} Freemuse. Afghanistan: Severe Violations of Artistic Freedom after Taliban Takeover. Copenhagen: Freemuse, 2022. <https://www.freemuse.org/wp-content/uploads/2023/02/saf-report-2022.pdf>, and <https://freemuse.org/news/afghanistan-severe-violations-of-artistic-freedom-after-taliban-takeover/>, and The Guardian. "Afghan Musicians Flee Taliban Crackdown on Music." The Guardian, January 14, 2022. <https://www.theguardian.com/global-development/2023/aug/15/when-the-music-stops-how-the-talibans-fear-of-art-is-killing-afghan-culture>, and the new York times Musicians Flee Afghanistan, Fearing Taliban Rule, Published Oct. 3, 2021 Updated June 23, 2023

^{۱۶۲} UNESCO. Safeguarding Intangible Cultural Heritage in Afghanistan. Paris: UNESCO, 2023. <https://www.unesco.org/en/intangible-cultural-heritage/afghanistan>, and Amnesty International. Death in Slow Motion: Women and Girls under Taliban Rule. London: Amnesty International, 2023. <https://www.amnesty.org/en/documents/asa11/6784/2023/en/>

^{۱۶۳} مصاحبه شبکه تحلیل‌گران بلاق با بانو سیما نوری فعال حقوق بشر، تاریخ مصاحبه ماه می ۲۰۲۶

^{۱۶۴} Human Rights Watch. "Afghanistan: Taliban Intensify Assault on Freedom of Expression." New York: Human Rights Watch, March 25, 2022. <https://www.hrw.org/news/2022/03/25/afghanistan-taliban-intensify-assault-freedom-expression>, Index on censorship "Afghan Musicians Silenced after Taliban Return." Report, Feb 06, 2022. <https://www.indexoncensorship.org/2025/02/afghanistan-taliban-music-banned-musicians-exile-silent/>

در کنار موسیقی، سایر اشکال هنرهای نمایشی نیز با محدودیت مواجه شده‌اند. تئاتر، نمایش‌های فرهنگی، جشنواره‌های هنری و برنامه‌های عمومی فرهنگی در بسیاری از مناطق کاهش یافته یا متوقف شده‌اند. این وضعیت به کاهش فضای عمومی برای بیان فرهنگی و هنری منجر شده و فرصت‌های مشارکت فرهنگی را برای بسیاری از شهروندان محدود کرده است.^{۱۶۵}

برای هنرمندان هزاره، این محدودیت‌ها پیامدهای دوگانه داشته است. از یک سو، کاهش فضای فعالیت هنری در داخل کشور و از سوی دیگر، افزایش روند مهاجرت فرهنگی. بسیاری از هنرمندان، به ویژه جوانان، برای ادامه فعالیت خود به کشورهای دیگر مهاجرت کرده‌اند.^{۱۶۶} این مهاجرت گسترده، که می‌توان آن را نوعی «خروج سرمایه فرهنگی» نیز دانست، باعث تضعیف ظرفیت تولید هنری در داخل جامعه شده است.

یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که طالبان عملاً پخش و تولید موسیقی، حتی شنیدن آن را ممنوع اعلام نموده و آنرا خلاف ارزش‌های اسلامی می‌داند، این کار طالبان از نظر فعالان حقوق بشر مبارزه علیه فرهنگ مردم افغانستان است که در حقیقت حذف و سانسور فرهنگی طالبان مخصوصاً در جامعه هزاره منجر از بین رفتن موسیقی فلکور (موسیقی محلی) خواهد شد، در سطح اجتماعی، حذف یا محدودسازی موسیقی می‌تواند پیامدهای روانی نیز به همراه داشته باشد. موسیقی در بسیاری از جوامع نقش مهمی در کاهش فشارهای روانی، ایجاد امید اجتماعی و تقویت همبستگی جمعی دارد. در جوامعی که با بحران‌های سیاسی و اجتماعی مواجه هستند، هنر می‌تواند نقش مهمی در حفظ تعادل روانی و اجتماعی ایفا کند. محدود شدن این فضا ممکن است به افزایش احساس فشار اجتماعی و کاهش فرصت‌های بیان سالم احساسات منجر شود.^{۱۶۷}

^{۱۶۵} United Nations. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights. New York: United Nations, 1966,

Articles 13 and 15. <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/international-covenant-economic-social-and-cultural-rights>, and Amnesty International. Death in Slow Motion: Women and Girls under Taliban Rule.

London: Amnesty International, 2023. <https://www.amnesty.org/en/documents/asa11/6784/2023/en/>

^{۱۶۶} Freemuse. The State of Artistic Freedom 2023: Afghanistan Chapter. Copenhagen: Freemuse, 2023.

<https://freemuse.org/>, and BBC News. "Afghanistan's Musicians Face Uncertain Future under Taliban." BBC News, 31 July 2023 Kelly Ng. <https://www.bbc.com/news/world-asia-66357611>, and <https://www.bbc.com/news/world-asia-58277463>, and Afghanistan's Musicians Face Uncertain Future under Taliban bbc 2021 https://video.search.yahoo.com/search/video;_ylt=AwrgLhndtERqYQIACC9XNyoA;_ylu=Y29sbwNncTEEcG9zAzlEdnRpZAMec2VjA3Nj?type=E210US91215G0&p=Afghanistan%27s+Musicians+Face+Uncertain+Future+under+Taliban+bbc+2021&fr=mcafee&turl=https%3A%2F%2Ftse4.mm.bing.net%2Fth%2Fid%2FQOVP-a2eh6WvzW1nrNrrvSxsmgHgFo%3Fpid%3DApi%26w%3D296%26h%3D156%26c%3D7%26p%3D0&rurl=https%3A%2F%2Fwww.youtube.com%2Fwatch%3Fv%3DTEAkW1s4GOA&tit=Keeping+music+alive+under+the+Taliban+-+BBC+World+Service&pos=01&vid=4c92bfd408c1e94793907889a4c86934&sig=rhaDdlAZpw98&sig=WK4YYI.Ne65X&sigi=QzAGhtZwyWN

^{۱۶۷} Human Rights Watch. "Afghanistan: Taliban Intensify Assault on Freedom of Expression." New York: Human Rights

Watch, March 25, 2022. <https://www.hrw.org/news/2022/03/25/afghanistan-taliban-intensify-assault-freedom-expression>, and Freemuse. The State of Artistic Freedom 2023: Afghanistan Chapter. Copenhagen: Freemuse, 2023. <https://freemuse.org/>

از منظر حقوق فرهنگی، آزادی بیان هنری بخشی از حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شود. اسناد بین‌المللی حقوق بشر بر حق افراد برای مشارکت در زندگی فرهنگی، بیان هنری و دسترسی به هنر تأکید دارند. در این چارچوب، محدودیت گسترده بر موسیقی و هنر، به ویژه زمانی که به صورت ساختاری و سراسری اعمال شود، می‌تواند پرسش‌هایی جدی درباره رعایت حقوق فرهنگی شهروندان ایجاد کند.

در مورد هزاره‌ها، این مسئله اهمیت بیشتری پیدا می‌کند، زیرا هنر و موسیقی بخشی جدایی‌ناپذیر از هویت فرهنگی این جامعه است. بسیاری از آیین‌ها، جشن‌ها و مناسبت‌های اجتماعی در جامعه هزاره بدون موسیقی و هنر قابل تصور نیستند.^{۱۶۸} بنابراین، محدودیت بر موسیقی نه تنها یک تغییر در حوزه هنر، بلکه نوعی تغییر در ساختار فرهنگی و اجتماعی این جامعه محسوب می‌شود.

در مجموع، سیاست‌های محدود کننده نسبت به موسیقی و هنر پس از سال ۲۰۲۱ را می‌توان بخشی از روند گسترده‌تر تغییر فضای فرهنگی افغانستان دانست. این سیاست‌ها، هرچند به صورت عمومی بر کل جامعه تأثیر گذاشته‌اند، اما برای جوامعی مانند هزاره‌ها که هنر بخشی اساسی از هویت فرهنگی آنان است، پیامدهای عمیق‌تر و ماندگارتری به همراه داشته‌اند.

بررسی این روند نشان می‌دهد که وضعیت هنر و موسیقی در افغانستان امروز صرفاً یک مسئله هنری نیست، بلکه بخشی از مسئله بزرگ‌تر حفاظت یا تضعیف تنوع فرهنگی در کشور است؛ موضوعی که آینده فرهنگ هزاره‌ها را نیز به طور مستقیم تحت تأثیر قرار می‌دهد.

یکی از مهم‌ترین ابعاد سیاست فرهنگی طالبان پس از سال ۲۰۲۱، محدودیت گسترده بر هنر، موسیقی، آیین‌های فرهنگی و مذهبی و فعالیت‌های مرتبط با میراث فرهنگی است. این سیاست‌ها تمامی شهروندان افغانستان را تحت تأثیر قرار داده، اما برای جامعه هزاره که بخش مهمی از هویت آن با مذهب، موسیقی، آیین‌های سنتی و میراث تاریخی پیوند خورده است، پیامدهای عمیق‌تری داشته است.

در این راستا شبکه تحلیل‌گران بلای دیدگاه شفیق الله کهزاد یکی از شاعران جوان را پرسیده است. آقای کهزاد می‌گوید:

^{۱۶۸} The Guardian. "Afghan Musicians Flee Taliban Crackdown on Music." The Guardian, January 14, 2022.

<https://www.theguardian.com/global-development/2023/aug/15/when-the-music-stops-how-the-talibans-fear-of-art-is-killing-afghan-culture>, and Freemuse. Afghanistan: Severe Violations of Artistic Freedom after Taliban Takeover. Copenhagen: Freemuse, 2022. <https://www.freemuse.org/wp-content/uploads/2023/02/saf-report-2022.pdf>, and <https://freemuse.org/news/afghanistan-severe-violations-of-artistic-freedom-after-taliban-takeover/>

محدودیت‌ها تنها به حوزه هنر محدود نماند. گزارش‌ها نشان می‌دهد که طالبان در آگست ۲۰۲۱ به یک باشگاه ورزشی در غرب کابل یورش برده و شماری از زنان ورزشکار، که عمدتاً هزاره بودند، را بازداشت کردند.^{۱۷۲} همچنین در جنوری ۲۰۲۶ خدیجه احمدزاده، تکواندوکار هزاره، توسط نیروهای وزارت امر به معروف و نهی از منکر بازداشت شد؛ اقدامی که با واکنش گسترده نهادهای مدافع حقوق زنان و حقوق بشر روبه‌رو شد و به‌عنوان نمونه‌ای از محدودیت مشارکت زنان، به‌ویژه زنان هزاره، در عرصه‌های عمومی ارزیابی گردید.^{۱۷۳}



شکل ۹: خدیجه احمدزاده، مربی ورزشی بازداشت شده توسط طالبان، (عکس از بی بی سی فارسی)

شبکه تحلیل گران بلاق نظر فعالین حقوق بشر در این حوزه را پرسیده است. بسیار از این فعالین اقدام طالبان علیه زنان و دختران هزاره را یک نوع تبعیض چند لایه‌ای می‌پندارد که به‌عنوان نمونه، بانو سیما نوری فعال حقوق بشر می‌گوید:

^{۱۷۲} از بازداشت و شکنجه تا مقاومت؛ نگاهی به وضعیت ورزش کاران زن در افغانستان، روزنامه هشت صبح تاریخ نشر ۶ سنبله/شهریور ۱۴۰۳، Aug 27, 2024 - <https://8am.media/fa/from-detention-and-torture-to-resistance-a-look-at-the-situation-of-female-athletes-in-afghanistan>

^{۱۷۳} «تکواندوکار زن پس از ۱۳ روز از زندان در هرات آزاد شد»، بی‌بی‌سی فارسی، ۲۱ جنوری ۲۰۲۶، <https://www.bbc.com/dari/articles/cje1z8ee5z9o>؛ «وزارت امر به معروف حکومت طالبان تأیید کرده است که خدیجه احمدزاده، مربی زن تکواندو در شهر هرات، بازداشت و اکنون به دادگاه معرفی شده است»، صفحه فیس‌بوک بی‌بی‌سی فارسی، <https://www.facebook.com/bbcdari/photos/>؛ «وقتی میدان‌ها خاموش شدند؛ ممنوعیت ورزش زنان در افغانستان و مبارزهای که ادامه دارد»، افغانستان اینترنشنال، ۱۷ حوت ۱۴۰۴، <https://www.afintl.com/>، <https://www.afintl.com/fa/202603087197>

وضعیت زنان و دختران ما فوق‌العاده دردناک است. آن‌ها در مرکز یک تقاطع مرگبار قرار دارند؛ هم به خاطر «زن بودن» تحت شدیدترین قوانین زن‌ستیزانه هستند و هم به خاطر هزاره و شیعه بودن تبعیض مضاعف می‌بینند.

بر اساس گزارش‌های ریچارد بنت (گزارشگر ویژه سازمان ملل)، این اقدامات طالبان مصداق بارز «آزار و اذیت جنسیتی» (Gender Persecution) است که در قوانین بین‌المللی و طبق ماده ۷ اساسنامه رم می‌تواند جنایت علیه بشریت محسوب شود.

دختران هزاره که همیشه به شوق و انگیزه بالا برای درس خواندن معروف بودند و حتی در جاهایی مثل آموزشگاه کاج هدف حملات خونین قرار گرفتند، حالا نه تنها از صنف ششم به بالا و دانشگاه محروم شده‌اند، بلکه در سرگ‌های دشت برچی به بهانه ی بدحجابی بازداشت و ناپدید می‌شوند تا اراده این نسل پرچمدار را بشکنند.^{۱۷۴}

همچنین آقای کهزاد شاعر و فعال حقوق بشر می‌گوید:

در سال‌های که دموکراسی نیم بند در افغانستان حاکم بود زنان و دختران هزاره بیش‌تر از هر قوم دیگر در مراکز آموزشی، امتحانات کانکور، نظام امنیتی، جامعه مدنی و نهادهای حقوق بشری حضور پر رنگ‌تر داشتند. اما متأسفانه ضمن اینکه دیگر بر اساس دیدگاه افراطی حاکمیت فعلی فضا برای موجودیت در نهادهای فوق‌الذکر وجود ندارد. زنان هزاره امروز با دو نوع محدودیت دیگر همزمان رو برو هستند: محدودیت ناشی از جنسیت و محدودیت ناشی از تعلق قومی محدود شدن دسترسی دختران به آموزش و دانشگاه، فرصت حضور آنان در عرصه‌های ادبی، هنری و پژوهشی را کاهش داده است.^{۱۷۵}

از منظر جامعه‌شناسی، حذف زنان از تولید فرهنگ به معنای از دست رفتن نیمی از ظرفیت انتقال فرهنگ به نسل‌های آینده است. در حوزه آزادی مذهبی نیز گزارش‌های رسانه‌ها و نهادهای حقوق بشری از تداوم محدودیت‌ها بر مراسم شیعیان حکایت دارد. در عاشورای سال ۲۰۲۶، طالبان ده‌ها نفر از اعضای هیئت امنای مساجد و تکیه‌خانه‌های شیعی در غرب کابل را بازداشت کردند. این اقدامات از سوی ناظران بخشی از روند محدودسازی آزادی‌های مذهبی و فرهنگی شیعیان افغانستان دانسته شده است. از آنجا که آیین‌های مذهبی بخش مهمی از هویت فرهنگی هزاره‌ها را تشکیل می‌دهد، این محدودیت‌ها آثار مستقیمی بر حیات فرهنگی این جامعه بر جای گذاشته است.^{۱۷۶}

^{۱۷۴} مصاحبه با بانو سیما نوری فعال حقوق بشر بتاريخ ۲۸ جون ۲۰۲۶.

^{۱۷۵} مصاحبه با آقای کهزاد شاعر جوان و فعال حقوق بشر ۲۴ جون ۲۰۲۶.

^{۱۷۶} «بازداشت ۵۵ عزادار شیعه در محرم توسط طالبان»، اطلس‌پرس، ۱۰ سرطان ۱۴۰۵، <https://atlaspress.news/taliban-muharram-arrests-kabul/>؛ «وضع محدودیت‌های کم‌سابقه بر مراسم محرم در افغانستان»، روزنامه اطلاعات روز، ۴ سرطان ۱۴۰۵ / ۲۵ ژوئن ۲۰۲۶، <https://www.etilaatroz.com/256217/aliban->؛ «گزارش نهاد جهانی آزادی مذهبی آمریکا؛ "آزار و اذیت شدید" شیعه‌ها در افغانستان و «سرکوب restrictions-on-muharram-ceremonies-in-afghanistan/»

میراث فرهنگی نیز از دیگر حوزه‌های مورد نگرانی است. بامیان، به‌عنوان مهم‌ترین مرکز تاریخی هزاره‌ها، با چالش‌هایی چون حفاری‌های غیرقانونی، ضعف در حفاظت از آثار تاریخی و کاهش فعالیت‌های پژوهشی و فرهنگی روبه‌رو بوده است. یونسکو و دیگر نهادهای بین‌المللی نسبت به خطر حفاری‌های غیرقانونی، قاچاق آثار تاریخی و کاهش اقدامات حفاظتی هشدار داده‌اند. همچنین رسانه‌ها و فعالان فرهنگی درباره حفاری‌های خودسرانه در محوطه‌های تاریخی بامیان ابراز نگرانی کرده و خواستار اقدام فوری جامعه جهانی برای حفاظت از این میراث شده‌اند.^{۱۷۷}

آقای عبدول دانشیار فعال جامعه مدنی از ولایت بامیان می‌گوید:

حفاری‌های خود سرانه طالبان در نقاط تاریخی شهر بامیان ضربه سنگین بر میراث فرهنگی بامیان است، این حفاری‌های خود سرانه بشکل سیستماتیک، سنجیده شده از جانب طالبان عملی می‌گردد، چنانچه تخریب بودای بامیان در دور اول این گروه را شاهد بودیم، متأسفانه کسی جلو دار این اقدام غیر حرفوی طالبان نیست، نه مردم، نه نهادهای بین المللی که در راستای حفظ میراث فرهنگی عملاً کار می‌کند.^{۱۷۸}

آقای دانشیار در ادامه می‌گوید:

طالبان با محدودیت‌های که بر مراسمات مذهبی، فرهنگی، کتاب‌ها و آثار، رسانه‌ها و تعطیلی مراکز آموزشی فرهنگی، موسیقی بشکل آگاهانه پلان شده به جنگ فرهنگ مردم ما رفته است، طالبان فقط سیاست‌ها و ایدئولوژی فکری خود را تعقیب می‌کند، طالبان با حذف زبان فارسی عملاً در صدد حذف هویت فرهنگی بخش بزرگ از جامعه افغانستان که خود را متعلق به حوزه تمدن فارسی میدانند، طالبان در حقیقت همان سیاست ناسوسیالزم پشتونی را تعقیب می‌کند، وسایر فرهنگ‌ها و هویت‌ها فرهنگی مذهبی و حتی آزادی‌ها فردی و اجتماعی را در کنار محدودیت‌های فرهنگی هدف رفته است، ولی این کار طالبان شکاف اجتماعی در داخل افغانستان را بیشتر از هر زمانی دیگر برجسته کرده است، که اشکاف‌های اجتماعی به نفع طالبان است، و طالبان با این کار در بین جامعه پشتون که آگاهی کامل

وحشیانه «معترضان در ایران»، بی‌بی‌سی فارسی، ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۳ / ۲ مه ۲۰۲۴، <https://www.bbc.com/persian/articles/c51n579k7r1o> «مردم مسلمان

افغانستان علی‌رغم مخالفت طالبان، مراسم عاشورا را با شکوه برگزار کردند»، خبرگزاری جمهور، ۵ سرطان ۱۴۰۵،

<https://www.jomhornews.com/fa/news/192929/>.

^{۱۷۷} UNESCO. Safeguarding Living Heritage in Afghanistan (Intangible Cultural Heritage Programme).

<https://www.unesco.org/en/intangible-cultural-heritage>; United Nations Special Rapporteur in the Field of Cultural Rights. Reports on Cultural Rights and Artistic Freedom. <https://www.ohchr.org/en/special-procedures/sr-cultural-rights>, and International Council on Monuments and Sites (ICOMOS). Heritage at Risk Reports: Afghanistan. <https://www.icomos.org/en/what-we-do/focus/heritage-at-risk>

^{۱۷۸} مصاحبه با آقای عبدول دانشیار فعال جامعه مدنی از ولایت بامیان، تاریخ مصاحبه ماه جون ۲۰۲۶

ندارد خریدار پیدا می‌کند، و در نهایت این شکاف اجتماعی که طالبان آن را بوجود آورده است منجر به فاجعه خواهد شد.

در کنار این محدودیت‌ها، مهاجرت گسترده نویسندگان، استادان دانشگاه، هنرمندان و فعالان فرهنگی پس از سال ۲۰۲۱ نیز به تضعیف ظرفیت فرهنگی افغانستان انجامیده است. جامعه هزاره نیز بخش قابل توجهی از سرمایه فرهنگی خود را در نتیجه این مهاجرت‌ها از دست داده است.^{۱۷۹}

در مجموع، شواهد نشان می‌دهد که سیاست فرهنگی طالبان بر کنترل و محدودسازی هنر، رسانه، آموزش، آیین‌های مذهبی و فعالیت‌های فرهنگی استوار بوده است.^{۱۸۰} این سیاست‌ها، همراه با فشار بر نهادهای فرهنگی و نگرانی درباره میراث تاریخی بامیان، فضای فرهنگی افغانستان را به‌طور چشمگیری محدود کرده و برای جامعه هزاره، به دلیل ویژگی‌های مذهبی و فرهنگی آن، پیامدهای عمیق‌تری بر حفظ و انتقال هویت فرهنگی بر جای گذاشته است.

۶. فشار بر رسانه‌ها، مراکز فرهنگی و نهادهای آموزشی هزاره‌ها

یکی از مهم‌ترین ابعاد سیاست فرهنگی طالبان پس از بازگشت به قدرت، محدودسازی رسانه‌های مستقل و افزایش فشار بر خبرنگاران، نویسندگان و فعالان فرهنگی بوده است.^{۱۸۱} گزارش‌های نهادهای حقوق بشری و سازمان‌های مدافع آزادی رسانه نشان می‌دهد که این سیاست، به‌ویژه بر رسانه‌های محلی و رسانه‌های مرتبط با اقلیت‌های قومی و مذهبی، از جمله جامعه هزاره، تأثیر چشم‌گیری گذاشته است.

در سال‌های پس از آگست ۲۰۲۱، ده‌ها رسانه فعالیت خود را متوقف کرده یا با محدودیت‌های گسترده روبه‌رو شده‌اند و شمار زیادی از خبرنگاران، نویسندگان، پژوهشگران و فعالان فرهنگی ناچار به ترک افغانستان یا توقف فعالیت‌های حرفه‌ای خود شده‌اند.^{۱۸۲} این وضعیت، فضای گفت‌وگو درباره تنوع فرهنگی، مذهبی و قومی افغانستان را به‌طور قابل توجهی محدود کرده است.

^{۱۷۹} United Nations Special Rapporteur in the Field of Cultural Rights. Reports on Cultural Rights and Artistic Freedom. <https://www.ohchr.org/en/special-procedures/sr-cultural-rights>

^{۱۸۰} Afghanistan Analysts Network (AAN). Reports and analyses on cultural and social developments under Taliban rule, ۲۰۲۲-۲۰۲۵. <https://www.hrw.org/news/2022/09/07/un-report-details-taliban-abuses-afghanistan>

^{۱۸۱} Committee to Protect Journalists (CPJ). Afghanistan: Attacks on the Press and Journalists. <https://cpj.org/2026/03/taliban-shut-down-and-seize-rah-e-farda-tv-station-in-afghanistan/>, and United Nations Assistance Mission in Afghanistan (UNAMA). Freedom of Expression and Media in Afghanistan. Thematic reporting and press releases, 2024. <https://unama.unmissions.org/en/press-releases-and-statements>

^{۱۸۲} Committee to Protect Journalists (CPJ). Afghanistan: Attacks on the Press and Journalists. <https://cpj.org/2026/03/taliban-shut-down-and-seize-rah-e-farda-tv-station-in-afghanistan/>

همان‌گونه که در بخش پیشین این گزارش به تعطیلی شماری از رسانه‌ها اشاره شد، بازداشت خودسرانه خبرنگاران و کارکنان رسانه‌های نیز به یکی از ابزارهای محدودسازی آزادی بیان تبدیل شده است. شبکه تحلیل‌گران بلاق با استناد به گزارش‌های نهادهای معتبر بین‌المللی این موارد را مستند کرده و دیده‌بان حقوق بشر نیز در گزارش اکتبر ۲۰۲۵، بازداشت خودسرانه خبرنگاران، فعالان فرهنگی و محدودیت‌های اعمال‌شده بر رسانه‌ها را از مصادیق نقض آزادی بیان و حقوق اساسی شهروندان دانسته است.^{۱۸۳}

روزنامه «اطلاعات روز» نیز با استناد به گزارش دیده‌بان حقوق بشر گزارش داد که طالبان با خبرنگاران بازداشت شده متعلق به اقلیت‌های قومی، به ویژه هزاره‌ها، رفتار سخت‌گیرانه‌تر و تبعیض‌آمیزتری داشته‌اند. بر اساس این گزارش، خبرنگاران هزاره بیش از دیگران در معرض فشار، بدرفتاری و برخوردهای تبعیض‌آمیز قرار گرفته‌اند؛ موضوعی که از سوی نهادهای مدافع حقوق بشر نشانه افزایش آسیب‌پذیری روزنامه‌نگاران اقلیت‌های قومی ارزیابی شده است.^{۱۸۴}

یکی از نمونه‌های شاخص این روند، بازداشت مدیرمسئول و دو خبرنگار «رادیو نسیم» در ولایت دایکندی در آگست ۲۰۲۵ است. بر اساس گزارش‌ها، نیروهای استخبارات طالبان در ۱۵ اسد ۱۴۰۴ این افراد را بازداشت و بخشی از تجهیزات رادیو را نیز ضبط کردند. این اقدام موجب توقف فعالیت رادیو نسیم در دایکندی و بامیان شد. با توجه به اینکه این رسانه بخش مهمی از برنامه‌های خود را به فرهنگ، هنر، موسیقی هزارگی و مسائل اجتماعی جامعه هزاره اختصاص داده بود، توقف فعالیت آن از سوی بسیاری از ناظران، فراتر از تعطیلی یک رسانه محلی و بخشی از محدودسازی نهادهای فرهنگی هزاره‌ها ارزیابی شد.^{۱۸۵}

بازداشت خبرنگاران نیز در سال‌های اخیر ادامه یافته است. از جمله، طالبان در ۶ اکتبر ۲۰۲۵ مهدی انصاری، خبرنگار «آژانس خبری افغان» را در غرب کابل بازداشت کردند. این اقدام با واکنش گسترده نهادهای حقوق بشری و

^{۱۸۳} افغانستان: طالبان آزادی رسانه‌ها را زیر پا می‌کنند HRW تاریخ نشر گزارش October 23, 2025 12:00AM EDT
<https://www.hrw.org/gbz/news/2025/10/23/afghanistan-taliban-tramples-media-freedom>

^{۱۸۴} «دیده‌بان حقوق بشر: طالبان با خبرنگاران بازداشتی هزاره رفتار بدتری دارند»، روزنامه اطلاعات روز، ۱ عقرب ۱۴۰۴ / ۲۳ اکتبر ۲۰۲۵،
<https://www.etilaatroz.com/244202/hazars-journalists-in-taliban-prison/>
<https://www.hriui.com/fa/%da%af%d8%b2%d8%a7%d8%b1%d8%b4-%d8%a8%d8%a7%d8%B2%D8%AF%D8%A7%D8%B...>

۱۴۰۳ / ۷ فبروری ۲۰۲۵، مرکز اطلاعات حقوق بشر، ۸ سپتامبر ۲۰۲۵،
<https://www.etilaatroz.com/221982/%D8%A8%D8%A7%D8%B2%D8%AF%D8%A7%D8%B...>

^{۱۸۵} نشریات یک رادیوی محلی در دایکندی و بامیان پس از ۱۳ سال متوقف شد، افغانستان انترنشنال، تاریخ نشر گزارش ۲۰ اسد ۱۴۰۴
<https://www.afintl.com/202508115461>
<https://www.dw.com/fa-af/%D9%85%D8%AD%D8%AF%D9%88%D8%AF%DB%8C%D8%AA-%D8%A7%D8%A8%D8%A7%D8%B2%D8%AF%D8%A7%D8%B...>

سازمان‌های مدافع آزادی رسانه روبه‌رو شد. عفو بین‌الملل (Amnesty International) با انتشار بیانیه‌ای، خواستار آزادی فوری و بی‌قید و شرط وی شد و از طالبان خواست به بازداشت خودسرانه روزنامه‌نگاران و محدودیت بر آزادی بیان پایان دهند.^{۱۸۶}

در ادامه این روند، طالبان در ماه می ۲۰۲۶ مهدی مهران، تولیدکننده محتوای دیجیتال و یوتیوبر در ولسوالی مالستان ولایت غزنی، را نیز بازداشت و به مکان نامعلومی منتقل کردند. این اقدام نگرانی گسترده خبرنگاران، فعالان رسان‌های و نهادهای مدافع حقوق بشر را برانگیخت، زیرا تا مدتی اطلاعاتی درباره محل نگهداری و وضعیت وی در دسترس نبود. بسیاری از ناظران این بازداشت را بخشی از روند افزایش فشار بر تولیدکنندگان محتوای مستقل و محدودسازی آزادی بیان در افغانستان دانسته‌اند.^{۱۸۷}

در ادامه محدودیت‌های اعمال‌شده بر رسانه‌های مستقل، طالبان در جون ۲۰۲۶ با یورش به دفتر «تلویزیون تمدن» در کابل، فعالیت این رسانه دینی را متوقف کردند. در جریان این عملیات، مدیرعامل تلویزیون تمدن و یکی از کارکنان این رسانه نیز توسط نیروهای طالبان بازداشت شدند.^{۱۸۸}

این اقدام با واکنش گسترده خبرنگاران، نهادهای مدافع آزادی رسانه، سازمان‌های حقوق بشری و فعالان مدنی مواجه شد و از سوی بسیاری از ناظران، بخشی از روند تشدید محدودیت‌ها بر رسانه‌های مستقل، به‌ویژه رسانه‌های وابسته به اقلیت‌های مذهبی، ارزیابی گردید. تعطیلی تلویزیون تمدن و بازداشت مسئولان آن، نگرانی‌ها درباره

^{۱۸۶} عفو بین‌الملل خواستار آزادی فوری مهدی انصاری از زندان طالبان شد، خبرگزاری آمو، نویسنده ستاره قدسی، تاریخ نشر ۱۶ دلو، ۱۴۰۳
<https://amu.tv/fa/155542>؛ عفو بین‌الملل: طالبان کارزار «تنگین بدنام‌سازی» مهدی انصاری را پایان دهد RFI تاریخ نشر منتشر شده در 14:31 - 05/10/2025
<https://www.rfi.fr/fa/%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86/20251005-%D8%B9%D9%81%D9%88-%D8%A8%DB%8C%D9%86-%D8%A7%D9%84%D9%85%D9%84%D9%84-%D8%B7%D8%A7%D9%84%D8%A8%D8%A7%D9%86-%DA%A9%D8%A7%D8%B1%D8%B2%D8%A7%D8%B1-%D9%86%D9%86%DA%AF%DB%8C%D9%86-%D8%A8%D8%AF%D9%86%D8%A7%D9%85-%D8%B3%D8%A7%D8%B2%DB%8C-%D9%85%D9%87%D8%AF%DB%8C-%D8%A7%D9%86%D8%B5%D8%A7%D8%B1%DB%8C-%D8%B1%D8%A7-%D9%BE%D8%A7%DB%8C%D8%A7%D9%86-%D8%AF%D9%87%D8%AF>

^{۱۸۷} بازداشت خبرنگاران؛ طالبان چهار خبرنگار را در کابل و غزنی بازداشت کردند، جمهور نیوز، تاریخ نشر یکشنبه ۲۰ ثور ۱۴۰۵

<https://www.jomhornews.com/fa/news/192265>

^{۱۸۸} بازداشت مدیر مسئول و یک کارمند تلویزیون تمدن وارد ششمین روز شد، افغانستان انترنشنال، تاریخ نشر ۶ سرطان ۱۴۰۵، ۱۲:۳۶ (+) ۱ گزینویچ

<https://www.afintl.com/202606270009>؛ مرکز خبرنگاران افغانستان خواستار آزادی مدیرمسئول و یک کارمند تلویزیون تمدن از بند طالبان شد، اطلاعات روز تاریخ نشر ۶ سرطان ۱۴۰۵ - ۲۷ جون ۲۰۲۶ <https://www.etilaatroz.com/256325/the-managing-director-and-an-employee-of-tamadon->

<https://www.darivoa.com/a/tamadon-tv-afjc-condemn-taliban-action-to-detain-tamdon-director-and-personal-and-asked-to-release-them/8165496.html> و مرکز خبرنگاران افغانستان بازداشت کارمندان تلویزیون تمدن را محکوم کرد VOA Dari تاریخ نشر، ۶ سرطان ۱۴۰۵

وضعیت آزادی بیان، آزادی رسانه‌ها و حق دسترسی اقلیت‌های مذهبی به رسانه‌های مستقل در افغانستان را بیش از پیش افزایش داد.

مجموع این شواهد نشان می‌دهد که سیاست طالبان در قبال رسانه‌ها صرفاً به اعمال محدودیت‌های اداری محدود نبوده، بلکه با تعطیلی رسانه‌های مستقل، بازداشت خبرنگاران، توقیف تجهیزات رسانه‌ای و افزایش فشار بر فعالان فرهنگی همراه بوده است. این روند، به‌ویژه در مناطق هزاره‌نشین، ظرفیت رسانه‌ها را برای مستندسازی، حفظ و بازنمایی فرهنگ، تاریخ و هویت جامعه هزاره به‌طور محسوسی کاهش داده و از سوی نهادهای حقوق بشری به‌عنوان بخشی از محدودسازی آزادی بیان و حقوق فرهنگی در افغانستان مورد انتقاد قرار گرفته است.

رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی در هر جامعه نقش اساسی در شکل دهی افکار عمومی، حفظ تنوع فرهنگی، ثبت تاریخ معاصر و انتقال هویت جمعی دارند. در جوامعی مانند افغانستان که دارای تنوع قومی و مذهبی گسترده است، رسانه‌ها همچنین نقش مهمی در بازتاب صداهای مختلف اجتماعی و جلوگیری از حذف یا به حاشیه رانده شدن گروه‌های اقلیت ایفا می‌کنند.^{۱۸۹} در این میان، جامعه هزاره طی دو دهه گذشته توانسته بود حضور قابل توجهی در فضای رسان‌های و فرهنگی کشور ایجاد کند؛ حضوری که پس از سال ۲۰۲۱ با تغییرات جدی مواجه شد.

پس از بازگشت طالبان به قدرت، فضای رسان‌های افغانستان به طور کلی با محدودیت‌های گسترده روبه‌رو شد. کاهش آزادی بیان، اعمال مقررات سخت‌گیرانه بر محتوای رسانه‌ها، توقف فعالیت برخی رسانه‌ها و افزایش فشارهای اداری و امنیتی بر خبرنگاران، از جمله مهم‌ترین تغییرات این دوره بوده است.^{۱۹۰} این وضعیت به طور مستقیم بر رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی مرتبط با جامعه هزاره نیز تأثیر گذاشته است.

در دوره پیش از ۲۰۲۱، رسانه‌های متعددی در افغانستان فعالیت می‌کردند که بخشی از آن‌ها توسط خبرنگاران و فعالان هزاره مدیریت یا تأسیس شده بودند. این رسانه‌ها نقش مهمی در پوشش اخبار مربوط به مناطق مرکزی، مسائل

^{۱۸۹} UNESCO. World Trends in Freedom of Expression and Media Development: Afghanistan Monitoring and Assessments. Paris: UNESCO, 2023. <https://www.unesco.org/en/safety-journalists>, and Freedom House. Freedom in the World 2024: Afghanistan. Washington, DC: Freedom House, 2024.

<https://freedomhouse.org/country/afghanistan/freedom-world/2024>

^{۱۹۰} Reporters Without Borders (RSF). Afghanistan: Press Freedom Report, 2022–2025. Paris: RSF, 2022–2025.

<https://rsf.org/en/country/afghanistan>, and Human Rights Watch. “Afghanistan: Taliban Intensify Assault on Freedom of Expression.” New York: Human Rights Watch, March 25, 2022. <https://www.hrw.org/news/2022/03/25/afghanistan-taliban-intensify-assault-freedom-expression>

فرهنگی هزاره‌ها، فعالیت‌های مدنی و روایت‌های تاریخی این جامعه داشتند. اما پس از تغییر نظام سیاسی، بسیاری از این رسانه‌ها یا فعالیت خود را متوقف کردند یا با محدودیت‌های جدی مواجه شدند.^{۱۹۱}

یکی از مهم‌ترین پیامدهای این وضعیت، کاهش دسترسی جامعه هزاره به رسانه‌های مستقل و نماینده خود است. رسانه‌ها نه تنها ابزار اطلاع‌رسانی، بلکه بستری برای بازتاب هویت فرهنگی و اجتماعی نیز هستند. زمانی که این فضا محدود شود، امکان دیده شدن و شنیده شدن روایت‌های یک جامعه نیز کاهش می‌یابد.^{۱۹۲}

در برخی موارد، گزارش‌هایی از اعمال محدودیت بر محتوای رسانه‌های مرتبط با موضوعات حساس فرهنگی، مذهبی و قومی منتشر شده است. این محدودیت‌ها می‌تواند شامل حذف یا سانسور گزارش‌هایی درباره تاریخ هزاره‌ها، مسائل مذهبی شیعیان یا نقد سیاست‌های فرهنگی باشد. چنین روندی، در صورت تداوم، می‌تواند به شکل‌گیری فضای رسانه‌های یک سویه منجر شود که در آن تنوع روایت‌ها کاهش می‌یابد.^{۱۹۳}

نهادهای فرهنگی نیز در این میان با چالش‌های جدی روبه‌رو شده‌اند. پیش از سال ۲۰۲۱، در بسیاری از مناطق هزاره‌نشین، مراکز فرهنگی، انجمن‌های ادبی، کتابخانه‌ها، و نهادهای هنری فعال بودند که در زمینه‌های آموزش، پژوهش، هنر و ترویج فرهنگ محلی فعالیت می‌کردند. این نهادها نقش مهمی در تقویت هویت فرهنگی جامعه هزاره داشتند. با تغییر فضای سیاسی، فعالیت بسیاری از این مراکز کاهش یافته یا متوقف شده است.^{۱۹۴}

کاهش فعالیت نهادهای فرهنگی به معنای کاهش فرصت‌های آموزشی غیررسمی نیز هست. این مراکز معمولاً فضایی برای آموزش زبان، ادبیات، تاریخ و هنر فراهم می‌کردند و به جوانان امکان می‌دادند تا با هویت فرهنگ خود ارتباط نزدیک‌تری برقرار کنند. محدود شدن این فضاها می‌تواند در بلندمدت به کاهش انتقال دانش فرهنگی در سطح جامعه منجر شود.^{۱۹۵}

^{۱۹۱} International Federation of Journalists (IFJ). Afghanistan Media under Taliban Rule. Brussels: IFJ, 2023.

<https://www.ifj.org/>, and United Nations Assistance Mission in Afghanistan (UNAMA). Human Rights in Afghanistan: July–September 2023 Update. Kabul: UNAMA, 2023. <https://unama.unmissions.org/human-rights-reports>

^{۱۹۲} Committee to Protect Journalists (CPJ). Attacks on the Press: Afghanistan. New York: CPJ, 2022–2025.

<https://cpj.org/asia/afghanistan/>, and Amnesty International. Afghanistan: Death in Slow Motion—Women and Girls under Taliban Rule. London: Amnesty International, 2023. <https://www.amnesty.org/en/documents/asa11/6784/2023/en/>

^{۱۹۳} Human Rights Watch. “Afghanistan: Taliban Intensify Assault on Freedom of Expression.” New York: Human Rights Watch, March 25, 2022.

<https://www.hrw.org/news/2022/03/25/afghanistan-taliban-intensify-assault-freedom-expression>

^{۱۹۴} UNESCO. Afghanistan: Education in Emergencies and Crisis Response. Paris: UNESCO, 2023.

<https://www.unesco.org/en/education/emergencies/afghanistan>, and Amnesty International. Afghanistan: Death in Slow Motion—Women and Girls under Taliban Rule. London: Amnesty International, 2023.

<https://www.amnesty.org/en/documents/asa11/6784/2023/en/>

^{۱۹۵} UNESCO. Afghanistan: Education in Emergencies and Crisis Response. Paris: UNESCO, 2023.

<https://www.unesco.org/en/education/emergencies/afghanistan>, and Scholars at Risk. Academic Freedom Monitoring

در کنار رسانه‌ها و مراکز فرهنگی، فضای آموزشی نیز تحت تأثیر قرار گرفته است. دانشگاه‌ها و مکاتب در افغانستان پس از ۲۰۲۱ با تغییرات در نصاب درسی، محدودیت در برخی رشته‌ها و کاهش آزادی‌های آکادمیک مواجه شده‌اند. در این میان، برخی رشته‌ها و موضوعات مرتبط با علوم اجتماعی، تاریخ معاصر و مطالعات فرهنگی نیز با محدودیت‌هایی روبه‌رو شده‌اند که به طور غیرمستقیم بر امکان پژوهش درباره هویت فرهنگی هزاره‌ها تأثیر می‌گذارد.^{۱۹۶}

در مناطق هزاره‌نشین، به‌ویژه در مراکز آموزشی پیشین مانند بامیان، غزنی و سایر ولایات کاهش فعالیت‌های فرهنگی و آموزشی مستقل نیز گزارش شده است. پیش از این دوره، دانشگاه‌ها و مراکز آموزشی در این مناطق نقش مهمی در تولید دانش فرهنگی و علمی داشتند. اما تغییر شرایط سیاسی و اداری باعث کاهش برخی از این فعالیت‌ها شده است.^{۱۹۷}

یکی دیگر از اقدامات طالبان در زمینه محدودسازی نهادهای دینی شیعیان، تعطیلی دفتر و مدرسه دینی آیت‌الله واعظزاده بهسودی است. بر اساس اعلام دفتر این مرجع دینی، طالبان در ژوئیه ۲۰۲۵ دفتر و مدرسه تحت مدیریت وی را در منطقه دشت برچی، واقع در غرب کابل، مسدود کردند.

Project: Afghanistan. New York: Scholars at Risk, 2022–2024.

<https://www.scholarsatrisk.org/academic-freedom-monitoring-project/>

^{۱۹۶} UNESCO. Afghanistan: Education in Emergencies and Crisis Response. Paris: UNESCO, 2023.

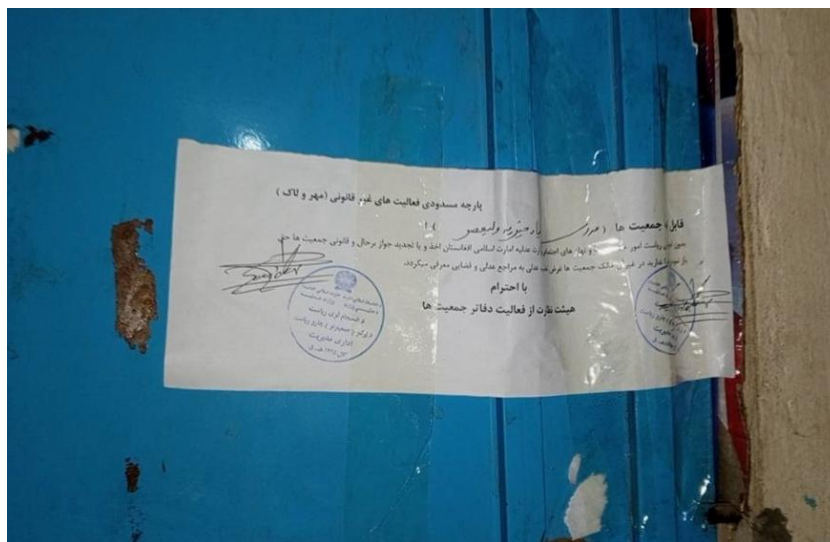
<https://www.unesco.org/en/education/emergencies/afghanistan>, and Scholars at Risk. Academic Freedom Monitoring Project: Afghanistan. New York: Scholars at Risk, 2022–2024. <https://www.scholarsatrisk.org/academic-freedom-monitoring-project/>

^{۱۹۷} United Nations Assistance Mission in Afghanistan (UNAMA). Human Rights in Afghanistan: July–September 2023

Update. Kabul: UNAMA, 2023. <https://unama.unmissions.org/human-rights-reports>, and UNESCO. Afghanistan: Education in Emergencies and Crisis Response. Paris: UNESCO, 2023.

<https://www.unesco.org/en/education/emergencies/afghanistan>

با توجه به جایگاه آیت‌الله واعظ زاده بهسودی به‌عنوان یکی از مراجع برجسته شیعه در افغانستان، تعطیلی دفتر و مدرسه تحت مدیریت وی، از دید بسیاری از پژوهشگران، فراتر از تعطیلی یک مرکز آموزشی یا مذهبی تلقی می‌شود و در چارچوب سیاست‌های محدودکننده طالبان نسبت به نهادهای دینی و فرهنگی جامعه شیعه مورد تحلیل قرار گرفته است.^{۱۹۸}



شکل ۱۰: عکس از مهر لاک شدن دفتر آیت‌الله واعظ زاده بهسودی یکی از مراجع تقلید در ولایت کابل، (منبع: روزنامه اطلاعات روز)

یکی دیگر از پیامدهای مهم فشار بر رسانه‌ها و نهادهای فرهنگی، افزایش مهاجرت فعالان فرهنگی و رسانه‌ای است. بسیاری از خبرنگاران، نویسندگان، پژوهشگران و فعالان فرهنگی هزاره در سال‌های اخیر کشور را ترک کرده‌اند. این روند نه تنها به کاهش ظرفیت تولید محتوای فرهنگی در داخل کشور منجر شده، بلکه باعث انتقال بخشی از سرمایه فکری و فرهنگی جامعه به خارج از افغانستان شده است.^{۱۹۹}

^{۱۹۸} طالبان دفتر آیت‌الله واعظ‌زاده بهسودی را در غرب کابل بسته‌اند، اطلاعات روز، تاریخ انتشار ۱ اسد ۱۴۰۴ - ۲۳ جولای ۲۰۲۵
<https://www.etilaatroz.com/236309/ayatollah-vaezzadehs-office> و طالبان دفتر و مدرسه‌ی تحت مدیریت آیت‌الله واعظ‌زاده بهسودی در غرب کابل را بستند، جاده ابریشم، تاریخ نشر ۱ اسد ۱۴۰۴
<https://jade-abresham.com/reports/15637>

^{۱۹۹} BBC Persian. "تعطیلی رسانه‌ها و مهاجرت خبرنگاران افغانستان پس از تسلط طالبان". BBC News Persian, 2022. <https://www.bbc.com/persian>; Deutsche Welle Persian (DW Persian). "فشار بر رسانه‌ها و محدودیت آزادی بیان در افغانستان". DW Persian, ۲۰۲۳. <https://www.dw.com/fa-af/>, and Amnesty International. Afghanistan: Death in Slow Motion—Women and Girls under Taliban Rule. London: Amnesty International, 2023. <https://www.amnesty.org/en/documents/asa11/6784/2023/en/>

یافته‌ها نشان می‌دهد که مهاجرت نخبگان و فعال فرهنگی هزاره بخصوص جامعه خبرنگار بعد از به قدرت رسیدن طالبان افزایش چشم گیر داشته است، محمد علی سازش (نام مستعار) خبرنگار آزاد می‌گوید که:

بسیار از همکارانم نظر به محدودیت اعمال شده از جانب طالبان وطن را ترک کرده است، خبرنگار، و رسانه‌ها تحت شدید ترین محدودیت و سانسور قرار دارد، آزادی بیان، به آرزو تبدیل شده است، من چند بار به استخبارات طالبان رفته ام فورم تعهد خانه پری کرده ام که علیه طالبان و نظام به اصطلاح شرعی این گروه خبری را پخش نشر نکنم، تنها حق پخش و نشر اخباری که در راستای منافع این گروه باشد را دارم، من از این وضعیت واقعا خسته شدم، فرصتی فراهم شود من نیز کشور را ترک می‌کنم.^{۲۰۰}

از منظر اجتماعی، کاهش حضور رسانه‌های مستقل و نهادهای فرهنگی می‌تواند به کاهش مشارکت عمومی در بحث‌های فرهنگی و اجتماعی منجر شود. در غیاب رسانه‌های متنوع، فضای عمومی ممکن است به سمت یکنواختی و کاهش تنوع دیدگاه‌ها حرکت کند. این وضعیت برای جامعه‌ای با تنوع قومی و مذهبی مانند افغانستان، چالش‌های جدی در زمینه همزیستی فرهنگی ایجاد می‌کند.^{۲۰۱}

در مناطق مرکزی هزاره‌نشین، پیش از بازگشت طالبان به قدرت، رسانه‌های چاپی، دیداری، شنیداری و برخط نقش مهم در اطلاع‌رسانی، آگاهی‌بخشی و ترویج فرهنگ و هویت جامعه هزاره ایفا می‌کردند. این رسانه‌ها با تولید و انتشار محتوای خبری، فرهنگی، آموزشی و اجتماعی، سهم قابل توجهی در حفظ و تقویت هویت فرهنگی و انعکاس مسائل مربوط به این منطقه داشتند.

با بازگشت طالبان به قدرت در سال ۲۰۲۱ و اعمال محدودیت‌های گسترده بر رسانه‌ها، فضای فعالیت رسانه‌ای در مناطق مرکزی افغانستان به شدت محدود شد. در نتیجه سانسور گسترده، محدودیت‌های اداری و امنیتی، فشار بر خبرنگاران و تعطیلی شماری از رسانه‌های مستقل، بسیاری از این رسانه‌ها یا به دلیل مشکلات اقتصادی و محدودیت‌های اعمال‌شده از ادامه فعالیت بازماندند و عملاً تعطیل شدند، یا مستقیماً از سوی طالبان بسته شدند.

^{۲۰۰} مصاحبه با محمد علی سازش "مستعار" خبرنگار و فعال فرهنگی که شبکه تحلیلگران بلاق به دلایل امنیتی از گرفتن نام این خبرنگار عاجز است، تاریخ مصاحبه ماه جون ۲۰۲۶

^{۲۰۱} Reporters Without Borders (RSF). Afghanistan: Press Freedom Report, 2022–2025. Paris: RSF, 2022–2025. <https://rsf.org/en/country/afghanistan>, Radio Free Europe/Radio Liberty (Radio Azadi). Reports on Media Restrictions and Civil Society in Afghanistan. Prague: RFE/RL, 2022–2025. <https://www.rferl.org/afghanistan> <https://www.rferl.org/a/afghanistan-taliban-media-restrictions-censorship/33137534.html> September 27, 2024 15:02 CET, and Freedom House. Freedom in the World 2024: Afghanistan. Washington, DC: Freedom House, 2024. <https://freedomhouse.org/country/afghanistan/freedom-world/2024>

از منظر حقوق بین‌الملل، آزادی رسانه و آزادی فعالیت فرهنگی بخشی از حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شود. این حقوق شامل حق دسترسی به اطلاعات، آزادی بیان، و حق مشارکت در زندگی فرهنگی جامعه است. هرگونه محدودیت گسترده و سیستماتیک بر این حقوق می‌تواند پیامدهای جدی برای وضعیت حقوق بشر در کشور داشته باشد.^{۲۰۳}

در مجموع، فشار بر رسانه‌ها، مراکز فرهنگی و نهادهای آموزشی پس از سال ۲۰۲۱ بخشی از روند گسترده‌تر تغییر فضای فرهنگی افغانستان است. این روند، علاوه بر تأثیر عمومی بر جامعه، پیامدهای ویژه‌ای برای اقلیت‌های فرهنگی

[illegible][illegible]

²⁰Committee to Protect Journalists (CPJ). *Attacks on the Press: Afghanistan*. New York: CPJ, 2022–2025. <https://cpj.org/asia/afghanistan/>, and Amnesty International. *Afghanistan: Death in Slow Motion—Women and Girls under Taliban Rule*. London: Amnesty International, 2023. <https://www.amnesty.org/en/documents/asa11/6784/2023/en/>

و مذهبی، از جمله هزاره‌ها، به همراه داشته و بر توانایی آنان در حفظ، تولید و بازنمایی فرهنگ خود اثر گذاشته است.

۷. بازداشت علما، فرهنگیان و فعالان فرهنگی هزاره

بازداشت علما، فرهنگیان و فعالان فرهنگی یکی از حساس‌ترین موضوعات مرتبط با وضعیت فرهنگی و اجتماعی هر جامعه است، زیرا این گروه‌ها نقش مستقیم در تولید فکر، حفظ هویت فرهنگی، هدایت دینی و سازمان‌دهی فعالیت‌های اجتماعی دارند. در جامعه هزاره افغانستان، علما، نویسندگان، استادان دانشگاه، فعالان مدنی و فرهنگی، ستون‌های اصلی حفظ و بازتولید هویت مذهبی و فرهنگی محسوب می‌شوند. هرگونه فشار یا محدودیت بر این گروه‌ها می‌تواند تأثیرات گسترده‌ای بر ساختار فرهنگی جامعه داشته باشد.^{۲۰۵}

پس از بازگشت طالبان به قدرت در سال ۲۰۲۱، گزارش‌های متعددی از بازداشت، بازجویی یا تهدید برخی از علما و فعالان فرهنگی در نقاط مختلف افغانستان منتشر شده است. این موارد در برخی شرایط به صورت رسمی اعلام نشده‌اند و بیشتر در قالب گزارش‌های رسان‌های، شهادت‌های فردی یا منابع محلی بازتاب یافته‌اند. با این حال، تکرار این گزارش‌ها در طول زمان باعث شده است که این موضوع به عنوان یکی از نگرانی‌های جدی در حوزه آزادی‌های فرهنگی و دینی مطرح شود.^{۲۰۶}

در میان جامعه هزاره، علما نقش مهمی در هدایت مذهبی، حفظ فقه جعفری، و برگزاری مراسم دینی دارند. همچنین فرهنگیان و فعالان مدنی این جامعه در حوزه‌های آموزش، رسانه، ادبیات، هنر و فعالیت‌های اجتماعی نقش آفرینی می‌کنند. بنابراین، هرگونه فشار بر این گروه‌ها می‌تواند به طور مستقیم بر حیات فرهنگی و اجتماعی جامعه اثرگذار باشد.^{۲۰۷}

در برخی گزارش‌ها اشاره شده است که در دوره پس از ۲۰۲۱، شماری از علما و خطیبان در مناطق مختلف، به ویژه در مناطق مرکزی افغانستان، با محدودیت‌هایی در فعالیت‌های مذهبی یا اجتماعی خود مواجه شده‌اند. این محدودیت‌ها می‌تواند شامل نظارت بر خطبه‌ها، محدودیت در محتوای سخنرانی‌ها، یا احضارهای اداری باشد.

^{۲۰۵} United Nations Human Rights Council. Situation of Human Rights in Afghanistan: Report of the Special Rapporteur on the Situation of Human Rights in Afghanistan, Richard Bennett. A/HRC/55/80. Geneva: United Nations, 2024. <https://digitallibrary.un.org/record/4048450>

^{۲۰۶} United Nations Assistance Mission in Afghanistan (UNAMA). Human Rights in Afghanistan: July–September 2022 Update. Kabul: UNAMA, 2022. <https://unama.unmissions.org/human-rights-reports>

^{۲۰۷} United Nations Assistance Mission in Afghanistan (UNAMA). Human Rights in Afghanistan: Annual Report 2023. Kabul: UNAMA, 2024. <https://unama.unmissions.org/human-rights-reports>

هرچند جزئیات این موارد در همه موارد به طور رسمی تأیید نشده، اما نگرانی‌های گسترده‌ای را در میان جامعه مذهبی ایجاد کرده است.^{۲۰۸}

در کنار علما، فعالان فرهنگی و مدنی نیز با فضای محدود تری مواجه شده‌اند. بسیاری از این افراد پیش از ۲۰۲۱ در حوزه‌های رسانه، آموزش، هنر و فعالیت‌های اجتماعی نقش فعال داشتند. اما پس از تغییر نظام سیاسی، بخشی از آنان فعالیت‌های خود را متوقف کرده یا به خارج از کشور مهاجرت کرده‌اند. برخی دیگر نیز با محدودیت‌های اداری یا امنیتی مواجه شده‌اند که فعالیت آنان را دشوارتر کرده است.^{۲۰۹}

به‌عنوان نمونه، در ماه می ۲۰۲۶ طالبان یک عالم دینی شیعه را در کابل پس از ضرب و شتم بازداشت کردند. این رویداد بازتاب گسترده‌ای در رسانه‌های داخلی و بین‌المللی یافت و با واکنش فعالان مدنی، نهادهای حقوق بشری و شخصیت‌های مذهبی مواجه شد. بسیاری از این نهادها و کنشگران، برخورد طالبان با این روحانی را نمونه‌ای از افزایش فشار بر عالمان دینی شیعه و محدودیت بر آزادی‌های مذهبی در افغانستان دانسته و خواستار پایان دادن به بازداشت‌های خودسرانه و رعایت حقوق شهروندان شدند.^{۲۱۰}



شکل ۱۱: عالم دین بازداشت شده توسط طالبان، (منبع عکس: روزنامه اطلاعات روز)

نمونه دیگری از این اقدامات، بازداشت دو تن از عالمان دینی شیعه در ولایت هرات در نوامبر ۲۰۲۴ است. بر اساس گزارش‌ها، این دو روحانی توسط نیروهای استخبارات طالبان بازداشت شدند. این رویداد نیز با واکنش فعالان مدنی،

^{۲۰۸} Amnesty International. Afghanistan: The Taliban's Assault on Human Rights. London: Amnesty International, 2023.

<https://www.amnesty.org/en/location/asia-and-the-pacific/south-asia/afghanistan/report-afghanistan/>

^{۲۰۹} Human Rights Watch. World Report 2024: Afghanistan. New York: Human Rights Watch, 2024.

<https://www.hrw.org/world-report/2024/country-chapters/afghanistan>

^{۲۱۰} بازداشت دو جوان و لکوکوب یک عالم دینی شیعه توسط طالبان در کابل، روزنامه اطلاعات روز، تاریخ انتشار ۲۰ نور ۱۴۰۵ - ۱۰ می ۲۰۲۶

<https://www.etilaatroz.com/253371/beating-of-a-shiite-religious-scholar>

نهادهای حقوق بشری و شخصیت‌های مذهبی مواجه شد و نگرانی‌ها درباره افزایش فشار بر عالمان دینی شیعه و محدودیت آزادی‌های مذهبی در افغانستان را تشدید کرد.

بازداشت این دو عالم دینی، از دید بسیاری از ناظران، در کنار سایر اقدامات طالبان علیه نهادها و شخصیت‌های مذهبی شیعه، بخشی از روند محدودسازی فعالیت‌های دینی و مذهبی این جامعه در افغانستان ارزیابی شده است.^{۲۱۱}



شکل ۱۲: علما بازداشت شده هزاره در ولایت هرات بدست طالبان، (منبع عکس: صفحه خبری افغانستان انترنشنال)

همچنین، می‌توان به مواردی از هدف قرار گرفتن و کشته شدن شخصیت‌های دینی و فرهنگی وابسته به جامعه هزاره اشاره کرد. به عنوان نمونه، در دسامبر ۲۰۲۳ دو تن از عالمان برجسته شیعه در شهرک المهدی ولایت هرات ترور شدند. این رویداد با واکنش گسترده علما، فعالان مدنی، نهادهای حقوق بشری و شهروندان افغانستان همراه شد و نگرانی‌ها درباره امنیت شخصیت‌های مذهبی و فرهنگی شیعه را افزایش داد.^{۲۱۲}

^{۲۱۱} بازداشت دو روحانی شیعه در هرات، افغانستان انترنشنال، تاریخ انتشار گزارش دوشنبه ۱۴۰۳/۸/۱۴

https://www.afintl.com/video/ott_7dc3a6e8d0b9490687d4156684f69ac0

^{۲۱۲} افراد مسلح دو عالم دینی شیعه را در هرات ترور کردند DW فارسی، گزارش از شعیب تنها شکران، تاریخ انتشار ۲۰۲۳/۹/۲

<https://www.dw.com/fa-af/%D8%A7%D9%81%D8%B1%D8%A7%D8%AF-%D9%85%D8%B3%D9%84%D8%AD-%D8%AF%D9%88-%D8%B9%D8%AF%D9%84%D8%85-%D8%AF%DB%8C%D9%86%DB%8C-%D8%B4%DB%8C%D8%B9%D9%87-%D8%B1%D8%AF-%D8%B1-%D9%87%D8%B1%D8%AF%D8%AA-%D8%AA%D8%B1%D9%88%D8%B1-%D8%A9%D8%B1%D8%AF%D9%86%D8%AF/a-67529735>

۱۶ اسد ۱۴۰۴ - ۷ آگست ۲۰۲۵ <https://www.etilaatroz.com/237488/human-rights-of-the-hazara-community> و نقض نظام‌مند حقوق بشر جامعه‌ی هزاره در حاکمیت طالبان، اطلاعات روز، تاریخ انتشار

این حادثه از سوی بسیاری از ناظران به عنوان نمونه‌ای از تداوم تهدیدهای امنیتی علیه رهبران دینی و فرهنگی جامعه شیعه و هزاره ارزیابی شده و بر ضرورت تأمین امنیت شخصیت‌های مذهبی و حفاظت از آزادی‌های دینی در افغانستان تأکید شده است.

از دیگر نمونه‌های محدودیت و فشار بر فعالان فرهنگی، می‌توان به بازداشت سید سکندر بامداد، نویسنده، شاعر و فعال فرهنگی، اشاره کرد. وی در سال ۲۰۲۵ توسط نیروهای طالبان در ولایت بلخ بازداشت شد. این رویداد با واکنش فعالان فرهنگی، نویسندگان، شاعران، خبرنگاران و کنشگران مدنی همراه شد و نگرانی‌هایی را درباره افزایش فشار بر اهل قلم و چهره‌های فرهنگی در افغانستان برانگیخت.^{۲۱۳}

بازداشت سید اسکندر بامداد از سوی بسیاری از ناظران به عنوان بخشی از روند محدودسازی فعالیت‌های فرهنگی، ادبی و فکری در افغانستان ارزیابی شده است. به باور این ناظران، بازداشت نویسندگان، شاعران و دیگر چهره‌های فرهنگی می‌تواند بر آزادی‌اندیشه، تولیدات فرهنگی و فضای فرهنگی کشور تأثیر منفی بر جای بگذارد، به‌ویژه هنگامی که این اقدامات متوجه شخصیت‌های متعلق به اقلیت‌های قومی و مذهبی نیز باشد.

در سطح فرهنگی، بازداشت یا فشار بر فعالان فرهنگی تنها به معنای محدودیت فردی نیست، بلکه به معنای کاهش ظرفیت تولید و انتقال فرهنگ در سطح جامعه نیز محسوب می‌شود. زمانی که نویسندگان، پژوهشگران، هنرمندان و معلمان فرهنگی در فعالیت خود محدود شوند، جریان تولید دانش فرهنگی و روایت‌های اجتماعی نیز دچار اختلال می‌شود.^{۲۱۴}

در جامعه هزاره، این موضوع اهمیت ویژه‌ای دارد، زیرا بخش مهمی از تولید فرهنگی این جامعه در دهه‌های اخیر توسط همین گروه‌ها انجام شده است. از تأسیس رسانه‌ها و نهادهای آموزشی گرفته تا تولید آثار ادبی و تاریخی، نقش فعالان فرهنگی در حفظ هویت جمعی هزاره‌ها بسیار برجسته بوده است. بنابراین، هرگونه فشار بر این گروه‌ها می‌تواند تأثیرات بلند مدت بر پایداری فرهنگی این جامعه داشته باشد.^{۲۱۵}

^{۲۱۳} گروه طالبان سید سکندر حسینی بامداد را بازداشت کرد، جمهور نیوز، تاریخ نشر شنبه ۸ قوس ۱۴۰۴ - ۱۵:۲۴
<https://www.jomhornews.com/fa/news/188826> و طالبان در بلخ سید سکندر بامداد، شاعر و فعال فرهنگی را «بازداشت کرده است، افغانستان انترنشنال، تاریخ نشر ۸ قوس ۱۴۰۴، ۲۰:۵۴ (+۰ گرینویچ) <https://www.afintl.com/fa/202511295607>

^{۲۱۴} Human Rights Watch. "Afghanistan: Taliban Crack Down on Critics." Human Rights Watch, 2022–2024.

<https://www.hrw.org/asia/afghanistan>

^{۲۱۵} Front Line Defenders. Global Analysis 2023: Afghanistan. Dublin: Front Line Defenders, 2023.

<https://www.frontlinedefenders.org/en/location/afghanistan>

از منظر اجتماعی، فضای ناشی از بازداشت یا تهدید فعالان فرهنگی می‌تواند به ایجاد خود سانسوری منجر شود. در چنین شرایطی، افراد ممکن است از بیان دیدگاه‌های فرهنگی، تاریخی یا مذهبی خود خودداری کنند تا از پیامدهای احتمالی جلوگیری کنند. این پدیده به تدریج می‌تواند به کاهش تنوع فکری و فرهنگی در جامعه منجر شود.^{۲۱۶}

در سطح حقوق بین‌الملل، آزادی بیان، آزادی فعالیت فرهنگی و آزادی مذهبی از حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شوند. هرگونه بازداشت یا فشار بر افراد به دلیل فعالیت‌های فرهنگی یا دینی، در صورت عدم وجود چارچوب قانونی شفاف و عادلانه، می‌تواند با اصول حقوق بشر در تعارض قرار گیرد. این مسئله به‌ویژه زمانی حساس تر می‌شود که گروه‌های قومی یا مذهبی خاص به طور نامتناسب تحت تأثیر قرار گیرند.^{۲۱۷}

در کنار این موضوع، برخی گزارش‌ها از فضای کلی ترس و احتیاط در میان فعالان فرهنگی نیز حکایت دارد. این فضا باعث شده است که بسیاری از فعالیت‌های فرهنگی به صورت غیررسمی، محدود یا در قالب‌های بسیار محتاطانه ادامه یابد. این تغییر در فضای عمومی فرهنگی، به طور مستقیم بر پویایی فرهنگی جامعه اثرگذار است.^{۲۱۸}

در مجموع، وضعیت علما و فعالان فرهنگی هزاره در دوره پس از ۲۰۲۱ را می‌توان بخشی از روند گسترده‌تر تغییر ساختار فرهنگی و اجتماعی در افغانستان دانست. این روند، علاوه بر پیامدهای فردی، اثرات جمعی بر تولید فرهنگی، انتقال دانش و حفظ هویت فرهنگی نیز دارد.^{۲۱۹}

بررسی این موضوع نشان می‌دهد که نقش علما و فرهنگیان در جامعه هزاره نه تنها مذهبی یا حرفه‌ای، بلکه هویتی و تاریخی است. بنابراین، هرگونه محدودیت بر این گروه‌ها، در واقع به معنای محدودیت بر یکی از اصلی‌ترین ستون‌های حفظ فرهنگ و هویت این جامعه محسوب می‌شود.^{۲۲۰}

^{۲۱۶} CIVICUS Monitor. Afghanistan: Civic Space Remains Closed. Johannesburg: CIVICUS, 2023–2025.

<https://monitor.civicus.org/country/afghanistan/>

^{۲۱۷} Freedom House. Freedom in the World 2024: Afghanistan. Washington, DC: Freedom House, 2024.

<https://freedomhouse.org/country/afghanistan/freedom-world/2024>

^{۲۱۸} Committee to Protect Journalists (CPJ). Journalists under Threat in Afghanistan. New York: CPJ, 2022–2025.

<https://cpj.org/asia/afghanistan/>

^{۲۱۹} Radio Free Europe/Radio Liberty, Radio Azadi. “Reports on Detentions of Clerics, Journalists and Civil Society Activists in Afghanistan.” 2022–2025.

<https://www.rferl.org/afghanistan>, and <https://www.hriui.com/en/news-report-restrictions-and-arrests-of-civil-and-media-activists-in-afghanistan/> report on 2025-09-08

^{۲۲۰} DW.Persian. «بازداشت و فشار بر فعالان مدنی و فرهنگی افغانستان پس از بازگشت طالبان».

<https://www.dw.com/fa-af/%D9%81%D8%B9%D8%A7%D9%84%D8%A7%D9%86-%D9%88%D8%B6%D8%B9-%D8%AD%D9%82%D9%88%D9%82-%D8%A8%D8%B4%D8%B1-%D8%AF%D8%B1-%D8%A7%D9%81%D8%BA%D8%A7%D9%86%D8%B3%D8%AA%D8%A7%D9%86-%D8%AA%DB%8C%D8%B1%D9%87-%D9%88-%D8%AA%D8%A7%D8%B1-%D8%A7%D8%B3%D8%AA/a-67682758>,

and United Nations. International Covenant on Civil and Political Rights. New York: United Nations, 1966, Articles 18, 19, 21, and 22. <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/international-covenant-civil-and-political-rights>

۸. محدودیت بر لباس، نمادهای فرهنگی و هویت ظاهری

لباس و پوشش در هر جامعه، تنها یک انتخاب فردی یا موضوع سلیقه‌ای نیست، بلکه یکی از مهم‌ترین نمادهای هویت فرهنگی، تاریخی و اجتماعی محسوب می‌شود. در جوامع قومی مانند هزاره‌ها، لباس‌های محلی، سبک‌های خاص پوشش، رنگ‌ها و حتی جزئیات دوخت، حامل معناها و نمادهای هویتی هستند که نسل به نسل منتقل شده‌اند. از این منظر، هرگونه محدودیت یا فشار بر نوع پوشش، می‌تواند به طور مستقیم بر احساس هویت و تعلق فرهنگی تأثیر بگذارد.^{۲۲۱}

در دوره پس از بازگشت طالبان به قدرت در سال ۲۰۲۱، گزارش‌ها و نگرانی‌هایی درباره محدودیت‌های غیررسمی یا اجتماعی بر برخی نمادهای فرهنگی و سبک‌های پوشش در افغانستان منتشر شده است. این محدودیت‌ها در برخی مناطق به شکل مستقیم و در برخی موارد به شکل فشار اجتماعی یا توصیه‌های اداری اعمال شده‌اند. در این میان، جامعه هزاره نیز به عنوان یکی از گروه‌های دارای هویت فرهنگی متمایز، تحت تأثیر این تغییرات قرار گرفته است.^{۲۲۲}

لباس‌های محلی هزاره‌ها، به ویژه در مناطق مرکزی افغانستان، دارای ویژگی‌های خاصی از نظر طراحی، رنگ و ساختار هستند. این لباس‌ها در مراسم‌های مذهبی، جشن‌ها، عروسی‌ها و گردهمایی‌های فرهنگی مورد استفاده قرار می‌گیرند و بخشی از هویت جمعی این جامعه را بازتاب می‌دهند. در برخی گزارش‌های محلی اشاره شده است که در سال‌های اخیر، در بعضی مناطق، حساسیت‌هایی نسبت به پوشیدن لباس‌های کاملاً سنتی یا نمادهای خاص فرهنگی وجود داشته است.^{۲۲۳}

طالبان پس از بازگشت به قدرت در آگست ۲۰۲۱، محدودیت‌های گسترده‌ای بر نوع پوشش، لباس و برخی نمادهای فرهنگی شهروندان افغانستان اعمال کردند. این محدودیت‌ها تمامی اقوام و گروه‌های اجتماعی را تحت تأثیر قرار داد و جامعه هزاره نیز از این سیاست‌ها مستثنا نبود. اجرای این مقررات، به ویژه در زمینه پوشش زنان و محدودسازی برخی نمادهای فرهنگی، با انتقادهای گسترده‌ای از سوی فعالان مدنی، کنشگران فرهنگی و نهادهای مدافع حقوق بشر مواجه شد.

^{۲۲۱} United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO). Universal Declaration on Cultural Diversity. Paris: UNESCO, 2001.

<https://unesdoc.unesco.org/ark:/48223/pf0000127162>

^{۲۲۲} United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO). Culture and Human Rights. Paris: UNESCO, 2022.

<https://www.unesco.org/en/culture-and-human-rights>

^{۲۲۳} United Nations General Assembly. Declaration on the Rights of Persons Belonging to National or Ethnic, Religious and Linguistic Minorities. Resolution 47/135, 18 December 1992. New York: United Nations, 1992.

<https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/declaration-rights-persons-belonging-national-or-ethnic>

در کنار لباس‌های سنتی، موضوع استفاده از نمادهای فرهنگی مانند زیورآلات محلی، الگوهای خاص پوشش در مراسم مذهبی، و شیوه‌های سنتی آرایش نیز بخشی از هویت فرهنگی این جامعه را تشکیل می‌دهد. هرگونه تغییر یا محدودیت در این نمادها، می‌تواند به تدریج باعث کمرنگ شدن حضور فرهنگی یک جامعه در فضای عمومی شود.^{۲۲۸}

از منظر اجتماعی، پوشش و لباس نقش مهمی در احساس امنیت هویتی افراد دارد. زمانی که افراد احساس کنند استفاده از نمادهای فرهنگی‌شان ممکن است با واکنش منفی مواجه شود، ممکن است به تدریج از آن فاصله بگیرند. این روند در بلندمدت می‌تواند به کاهش تنوع فرهنگی در فضای عمومی منجر شود.^{۲۳}

2.25

^{29V} United Nations Human Rights Council. Report of the Special Rapporteur in the Field of Cultural Rights, Alexandra Xanthaki. A/HRC/49/54. Geneva: United Nations, 2022.
<https://documents.un.org/doc/undoc/gen/g22/004/39/pdf/g2200439.pdf>

^{29A} United Nations. International Covenant on Civil and Political Rights. New York: United Nations, 1966, Articles 18, 19, and 27. <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/international-covenant-civil-and-political-rights>

^{29B} United Nations. International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights. New York: United Nations, 1966, Article 15. <https://www.ohchr.org/en/instruments-mechanisms/instruments/international-covenant-economic-social-and-cultural-rights>

^{29C} Human Rights Watch. World Report 2024: Afghanistan. New York: Human Rights Watch, 2024.
<https://www.hrw.org/world-report/2024/country-chapters/afghanistan>

از منظر حقوق فرهنگی، آزادی در انتخاب پوشش و حفظ نمادهای فرهنگی بخشی از حقوق بنیادین افراد و گروه‌های فرهنگی محسوب می‌شود. در اسناد بین‌المللی حقوق بشر، بر حق افراد برای حفظ و ابراز هویت فرهنگی خود تأکید شده است. هرگونه محدودیت مستقیم یا غیرمستقیم بر این حق، می‌تواند پیامدهایی در حوزه حقوق فرهنگی اقلیت‌ها داشته باشد.^{۲۳۱}

در مورد جامعه هزاره، مسئله لباس و نمادهای فرهنگی اهمیت دوچندان دارد، زیرا این نمادها بخشی از هویت تاریخی و اجتماعی این جامعه را تشکیل می‌دهند. در بسیاری از مراسم مذهبی، فرهنگی و اجتماعی، لباس‌های سنتی نقش مهمی در نمایش همبستگی جمعی و حفظ پیوندهای فرهنگی دارند.^{۲۳۲}

در مجموع، وضعیت پوشش و نمادهای فرهنگی در افغانستان پس از ۲۰۲۱ را می‌توان بخشی از تغییرات گسترده‌تر در فضای فرهنگی و اجتماعی کشور دانست. این تغییرات، هرچند در همه موارد به شکل سیاست رسمی و مکتوب بیان نشده‌اند، اما در سطح اجتماعی و فرهنگی قابل مشاهده بوده و بر نحوه بروز هویت‌های فرهنگی تأثیر گذاشته‌اند.^{۲۳۳}

یکی از نمونه‌های اجرای این سیاست، گزارش منتشرشده در ۸ جوزای ۱۴۰۲ (۲۹ می ۲۰۲۳) است که بر اساس آن، طالبان به‌صورت شفاهی از ساکنان ولسوالی جاغوری خواسته‌اند نوع پوشش خود را تغییر دهند و با معیارهای مورد نظر این گروه هماهنگ شوند. این اقدام با واکنش شماری از شهروندان و فعالان مدنی مواجه شد و از سوی آنان به‌عنوان نمونه‌ای از گسترش مداخلات طالبان در سبک زندگی، پوشش و هویت فرهنگی ساکنان مناطق هزاره‌نشین مورد انتقاد قرار گرفت.

از دید بسیاری از ناظران، چنین دستوراتی، هرچند به‌صورت شفاهی صادر شده باشند، نشان‌دهنده تلاش طالبان برای اعمال الگوی واحدی از پوشش و رفتار اجتماعی در مناطق مختلف افغانستان است؛ سیاستی که می‌تواند بر تنوع فرهنگی، آداب و رسوم محلی و هویت اقوام مختلف، از جمله جامعه هزاره، تأثیرگذار باشد.^{۲۳۴}

^{۲۳۱} Amnesty International. The State of the World's Human Rights: Afghanistan. London: Amnesty International, 2023–

۲۰۲۴. <https://www.amnesty.org/en/location/asia-and-the-pacific/south-asia/afghanistan/report-afghanistan/>

^{۲۳۲} Freedom House. Freedom in the World 2024: Afghanistan. Washington, DC: Freedom House, 2024.

<https://freedomhouse.org/country/afghanistan/freedom-world/2024>

^{۲۳۳} United Nations Human Rights Council. Cultural Rights and Cultural Participation: Report of the Special Rapporteur in the Field of Cultural Rights. Geneva: United Nations, various reports, 2022–2025.

<https://www.ohchr.org/en/special-procedures/sr-cultural-rights>

^{۲۳۴} طالبان به باشندگان جاغوری؛ طرز لباس پوشیدن تان را تغییر دهید، جمهور نیوز، تاریخ نشر دوشنبه ۸ جوزا ۱۴۰۲

<https://www.jomhornews.com/fa/news/160916>

برای جامعه هزاره، حفظ لباس‌ها و نمادهای فرهنگی نه تنها یک مسئله ظاهری، بلکه بخشی از مبارزه برای حفظ هویت فرهنگی و تاریخی محسوب می‌شود. بنابراین، هرگونه تغییر در این حوزه، در کنار سایر محدودیت‌های فرهنگی، باید در چارچوب کلی وضعیت فرهنگی این جامعه مورد بررسی قرار گیرد.^{۲۳۵}

نتیجه‌گیری: نسل‌کشی فرهنگی یا فرهنگ‌زدایی

بررسی شواهد و مستندات ارائه شده در این فصل نشان می‌دهد که سیاست‌های فرهنگی طالبان پس از بازگشت به قدرت در آگست ۲۰۲۱، صرفاً به اعمال محدودیت‌های اداری یا مذهبی محدود نبوده، بلکه مجموعه‌ای از اقدامات هماهنگ و نظام‌مند را دربر گرفته است که بر ارکان اصلی هویت فرهنگی، مذهبی و تاریخی جامعه هزاره تأثیر مستقیم گذاشته است. حذف فقه جعفری از نظام آموزشی، فشار بر پیروان مذاهب جعفری و اسماعیلی، محدودیت بر آیین‌ها و مراسم مذهبی، ممنوعیت جشن‌ها و جشنواره‌های فرهنگی، سانسور و جمع‌آوری کتاب‌ها و آثار مرتبط با تاریخ و فرهنگ هزاره‌ها، تعطیلی رسانه‌ها و مراکز فرهنگی، ممنوعیت موسیقی و هنر، و تضعیف حفاظت از میراث تاریخی، همگی در کنار یکدیگر نشان‌دهنده روندی هستند که فراتر از محدودسازی‌های مقطعی بوده و به تضعیف تدریجی هویت فرهنگی این جامعه انجامیده‌اند.

از منظر حقوق بین‌الملل، هرچند «نسل‌کشی فرهنگی» به عنوان جرم مستقل در کنوانسیون ۱۹۴۸ منع و مجازات نسل‌کشی به رسمیت شناخته نشده است،^{۲۳۶} اما این مفهوم در ادبیات حقوق بشر، حقوق اقلیت‌ها و گزارش‌های نهادهای بین‌المللی برای توصیف اقداماتی به کار می‌رود که با هدف نابودی یا تضعیف هویت فرهنگی، مذهبی، زبانی و تاریخی یک گروه صورت می‌گیرد.^{۲۳۷} در همین چارچوب، آنچه در این گزارش مستند شده است، با بسیاری از شاخص‌های شناخته‌شده فرهنگ‌زدایی (Cultural Erasure) یا همانندسازی اجباری فرهنگی (Forced Cultural Assimilation) همخوانی دارد؛ زیرا این سیاست‌ها امکان انتقال زبان، مذهب، سنت‌ها، هنر، حافظه تاریخی و

^{۲۳۵} United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization (UNESCO). Texts of the Convention for the Safeguarding of the Intangible Cultural Heritage. Paris: UNESCO, 2022 edition.

<https://ich.unesco.org/en/convention>

^{۲۳۶} United Nations, Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide,

۱۹۴۸. <https://www.un.org/en/genocide-prevention/۱۹۴۸-convention>, and Niamatullah Ibrahim, The Hazaras and the Afghan State: Rebellion, Exclusion and the Struggle for Recognition (London: Hurst, 2017). Page 53-87

^{۲۳۷} Elisa Novic, The Concept of Cultural Genocide: An International Law Perspective (Oxford: Oxford University Press,

۲۰۱۶). <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780198787167.001.0001>, and International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR), Article <https://www.ohchr.org/sites/default/files/ccpr.pdf>

میراث فرهنگی را به نسل‌های آینده محدود کرده و ظرفیت جامعه هزاره برای حفظ هویت جمعی خود را به‌طور جدی تضعیف کرده است.

در عین حال، با توجه به موازین حقوق بین‌الملل، اطلاق عنوان «نسل‌کشی فرهنگی» به این اقدامات، موضوعی است که نیازمند ارزیابی و تشخیص مراجع قضایی و نهادهای صلاحیت‌دار بین‌المللی است. از این رو، بر پایه شواهد موجود، می‌توان با اطمینان گفت که سیاست‌های طالبان مصداق روشنی از فرهنگ‌زدایی، حذف نظام‌مند تنوع فرهنگی و تضعیف حقوق فرهنگی اقلیت‌ها است و از منظر بسیاری از پژوهشگران، فعالان حقوق بشر و نهادهای بین‌المللی، می‌تواند واجد ویژگی‌هایی باشد که در ادبیات حقوق بشری تحت عنوان «نسل‌کشی فرهنگی» مورد بحث قرار می‌گیرد.

در مجموع، استمرار این سیاست‌ها نه تنها حقوق فرهنگی و مذهبی جامعه هزاره را نقض می‌کند، بلکه تنوع فرهنگی افغانستان را نیز با تهدید جدی مواجه ساخته است. تداوم این روند می‌تواند به فرسایش حافظه تاریخی، از میان رفتن میراث فرهنگی، کاهش انتقال ارزش‌ها و سنت‌های بومی به نسل‌های آینده و عمیق‌تر شدن شکاف‌های اجتماعی و قومی بینجامد. از این رو، مستندسازی این اقدامات، نظارت مستمر نهادهای بین‌المللی و اتخاذ تدابیر مؤثر برای حمایت از حقوق فرهنگی، مذهبی و هویتی هزاره‌ها و سایر اقلیت‌های افغانستان، ضرورتی اساسی برای جلوگیری از تداوم روند فرهنگ‌زدایی و حفاظت از تنوع فرهنگی این کشور به شمار می‌رود. در مورد هزاره‌ها، این مفهوم با توجه به پیشینه طولانی تبعیض فرهنگی و مذهبی اهمیت ویژه‌ای دارد.^{۲۳۸} از سرکوب‌های دوران عبدالرحمن خان تا حذف نقش هزاره‌ها از روایت‌های رسمی تاریخ، عناصر مختلف هویت فرهنگی این جامعه همواره تحت فشار بوده است. یکی از مهم‌ترین نمونه‌های تاریخی، تخریب مجسمه‌های بودای بامیان در سال ۲۰۰۱ بود که با محکومیت گسترده بین‌المللی روبه‌رو شد.^{۲۳۹}

^{۲۳۸} هزاره‌های افغانستان (تاریخ، فرهنگ اقتصاد و سیاست)، سید عسکر موسوی، مترجم اسد الله شفایی-تهران: انتشارات موسسه فرهنگی هنری نقش سیمرخ، ۱۳۷۹ فصل هفتم صفحه ۲۲۲.

^{۲۳۹} UNESCO, Report on the Destruction of the Bamiyan Buddhas (2001). <https://whc.unesco.org/en/news/2253>, and Francesco Francioni and Federico Lenzerini (eds.), The 2003 UNESCO Convention for the Safeguarding of Intangible Cultural Heritage (Oxford University Press, 2008). <https://global.oup.com/academic/product/the-2003-unesco-intangible-heritage-convention-9780198824787?lang=en&cc=pk>

فصل چهارم

وضعیت حقوقی

درآمد

طالبان با به دست گرفتن قدرت در افغانستان در ماه اگست سال ۲۰۲۱، تمام قوانین و مقررات موضوعه افغانستان از جمله قانون اساسی را لغو کردند و اصل «حاکمیت قانون» در کشور را از بین بردند. در حالی که هم در قرائت اسلامی و هم در عرف بین‌المللی «حاکمیت قانون» یک اصل اساسی و الزامی در امر حکومت‌داری است. پس از سلطه مجدد طالبان، مبنا و اصول حکومتداری طالبان را فرامین مذهبی رهبر طالبان و برداشت‌های دینی عالمان به عنوان «احکام شریعت» تشکیل می‌دهد. ملاهبت‌الله رهبر طالبان فرمان لغو قانون اساسی افغانستان و لغو قوانینی که در مغایرت با احکام شرعی هستند را صادر کرد و «شرعی سازی» قوانین را به حیث یک تکلیف دینی روی دست گرفت. طالبان با لغو قوانین حاکم در افغانستان هر جناح و حاکم محلی را ملزم به حکومت‌داری براساس فهم و برداشت خود از دین، کرده است. طالبان با این کار ضربه محکمی به سیستم حقوقی افغانستان وارد و سیستم حقوقی این کشور را از یک «نظام مبتنی بر حقوق شهروندی» به یک «نظام مبتنی بر فرامین، تبعیض سیستماتیک و سلب حقوق اقلیت‌ها» تبدیل کردند.

در این فصل ما به بررسی وضعیت حقوقی هزاره‌ها تحت سلطه طالبان تحت چهار مبحث جداگانه می‌پردازیم. در مبحث اول فروپاشی حاکمیت قانون و استقرار نظام فرمان محور را با تمرکز به لغو قانون اساسی ۱۳۸۲، تعریف طالبان از قانون و روند شرعی سازی و انحصار تقنین به بررسی می‌گیریم. در مبحث دوم به مبانی تئوریک و اسناد بالادستی تبعیض با توجه به مانیفیست حقوقی طالبان، حذف ساختاری اقلیت‌ها و انحصار مذهبی می‌پردازیم. در مبحث سوم اصولنامه جزایی محاکم را که منجر به نهادینه‌سازی آپارتاید و سلب دادرسی عادلانه می‌شود را بررسی می‌کنیم. در مبحث چهارم به بررسی قانون به مثابه ابزار سرکوب می‌پردازیم و ایجاد بسترهای حقوقی توسط طالبان برای سرکوب هزاره‌ها را مطالعه می‌کنیم.

۱. فروپاشی حاکمیت قانون و استقرار نظام فرمان‌محور

حاکمیت قانون به عنوان یک اصل بنیادین که سنگ زیرین روابط بین دولت و شهروندان به شمار می‌آید و به عنوان یکی از مهم‌ترین ارکان «حکمرانی خوب» محسوب می‌شود دارای ارزش جهان شمول است. مبنای اصل حاکمیت قانون بر این است که قوای حاکم مطابق قانون حکومت کرده و از خودسری پرهیزند تا حقوق افراد نه تنها تضییع نشده بلکه به عنوان یک هدف متعالی تامین شود. از طرفی دیگر قوای حاکم در یک کشور که شامل مجریه، مقننه و قضاییه بوده و به اعمال قدرت در یک کشور می‌پردازند اگر چارچوب بندی نشوند و خودسرانه عمل کنند، مسلماً حقوق افراد تضییع شده و استبداد و خودکامگی در آن کشور جاری خواهد شد و زمینه ظلم و فساد فراهم می‌گردد، پس لازم است اعمال این قوا مطابق قانون باشد.^{۲۴۰} نظریه حاکمیت قانون، به عنوان یک اصل و حتی ارزش سیاسی و حقوقی، در واکنش به حکومت‌های فردی، خودکامه و استبدادی و به منظور جلوگیری از سوءاستفاده از قدرت سیاسی و ممنوع ساختن و جلوگیری از اتخاذ تصمیمات و اقدامات خود سرانه از سوی حاکمان، تحدید قدرت سیاسی را ضروری ساخت.^{۲۴۱}

طالبان با ابطال قانون اساسی و قوانین نافذ در افغانستان در حقیقت حاکمیت قانون در این کشور را از بین برده و نظامی مبتنی بر فرامین، تبعیض سیستماتیک و سلب حقوق اقلیت‌ها ایجاد کردند. طالبان اصل برابری شهروندی، تساوی افراد در برابر قانون را به کلی انکار و با ارائه تعریف جدید از قانون و توشیح قوانین جدید طالبانی، قانون را تبدیل به ابزار سرکوب برای شهروندان افغانستان و مخصوصاً هزاره‌ها کردند. این گروه با استناد به شرعی سازی قوانین، تقنین را منحصر کردند.

تحت این مبحث به دو موضوع مهم می‌پردازیم. در بخش اول ابطال قانون اساسی ۱۳۸۲ و پیامدهای آن بالای هزاره‌ها را بررسی می‌کنیم و در بخش دوم دیدگاه طالبان را با توجه به تعریف جدید از قانون و با تمرکز به انفاذ قوانین جدید طالبانی و انحصار تقنین مطالعه می‌کنیم.

ابطال قانون اساسی ۱۳۸۲ و پیامدهای آن بر هزاره‌ها

مطابق نظر علمای علم حقوق، قانون اساسی به مثابه یک قرارداد ملی است که توافق تمام ساکنان یک سرزمین را بر چگونگی توزیع قدرت و شناسایی هویت و حقوق اجتماعی و مذهبی آنان نشان می‌دهد. فلسفه الزام‌آوری و اطاعت از قانون اساسی هم این است که این سند حقوقی برخاسته از اراده جمعی و حاصل قرارداد جمعی آنان است. از این رو

^{۲۴۰} رضا عزیزنژاد، «اصل حاکمیت قانون و تأثیر آن بر قوای سه گانه»، پایگاه مجلات تخصصی نور، دوره ۲، شماره ۲ تابستان ۱۳۹۵، صفحات ۱۷۲-۱۷۳، اصل حاکمیت قانون و

تأثیر آن بر قوای سه گانه، تاریخ بازدید ۱۲ جون ۲۰۲۶.

^{۲۴۱} همان.

باید تمام شهروندان و طیف‌های مختلف اجتماعی، خود را در مرحله تدوین و تصویب قانون اساسی شریک بدانند تا از حقوق و مطالبات خود بتوانند نمایندگی و دفاع کنند. در غیر این صورت، مانند نظام‌های سلطنتی نیم قرن گذشته حتی اگر حقوق شهروندان کشور و از جمله اقلیت‌ها و زنان از جانب دولت تأمین شود بازهم حالت «اعطایی» پیدا می‌کند و ممکن است دوباره سلب شود.

طالبان پس از به قدرت رسیدن، قانون اساسی ۱۳۸۲ را لغو کردند. مولوی عبدالکبیر حیدر، معاون وزارت عدلیه طالبان در یک نشست خبری اعلام کرد که کشورهای غیراسلامی نیاز به قانون اساسی دارند، اما قوانین اساسی کشورهای اسلامی بر اساس دستورات قرآن، احادیث و فقه تنظیم شده است در حالی که در اولین روزها ذبیح الله مجاهد، به صورت غیرمستقیم به رسانه‌ها گفته بود که طالبان به قانون اساسی افغانستان احترام می‌گذارند و تنها آن ماده‌های که در مغایرت با دین اسلام قرار دارند را نمی‌پذیرند.^{۲۴۲} قانون اساسی فقط قانون برتر نیست؛ بلکه برترین قانون است و در حقیقت قانون اساسی مبنایی برای تدوین و طراحی دیگر قوانین عادی است. افغانستان تحت سلطه طالبان در یک خلا قانونی به سر می‌برد در حالی که ذبیح الله مجاهد سخنگوی طالبان مدعی شده است که افغانستان خلا قانونی ندارد.

لغو قانون اساسی مصوب ۱۳۸۲ افغانستان تأثیرات منفی زیادی روی حقوق هزاره‌ها داشته است که از آن جمله می‌توان به مواردی چون از بین رفتن اصل برابری شهروندی، حذف مشارکت سیاسی، کاهش حمایت حقوقی در برابر تبعیض، افزایش آسیب‌پذیری در برابر خشونت، محدودیت حقوق مذهبی و فرهنگی و تأثیر اجتماعی و اقتصادی اشاره کرد. قانون اساسی ۱۳۸۲ یک چارچوب حقوقی برای مشارکت سیاسی، نمایندگی در ساختار دولت، و دسترسی به حمایت‌های قضایی فراهم می‌ساخت. با این حال، پس از بازگشت طالبان به قدرت در سال ۲۰۲۱، این نظام قانون اساسی عملاً از بین رفت و به جای آن، نظامی مبتنی بر فرامین، احکام و هدایات مقام رهبری طالبان حاکم گردید. در نتیجه، تضمین‌های رسمی مربوط به برابری و حقوق اقلیت‌ها در عمل بی‌اثر شد و هزاره‌ها حمایت حقوقی مؤثر در برابر تبعیض را از دست دادند. همچنان تضعیف نهادهای نظارتی و عدلی باعث محدود شدن دسترسی به عدالت و کاهش امکان دادخواهی در موارد نقض حقوق بشر گردید. در این وضعیت، حمایت حقوقی از هزاره‌ها بیشتر وابسته به تفسیر و تصمیمات اداری و دینی حاکمیت گردیده و نه بر اساس قواعد مدون و قابل اجرا، که این امر وضعیت حقوقی آنان را به گونه قابل توجهی تغییر داده است.

قانون اساسی ۱۳۸۲ در ماده ۲۲ بر اصل تساوی افراد در برابر قانون تأکید داشت و به صراحت بیان می‌کرد که «تمام اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و واجبات مساوی هستند.» که این اصل به حیث یک اصل

^{۲۴۲} «طالبان قانون اساسی و فعالیت احزاب سیاسی در افغانستان را لغو اعلام کردند»، رادیو بین‌المللی فرانسه (RFI فارسی)، ۵ سپتامبر ۲۰۲۲، [طالبان، قانون اساسی و فعالیت احزاب سیاسی در افغانستان را لغو اعلام کردند - ا.ر.اف.ای. RFI - تاریخ بازدید ۱۲ جون ۲۰۲۶](#).

جهان شمول تاکید بر این دارد که افراد در برابر قانون حقوق و مکلفیت‌های یکسان دارند. این تساوی شامل تساوی حقوق در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بود در حالیکه پس از لغو قانون اساسی در افغانستان این اصل از بین رفت و مردم افغانستان به شکل عام و هزاره‌ها به شکل خاص از این ناحیه متضرر شدند.

هزاره‌ها با نقض این اصل توسط طالبان از حق سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی محروم شدند. بر اساس سروی که شبکه تحلیل‌گران بلای در سال اول سلطه طالبان داشت، ۹۶٪ مصاحبه شوندگان باورمند بودند که هزاره‌ها کاملاً از سوی طالبان در عرصه‌های سیاسی و اجتماعی نادیده گرفته شدند و ۴٪ آن‌ها باورمند بودند که هزاره‌ها نسبتاً نادیده گرفته شده است.^{۲۴۳} چنانچه در کابینه طالبان از همان روز نخست تاحال هیچ وزیر هزاره‌ای حضور نداشته است و این گروه محرومیت‌های شدید اجتماعی و فرهنگی بالای هزاره‌ها اعمال کردند.

تعریف طالبانی قانون و روند شرعی سازی و انحصار تقنین

طالبان به تاریخ ۱۴۰۲/۱/۱ مصادف ۲۱ مارچ ۲۰۲۳ قانون وظایف و صلاحیت‌های لوی ریاست نظارت و تعقیب فرامین و احکام را در جریده رسمی نشر کردند که در فقره اول، ماده سوم قانون را چنین تعریف می‌کنند «قانون مجموعه قواعدی است که در چوکات شریعت به هدف تنظیم امور داخلی و فعالیت‌های یک وزارت یا اداره تدوین، از طرف مقام رهبری توشیح شده و تطبیق آن الزامی می‌باشد.» در حالیکه در ماده ۹۴ ام قانون اساسی ۱۳۸۲ افغانستان، قانون چنین تعریف شده است: «قانون عبارت از مصوبه هر دو مجلس شورای ملی است که به توشیح رئیس جمهور رسیده باشد، مگر اینکه در این قانون اساسی طور دیگری تصریح گردیده باشد.» در این تعریف مصوبه قانون مردمی است، زیرا توسط نمایندگان منتخب مردم تصویب گردیده و توسط رئیس جمهور منتخب مردم، توشیح می‌گردد. بدین وسیله قانون بالای همه مردم لازم‌الاجرا می‌شد اما در تعریف طالبانی قانون، منصوبین طالبان که اداره امور را به دست دارند، قانون را در چارچوب شریعت تدوین می‌کنند و مقام رهبری طالبان آن را توشیح کرده و لازم‌الاجرا می‌گردد. در این تعریف و در این نظام، شهروندان هیچ دخالتی در امر قانون گذاری چه به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم ندارند. شهروندان فقط اتباعی هستند که مجبور و مکلف‌اند از قوانین ساخته شده حکومتی پیروی کنند.

طالبان مجموعه‌ای از احکام و فرامین ملا هبت‌الله آخندزاده، رهبر این گروه را در جریده رسمی نشر کرده که از این طریق به آن حیثیت قانون می‌دهند و همه را ملزم به اطاعت از آن می‌نمایند.^{۲۴۴} رهبر طالبان فرمانی را در مورد چگونگی

^{۲۴۳} شبکه تحلیل‌گران بلای، «هزاره‌ها بدترین روزگار را در افغانستان زیر حاکمیت طالبان تجربه می‌کنند»، ۱۵ اگست ۲۰۲۲، شبکه تحلیل‌گران بلای: هزاره‌ها بدترین روزگار را در

افغانستان زیر حاکمیت طالبان تجربه میکنند. | شبکه تحلیل‌گران بلای، تاریخ بازدید ۷ جولای ۲۰۲۶.

^{۲۴۴} شکیلا ابراهیم خیل، «نشر فرمان‌های رهبر طالبان در جریده رسمی چی پیامی دارد؟»، دویچه وله فارسی (افغانستان)، ۳۱ می ۲۰۲۳، نشر فرمان‌های رهبر طالبان در جریده رسمی چه

پیامی دارد؟ تاریخ بازدید ۲۱ جون ۲۰۲۶.

طی مراحل اسناد تقنینی^{۲۴۵} صادر کرده است. به صورت مقایسه‌ای می‌توان تفاوت روند قانون‌گذاری در نظام جمهوری اسلامی افغانستان با حکومت طالبان را به شرح زیر توضیح داد:

مرحله	امارت اسلامی افغانستان (۱۴۰۰) (تاکنون)	جمهوری اسلامی افغانستان ۱۳۸۲-۱۴۰۰
مبنای حقوقی	فرامین، احکام و تفسیر شریعت توسط رهبری	قانون اساسی ۱۳۸۲
ابتکار قانون	وزارتخانه‌ها، ادارات و رهبری	حکومت و اعضای شورای ملی
بررسی اولیه	تخریج و تدقیق فقهی توسط وزارت عدلیه	کمیسیون‌های تخصصی پارلمان
نهاد تصویب‌کننده	کمیسیون بازنگری نهایی اسناد تقنینی	ولسی جرگه و مشرانو جرگه
مشارکت مردمی	محدود و عمدتاً غیرانتخابی	غیرمستقیم از طریق نمایندگان منتخب
حل اختلاف	تصمیم نهایی توسط رهبری	هیئت مختلط دو مجلس
توشیح نهایی	رهبر امارت	رئیس‌جمهور
انتشار	جریده رسمی و ابلاغ اداری	جریده رسمی
ویژگی نظام	قانون‌گذاری متمرکز و اجرایی	قانون‌گذاری پارلمانی و چندمرحله‌ای

جدول ۲: تفاوت روند قانون‌گذاری در نظام جمهوری اسلامی افغانستان با حکومت طالبان

^{۲۴۵} وزارت عدلیه امارت اسلامی افغانستان، «فرمان عالی‌قدر امیرالمؤمنین حفظه الله تعالی در مورد چگونگی طی مراحل اسناد تقنینی»، فرمان شماره ۹، مورخ ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۴۴۴ ه ق، فرمان عالی‌قدر امیرالمؤمنین حفظه الله تعالی در مورد چگونگی طی مراحل اسناد تقنینی | وزارت عدلیه، تاریخ بازدید ۲۲ جون ۲۰۲۶.

طالبان از اگست ۲۰۲۱ تا اکنون دست کم ۴۷۰ فرمان صادر کرده‌اند.^{۲۴۶} براساس آمار موجود در دیتابیس وزارت عدلیه افغانستان، تا اکنون ۵۹^{۲۴۷} نشریه در دیتابیس قوانین این وزارت به نشر رسیده است که شامل قوانین، مقرره‌ها، اصولنامه‌ها، فرامین، طرزالعمل‌ها و اعلانات است. همچنان طالبان در ادارات لوایحی هم صادر کرده‌اند. آنچه در وبسایت وزارت عدلیه در دیتابیس قوانین نشر شده است، قرار ذیل می‌باشد:

نوع سند	قانون	فرمان	طرزالعمل	اصولنامه	اعلانات
تعداد	۱۹	۱۶ فرمان، که هر فرمان حاوی فرامین متعدد است	۵	۳	۱۶

جدول ۳: تعداد قوانین، مقرره‌ها، اصولنامه‌ها، فرامین، طرزالعمل‌ها و اعلانات منتشر شده توسط طالبان

قوانینی که نافذ شده‌اند عبارتند از:

۱. قانون وظایف و صلاحیت‌های لوی ریاست نظارت و تعقیب فرامین و احکام
۲. قانون جلوگیری از غصب زمین‌ها و استرداد زمین‌های غصب شده
۳. قانون سمع شکایات
۴. قانون جمع آوری گداها و جلوگیری از گدایی
۵. قانون بخش صرافان و خدمات پولی
۶. قانون امر بالمعروف و نهی عن المنکر
۷. قانون ساحات صنعتی
۸. قانون اجاره زمین‌های امارتی
۹. قانون تأسیس، تثبیت و تقرر استادان و کارمندان مدارس
۱۰. قانون محاسبه مالی

^{۲۴۶} Nazanin Mohseni, "UN: Taliban Have Issued at Least 470 Decrees since August 2021," *KabulNow*, December 30, 2025,

UN: Taliban have issued at least 470 decrees since August 2021 – *KabulNow*, Seen on June 20, 2026.

^{۲۴۷} وزارت عدلیه افغانستان، «مجموعه قوانین افغانستان»، پایگاه قوانین وزارت عدلیه، <http://laws.moj.gov.af/ShowLawPersian.aspx>, Seen on June 20,

۱۱. قانون تنظیم مشاعره‌ها
۱۲. قانون عقود وزارت‌ها و ادارات امارتی
۱۳. قانون معلمین حجاج
۱۴. قانون جلوگیری از قاچاق مواد غذایی، ادویه و محصولات صحرایی
۱۵. قانون هیئت تعرفه
۱۶. قانون مبلغین
۱۷. قانون فروش و توزیع نمره‌های زمین‌های امارتی و اعطای اجازه ساختمان
۱۸. قانون بررسی ملکیت‌های منقول و غیرمنقول اشخاص غایب
۱۹. قانون حفظ آثار جهادی

طرز العمل‌ها عبارتند از:

۱. طرز العمل هیئت توزیع زمین به مهاجرین عودت کننده
۲. طرز العمل تنظیم امتیازات و تسهیلات برای صنعت کاران و تاجران عودت کننده
۳. طرز العمل خریداری گندم مازاد دهاقین
۴. طرز العمل هیئت‌های تنفیذ قانون امر بالمعروف و نهی عن المنکر
۵. طرز العمل تطبیق فیصله کمیسیون جلوگیری از غصب زمین‌ها و استرداد زمین‌های غصب شده امارتی و محکمه اختصاصی مربوط

اصولنامه‌ها عبارتند از:

۱. اصولنامه جزایی محاکم
۲. اصولنامه تفریق زوجین
۳. اصولنامه شرعی محکمه اختصاصی رسیدگی به قضایای زمین‌های غصب شده سلطانی (امارتی) مرعی عامه و وقفی

۲. مبانی تئوریک و اسناد بالادستی تبعیض

تفکر طالبان، همانند هر نظام فکری دیگری ارتباط مستحکمی با زمینه اجتماعی داشته است. نظام فکری طالبان در واکنش به بحران‌های موجود در جامعه افغانستان به تدریج صورت‌بندی شده و برای حفظ و استیلا خود را با برخی شرایط جدید تطبیق داده است. در منظومه فکری طالبان اثر و نشان بحران‌ها در جامعه افغانستان و توجه به آن‌ها

برجسته است. رهبران فکری طالبان در طرح دیدگاه‌های خود با رویکردی عینی و برای به چالش کشیدن و تزلزل در نظام‌های معنایی رقیب همواره بحران‌های سیاسی و اجتماعی داخلی و خارجی افغانستان را برجسته کرده‌اند. از نظر آنان مهم‌ترین بحران‌ها و چالش‌های داخلی افغانستان «سیاسی»، «اقتصادی-اجتماعی» و «جاهلیت» است که با تشکیل یک جامعه آرمانی این مشکلات رفع خواهد شد.

جامعه مطلوب و آرمانی طالبان حکومتی اسلامی است که به دنبال اجرای شریعت ناب اسلامی، استقرار صلح، ایجاد ثبات و نظم و ریشه کن کردن کاشت، تجارت و مصرف مواد مخدر است. طالبان برای تحقق این پیش شرط‌ها و شکل‌گیری حکومت آرمانی اسلامی مجموعه‌ای از راه کارها را نیز برای درمان دردها ارائه می‌دهد. مهم‌ترین راه حل‌ها از نظر آنان، توحید حاکمیت، حذف احزاب جهادی، وجوب امر به معروف و نهی از منکر و فسادزدایی است.^{۲۴۸}

گروه طالبان همواره اعلامیه‌ها، بیانیه‌ها، دستورها و متن‌های سیاسی صادره توسط رهبر خودخوانده خود را «فرمان» می‌نامد؛ در حالی که این اصطلاح در حقوق عمومی و حقوق اساسی دارای معنا، شرایط و الزامات مشخص است. فرمان، تصمیم حقوقی عام‌الشمول و الزام‌آور است که از سوی مرجع قانونی دارای صلاحیت، در چارچوب یک نظام حقوقی مشروع، مبتنی بر قانون اساسی و قوانین نافذه و با رعایت اصل تفکیک قوا صادر می‌شود. اما هیچ‌یک از این شرایط در ساختار طالبان وجود ندارد. این گروه نه از طریق انتخابات آزاد و عادلانه به قدرت رسیده، نه از مشروعیت داخلی و بین‌المللی برخوردار است؛ قانون اساسی و قوانین نافذه افغانستان را تعلیق کرده و هیچ نظام حقوقی مدون و مشروع را به‌عنوان جایگزین ارائه نکرده است. در نتیجه، آنچه طالبان صادر و نشر می‌کنند، نه از نظر شکلی و نه از نظر ماهوی، «فرمان» به معنای واقعی کلمه نیست.

از یک‌سو، مرجع صدور این متن‌ها فاقد مشروعیت و صلاحیت قانونی است و از سوی دیگر، این دستورها در چارچوب یک نظام حقوقی مشروع و مبتنی بر قانون اساسی قرار نمی‌گیرند. افزون بر این، محتوای این دستورها به‌جای تنظیم عادلانه روابط حقوقی، معطوف به تشدید کنترل، سرکوب شهروندان، عادی‌سازی خشونت، اعمال تبعیض و نقض حقوق بشر است. از نظر شکلی نیز این دستورها فاقد ابتدایی‌ترین معیارهای اسناد حقوقی می‌باشند. بنابراین، این متن‌ها چیزی جز مجموعه‌ای از تصامیم و اوامر سیاسی - امنیتی یک فرد با هویت نامشخص نیست که از هیچ‌گونه

^{۲۴۸} Hamdollah Akvani, Jaseb Nikfar, Mohammad Mojahedzadeh and Marzieh Karami, "The Taliban Intellectual Foundation Based on Spriggan's Research Method: from collapse to Recovery", Scientific Bi-Quarterly Journal of Shahed University/Political Sociology of Islamic World, Vol.2, No.2, April 18 2022, [article_4121_c79ec57a8e72a87d8a69d2c6b8a2a8d4.pdf](https://doi.org/10.21861/psiw.4121.c79ec57a8e72a87d8a69d2c6b8a2a8d4). Seen on July 3, 2026.

مشروعیت حقوقی و دموکراتیک برخوردار نمی‌باشد.^{۲۴۹} در این مبحث سه موضوع مهم مبانی تئوریک طالبان و اسنادی را که این گروه از آن پیروی کرده و حکومت تبعیض را حاکم کرده‌اند، به بررسی می‌گیریم.

مانیفست حقوقی طالبان

طالبان مانیفست حقوقی واحد و شناخته شده‌ای که بتواند دیدگاه حقوقی این گروه را بیان کند، ندارند. کتاب «الاماره الاسلامیه و نظامها» (امارت اسلامی و نظام آن) به قلم «عبدالحکیم حقانی» قاضی القضاات حکومت طالبان در حال حاضر تنها سند جامع برای شناخت تفکر و اعتقاد طالبان است که به ساختار و شکل یک دولت اسلامی پرداخته و ضمن تشریح فلسفه و فقه سیاسی طالبان، رویکرد این گروه به بحث دولت را بر اساس نظام اعتقادی طالبان تبیین کرده است. نکته حائز اهمیت این کتاب این است که رهبر طالبان ملا هبت‌الله آخوندزاده نیز مقدمه‌ای بر آن نگاشته و مهر تایید بر محتوای کتاب زده است.^{۲۵۰} برخی کارشناسان از این کتاب به عنوان «مانیفست امارت طالبان» نیز یاد کرده‌اند و برخی آن را یک تئوری تندروانه در امر حکومت‌داری دانسته و برخی دیگر هم این نظریه را نمونه سطحی‌نگری و ظاهرگرایی طالبان می‌دانند.^{۲۵۱}

برای تدوین قانون اساسی در یک کشور، دو اصل حیاتی و بنیادی وجود دارد. یکی اینکه احکام قانون اساسی، باید بر مبانی محکم و استوار بنیاد نهاده شود و دوم اینکه روح قانون اساسی باید زنده و پویا باشد تا بتواند با مقتضیات و ضرورت‌های زمان سازگاری و توافق پیدا کند. از این رو، تدوین کنندگان قانون اساسی، خود باید اولاً بر اصول و مبانی لازم برای تدوین یک قانون اساسی، مسلط و آگاه باشند و در قدم دوم با تحولات و مقتضیات ضروری زمان سازگاری و توافق داشته باشند. در غیر این صورت، قانون اساسی که با مبانی علمی و ضرورت‌های زمان، هماهنگ نباشد، خود تبدیل به یک امر چالش‌زا می‌شود. درست است که قانون اساسی در ذات خود، دارای حاکمیت در «قلمرو سرزمینی» است ولی قوانین فرعی برگرفته از قانون اساسی در عرصه تجارت، ترانزیت، گمرکات، روابط فرهنگی و تجاری میان کشورها، تأثیرهای مثبت و منفی خود را در محیط فراتر از قلمرو سرزمینی، نشان خواهد داد.

پس از تشکیل حکومت سرپرست طالبان و در فقدان قانون اساسی، کتاب «الاماره الاسلامیه و نظامها» توسط شیخ عبدالحکیم حقانی قاضی القضاات طالبان به زبان عربی و با مقدمه و تأیید ملا هبت‌الله آخوندزاده رهبر طالبان منتشر

^{۲۴۹} عبدالحاحد فرزام، «طالبان و سیستماتیک سازی شکنجه» . بازداشت خودسرانه در افغانستان»، مجله ۸ صبح، ۲۵ جدی ۱۴۰۴، طالبان و سیستماتیک‌سازی شکنجه و بازداشت خودسرانه در افغانستان | روزنامه ۸ صبح، تاریخ بازدید ۹ جولای ۲۰۲۶.

^{۲۵۰} «نقد و بررسی الگوی نظری طالبان در دولت سازی»، مطالعات شرق، گاهنامه شماره ۳۲، ۱۰ دلو ۱۴۰۲، موسسه مطالعات راهبردی شرق - نقد و بررسی الگوی نظری طالبان در دولت‌سازی، تاریخ بازدید ۴ جولای ۲۰۲۶.

^{۲۵۱} «نگاهی به کتاب «الاماره الاسلامیه و نظامها» در گفتگوی شفقنا با دکتر احمدی: اختلاف طالبان بنیادی نیست و تعهد عمیق به نظام امارت دارند»، شفقنا فارسی، ۱۶ جوزا ۱۴۰۱، نگاهی به کتاب «الاماره الاسلامیه و نظامها» در گفتگوی شفقنا با دکتر احمدی: اختلافات طالبان بنیادی نیست و تعهد عمیق به نظام امارت دارند | خبرگزاری بین‌المللی شفقنا | خبرگزاری شیعیان، فتاوی آیت‌الله سیستانی و مرجعیت، آخرین اخبار ایران و جهان، تاریخ بازدید ۴ جولای ۲۰۲۶.

شد که از همان اول در نگاه اهل نظر به مثابه منشور دولت‌داری و مبنای قانون اساسی آینده طالبان، مطرح شد. بدون شک که احکام و رویکرد این کتاب که حاصل ذهن خود او است بر خروجی کار قاضی القضاات طالبان به عنوان نویسنده کتاب، در فرایند تدوین قانون اساسی طالبان تأثیر جدی خواهد گذاشت. از این رو، برخی احکام و مفاد قانون اساسی طالبان، تا حدودی از قبل قابل پیش بینی است. زیرا در کتاب یاد شده راجع به حقوق اساسی مردم افغانستان احکام و رویکرد مشخص وجود دارد که با گنجاندن آن در مواد قانون اساسی جدید طالبان، چالش‌های افغانستان جدی‌تر و پیچیده‌تر خواهد شد.^{۲۵۲} طالبان در سال ۲۰۲۳ به صورت رسمی اعلام کردند که قانون اساسی حکومت طالبان زیر نظر شیخ عبدالحکیم حقانی قاضی القضاات طالبان و نویسنده «الاماره الاسلامیه و نظامها» در حال تدوین است.^{۲۵۳}

حذف ساختاری اقلیت‌ها و انحصار مذهبی

مبنای حذف اقلیت‌ها و زنان در نظام طالبانی در کتاب الاماره الاسلامیه و نظامها به صراحت بیان شده است. در کتاب مذکور، ذیل عنوان «شروط الإمام و مواصفاته» و در بند سوم آن، یکی از اوصاف امامت را مرد بودن دانسته و در توضیح آن آمده است: «زیرا زنان به ماندن در خانه امر شده‌اند و اصل در مورد حالت آن‌ها بر «ستر» است». نویسنده سپس به حدیث «لن یفلح قوم ولو أمرهم إمرأه» استناد می‌کند و به سخنی متوسل می‌شود دایر بر این که وقتی جناب عایشه همسر پیامبر (ص) شایسته توگی امور نباشد، زنان دیگر به صورت اولی چنان شایستگی نخواهند داشت. در ادامه آمده است: «زیرا این کار (توگی امور) متضمن اعمال خطیری است که سرشت زن تحمل آن را ندارد؛ زن چنان که در حدیث صحیح تصریح شده است، ناقص العقل و الدین است». در ادامه می‌افزاید «بدان که خداوند جایگاه زن را محفوظ داشته و مکان او را در میان فرزندان و در صیانت از آن‌ها قرار داده است. زن ضعیف است و بنابراین نمی‌تواند از خود دفع ضرر کند؛ چه رسد به این که در صورت امام شدن از دیگری دفع ضرر نماید. روی این بیان، اهل علم بر ناجایز بودن امامت زن اجماع کرده‌اند». سپس عبدالحکیم حقانی آثار مرتبه بر امامت زن را اعم از اختلاط زن با مرد، خروج زن از خانه، قیمومیت زن بر مردان و غیره یک به یک می‌شمارد و با استناد به روایاتی از پیامبر اسلام، بر نادرستی آن‌ها استدلال می‌ورزد.^{۲۵۴}

در این کتاب حضور اقلیت‌های مذهبی در بخش رهبری و قضا منع شده است و حضور اقلیت‌های مذهبی مانند حضور اجنبی باعث ضعف و سقوط نظام پنداشته شده است. علاوه بر این، مذهب رسمی نظام، تنها مذهب حنفی در نظر گرفته

^{۲۵۲} عبدالرحیم کامل، «تأملی بر ابعاد و تبعات قانون اساسی در حال تدوین حکومت طالبان»، مطالعات شرق، ۱۳ میزان ۱۴۰۲، موسسه مطالعات

راهبردی شرق - تأملی بر ابعاد و تبعات قانون اساسی در حال تدوین حکومت طالبان، تاریخ بازدید ۲۰ جون ۲۰۲۶.

^{۲۵۳} «طالبان از کار روی تدوین قانون اساسی خبر داد»، آمو، ۲۷ سنبله ۱۴۰۲، طالبان از کار روی تدوین قانون اساسی خبر داد | تلویزیون آمو، تاریخ بازدید ۲۱ جون ۲۰۲۶.

^{۲۵۴} «جایگاه زنان در نظام فکری طالبان با عطف به کتاب عبدالحکیم حقانی»، مطالعات شرق، ۳۱ جوزا ۱۴۰۱/ <https://www.iess.ir/fa/analysis/3118/> Seen on

شده است و در ادله آن تصریح شده است: «مردم افغانستان مذهبی غیر از مذهب حنفی را موجب ننگ و عار می‌دانند.» به موجب احکام این کتاب، انتخابات و دموکراسی موجب فساد است. حاکم با زور مشروعیت دارد و اعتراض در برابر حاکم جور جواز ندارد و هر کس مخالفت کند به عنوان باغی واجب القتل است.^{۲۵۵}

با توجه با مبنای انحصار مذهب در نظام طالبان هزاره‌ها و پیروان مذهب تشیع با مشکلات عدیده‌ای از جمله اجبار به تغییر مذهب‌شان توسط این گروه، مواجه شدند. چنانچه در فصل قبلی نیز بیان شد، در جون ۲۰۲۲ طالبان رسماً تدریس فقه جعفری را در دانشگاه‌ها مخصوصاً در دانشگاه بامیان متوقف کردند و دانشکده مربوط را تغییر ساختار دادند. چند ماه بعد، در سپتامبر ۲۰۲۲ خانواده‌های فقیر و مغاره‌نشین بامیان به اجبار از محل زندگی‌شان کوچانده شدند؛ خانواده‌هایی که طالبان به آن‌ها می‌گفتند: «کافران! نوبت حکومت شما گذشت. در ماه می ۲۰۲۳ طالبان از توزیع فورم تثبیت‌سویه برای علمای شیعه جلوگیری کردند. علمای بامیانی گفتند که مأموران طالبان صراحتاً به آن‌ها گفتند: «فورمه برای شیعیان نیست.» در سپتامبر ۲۰۲۳ رهبر طالبان فرمان ایجاد «شورای علمای طالبان» را صادر کرد. از بامیان حدود ۳۰ عالم شیعه معرفی شدند، اما هیچ‌کدام از سوی رهبری طالبان تأیید نشدند. در مقابل، یک شورای سنی - عمدتاً با گرایش سلفی - در مناطق شیعه‌نشین ایجاد گردید که به گفته منابع محلی، بسیاری از اعضای آن گروه، شیعیان را «نجس» می‌دانند. در ماه جون ۲۰۲۴ نیز طالبان مضامین فقه جعفری را از مکاتب بامیان حذف کردند. پس از بالا گرفتن اعتراض‌ها، برنامه‌ای نمایشی با حضور افراد وابسته به طالبان برگزار شد و جریان حذف فقه جعفری انکار گردید.^{۲۵۶}

طالبان همچنان شیعیان را مجبور به تغییر مذهب کردند. در گزارشی از افغانستان اینترنشنال آمده است که شماری از دانشجویان دانشگاه بلخ می‌گویند که طالبان با توزیع یک سند از آن‌ها تعهد گرفته است تا مذهب خود را به حنفی تغییر دهند. طالبان در مکتوب ۱۴ ماده‌ای، داشتن ریش و لباس افغانی را الزامی کرده، شنیدن موسیقی را ممنوع و از دانشجویان خواسته قانون امر به معروف را رعایت کنند. در ماده ششم این سند آمده است: «با توجه به این که مردم افغانستان پیرو مذهب امام اعظم ابوحنیفه هستند، من نیز در جهت حفظ وحدت و همبستگی، پیروی از همین مذهب را اختیار می‌نمایم.»^{۲۵۷}

^{۲۵۵} عبدالرحیم کامل، «تأملی بر ابعاد و تبعات قانون اساسی در حال تدوین حکومت طالبان»، مطالعات شرق، ۱۳ میزان ۱۴۰۲، موسسه مطالعات راهبردی شرق - تأملی بر ابعاد و تبعات قانون اساسی در حال تدوین حکومت طالبان، تاریخ بازدید ۴ جولای ۲۰۲۶.

^{۲۵۶} «ضدیت طالبان با شیعیان مناطق مرکزی و سرکوب سازمان یافته هزاره‌ها»، خبرگزاری جمهور، ۸ قوس ۱۴۰۴، ضدیت طالبان با شیعیان مناطق مرکزی و سرکوب سازمان یافته هزاره‌ها | جمهور، تاریخ بازدید ۴ جولای ۲۰۲۶.

^{۲۵۷} «دانشجویان دانشگاه بلخ می‌گویند طالبان آن‌ها را مجبور به تغییر مذهب کرده است»، افغانستان اینترنشنال، ۲۱ حمل ۱۴۰۵، دانشجویان دانشگاه بلخ می‌گویند طالبان آن‌ها را مجبور به تغییر مذهب کرده است | افغانستان اینترنشنال، تاریخ بازدید ۴ جولای ۲۰۲۶.

علاوه بر این بخش حقوق بشر دفتر هیأت معاونت سازمان ملل متحد در افغانستان (یوناما) گزارش داده است که طالبان از ۱۷ جنوری تا سوم فبروری سال ۲۰۲۵، ۵۰ مرد از اسماعیلیه‌های ولایت بدخشان را مجبور به تغییر مذهب و گرویدن به مذهب سنی کرده‌اند. در این گزارش آمده است که این افراد شب‌هنگام به منظور «بازجویی دینی» از خانه‌های شان توسط طالبان برده شدند و کسانی که از تغییر مذهب امتناع کردند، تهدید به مرگ شدند و مورد ضرب و شتم و اجبار قرار گرفتند.^{۲۵۸}

۳. اصولنامه جزایی محاکم: نهاده‌سازی آپارتاید و سلب دادرسی عادلانه

طالبان به تاریخ ۷ جنوری سال ۲۰۲۶، اصولنامه جزایی محاکم را در یک مقدمه، سه باب، ۱۰ فصل و ۱۱۹ ماده پس از توشیح از سوی رهبر امارت اسلامی افغانستان، در جریده رسمی منتشر کرده و اعلان کردند که مراجع تطبیق آن محاکم امارت اسلامی می‌باشد. این اصولنامه که جزایهای تعزیری را پیش‌بینی می‌کند، در چارچوب فقه حنفی تدوین شده و بازتاب‌دهنده قرائت خاص این حکومت از شریعت اسلامی است.

این اصولنامه با عبارت پردازی‌های عمداً مبهم و قابل تفسیر، دامنه صلاحیت‌های نامحدودی به محاکم یک جانبه و غیرمستقل طالبان اعطا می‌کند. این محاکم، که فاقد کم‌ترین استانداردهای دادرسی عادلانه بین‌المللی می‌باشند، اکنون با پشتوانه این سند، مجوز قانونی برای بازداشت‌های خودسرانه، صدور احکام سنگین و سرکوب هرگونه صدای مخالف را دریافت کرده‌اند. طالبان با این اقدام، پوشش ظاهری «قانون» را بر روی ماهیت استبدادی و انحصاری حاکمیت خود می‌کشند و امنیت حقوقی را برای تمامی مردم افغانستان به مخاطره می‌اندازند.^{۲۵۹}

در این مبحث به سه موضوع اساسی با توجه به اصولنامه جزایی محاکم طالبان می‌پردازیم. در بخش اول این موضوع را به بررسی می‌گیریم که طالبان چگونه استانداردهای دادرسی عادلانه را در این اصولنامه نادیده گرفته‌اند. در بخش دوم ابهامات عمده این اصولنامه و ارائه اختیارات نامحدود به منصوبین طالبان را مطالعه کرده و در بخش سوم بازگشت به برده‌داری و طبقاتی شدن عدالت را با توجه به مواد این اصولنامه بررسی می‌کنیم.

^{۲۵۸} «یوناما: طالبان ۵۰ نفر از اسماعیلیه‌های بدخشان را مجبور به تغییر مذهب کرده‌اند»، اطلاعات روز، تاریخ بازدید ۴ جولای ۲۰۲۶، یوناما: طالبان ۵۰ نفر از اسماعیلیه‌های بدخشان را مجبور به تغییر

مذهب کرده‌اند - اطلاعات روز، تاریخ بازدید ۴ جولای ۲۰۲۶.

^{۲۵۹} شبکه تحلیگران بلق، «بیانیه مطبوعاتی شبکه تحلیگران بلق در پیوند به اصولنامه طالبان»، بلق، ۲۷ جنوری ۲۰۲۶، بیانیه مطبوعاتی شبکه تحلیگران بلق در پیوند به اصولنامه

طالبان | شبکه تحلیگران بلق، تاریخ بازدید ۷ جولای ۲۰۲۶.

فقدان استانداردهای دادرسی عادلانه

اجرای عدالت، هدف نهایی هر دادرسی است و دادرسی عادلانه یکی از مهم‌ترین شاخصه‌های سنجش توسعه اجتماعی و قضایی هر جامعه به شمار می‌رود. ارزیابی عادلانه بودن دادرسی تنها از طریق تعریف استانداردهایی به عنوان حداقل‌های لازم برای عادلانه شمرده شدن روند آن دادرسی امکان‌پذیر است.^{۲۶۰}

ریچارد بنت، گزارشگر ویژه حقوق بشر سازمان ملل برای افغانستان، به تاریخ ۲۴ جولای ۲۰۲۶ در شبکه اجتماعی X نوشت:

هنوز در حال بررسی قانون جدید آیین دادرسی کیفری طالبان، از جمله از منظر حقوق بشر و شریعت هستم، اما از همین حالا کاملاً مشخص است که پیامدهای آن برای افغان‌ها بسیار نگران‌کننده است. من در زمان مناسب بیانیه‌های مفصل‌تری صادر خواهم کرد.

او افزود که این اصولنامه با استانداردهای پذیرفته‌شده بین‌المللی حقوق بشر همسو نیست و می‌تواند بر دسترسی عموم به عدالت تأثیر منفی بگذارد.^{۲۶۱}

طالبان در اصولنامه جزایی محاکم هیچ یک از موازین ابتدایی دادرسی عادلانه، از جمله اصل تساوی همه در برابر قانون، اصل قانونی بودن و شخصی بودن جرم و مجازات، اصل برائت‌الذمه، ممنوعیت شکنجه، آزادی از توقیف خودسرانه، حق سکوت و حق دفاع را در نظر نگرفته‌اند و در هیچ بخشی از این اصولنامه حق دسترسی به وکیل مدافع، حق سکوت و حق جبران خسارت به رسمیت شناخته نشده و سایر الزامات حداقلی یک محاکمه منصفانه تضمین نشده است. طالبان در این اصولنامه، حداقل و حداکثر مجازات‌ها را نیز تعیین نکرده و با حذف فرایند تحقیق مستقل در اثبات اعمال جرمی، «اقرار» و «شهادت» را به عنوان راه‌های اصلی اثبات جرم معرفی کرده است.^{۲۶۲}

ابهام و اختیارات نامحدود

این اصولنامه دارای یک سری ابهامات عمده است که دست طالبان را در اجرای احکام آن باز می‌گذارد. به طور مثال در ماده چهارم این اصولنامه آمده است که «حد مقدر و معلوم است و تعزیر به رای امام مفوض است». به مجرد خواندن این ماده سوالی که به ذهن خطور می‌کند، این است که، امام کیست؟ این قانون در ماده دوم، زمانی که اصطلاحات را تعریف می‌کند، هیچ تعریفی از امام ندارد. بنابر این تعریف قانون در باب امام باز است و هر طالب به

^{۲۶۰} کیانوش رزاقی، «استانداردهای دادرسی در اسناد بین‌المللی و نظام قضایی ایران»، کانون، شماره ۱۱۴، سال ۱۳۸۹، صفحه ۸۵، استانداردهای دادرسی در اسناد بین‌المللی و نظام

قضایی ایران، تاریخ بازدید ۷ جولای ۲۰۲۶.

^{۲۶۱} “UN Human Rights Expert Expresses Concern Over Taliban’s New Criminal Code,” Atlas Press News Agency, January 25, 2026, [UN Human Rights Expert Expresses Concern Over Taliban’s New Criminal Code – AtlasPress News Agency](#), Seen n July 10, 2026.

^{۲۶۲} «محتوای «اصولنامه جزایی محاکم طالبان» چیست؟»، رسانه رخشانه، تاریخ بازدید ۷ جولای ۲۰۲۶.

رای خود یک امام است که مبتنی بر این ماده می‌تواند جزای تعزیری صادر کند. چنانچه بند ۵ ماده چهارم این اصولنامه این موضوع را تأیید می‌کند و مقرر می‌دارد که «جزای حد به امام تعلق دارد و جزای تعزیر را شوهر و بادر نیز داده می‌تواند.» شوهر جزای تعزیر را داده می‌تواند، زیرا به حکم طالبان، مرد یک امام است، چون تعریفی از امام وجود ندارد و از طرف دیگر در این بند از واژه بادر استفاده شده است. بادر چه کسی است که در پهلوی امام و شوهر صلاحیت تطبیق جزای تعزیری را از این اصولنامه می‌گیرد؟ آیا اصطلاحات استفاده شده در این اصولنامه که اصطلاحات و مفاهیم رایج در فقه کلاسیک است، نشانه‌هایی از نگاه سنتی و ناسازگار طالبان با اقتضائات دنیای معاصر است؟ حکومت طالبان خود را حکومت مبتنی بر قرائت دینی تعریف کرده و به صراحت اعلام کرده است که مبنای تنظیم قوانین و مقررات آن فقه سنتی، به‌ویژه فقه حنفی، است. در چنین چارچوبی، طبیعی است که زبان، ادبیات و مفاهیم به‌کاررفته در اصولنامه جزایی محاکم نیز بازتاب‌دهنده همان سنت فقهی باشد.^{۲۶۳}

طالبان با باز گذاشتن دست افراد خانواده در تطبیق جزای تعزیری در حقیقت حقوق زنان را پایمال و به مردان خانواده قدرت بخشیده و زمینه سواستفاده و خشونت‌های خانوادگی را فراهم می‌سازند. این اصولنامه مجازات بدنی، از جمله شلاق، را برای طیف وسیعی از جرائم تجویز می‌کند در حالی که چنین مجازات طبق قوانین بین‌المللی، رفتاری ظالمانه، غیرانسانی یا تحقیرآمیز تلقی می‌شوند.

بازگشت به برده داری و طبقاتی شدن عدالت (ماده ۹ و ۱۵)

طالبان با استفاده از اصطلاحات و مفاهیم رایج در فقه کلاسیک در این اصولنامه در صدد بازگشت کشور به عصر برده داری‌اند. چنانچه در ماده ۱۵ این اصولنامه طالبان واژه غلام و حر را استفاده کرده و بیان می‌دارند «برای هر جنایتی که حد مقدر نباشد، در آن جنایت تعزیر داده می‌شود. جانی حر باشد یا غلام، مرد باشد یا زن، مسلمان باشد یا کافر، بالغ باشد یا طفل عاقد مستحق تعزیر شناخته می‌شود.»^{۲۶۴} این اصولنامه و این مواد با توجه به تاریخچه ظلم طالبان بالای هزاره‌ها، زنگ خطری برای مردم هزاره است. زیرا در این اصولنامه تعابیری چون «مسلمانان واقعی» و «مبتدع» استفاده شده است. در بند هشتم ماده دوم این اصولنامه مبتدع را چنین تعریف کرده است «شخص دارای عقیده خلاف عقیده اهل‌السنه و الجماعه است». به این منظور مردمان هزاره و شیعه مبتدع هستند و سزاوار هر گونه ظلمی شناخته می‌شوند.

^{۲۶۳} «اصولنامه جزایی محاکم حکومت طالبان، تحلیل ساختاری و فقهی»، بررسی تحولات افغانستان، ۷ نوامبر ۱۴۰۴، اصولنامه جزایی محاکم حکومت طالبان؛ تحلیل ساختاری و

فقهی، تاریخ بازدید ۶ جولای ۲۰۲۶.

^{۲۶۴} شبکه تحلیلگران بلاق، «بیانیه مطبوعاتی شبکه تحلیلگران بلاق در پیوند به اصولنامه طالبان»، ۲۷ جنوری ۲۰۲۶، بیانیه مطبوعاتی شبکه تحلیلگران بلاق در پیوند به اصولنامه

طالبان | شبکه تحلیلگران بلاق

این اصولنامه اصل تساوی افراد در برابر قانون را به کلی انکار و به افراد طالبان در سطح ادارات صلاحیت باز تطبیق جزایهای تعزیری را داده‌اند. از آنجایی که هزاره‌ها در نظام طالبانی هیچ جایگاهی ندارند، به شکل مستقیم قربانی مواد مندرج این اصولنامه هستند. تساوی افراد در برابر قانون یک اصل جهان شمول است که در اسناد بین‌المللی و بنابر ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر «همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و به‌طور مساوی از حمایت قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و بر علیه هرگونه عملی که برای چنین تبعیضی انجام شود، از حمایت یکسان قانون برخوردار باشند». همچنین ماده ۲۶ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی نیز مقرر داشته است:

کلیه اشخاص در مقابل قانون برابر هستند و بدون هیچ‌گونه تبعیض استحقاق حمایت قانونی برابر را دارند

...

در حالیکه طالبان به صراحت در ماده نهم این اصولنامه اصل تساوی افراد در برابر قانون را با طبقه‌بندی افراد جامعه نقض کرده و تاکید می‌نمایند در صورتی که جرم تعزیری از طرف افراد عالی رتبه، اشراف، متوسط و پایین رتبه جامعه ارتکاب یابد، برخورد متفاوت صورت می‌گیرد.^{۲۶۵} در این ماده طالبان به صراحت آورده‌اند که تعزیر به اعتبار جانی به شرح زیر است:

۱. تعزیر علما و اشخاص عالی رتبه: هشدار از طرف قاضی
۲. تعزیر اشراف، مانند بزرگان قبایل و تجار: اطلاع و احضار به محکمه از طرف قاضی
۳. تعزیر اشخاص متوسط جامعه: با احضار به محکمه و حبس
۴. تعزیر اشخاص پایین جامعه: تهدید کردن و زدن است (دره زدن)

با وجود انتقادات از طرف سازمان ملل متحد و نماینده ویژه اتحادیه اروپا برای افغانستان، این اصولنامه در جریده رسمی منتشر و در محاکم طالبان مورد تطبیق قرار گرفته است. وزارت عدلیه طالبان در پاسخ به انتقادات وارده در رابطه به این اصولنامه گفته است که اعتراض به قوانین طالبان «اساس شرعی و علمی نداشته، بلکه از روی جهل و یا هم تجاهاً صورت می‌گیرد و شرعاً جرم است».^{۲۶۶}

^{۲۶۵} ماده ۹ اصولنامه جزایی محاکم

^{۲۶۶} «واکنش طالبان به انتقادات از اصولنامه جزایی محاکم این گروه؛ اعتراض بر قوانین اسلامی، اعتراض بر شریعت است و پیگرد قانونی دارد» رادیو آزادی، ۳ اسد ۱۴۰۵، واکنش طالبان به انتقادات از اصولنامه جزایی محاکم این گروه؛ اعتراض بر قوانین اسلامی، اعتراض بر شریعت است و پیگرد قانونی دارد، تاریخ بازدید ۱۰ جولای ۲۰۲۶.

۴. قانون به مثابه ابزار سرکوب

قانون، اگر بر پایه حاکمیت قانون، استقلال قوه قضاییه و رعایت حقوق اساسی تدوین و اجرا شود، ابزاری برای حمایت از آزادی‌ها، محدود کردن قدرت حکومت و تضمین عدالت است. در ادبیات حقوقی و علوم سیاسی قانون ذاتا ابزار سرکوب نیست بلکه ابزار حمایت از حقوق و آزادی‌ها می‌باشد ولی در نظام‌های اقتدارگرا در صورت نبود تضمین‌های دادرسی عادلانه، به ابزار سرکوب تبدیل می‌شود.

طالبان با لغو قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان که مشروعیت خود را از مردم و با رأی مردم گرفته بودند، قوانین مورد نظر خود را منطبق بر میل و سلیقه‌ی خودشان بدون حداقل دخالت و آگاهی مردم افغانستان چه به صورت مستقیم و یا غیر مستقیم تدوین و با توشیح رهبرشان تطبیق می‌کنند. این قوانین با ابهاماتی عمدی و واگذاری صلاحیت به رهبران طالبان به مثابه‌ی ابزار سرکوب علیه مردم افغانستان و مخصوصا هزاره‌ها استفاده می‌شود.

در این مبحث به دو موضوع مهم که مردم هزاره را به صورت مستقیم و عمدی متضرر کرده است می‌پردازیم و به بررسی می‌گیریم که طالبان چگونه با پوشاندن جامه قانون به تن خواست‌های نامشروع‌شان، حق هزاره‌ها را پایمال کرده‌اند. در بخش اول موضوع قانونی ساختن غصب زمین‌های هزاره‌ها را با توجه به قانون جلوگیری از غصب زمین و در بخش دوم با بررسی قانون امر به معروف و نهی از منکر سرکوب فرهنگی هزاره‌ها توسط طالبان را به بررسی می‌گیریم.

بستر سازی حقوقی برای غصب

طالبان به تاریخ اکتبر سال ۲۰۲۲ قانون جلوگیری از غصب زمین‌ها و استرداد زمین‌های غصب شده را توشیح کردند. در ماده دوم اهداف این قانون را چنین برمی‌شمارند؛ «اهداف این قانون عبارت است از: ۱- استرداد زمین‌های غصب شده امارتی (حکومتی)، مرعی عامه وقفی. ۲- جلوگیری از غصب زمین‌های امارتی (حکومتی)، مرعی عامه و وقفی.» با توجه به این ماده اهداف این قانون استرداد زمین‌های غصب شده حکومتی و... و جلوگیری از غصب زمین‌های بیان شده است. حال زمین‌های حکومتی به کدام زمین‌ها اطلاق می‌شود؟ بند چهارم ماده دوم این قانون زمین‌هایی را حکومتی تعریف می‌کند که غیر مملوکه باشد. و طی هشت بند زمین‌های غیر مملوکه را مشخص می‌کند. در بند پنجم این ماده آمده است که «زمینی که در اسناد زمین‌های امارتی (حکومتی) و دفتر اساس ثبت باشد و یا در نتیجه تصفیه، بررسی و تحقیق به حیث زمین امارتی (حکومتی) تثبیت شود». طالبان با استناد به این ماده، پوشش قانونی به غصب زمین‌های هزاره‌ها داده و زمین‌های آنان را حکومتی اعلان و مصادره می‌کنند.

طالبان در اوایل سال ۲۰۲۵ میلادی کمیسیون جلوگیری از غصب زمین و استرداد زمین‌های غصب شده را ایجاد کرده در اواخر سال ۲۰۲۵ بر اساس یک مکتوب رسمی از جانب ملا هبت‌الله آخندزاده، آن را به وزارت ارتقا دادند.^{۲۶۷}

مناطق هزاره‌نشین قربانی مستقیم این قانون و کارکردهای این کمیسیون بوده است. بر اساس یافته‌های شبکه تحلیل‌گران بلاق در سال گذشته میانگین به دست آمده از اجبار هزاره‌ها به کوچ اجباری و جابجایی داخلی ۳.۶ از ۵ است. بر اساس این میانگین، بیش‌تر بیجاشدگان هزاره در یک سال گذشته به صورت اجباری کوچ کرده‌اند. از میان ۳۵۵ اشتراک‌کننده در این سروی ۱۴۰ تن (۳۹.۴۰٪) مجبور به جابجایی داخلی و کوچ اجباری شده‌اند.^{۲۶۸} در گزارش‌های سال‌های قبل شبکه تحلیل‌گران بلاق به صورت مشروح به موضوع غصب زمین‌های هزاره و سپردن آن به کوچی‌ها پرداخته شد.

بسترسازی حقوقی برای سرکوب فرهنگی

اعمال فشار و خشونت طالبان به هدف تغییر مذهب و هویت‌زدایی از هزاره‌ها در کشور به شیوه‌های مختلف انجام شده است. این اقدامات شامل روش‌های اجبار و سرکوب به هدف تحمیل مذهب حنفی، یکسان‌سازی و تخلیه‌ی فرهنگی از طریق نظام آموزشی، اعمال تبعیض قومی و مذهبی سیستماتیک، ممنوعیت نشر و پخش کتاب و آثار هنری، تخریب هویت فرهنگی و تغییر در شیوه‌ی زندگی، می‌باشد.^{۲۶۹}

با توجه به توضیحاتی که در بحث دوم این فصل داده شد، طالبان با تمرکز به موارد مندرج کتاب «الامارة الاسلامیة و نظامها» مذهب حنفی را مذهب رسمی دانسته و در ادله آن تصریح شده است که «مردم افغانستان مذهبی غیر از مذهب حنفی را موجب ننگ و عار می‌دانند». همچنان در بند هشتم ماده دوم اصول‌نامه جزایی محاکم در تعریف مبتدع می‌نویسد، «شخص دارای عقیده خلاف عقیده اهل السنه و الجماعه است». طالبان در بند اول ماده ششم قانون امر به معروف و نهی از منکر به صراحت بیان می‌دارد که «وزارت امر به معروف، نهی عن المنکر و سمع شکایات، مطابق احکام شریعت اسلامی و فقه حنفی، به امر کردن معروفات و منع کردن از منکرات مکلف است».

این تصریحات قانونی در حقیقت ایجاد بستر حقوقی برای سرکوب فرهنگی هزاره‌ها است. این گروه طی پنج سال در موارد مختلف و در ولایت‌های گوناگون با زور و خشونت اقدام به تغییر مذهب شیعیان کرده‌اند. این فشارها برای

^{۲۶۷} «ملاهت الله کمیسیون استرداد زمین‌های غصب شده را به وزارت تبدیل کرد»، افغانستان انترنشنال، ۲۳ دلو ۱۴۰۴، [ملاهت‌الله کمیسیون استرداد زمین‌های غصب‌شده را به](#)

وزارت تبدیل کرد | افغانستان اینترنشنال، تاریخ بازدید ۸ جولای ۲۰۲۶.

^{۲۶۸} Bolaq Analyst Network, "The Situation of Hazaras in the Fourth Year of Taliban Rule", August 15 2025, [Bolaq-Taliban-Fourth-Year-English.pdf](#), Seen on July 8, 2026

^{۲۶۹} «نسل‌زدایی فرهنگی؛ فشارهای طالبان بر هزاره‌ها برای تغییر مذهب»، جاده ابریشم، ۱ جوزا ۱۴۰۵، [نسل‌زدایی فرهنگی؛ فشارهای طالبان بر هزاره‌ها برای تغییر مذهب - جاده](#)

ابریشم، تاریخ بازدید ۹ جولای ۲۰۲۶.

تغییر مذهب درحالی از سوی مقام‌های محلی طالبان در بدخشان و سایر نقاط دور افتاده کشور اعمال می‌شود که مقام‌های بلندپایه‌ی این گروه طی پنج سال گذشته به صورت سیستماتیک بر علیه هزاره‌ها و شیعیان تبلیغ کرده است. در گزارش سالانه‌ی کمیسیون ایالات متحده در امور آزادی مذهبی بین‌المللی، در این مورد آمده است: «در جون، سرپرست وزارت تحصیلات عالی [طالبان]، موجودیت سایر جوامع مسلمان در کشور را انکار کرد و اظهار داشت که هر افغان از فقه سنی حنفی پیروی می‌کند.»^{۲۷۰}

در نتیجه این تکفیر و تبلیغات منفی، هزاره‌ها و به‌ویژه علمای شیعه‌مذهب در معرض موجی از کشتارهای هدفمند از سوی گروه‌های افراطی و بازداشت‌های پی‌درپی از سوی طالبان قرار گرفتند که در فصل وضعیت فرهنگی هزاره‌ها (فصل قبلی) به تفصیل به آن پرداخته شد.

جمع‌بندی فصل

با توجه به مطالب ارائه شده در این فصل در رابطه به وضعیت حقوقی هزاره‌ها تحت سلطه طالبان به این نتیجه می‌رسیم که هزاره‌ها در افغانستان امروز صرفاً قربانی خشونت‌های خودسرانه نیستند، بلکه با یک خلأ حقوقی و تبعیض تقنینی نهادینه‌شده مواجه‌اند که هرگونه امکان دادخواهی را از آن‌ها سلب کرده است. در نظام طالبانی قانون برای حمایت از حقوق هزاره‌ها نه، بلکه علیه هزاره‌ها و برای سرکوب این گروه ایجاد و تطبیق می‌شود. در متون قانونی طالبان به صورت واضح هزاره‌ها در قدم نخست مبتدع و غیر مسلمان خوانده شده و در مرحله بعد به از بین بردن و اخراج این گروه به شیوه‌های مختلف اقدام صورت گرفته است.

طالبان با لغو قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان، کشور را در یک خلا قانونی قرار داده که هزاره‌ها حقوقی اساسی خود را از دست دادند و در مرحله بعد با تدوین و توشیح قوانین طالبانی این مردم را سرکوب قانونی کردند. طالبان با نشر کتاب الاماره الاسلامیه و نظام‌ها هزاره‌ها و شیعیان را مایه ننگ و عار دانسته و در مرحله بعدی با توشیح قوانین و اصول‌نامه‌هایی چون قانون امر به معروف و نهی از منکر، اصول‌نامه جزایی محاکم و قانون جلوگیری از غضب زمین و استرداد زمین‌های غضب شده ظلم و بی‌عدالتی را علیه هزاره‌ها مبنای قانونی بخشیده و امکان دادخواهی را از آن‌ها سلب کرده‌اند.

طالبان تعهدات بین‌المللی که افغانستان به آن متعهد است را با توشیح این قوانین به صورت واضح نقض کرده و انتقادات وارده به قوانین طالبانی را بر اساس جهل دانسته و منتقدین را مجرم خوانده‌اند.

^{۲۷۰} همان.

فصل پنجم

غصب زمین

درآمد

زمین در افغانستان تنها یک دارایی اقتصادی نیست، بلکه اساس هویت جمعی، امنیت، معیشت، حافظه تاریخی و تداوم حیات جوامع محلی را تشکیل می‌دهد. برای هزاره‌ها که در بیش از یک قرن گذشته بارها با جابه‌جایی اجباری، سلب مالکیت و محرومیت از دسترسی به زمین مواجه شده‌اند، مسئله زمین همواره با بقا، عدالت و حق ماندن در سرزمین اجدادی پیوند خورده است.

از زمان بازگشت طالبان به قدرت در آگست ۲۰۲۱، گزارش‌های متعددی از منازعات ارضی، اخراج اجباری ساکنان، تصرف زمین‌ها، محدودیت بر حقوق مالکیت و انتقال کنترل اراضی در مناطق هزاره‌نشین منتشر شده است. موارد ثبت‌شده در ولایت‌های بامیان، دایکندی، غزنی، میدان وردک، ارزگان، بغلان و برخی مناطق دیگر نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از این منازعات در بستر نابرابری در دسترسی به عدالت، عدم رسیدگی مؤثر به شکایات و حمایت ساختاری از طرف‌های قدرتمندتر شکل گرفته است.

بررسی شهادت‌های قربانیان، گزارش‌های میدانی، اسناد حقوقی و اطلاعات گردآوری‌شده در این دوره نشان می‌دهد که در بسیاری از پرونده‌ها، باشندگان هزاره با چالش‌های جدی در اثبات و دفاع از حقوق مالکیت خود مواجه بوده‌اند. منابع محلی و متضرران بارها ادعا کرده‌اند که اسناد تاریخی و قبalle‌های معتبر آنان نادیده گرفته شده، روندهای قضایی شفافیت لازم را نداشته و در برخی موارد ادعاهای مالکیت بدون ارائه شواهد کافی موردپذیرش قرار گرفته است. در شماری از پرونده‌ها نیز خانواده‌های هزاره برای حفظ زمین‌ها و خانه‌های خود ناگزیر به پرداخت مبالغ سنگین، پذیرش مصالحه‌های اجباری یا ترک محل سکونت خود شده‌اند.

بخش قابل توجهی از این منازعات با حضور و ادعاهای کوچی‌ها همراه بوده است. در موارد متعدد، جوامع محلی طالبان را به جانب‌داری از مدعیان، اعمال فشار بر بزرگان محل، بازداشت متنفذان محلی و فراهم کردن زمینه برای

تغییر وضعیت مالکیت اراضی متهم کرده‌اند. هم‌زمان، محدودیت‌ها و منازعات مرتبط با دارایی‌ها و املاک برخی شخصیت‌های سیاسی و اقتصادی هزاره نیز نگرانی‌هایی را درباره امنیت حقوق مالکیت و استفاده از سازوکارهای اداری و قضایی برای اعمال فشار بر مخالفان یا گروه‌های به حاشیه رانده شده ایجاد کرده است.

پیامدهای این روند فراتر از دست رفتن زمین و دارایی است. سلب مالکیت، کوچ اجباری، ناامنی اقتصادی، فروپاشی منابع معیشتی، تضعیف اعتماد به نظام قضایی و گسترش احساس بی‌عدالتی، تأثیرات عمیقی بر زندگی فردی و جمعی هزاره‌ها بر جای گذاشته است. در بسیاری از مناطق، زمین نه تنها منبع درآمد، بلکه آخرین پشتوانه امنیت و ثبات خانواده‌ها محسوب می‌شود؛ از همین رو از دست رفتن آن می‌تواند به فقر، مهاجرت اجباری و آسیب‌پذیری بیشتر جوامع محلی منجر شود.

این بخش به بررسی مهم‌ترین موارد غصب زمین، منازعات ارضی، کوچ اجباری و محدودیت‌های اعمال‌شده بر حقوق مالکیت هزاره‌ها در دوره موردبررسی می‌پردازد و تلاش می‌کند الگوها، عوامل و پیامدهای این روند را بر اساس اطلاعات و شواهد موجود مستند سازد.

۱. مناطق کن‌دیر ارزگان و تگاب‌دار ولایت دایکندی

پس از یک ماه واندی سلطه نظامی طالبان در افغانستان کوچی‌های هلمند با همکاری طالبان ادعای ملکیت ساحات کن‌دیر و تگاب‌دار ولسوالی گیزاب ولایت ارزگان را نمودند. طالبان در ماه سپتامبر ۲۰۲۱ فیصله غیابی نموده و برای باشندگان روستاهای مذکور دستور دادند که محصولات کشاورزی‌شان شامل محصولات گندم، جواری، بادام و دیگر حاصلات زراعتی‌شان را انتقال داده نمی‌تواند و فقط حق انتقال البسه‌شان را دارند. بر اساس نوشته اطلاعات روز در مناطق لوره‌شیو و تگاب‌دار ۱۵ روستا تحت دعوا بوده و تعدادی زیادی از باشندگان روستاهای کن‌دیر، بالاسر تگاب‌دار، دهنه‌ی ناله و جوی‌های نوآباد کوچ داده شدند. همین منبع به نقل از مردم محل می‌نویسد: «۳۵۰۰ خانواده را از قریه‌های مختلف تگاب‌دار امروز طالبان از خانه‌های‌شان بیرون کرده‌اند. مال و محصولات‌شان را در منبر جمع کرده و آن را بین خود تقسیم می‌کنند و بالای مردم دوباره به فروش می‌رسانند.»^{۲۷۱}

هفته‌نامه جاده ابریشم بر اساس معلومات محلی و اطلاعات متضررین آمار خانواده‌های که از ۱۵ روستای ولسوالی‌های گیزاب و پاتو، کوچ اجباری داده شده‌اند و زمین‌های غصب شده را چنین بیان کرده است:

^{۲۷۱} سکینه امیری، «کوچ اجباری در دایکند»، اطلاعات روز، (۲۶ سپتامبر ۲۰۲۱)، <https://www.etilaatroz.com/131727/forced-migration-in-daikundi/>

بازدید ۱۴ جولای ۲۰۲۶.

۱. کندیر ۴۰۰ خانوار تقریباً ۹۰۰ جریب زمین؛
۲. میدان ملک ۱۰۰ خانوار ۲۰۰ جریب زمین؛
۳. شاغلجه ۱۵۰ خانوار ۴۰۰ جریب زمین؛
۴. خرکک ۱۶۰ خانوار ۴۲۰ جریب زمین؛
۵. بالاجوی ۳۰۰ خانوار ۷۰۰ جریب زمین؛
۶. راه رمه ۹۰ خانوار ۲۷۰ جریب زمین؛
۷. چپه جوی ۶۵۰ خانوار ۱۷۰۰ جریب زمین؛
۸. دهن ناله ۳۸۰ خانواد ۹۰۰ جریب زمین؛
۹. میان قاشو ۱۰۰ خانوار ۵۰۰ جریب زمین؛
۱۰. سینه خزک ۱۵۰ خانوار ۷۰۰ جریب زمین.
۱۱. گُنتی ۷۰ خانوار ۲۵۰ جریب زمین؛
۱۲. سیالاش ۹۰ خانوار ۲۰۰ جریب زمین؛
۱۳. تگابدار ۳۰۰ خانوار ۴۰۰ جریب زمین؛
۱۴. ورگک ۵۰ خانوار ۳۰۰ جریب زمین؛
۱۵. کته آنار ۳۰ خانوار ۱۵۰ جریب زمین.

^{۲۷} «جنایت خاموش؛ گزارشی از نسل‌کشی، غضب زمین و کوچ اجباری هزاره‌های دایکندی توسط رژیم تروریستی طالبان». جاده ابریشم. (۱ جوزا ۱۴۰۲). <https://jade-abresham.com/reports/10099/> بازدید ۱۴ خرداد، ۲۰۲۶.

<https://www.etilaatroz.com/135039/taliban-governor-in-daikundi-kandir-and-tagabdar-displaced-can-return-to-their-homes/>، بازديد ۱۴ جولای ۲۰۲۶.

https://www.etilaatroz.com/192977/%d9%85%d8%b1%d8%af%d9%85-%d8%09%09%aa%08%03%08%00%08%0v%00%a0-%00%09%09%a6%08%00%00%a0%08%09-%09%aa-%d8%a9%d8%a7%d8%a8%d9%88%d8%b3-%d8%a8%d8%a7%d8%ac-%d8%af%d9%87%db%8c/

همچنان؛ «هر اهره در از گان مجبور به پرداخت باج ۳۰ میلیون، به کوچه ها شدند». هشت صبح (۱۴ جنوری ۲۰۲۴). <https://8am.media/fa/the-hazaras-in-> بازدید ۱۴ جولای ۲۰۲۴.

سرانجام باشندگان کندیر مبلغ ۳۰ میلیون افغانی را طی سه قسط تا ماه میزان ۱۴۰۳ برای سه طایفه از پشتون‌های گیزاب و کوچی‌های هلمند به عنوان وجه مصالحه و قیمت زمین پرداخت نمودند ولی در مقابل پشتون‌های مدعی برای هزاره‌ها فقط سند عرفی داده و از دادن سند شرعی خودداری نمودند.^{۲۷۵} این در حالی است که پشتون‌ها برای ادعای ملکیت‌شان هیچ گونه سند ارائه نکرده ولی در مقابل هزاره‌ها بر اساس اسناد مورخ ۱۳۵۳/۲/۷ سند ملکیت ساحه مذکور را در دست دارد.^{۲۷۶}

۲. کوچ اجباری در لعل و سر جنگل

بر اساس گزارش اطلاعات روز باشندگان روستای «بوم» در منطقه «چهار آسیاب» و روستای «تنگی نوشته» در منطقه «کرمان» از مربوطات ولسوالی لعل و سر جنگل ولایت غور را در خزان ۱۴۰۱ به شکل اجباری از ساحات‌شان کوچ دادند. باشندگان روستای «بوم» حدود ۸۰ سال قبل زمین این روستا از فردی به نام صادق خان با اسناد عرفی خریداری کرده بودند ولی وارثین صادق خان با حمایت طالبان حدود ۲۰ خانواده را در فصل سرما مجبور به کوچ کردند.

باشندگان محل به روزنامه اطلاعات روز گفته‌اند که پنج مکتوب از دادگاه‌ها برای بررسی مجدد موضوع روستای «بوم» دارد ولی مدیر حقوق و قاضی لعل و سر جنگل در همکاری با وارثین صادق خان فیصله خودشان را تطبیق نموده‌اند.^{۲۷۷}

۳. قریه رشک بامیان

روستای رشک از مربوطات منطقه‌ای پشته غرغری ولسوالی پنجاب ولایت است. در سال ۱۴۰۱ هجری شمسی دو نفر کوچی بنام‌های «تاتا» و «یاگل» بالای زمین‌های این روستا، ادعای مالکیت کرده بودند. وقتی این ادعاها به جایی

^{۲۷۵} جلیل رونق؛ «باج؛ برای حفظ آخرین قطعه زمین اجدادی». اطلاعات روز. (۱ مارچ ۲۰۲۵).

<https://www.etilaatroz.com/223752/%d8%a8%d8%a7%d8%ac%d8%9b-%d8%a8%d8%b1%d8%a7%db%8c-%d8%ad/d9/81/d8/b8-/d8/a2/d8/ae/d8/b1/db/8c/d9/86-/d9/82/d8/b7/d8/b9/d9/87-%d8/b2/d9/85/db/8c/d9/86-/d8/a7/d8/ac/d8/af/d8/a7/d8/af/db/8c/>

همچنان؛ «باج؛ برای حفظ آخرین قطعه زمین اجدادی». اطلاعات روز. (۱۳ مارچ ۲۰۲۵). <https://youtu.be/YUpjG0AwgyQ?si=4P1Lu8ihpEFv0jS>. بازدید ۱۴ جولای ۲۰۲۶.

^{۲۷۶} برای معلومات بیشتر در مورد موضوع مذکور به «آوارگان زمین» شماره ۲۱۴ هفتنامه جاده ابریشم نشر شده مورخ ۱۷ دسامبر ۲۰۲۵ مراجعه کنید.

^{۲۷۷} طالبان باشندگان دو روستا در لعل و سر جنگل غور را «کوچ اجباری» داده‌اند. اطلاعات روز. (۹ نوامبر ۲۰۲۲).

<https://www.etilaatroz.com/159250/%da%a9%d9%88%da%86-%d8%a7%d8%ac%d8%a8%d8%a7%d8%b1%db%8c-%d8/00/d9/88-/08/01/d9/88/03/08/00/08/05-/08/00/08/01-%d8/00/d9/88-/08/01/d9/88/03/08/00/08/05-/08/00/08/01-%d9/84/d8/b9/d9/84/d9/88/d8/b3/d8/b1/d8/ac/d9/86/da/af/d9/84-/d8/ba/d9/88/d8/b1/>

بازدید ۱۷ جولای ۲۰۲۶.

نرسید، بار دیگر، دو کوچی دیگر، بنام‌های «اول گل» و «وردک»، به تاریخ ۱۴۴۶/۰۲/۲۳ هجری قمری مصادف با ۲۷ آگست ۲۰۲۴ میلادی، طی یک عریضه عنوانی ولسوالی پنجاب ولایت بامیان، بالای بخشی از زمین‌های روستای رَشک ادعای مالکیت کرده و دعوا راه‌انداخته بودند. تیم تحقیقات شبکه تحلیل‌گران بلاق به تاریخ ۲۵ جولای ۲۰۲۵ میلادی با یکی از باشندگان این قریه که برای شکایت به ستره محکمه در کابل به سر می‌برد مصاحبه کرده است. در مدتی این گزارش نگاشته شده است، قریه او به کوچی‌ها سپرده شده و آن‌ها مجبور به ترک قریه‌شان شده‌اند.

یکی دیگر از باشندگان پنجاب بامیان می‌گوید آن‌ها قباله شرعی و عرفی دارند. چند نسل در این قریه زندگی کرده‌اند. قباله رسمی تعدادی از اهالی قریه پشته غُرغُری ولسوالی پنجاب که زمین خریده‌اند به سال ۱۳۲۶ برمی‌گردد. این در حالی است که قباله جعلی طرف دعوا مربوط به سال ۱۳۳۷ است و این قباله در مخزن محکمه ثبت محفوظ نداشته و فروشنده زمین نیز کوچی است، نه مردم محل.

سرانجام طالبان در ۲۹ جولای ۲۰۲۵، ۲۵ خانواده را از روستای رَشک ولسوالی پنجاب ولایت بامیان، کوچ اجباری داده و خانه و زمین‌های آنان را به کوچی‌های پشتون سپرده‌اند.^{۲۷۸}

۴. جاغوری

در ادامه منازعات ارضی و غصب زمین هزاره‌ها در ولایت غزنی در سال ۲۰۲۵، ولسوالی جاغوری نیز به یکی از کانون‌های مهم غصب زمین و امارتی‌سازی املاک تبدیل شد. در این دوره، کمیسیون طالبان برای جلوگیری از غصب زمین در بخش‌های مختلف جاغوری، از جمله سنگماشه، غجور، سبزچوب، داوود و انگوری، بیش از ده هزار جریب زمین را ممنوع‌التصرف و در مواردی امارتی یا دولتی اعلام کرد.

بر اساس شکایت‌های ساکنان محل، روند بررسی این زمین‌ها بدون ارزیابی جامع اسناد مالکیت، سوابق تاریخی و حقوق عرفی مردم انجام شده است. بسیاری از زمین‌های اعلام‌شده شامل زمین‌های زراعتی، مناطق مسکونی، شهرک‌های مسکونی، بازارها، چراگاه‌ها و املاک موروثی بوده‌اند که نسل‌ها در اختیار ساکنان محل قرار داشته‌اند. براساس گزارش تحقیقی روزنامه اطلاعات روز که توسط جلیل رونق خبرنگار تحقیقی این روزنامه تحقیق شده آمده است حدود پنج ماه پیش (اسد ۱۴۰۴) دفتر والی طالبان در غزنی از سفر هیأت تخنیکی این گروه برای جلوگیری از غصب زمین به جاغوری خبر داد. یک‌ونیم ماه پس از آن (۲ میزان) کمیسیون ولایتی طالبان برای

^{۲۷۸} شبکه تحلیل‌گران بلاق. گزارش تحقیق: وضعیت هزاره‌ها در سال حاکمیت طالبان. سال نشر ۲۰۲۵. ص ۱۷.

جلوگیری از غصب زمین در غزنی در نامه‌ای عنوانی ولسوالی این گروه در جاغوری دست کم از ۱۵ قطعه زمین در «سنگماشه»، «سبزچوب»، «غجور»، «چوب مسکه»، «داوود»، «انگوری» و «لومان» به‌حیث زمین ممنوع‌التصرف نام‌برده است. این ساحات شامل «دشت اشترک‌وربله» در سبزچوب و «شهرک مرادی»، «لیسه تخنیک»، «سرای حبیب‌الله»، ساحه‌ی سفید اطراف ساختمان ولسوالی در سنگماشه، مرکز ولسوالی می‌شوند. در غجور هم از مناطق ممنوع‌التصرف از ساحات میدان هوایی، بازار غجور و شهرک‌های «نوکاریز»، «امام علی» و «تبسم» نام برده شده‌اند. سایر مناطق شامل بازار انگوری و «سیدان و کلانده» در انگوری، «دلکچی» در داوود و یک قطعه زمین میان روستاهای خوشه، چوب مسکه و سرتله می‌شوند.

ساحات ممنوع‌التصرف			
شماره	نام ساحه	مساحت (جریب)	منطقه
۱	زمین واقع میان چوب مسکه، سرتله و خوشه	۲۹۷۵	چوب مسکه، سرتله و خوشه
۲	شفقال پایین	۱۵۶۲	حوتقول
۳	شهرک مرادی	۱۰۴۱	سنگماشه
۴	دلکچی	۱۰۳۷	داوود
۵	شهرک تبسم	۷۸۳	غجور
۶	شهرک امام علی	۶۵۸	غجور
۷	پایین دشت اشترک‌وربله	۴۸۴	سبزچوب
۸	شهرک نوکاریز	۴۵۶	غجور
۹	سیدان و کلانده	۳۳۳	انگوری
۱۰	محدوده‌ی میدان‌هوایی غجور	۷۱	غجور
۱۱	بازار سنگماشه	۶۱.۰۳	سنگماشه
۱۲	دکان‌های شاروالی غجور	۵۳	غجور
۱۳	باغ ریاست زراعت	۵۱	غجور
۱۴	بازار انگوری	۷۸	انگوری

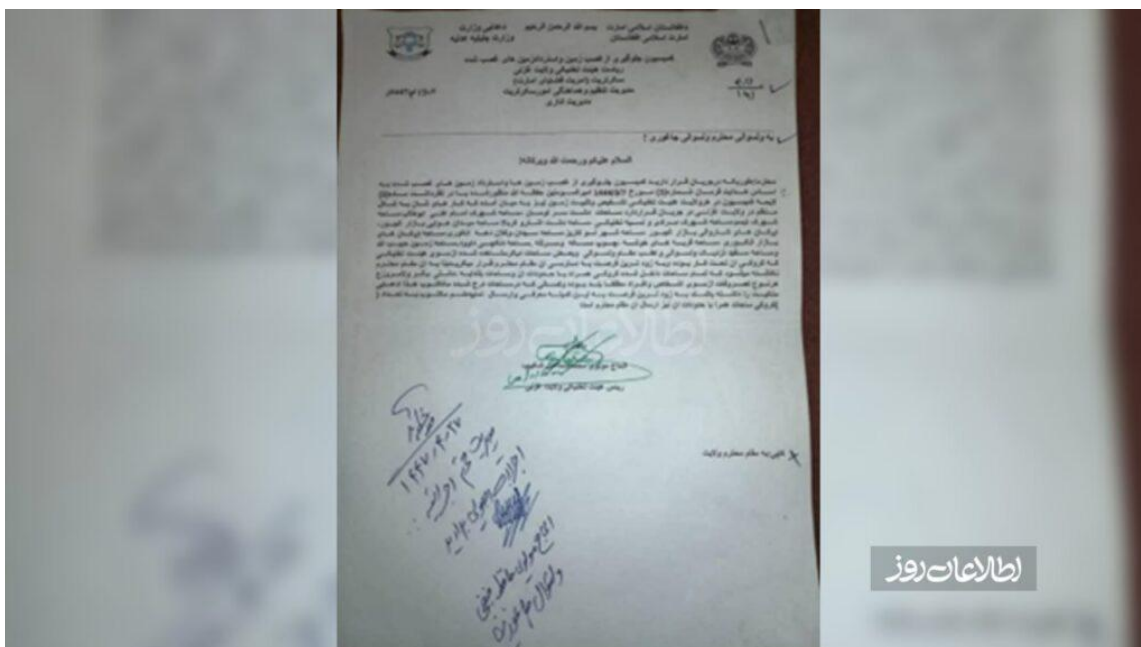
سنگماشه	۷	لیسه تخنیک	۱۵
سنگماشه	۰.۷	سرای حبیب الله	۱۶
غجور	۵۰۸	میدان هوایی غجور (زمین باقی مانده)	۱۷
۱۰۰۸۹ جریب (۲۰.۱۸ کیلومتر مربع)		مجموع	

جدول ۴: مناطق که توسط طالبان در ولسوالی جاغوری ولایت غزنی ممنوع التصرف اعلام شده است

روزنامه اطلاعات روز به کروکی طالبان برای بخشی از ساحات ممنوع التصرف دسترسی پیدا کرده است. افزون بر ساحاتی که در نامه‌ی کمیسیون طالبان برای جلوگیری از غصب زمین فهرست شده، این گروه یک قطعه زمین در «شفقال پایین» منطقه‌ی حوتقول را هم دولتی تشخیص داده است؛ اما در کروکی طالبان ساحه‌ی «سر دشت» لومان شامل نیست. با این حال، مطابق این کروکی، مقدار زمینی که از تصرف ممنوع شده است، به بیش از ده هزار جریب زمین می‌رسد. بزرگ‌ترین بخش آن مربوط به یک قطعه زمین با مساحت دو هزار و ۹۷۵ جریب، واقع در روستاهای چوب مسکه، سرتله و خوشه است. پس از آن، به ترتیب هزار و ۵۶۲ جریب در شفقال پایین، هزار و ۴۱ جریب در شهرک مرادی، هزار و ۳۷ جریب در دلکچی، ۷۸۳ جریب در شهرک تبسم، ۶۵۸ جریب در شهرک امام علی، ۴۸۴ جریب در پایین دشت اشتر کوربله، ۴۵۶ جریب در شهرک نوکاریز و ۳۳۳ جریب در سیدان و کلانده ممنوع التصرف شده‌اند. مقدار زمین دولتی هم در میدان هوایی غجور ۷۱ جریب، بازار سنگماشه ۶۱۰۳ جریب، دکان‌های شاروالی غجور ۵۳ جریب، باغ ریاست زراعت در غجور ۵۱ جریب، بازار انگوری ۷۸ جریب، لیسه تخنیک هفت جریب و سرای حبیب الله ۰.۷ جریب اعلام شده است. همچنان طالبان در میدان هوایی غجور ۵۰۸ جریب زمین را تحت عنوان «زمین باقی مانده» در جمع ساحات ممنوع التصرف آورده‌اند.

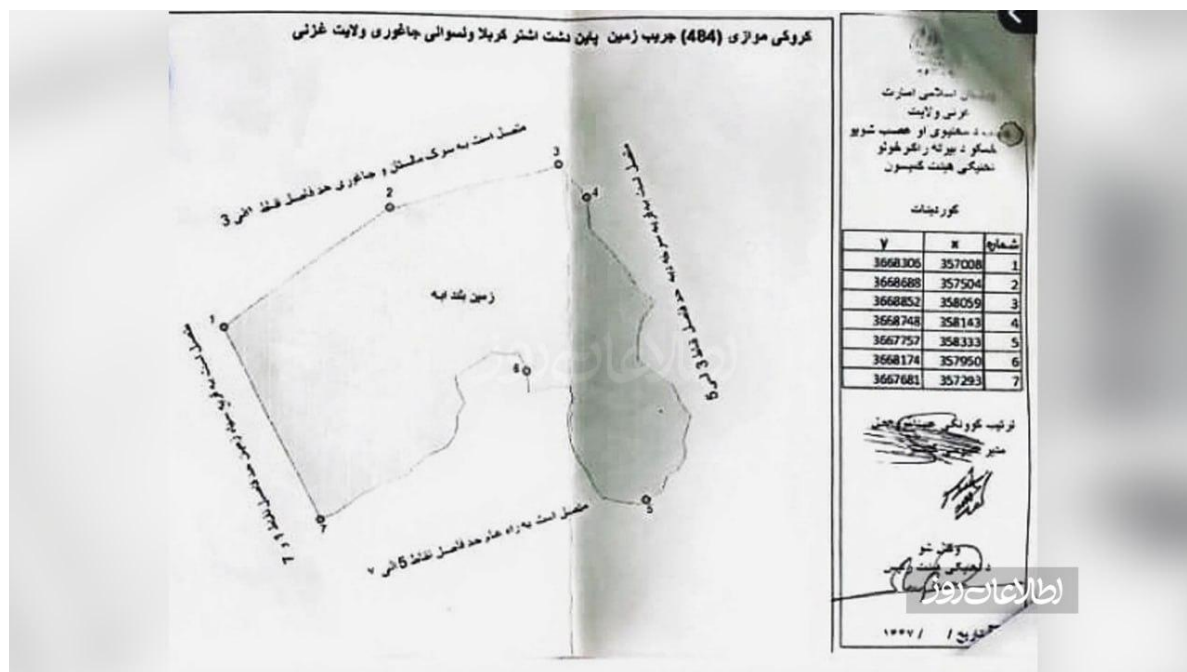
در نامه‌ی کمیسیون جلوگیری از غصب زمین طالبان که در ماه سنبله امسال (۱۴۰۴) صادر شده، آمده که هر نوع تصرف شخصی در این ساحات ممنوع است. هرچند در این نامه و کروکی‌های رهنمای طالبان، نوعیت زمین‌ها مشخص نشده است؛ اما منابع مردمی می‌گویند که طالبان در هنگام ابلاغ تصمیم‌شان، زمین‌ها را «دولتی» خوانده‌اند.

قریه‌داران سبزچوب، حوتقول، داوود و غجور نیز در یک عریضه عنوانی عبدالصمد جاوید، والی طالبان در غزنی نوشته‌اند که زمین‌های مردم در این مناطق «غصب‌شده»، «دولتی» و «مرعی خاصه» تشخیص داده شده است.



شکل ۱۳: مکتوب کمیسیون جلوگیری از غصب زمین به ولسوالی طالبان در جاغوری (منبع: اطلاعات روز)

یکی از مهم‌ترین موارد، دشت اشترکوربله در منطقه سبزچوب است؛ منطقه‌ای که بخشی از آن در چارچوب ماستریلان شهری جاغوری قرار دارد و در دو دهه گذشته محل توسعه آموزشی و مسکونی بوده است. طالبان بخشی از این منطقه را دولتی اعلام کرده‌اند، در حالی که ساکنان محل می‌گویند مالکیت زمین‌ها بر اساس اسناد عرفی، وقفی و معاملات انجام‌شده در سال‌های گذشته قابل اثبات است.



شکل ۱۴: کروکی ساحه‌ای پایین دشت اشترکربله (منبع: اطلاعات روز)

در غجور نیز چندین شهرک مسکونی، اراضی میدان هوایی و زمین‌های مورد استفاده عمومی دولتی اعلام شد. ساکنان محل می‌گویند بسیاری از این زمین‌ها ملکیت موروثی مردم بوده و بدون طی مراحل قانونی یا پرداخت غرامت در اختیار پروژه‌های عمومی قرار گرفته بودند.

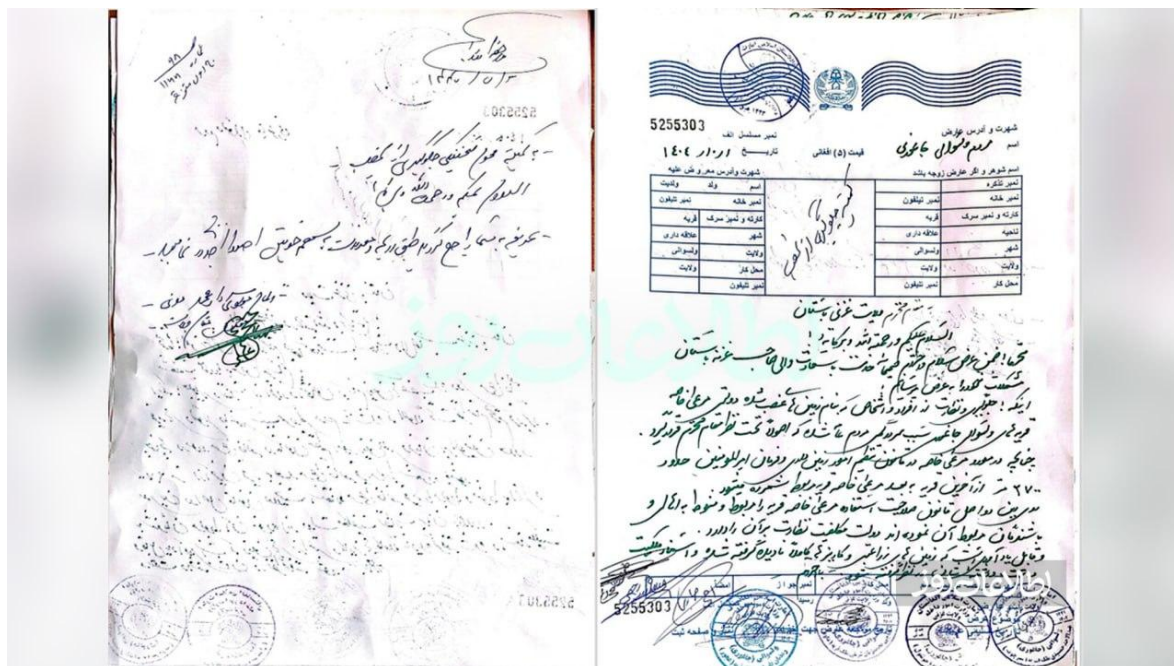


شکل ۱۵: کروکی ساحات میدان هوایی و دکان‌های شاروالی عجور (منبع: اطلاعات روز)

در شهرک مرادی نیز بیش از یک هزار جریب زمین ممنوع‌التصرف اعلام شد؛ در حالی که به گفته منابع محلی، مساحت واقعی شهرک بسیار کمتر از این رقم است. ساکنان این اقدام را بخشی از فشار بر خانواده‌ها و وابستگان فرماندهان و مسئولان پیشین ضد طالبان می‌دانند.

در منطقه دلکچی نیز زمین‌هایی دولتی اعلام شد که پیش‌تر در چندین دعوای حقوقی، از جمله در محاکم خود طالبان، به عنوان ملکیت خصوصی ساکنان محل به رسمیت شناخته شده بودند. منابع محلی این اقدام را نقض آشکار احکام پیشین قضایی و نشانه نبود یک روند شفاف و مستقل برای حل منازعات زمین توصیف کرده‌اند.

در واکنش به این اقدامات، بزرگان و قریه‌داران چندین منطقه جاجوری شکایت رسمی خود را به مقام‌های طالبان در غزنی ارائه کردند. آنان تأکید کرده‌اند که تصمیم‌های اخیر بدون توجه به اسناد تاریخی، مالکیت‌های موروثی، حقوق عرفی روستاها و قوانین مربوط به مراتع و اراضی عامه اتخاذ شده است.



شکل ۱۶: عریضه مردم ولسوالی جاغوری

مجموع این تحولات نگرانی‌های گسترده‌ای را در میان ساکنان مناطق هزاره‌نشین ایجاد کرده است. بسیاری بیم آن دارند که روند امارتی‌سازی زمین‌ها زمینه تغییر مالکیت، تضعیف امنیت اقتصادی جوامع محلی، کوچ اجباری و تغییر تدریجی بافت جمعیتی برخی مناطق را فراهم سازد.

۵. روستای دهن‌ناله پایین ارزگان

بر اساس گزارش هفته‌نامه جاده ابریشم و اسناد ارائه‌شده توسط باشندگان محل، دعوایی بر سر مالکیت زمین‌های این روستا از سوی چند مدعی پشتون در محاکم طالبان مطرح شد؛ دعوایی که به گفته ساکنان محل، با وجود اسناد و شواهد متعدد مبنی بر مالکیت تاریخی و احیای این اراضی توسط اهالی روستا، به نفع مدعیان فیصله شده است.

به گفته یکی از باشندگان محل که به دلیل نگرانی‌های امنیتی نخواست نامش فاش شود، ساکنان دهن‌ناله پایین اسناد مختلفی از جمله فیصله‌نامه‌های تاریخی، شهادت بزرگان و موسفیدان منطقه، اسناد پرداخت مالیات و عشر به حکومت پیشین طالبان و همچنین گزارش هیأت تحقیق محلی را به محاکم ارائه کرده‌اند. این اسناد نشان می‌دهد که زمین‌های مورد منازعه پیش از دهه ۱۳۶۰ زمین موات بوده و توسط باشندگان کنونی روستا احیا و آباد شده است.

باین حال، به گزارش هفته‌نامه جاده ابریشم، محاکم ابتداییه و مرافعه طالبان این اسناد را کافی ندانسته و در مقابل، ادعاها و شهادت‌های ارائه‌شده از سوی مدعیان را پذیرفته‌اند. باشندگان محل این روند را ناعادلانه دانسته و معتقدند که رسیدگی به پرونده تحت تأثیر روابط قومی، نفوذ محلی و نبود یک سازوکار مستقل قضایی قرار داشته است.

این پرونده در حالی ادامه دارد که ساکنان روستا نسبت به پیامدهای احتمالی آن ابراز نگرانی کرده‌اند. به گفته یک باشندده محلی که نخواست نامش ذکر شود، در صورت نهایی شدن حکم به زیان اهالی، خطر از دست رفتن زمین‌های زراعتی، کوچ اجباری خانواده‌ها و تحمیل هزینه‌های سنگین برای حفظ مالکیت زمین‌ها وجود خواهد داشت.

پرونده دهن‌ناله پایین نمونه‌ای از نگرانی‌های گسترده‌تر درباره امنیت مالکیت زمین در مناطق هزاره‌نشین تحت حاکمیت طالبان است. این پرونده نشان می‌دهد که نبود روندهای شفاف و مستقل برای حل منازعات ارضی می‌تواند به افزایش ناامنی، بی‌اعتمادی به نظام قضایی و خطر جابه‌جایی اجباری جوامع محلی منجر شود.^{۲۷۹}

۶. بازداشت متنفذان محلی در جریان منازعات ارضی در گیزاب

در دوره موردبررسی، منازعات ارضی در ولسوالی گیزاب ولایت ارزگان همچنان از عوامل اصلی نگرانی در مناطق هزاره‌نشین بود. بر اساس گزارش هفته‌نامه جاده ابریشم و اطلاعات ارائه‌شده توسط منابع محلی، در ۱۵ دلو ۱۴۰۴، چند تن از بزرگان، موسفیدان و متنفذان روستاهای خاره‌کک و شاعُلجه سفلی در منطقه لوره‌شیو ولسوالی گیزاب توسط طالبان بازداشت شدند.

به گفته منابع محلی، این بازداشت‌ها در پی ادعای مالکیت شماری از باشندگان پشتون ولسوالی‌های گیزاب و چهارچینه بر زمین‌های این دو روستا صورت گرفت. منابع محلی مدعی‌اند که بازداشت‌شدگان در جریان رسیدگی به این پرونده تحت فشار قرار گرفته‌اند تا به مصالحه با مدعیان تن دهند.

به گفته یکی از منابع محلی که به دلیل نگرانی‌های امنیتی نخواست نامش فاش شود، باشندگان محل از مدعیان خواسته‌اند اسناد و مدارک مالکیت خود را ارائه کنند و تأکید کرده‌اند که بدون ارائه اسناد معتبر حاضر به پذیرش ادعاهای مطرح‌شده نیستند. این منبع همچنین اظهار داشت که بسیاری از ساکنان محل بازداشت متنفذان روستا را تلاشی برای اعمال فشار بر جامعه محلی در جریان روند رسیدگی به منازعه ارضی می‌دانند.

^{۲۷۹} زرین تاج شاری. "غصب زمین‌های هزاره‌های ارزگان؛ محاکم طالبان اسناد و شواهد باشندگان «دهن ناله‌ی پایین» را نادیده می‌گیرند". جاده ابریشم. (۲۶ حوت ۱۴۰۴).

<https://jade-abresham.com/reports/16408/> بازدید ۱۷ جولای ۲۰۲۶.

این رویداد در ادامه نگرانی‌های گسترده‌تر درباره وضعیت حل و فصل منازعات زمین در مناطق هزاره‌نشین ارزگان رخ داده است. به گزارش هفته‌نامه جاده ابریشم، باشندگان محل با اشاره به پرونده‌های مشابه در سال‌های گذشته، از جمله منازعه ارضی در منطقه کندیر، ابراز نگرانی کرده‌اند که روندهای قضایی موجود نتواند از حقوق مالکیت آنان به گونه مؤثر حفاظت کند.^{۲۸۰}

بازداشت متنفذان محلی در جریان منازعات ارضی، علاوه بر تأثیر مستقیم بر روند دادخواهی، موجب افزایش نگرانی در میان ساکنان درباره امنیت مالکیت زمین، دسترسی به عدالت و خطر جابه‌جایی اجباری در آینده شده است. این پرونده نمونه دیگری از چالش‌های موجود در رسیدگی به دعاوی زمین در مناطق هزاره‌نشین تحت حاکمیت طالبان به شمار می‌رود.

۷. غصب منطقه دشت میانگی در شیخ علی پروان

در ماه مارچ ۲۰۲۵ قاری بلال‌هاشمی‌رییس پیشین استخبارات طالبان در بامیان، منطقه دشت «میانگی» روستای گنداب از مربوطات ولسوالی شیخ علی ولایت پروان را که شامل اراضی زراعتی، ملکیت‌های عمومی و علف‌چر می‌شود غصب نموده و نهال‌شانی نمود. بر اساس گزارش روزنامه هشت صبح قاری بلال‌هاشمی در ماه مارچ ۲۰۲۵ با افراد مسلح و نظامی خود در منطقه دشت «میانگی» رفته و موسفیدان مردم گنداب را جمع نموده برای شان اخطار داده که کسی حق برداشت و استفاده از حاصلات دشت «میانگی» را ندارد. وقتی مردم قصد شکایت به مقامات بالاتر طالبان را داشتند در راه مردم ایست بازرسی ایجاد نموده و تلاش برای جلوگیری از شکایت مردم می‌نماید. با آن‌هم مردم با تلاش‌های فراوان شکایت شان را به ولسوال و دیگر افراد حکومت محلی می‌رساند که در جواب برای مردم گفته می‌شود به جز والی دیگر افراد محلی حکومت توانایی احضار قاری بلال‌هاشمی را ندارد.^{۲۸۱}

۸. منازعه بر سر اراضی در بغلان

در دلو ۱۴۰۴، یک منازعه ارضی در روستای دهن پیازقول ولسوالی دوشی ولایت بغلان به خشونت انجامید. بر اساس گزارش هفته‌نامه جاده ابریشم و اطلاعات ارائه‌شده توسط منابع محلی، در ۲۱ دلو، در جریان تنش بر سر استفاده و مالکیت علف‌چرهای محل میان باشندگان هزاره منطقه و گروهی از کوچی‌های گجر، دو تن از باشندگان محل بر اثر تیراندازی زخمی شدند.

^{۲۸۰} "غصب زمین‌های هزاره‌های ارزگان؛ متنفذان روستاهای «خاره کک» و «شاغلجهی سفلی» در زندان طالبان". جاده ابریشم. (۲۵ دلو ۱۴۰۴). <https://jade->

abresham.com/reports/16327/ بازدید ۱۷ جولای ۲۰۲۶.

^{۲۸۱} "ادعای غصب زمین توسط طالبان در شیخ علی پروان؛ باشندگان شکایت دارند". هشت صبح. (۲۵ مارچ ۲۰۲۵). <https://8am.media/fa/allegation-of-land->

grab-by-taliban-in-sheikh-ali-parwan-residents-complain/ بازدید ۱۷ جولای ۲۰۲۶.

به گفته منابع محلی، پس از وقوع درگیری، نیروهای طالبان وارد منطقه شده و شماری از باشندگان محل را بازداشت کردند. هرچند برخی از بازداشت‌شدگان بعداً آزاد شدند، اما گزارش‌ها حاکی از آن است که تعدادی از متنفذان و بزرگان محلی برای مدتی در بازداشت باقی ماندند. منابع محلی همچنین از وخامت وضعیت زخمیان خبر داده‌اند.

بر اساس اسناد و اطلاعاتی که در گزارش ویژه وب سایت جاده ابریشم منتشر شده است، باشندگان هزاره منطقه، معروف به «قوم دوستی»، مدعی‌اند که اسناد مالکیت تاریخی زمین‌ها و علف‌چرهای مورد نزاع را در اختیار دارند. همچنین در گزارش هیئتی که از سوی مقام ولایت بغلان برای بررسی موضوع تعیین شده بود، به وجود اسناد مالکیت و پیشینه تصرف و استفاده این اراضی از سوی باشندگان محل اشاره شده است.

به گفته یکی از منابع محلی که درخواست نامش فاش شود، با وجود برخی تصمیم‌ها و دستورهای صادرشده از سوی مقام‌های محلی طالبان برای رسیدگی به نزاع، اجرای این تصمیم‌ها با چالش‌هایی روبه‌رو بوده و اختلاف بر سر زمین و علف‌چرها همچنان ادامه دارد. این منبع همچنین ابراز نگرانی کرد که ادامه وضعیت موجود می‌تواند به تشدید تنش‌های محلی و افزایش ناامنی برای ساکنان منطقه منجر شود.

این رویداد در بستر منازعات دیرینه بر سر زمین و چراگاه در بخش‌هایی از شمال افغانستان رخ داده است. منابع محلی ادعا می‌کنند که اختلافات مشابه در سال‌های گذشته نیز در ولسوالی دوشی و مناطق هم‌جوار وجود داشته و در برخی موارد به درگیری‌های خشونت‌آمیز و طرح دعاوی حقوقی منجر شده است.

پرونده دهن پياز قول نمونه دیگری از نگرانی‌های موجود درباره امنیت مالکیت زمین، دسترسی برابر به سازوکارهای حل نزاع و خطر خشونت ناشی از اختلافات ارضی در مناطق هزاره‌نشین است. این رویداد همچنین نشان می‌دهد که منازعات بر سر زمین و علف‌چر همچنان یکی از چالش‌های مهم جوامع هزاره در مناطق مختلف افغانستان باقی مانده است.

۹. شهرک امید سبز

در ۱۱ میزان ۱۴۰۳، طالبان خریدوفروش و هرگونه ساخت‌وساز در «شهرک امید سبز» مشهور به «شهرک حاجی نبی» در ناحیه ششم شهر کابل را تا صدور حکم نهایی محاکم خود ممنوع اعلام کردند. این اقدام یکی از مهم‌ترین پرونده‌های مرتبط با دارایی‌های چهره‌های سیاسی هزاره در دوره موردبررسی به شمار می‌رود.

بر اساس اسناد منتشرشده، موضوع به زمین‌هایی به مساحت حدود ۱۷۶۱ جریب مربوط می‌شود که محمدنبی خلیلی، برادر کریم خلیلی معاون پیشین ریاست جمهوری افغانستان، بر اساس چهار قبالة شرعی ادعای مالکیت آن را مطرح

کرده است. به گزارش ۸ صبح، طالبان با استناد به دعاوی مطرح شده از سوی اداره قضایای دولتی و تصمیم‌های بعدی نهادهای قضایی، تمامی معاملات مربوط به این شهرک را تا نهایه شدن بررسی‌ها متوقف کردند.

اسناد موجود نشان می‌دهد که این پرونده پیشینه‌ای طولانی دارد. در سال ۱۳۸۶ محکمه ابتداییه حوزه سوم کابل و سپس در سال‌های ۱۳۸۸ و ۱۳۸۹ محاکم استیناف و ستره محکمه حکومت پیشین، در مراحل مختلف به نفع محمدنبی خلیلی تصمیم‌هایی صادر کرده بودند. با این حال، در سال ۱۳۹۹ و پس از طرح درخواست تجدیدنظر از سوی اداره قضایای دولت به دلیل آنچه «ظهور دلایل جدید» خوانده شد، برخی از تصمیم‌های قبلی مورد بازنگری قرار گرفت.

در ادامه این روند، کمیسیون جلوگیری از غصب زمین‌های طالبان در ۱۵ حمل ۱۴۰۳ اعلام کرد که موضوع زمین‌های شهرک امید سبز را برای رسیدگی به محکمه اختصاصی ارجاع داده است. بر اساس اطلاعات منتشر شده، حدود ۱۵۹۵ جریب از زمین‌های این شهرک در چارچوب بررسی‌های این کمیسیون قرار گرفته است.

به گفته منابع آگاه که نخواستند نام‌شان فاش شود، این پرونده نگرانی‌هایی را در میان جامعه هزاره درباره امنیت حقوق مالکیت و وضعیت دارایی‌های وابسته به رهبران سیاسی و اقتصادی هزاره ایجاد کرده است. این منابع معتقدند که محدودیت‌های اعمال شده بر نقل و انتقال املاک، در کنار بازنگری اسناد مالکیت، می‌تواند بر امنیت اقتصادی مالکان و ساکنان این شهرک تأثیر بگذارد.

پرونده شهرک امید سبز نشان‌دهنده روندی است که در آن برخی املاک و دارایی‌های مرتبط با شخصیت‌های سیاسی حکومت پیشین، از جمله رهبران هزاره، تحت بررسی، محدودیت یا منازعه حقوقی قرار گرفته‌اند. در غیاب نهادهای مستقل قضایی و سازوکارهای مؤثر نظارت، ارزیابی بی‌طرفانه این دعاوی دشوار بوده و نگرانی‌ها درباره امنیت حقوق مالکیت همچنان ادامه دارد.

۱۰. ولسوالی قره‌باغ غزنی

یکی از نمونه‌های برجسته، غصب زمین توسط فردی بنام «کامران» از فرماندهان قدرتمند طالبان در منطقه قره‌باغ است. کامران پس از سال ۲۰۲۱، با استفاده از قدرت نظامی و نفوذ خود، مرزهای زمین‌های تاریخی هزاره‌ها در هفتادمادیان را جابه‌جا کرده و ده‌ها جریب زمین را با زور تصرف نمود. مردم محلی بارها به کابل مراجعه کرده و خواستار بازگرداندن زمین‌هایشان شدند؛ اما کامران ابتدا امتناع و سپس با دریافت مبلغ ۳۰۰ هزار افغانی، بخشی از زمین را با سند جعلی به آنان بازگرداند و مردم را تهدید کرد که موضوع را رسان‌های نکنند.

کامران، یکی چهره‌های قدرتمند و پرنفوذ گروه طالبان در ولایت غزنی، سال‌ها پیش از بازگشت طالبان به قدرت در سال ۲۰۲۱، به عنوان فرمانده محلی و بعدها به عنوان ولسوال از سوی طالبان در قریه‌های نقش می‌کرد. وی به صورت مستند، در دوران پیش از ۲۰۲۱ مسیرهای عبور و مرور مردم هزاره را ناامن ساخته بود. گزارش‌های محلی از قتل‌های هدفمند چندین تن از شهروندان هزاره که از مسیر قریه‌های عبور می‌کردند خبر می‌دهد. از جمله قربانیان، می‌توان به معلم سکندر و بسم‌الله مبارز اشاره کرد که توسط افراد تحت امر کامران کشته شدند.

پس از تسلط دوباره طالبان در سال ۲۰۲۱، کامران با استفاده از قدرت نظامی، تهدید، فشار سیاسی و نفوذ شخصی، روند تصرف زمین‌های قریه مردم تمکی را آغاز کرد. در اواخر سال ۲۰۲۴ و اوایل سال ۲۰۲۵ میلادی، وی با استفاده از تراکتورهای شخصی، مرزهای طبیعی و سنتی اراضی را جابه‌جا کرده و در داخل زمین‌های مردم هزاره اقدام به حفر چاه آب و زراعت نموده است. این تصرف بدون اجازه، رضایت یا سند رسمی صورت گرفته و باعث از دست رفتن ده‌ها جریب زمین مردم محلی شده است. یکی دیگر از مردمان محل می‌گوید:

پس از آگاهی مردم قریه تمکی از این تصرف غیرقانونی، هیأتی از بزرگان محل چندین بار به کابل رفته و با کامران دیدار کردند. در این دیدارها، به‌ویژه اعلام شد که تصرف زمین‌ها غیرقانونی و ظالمانه است؛ اما کامران با رد درخواست‌ها، مردم را به داشتن سلاح متهم کرد و حتی در برخی موارد تهدید به برخورد نظامی نمود.^{۲۸۲}

در واکنش، مردم تمکی به صورت دسته‌جمعی چاه آب حفر شده در زمین‌های غصبی را پر کردند. پس از این اقدام، کامران تهدیدها را تشدید کرد، اما در نهایت یک جلسه در کابل میان طرفین برگزار شد. در این جلسه، کامران اعلام کرد تنها در صورتی زمین‌ها را پس می‌دهد که مردم به او خسارت مالی بپردازند. در نتیجه، مبلغ ۳۰۰۰۰۰ افغانی از مردم اخذی شد. با وجود این پرداخت، تنها بخش‌اندکی از زمین‌ها بازگردانده شد و برای آن نیز سند رسمی جعلی تهیه شده و تحویل داده شد.^{۲۸۳}

بر اساس گزارش نشر شده در ۱۵ نوامبر ۲۰۲۳ توسط روزنامه هشت صبح، صدها جریب زمین از ملکیت‌های هزاره‌های ولسوالی قریه‌های این ولایت از سوی طالبان غصب شده است. طالبان چندی قبل صدها جریب زمین دشت باغ عطار، مربوط به ساحه گل کوه ولسوالی قریه‌های را به هدف اعمار شهرک رهایشی غصب کرده و کار ساخت‌وساز آن را آغاز کرده است.^{۲۸۴}

^{۲۸۲} شبکه تحلیل‌گران بلاق. گزارش تحقیق: وضعیت هزاره‌ها در سال حاکمیت طالبان. سال نشر ۲۰۲۵. ص ۱۶.

^{۲۸۳} گزارش دریافت شده از منابع محلی.

^{۲۸۴} شبکه تحلیل‌گران بلاق به نقل از روزنامه هشت صبح. واگذاری ملکیت‌های بومی‌ها به کوچی‌ها؛ فیصله‌های طالبان بر اساس تبعیض قومی و زبانی است. در گزارش تحقیق: وضعیت هزاره‌ها در سال حاکمیت طالبان. سال نشر ۲۰۲۵. ص ۱۶.

بر اساس ادعای منابع، این ساحه سال‌ها ملکیت هزاره‌ها بوده و از آن سند به دست دارند؛ اما طالبان به اسناد آنان توجه نکرده‌اند. به گفته آنان، غصب این ساحه و آغاز کار شهرک‌سازی مشکوک، سروصداهای مردم را به همراه داشته که طالبان برای مدتی محدود، کار ساختمانی را متوقف کرده‌اند. منابع تأکید می‌کنند که طالبان از یک هفته به این طرف، بار دیگر کار اعمار این شهرک را سرعت بخشیده‌اند و شکایت مردم به محاکم طالبان نتیجه نداده است. به گفته یکی ساکنان محل:

هزاره‌های قره‌باغ ولایت غزنی، تمام زمین‌های مرغوب و حاصل‌خیز خود را در طی سالیان متمادی و در حکومت‌های جابر و جائر قومی از دست داده‌اند. در ذهن و ضمیرشان صرفاً خاطرات و نامی از سرزمین‌های آبی‌شان به یادگار مانده است. تنها تکه زمینی که از حیث کیفیت و کمیت هنوز در دست هزاره‌های قره‌باغ مانده بود، دشت باغ عطار گل‌کوه بود که اینک برای پشتون‌های آن‌سوی سرحد و جنگ‌جویان تی تی پی (تحریک طالبان پاکستان)، تبدیل به شهرک و محل سکونت می‌شود. این در حالی است که مردم گل‌کوه برای این منطقه سند شرعی مالکیت دارند و در ادوار مختلف از جمله دوره قبلی امارت مالیات داده‌اند. نمایندگان مردم مدت‌هاست که هر دری را به امید رسیدن به حق خود کوفته [کوبیده]‌اند. تا اکنون با بی‌اعتنایی، تحقیر و تبعیض روبرو شده‌اند و جواب نگرفته‌اند.

جمع‌بندی فصل

بر اساس آنچه در این فصل گذشت، دریافتیم که از زمان بازگشت طالبان به قدرت در آگست ۲۰۲۱ میلادی تا اکنون، منازعات ارضی، غصب زمین، سلب مالکیت، کوچ اجباری و محدودیت بر حقوق مالکیت در مناطق هزاره‌نشین به طور قابل توجهی افزایش یافته است. بر اساس شواهد، اسناد و شهادت‌های گردآوری‌شده، بخش بزرگی از این منازعات در فضایی رخ داده که دسترسی برابر به عدالت، رسیدگی مستقل قضایی و حمایت مؤثر از حقوق مالکیت با چالش‌های جدی مواجه بوده است.

نتیجه گیری

گزارشی که ملاحظه کردید نشان می‌دهد که وضعیت هزاره‌ها در افغانستان پس از بازگشت طالبان به قدرت در ۱۵ آگست ۲۰۲۱ را نمی‌توان صرفاً با ارجاع به مجموعه‌ای از رویدادهای پراکنده یا نقض‌های موردی حقوق بشر توضیح داد. آنچه از مطالعه پنج حوزه اصلی این گزارش به دست می‌آید، تصویری از یک روند چندبعدی، به هم پیوسته و ساختاری است که در آن ابعاد امنیتی، اقتصادی، فرهنگی، حقوقی و ارضی نه به صورت مستقل، بلکه در تعامل و تقویت متقابل یکدیگر عمل می‌کنند. این ابعاد، در مجموع، شرایطی را پدید آورده‌اند که در آن جامعه هزاره با کاهش مستمر امنیت انسانی، محدود شدن ظرفیت‌های بقا و توسعه، تضعیف حقوق بنیادین و افزایش آسیب‌پذیری در برابر اشکال مختلف تبعیض و حذف مواجه شده است.

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این گزارش آن است که در دولت دوم طالبان، مفهوم امنیت برای هزاره‌ها تنها به مصونیت از خشونت فیزیکی محدود نبوده است. امنیت در معنای گسترده آن، یعنی امکان برخورداری از زندگی آزاد، برخورداری از حمایت قانون، دسترسی برابر به فرصت‌های اقتصادی، حفظ هویت فرهنگی و مشارکت در عرصه عمومی، در ابعاد مختلف دچار تزلزل شده است. اگرچه حملات هدفمند علیه غیرنظامیان، ترور متوالی نظامیان دولت پیشین، انفجارهای کور، قتل‌های فراقضایی و تهدیدهای امنیتی همچنان یکی از جدی‌ترین نگرانی‌های این جامعه را تشکیل می‌دهد، اما یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که ناامنی امروز هزاره‌ها بیش از هر زمان دیگری ماهیت ساختاری یافته است؛ به این معنا که ریشه آن را باید در تغییرات نهادی، حقوقی و سیاسی جست‌وجو کرد که پس از سقوط نظام جمهوری و استقرار مجدد امارت اسلامی به وجود آمده است.

بر پایه این گزارش، در حوزه امنیت، بررسی شواهد نشان می‌دهد که هزاره‌ها علاوه بر استمرار تهدیدهای جانی، با کاهش حمایت نهادی نیز مواجه شده‌اند. فروپاشی سازوکارهای پاسخ‌گویی، محدود شدن امکان دادخواهی، نبود نهادهای مستقل برای رسیدگی به شکایات و کاهش اعتماد عمومی به نظام قضایی، سبب شده است که احساس ناامنی از سطح رویدادهای خشونت‌آمیز فراتر رفته و به بخشی از تجربه روزمره زندگی این جامعه تبدیل شود. در چنین شرایطی، امنیت دیگر صرفاً به معنای حفاظت در برابر حملات مسلحانه نیست، بلکه شامل امکان برخورداری از عدالت، پیش‌بینی‌پذیری حقوقی و اعتماد به نهادهای عمومی نیز می‌شود؛ مؤلفه‌هایی که یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد به طور جدی تضعیف شده‌اند.

در حوزه اقتصادی نیز گزارش حاضر نشان می‌دهد که بحران معیشتی هزاره‌ها صرفاً محصول فروپاشی اقتصاد افغانستان یا قطع کمک‌های بین‌المللی نیست. هرچند این عوامل بر سراسر کشور تأثیر گذاشته‌اند، اما در مناطق هزاره‌نشین مجموعه‌ای از عوامل دیگر، از جمله محدودیت دسترسی به منابع تولید، کاهش سرمایه‌گذاری، ضعف زیرساخت‌ها، افزایش فشارهای مالیاتی، محدودیت در بهره‌برداری از معادن، مشکلات ناشی از منازعات ارضی و کاهش فرصت‌های

شغلی، وضعیت اقتصادی را دشوارتر ساخته است. این عوامل در کنار ناامنی عمومی، موجب کاهش ظرفیت تولید، افزایش فقر، تشدید مهاجرت و وابستگی بیشتر خانواده‌ها به کمک‌های بیرونی شده است. استمرار چنین روندی نه تنها توسعه اقتصادی مناطق هزاره‌نشین را با مانع مواجه می‌سازد، بلکه شکاف‌های تاریخی توسعه میان مناطق مختلف افغانستان را نیز عمیق‌تر خواهد کرد.

یافته‌های گزارش در رابطه با وضعیت فرهنگی نشان می‌دهد که فشارهای وارد شده بر هویت فرهنگی و مذهبی هزاره‌ها نیز صرفاً به محدودیت برنامه‌های فرهنگی و هنری یا حذف برخی متون آموزشی محدود نمی‌شود. حذف فقه جعفری از نظام آموزشی، محدودیت بر نشر کتاب‌ها و آثار فرهنگی، فشار بر نهادهای فرهنگی، محدودیت بر برگزاری آیین‌های مذهبی و کاهش امکان بازنمایی هویت مذهبی و قومی در عرصه عمومی، نشان‌دهنده روندی هستند که به تدریج فضای تنوع فرهنگی را محدود ساخته است. هرچند ارزیابی حقوقی این سیاست‌ها نیازمند بررسی‌های بیشتر در چارچوب حقوق بین‌الملل است، اما یافته‌های این گزارش نشان می‌دهد که پیامد عملی این سیاست‌ها کاهش امکان حفظ و بازتولید هویت فرهنگی جامعه هزاره بوده است؛ موضوعی که آثار آن تنها محدود به نسل حاضر نخواهد ماند، بلکه می‌تواند بر حافظه تاریخی، انتقال میراث فرهنگی و احساس تعلق نسل‌های آینده نیز تأثیر بگذارد.

در حوزه حقوقی، گزارش حاضر به یکی از بنیادی‌ترین تحولات پس از بازگشت طالبان اشاره می‌کند؛ یعنی تغییر ماهیت نظام حقوقی افغانستان. لغو قانون اساسی، حذف بخش مهمی از قوانین موضوعه، تمرکز اختیارات قانون‌گذاری و قضایی در ساختار امارت، کاهش استقلال محاکم و جایگزینی تدریجی نظام فرمان‌محور به جای نظام مبتنی بر قانون، موجب شده است که بسیاری از تضمین‌های حقوقی پیشین از میان برود. در چنین ساختاری، امکان نظارت مستقل بر تصمیم‌های حکومتی، تضمین اصل برابری شهروندان در برابر قانون و دسترسی مؤثر به دادرسی عادلانه به شدت محدود شده است. برای جامعه‌ای مانند هزاره‌ها که در طول تاریخ پیوسته با تبعیض ساختاری مواجه بوده‌اند، ضعف نظام حقوقی بیش از هر گروه دیگری می‌تواند پیامدهای سنگین داشته باشد؛ زیرا در غیاب نهادهای قانونی و مستقل، ظرفیت دفاع از حقوق شهروندی به شدت کاهش می‌یابد.

یکی از مهم‌ترین یافته‌های این گزارش، ارتباط میان تغییرات حقوقی و افزایش دست‌اندازی ارضی در مناطق هزاره‌نشین است. بررسی پرونده‌های متعدد در بامیان، غزنی، ارزگان، بغلان و دیگر مناطق نشان می‌دهد که بخش قابل توجهی از اختلافات مربوط به زمین در فضایی شکل گرفته است که دسترسی برابر به عدالت، شفافیت در رسیدگی قضایی و حمایت مؤثر از حقوق مالکیت با چالش‌های جدی روبه‌رو بوده است. در بسیاری از این پرونده‌ها، ساکنان محل مدعی بوده‌اند که اسناد تاریخی، قبale‌های شرعی و عرفی یا سوابق تصرف آنان مورد توجه قرار نگرفته و تصمیم‌های اتخاذ شده به زیان آنان تمام شده است. در برخی موارد نیز این روند با کوچ اجباری، بازداشت متنفذان محلی یا تغییر وضعیت مالکیت اراضی همراه بوده است. اگرچه درباره هر پرونده باید بر اساس اسناد و رسیدگی‌های

مستقل قضاوت کرد، اما مجموع این موارد الگویی از نگرانی گسترده نسبت به امنیت حقوق مالکیت در مناطق هزاره‌نشین را نشان می‌دهد.

مطالعه هم‌زمان پنج فصل این گزارش آشکار می‌سازد که هیچ‌یک از مشکلات مورد بررسی را نمی‌توان جدا از دیگری تحلیل کرد. ناامنی زمینه‌ساز رکود اقتصادی می‌شود؛ ضعف اقتصادی توان جامعه را برای حفظ هویت فرهنگی کاهش می‌دهد؛ محدودیت‌های فرهنگی مشارکت اجتماعی را تضعیف می‌کند؛ ضعف نظام حقوقی امکان دفاع از حقوق شهروندان را محدود می‌سازد؛ و ناامنی حقوقی، زمینه را برای تشدید منازعات ارضی و سلب مالکیت فراهم می‌کند. به همین دلیل، وضعیت کنونی هزاره‌ها را باید به عنوان یک چرخه به هم پیوسته از آسیب‌پذیری‌های متقابل درک کرد، نه مجموعه‌ای از بحران‌های مستقل. یافته‌های این گزارش هم‌چنین نشان می‌دهد که بسیاری از تحولات مورد بررسی تنها بر وضعیت کنونی هزاره‌ها تأثیر نمی‌گذارند، بلکه می‌توانند پیامدهای بلندمدتی برای آینده افغانستان نیز داشته باشند. کشوری که بخشی از شهروندان آن احساس امنیت، برابری و تعلق نداشته باشند، با دشواری‌های بیشتری در مسیر ایجاد ثبات پایدار، اعتماد عمومی و توسعه همه‌جانبه مواجه خواهد شد. تجربه بسیاری از جوامع نشان داده است که صلح پایدار صرفاً از طریق پایان جنگ حاصل نمی‌شود، بلکه مستلزم ایجاد نظامی است که در آن همه شهروندان، بدون توجه به قومیت، مذهب، زبان یا گرایش سیاسی، از حقوق برابر و فرصت‌های یکسان برخوردار باشند. هرگونه توسعه سیاسی و اقتصادی که بر پایه حذف یا به حاشیه راندن بخشی از جامعه استوار باشد، در نهایت با چالش مشروعیت و پایداری مواجه خواهد شد.

این گزارش هم‌چنین نشان می‌دهد که مستندسازی وضعیت هزاره‌ها تنها برای ثبت رنج‌ها و نقض حقوق آنان اهمیت ندارد، بلکه بخشی از تلاش گسترده‌تر برای حفاظت از حقیقت، مقابله با فراموشی تاریخی و فراهم ساختن زمینه پاسخ‌گویی در آینده است. تجربه افغانستان بارها نشان داده است که فقدان مستندسازی دقیق، راه را برای انکار، تحریف یا فراموش شدن نقض‌های حقوق بشر هموار می‌سازد. از این رو، ثبت نظام‌مند شواهد، گردآوری شهادت‌ها، تحلیل روندها و حفظ اسناد، نه تنها یک وظیفه پژوهشی، بلکه بخشی از مسئولیت اخلاقی در قبال قربانیان و نسل‌های آینده به شمار می‌رود. در عین حال، یافته‌های این گزارش نباید به منزله نادیده گرفتن سایر اقوام، اقلیت‌ها و گروه‌های اجتماعی افغانستان تلقی شود. بسیاری از شهروندان افغانستان، فارغ از تعلق قومی و مذهبی، پس از سال ۲۰۲۱ با محدودیت‌های گسترده در حوزه حقوق بشر، آزادی‌های مدنی، وضعیت اقتصادی و امنیت مواجه شده‌اند. با این حال، تمرکز این پژوهش بر جامعه هزاره، ناشی از مأموریت تخصصی گزارش و ضرورت بررسی وضعیت گروهی است که به دلیل پیشینه تاریخی تبعیض و ویژگی‌های قومی و مذهبی خود، با چالش‌های خاص و مضاعفی مواجه بوده است.

در پایان، می‌توان گفت که بهبود وضعیت هزاره‌ها و دیگر اقلیت‌های افغانستان بدون ایجاد تحولاتی بنیادین در عرصه حکمرانی، نظام حقوقی، تضمین حقوق شهروندی، تأمین برابری در برابر قانون، حفاظت از تنوع فرهنگی، تضمین امنیت مالکیت و ایجاد سازوکارهای مستقل پاسخ‌گویی امکان‌پذیر نخواهد بود. آینده باثبات افغانستان در گرو پذیرش این واقعیت است که امنیت، عدالت و توسعه زمانی پایدار خواهند بود که همه شهروندان، بدون تبعیض، از کرامت انسانی، حقوق برابر و فرصت مشارکت در سرنوشت سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کشور برخوردار باشند. این گزارش تلاشی است برای مستندسازی بخشی از واقعیت‌های امروز افغانستان؛ واقعیت‌هایی که توجه به آن‌ها می‌تواند زمینه را برای گفت‌وگوهای جدی‌تر در باره عدالت، حقوق بشر، مسئولیت‌پذیری و همزیستی مسالمت‌آمیز فراهم سازد.

توصیه‌ها

الف) به دیوان کیفری بین‌المللی (ICC) و دفتر دادستان:

از دفتر دادستان دیوان کیفری بین‌المللی (OTP) تقاضا می‌شود تا تحقیقات خود را پیرامون وضعیت افغانستان، با تمرکز ویژه بر جنایات ارتكابی علیه جامعه هزاره گسترش دهد. کشتارهای هدفمند، کوچ اجباری و غصب سازمان‌یافته اراضی (چنانچه در ولایات ارزگان، دایکندی، غزنی، بامیان و سایر مناطق مستند شده است)، مصداق بارز ماده ۷ اساسنامه رم (Crimes Against Humanity) از جمله «انتقال اجباری جمعیت» و «آزار و اذیت سیستماتیک اقلیت‌ها» می‌باشد.

با توجه به هم‌پوشانی سرکوب فیزیکی با سیاست‌های فرهنگ‌زدایی، حذف فقه جعفری در نهادهای آموزشی، و اعمال محدودیت‌های شدید مذهبی، دیوان باید ارزیابی دقیقی از وجود «نیت خاص» (Dolus Specialis) برای نابودی کلی یا جزئی این گروه قومی-مذهبی (موضوع ماده ۶ اساسنامه رم) روی دست گیرد.

ب) به شورای حقوق بشر سازمان ملل متحد (UNHRC) و گزارش‌گر ویژه:

از گزارش‌گر ویژه سازمان ملل در امور افغانستان و گزارش‌گر ویژه در امور آزادی دین و عقیده خواسته می‌شود تا در گزارش‌های آتی خود، تحمیل اجباری فقه حنفی، سرکوب مراسم محرم، سانسور کتب تاریخی، ممنوعیت آیین‌های بومی و محرومیت‌های مضاعف زنان هزاره را به‌عنوان تخطی آشکار از میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی (ICCPR) و مصداق بارز «پاک‌سازی فرهنگی» مستند و محکوم کنند.

ج) به جامعه جهانی، کشورهای تمویل‌کننده و نهادهای امدادرسان:

هرگونه عادی‌سازی روابط دیپلماتیک، واگذاری کرسی‌های بین‌المللی در سازمان ملل و ارائه کمک‌های توسعه‌ای (غیربشردوستانه)، باید مستقیماً به لغو فوری فرامین تبعیض‌آمیز، توقف غصب زمین‌ها، احیای آزادی‌های مذهبی اقلیت‌ها و تضمین دسترسی برابر تمامی شهروندان به دادرسی عادلانه مشروط گردد. وضع و تشدید تحریم‌های هدفمند (سفری و مالی) علیه آن دسته از رهبران، قضات و فرماندهان محلی طالبان که مستقیماً در صدور و اجرای احکام کوچ اجباری، مصادره املاک و سرکوب‌های مذهبی و فرهنگی دخالت دارند.

نهادهای بین‌المللی (مانند برنامه جهانی غذا و دفتر اوچا) موظف‌اند مکانیسم‌های نظارتی سخت‌گیرانه‌ای ایجاد کنند تا از باج‌گیری مقامات محلی طالبان (تحت عناوین عشر، زکات یا مالیات) از کمک‌های بشردوستانه جلوگیری شده و اطمینان حاصل شود که این کمک‌ها به صورت عادلانه و بدون تبعیض قومی به آسیب‌پذیرترین جوامع می‌رسد.

(د) به کشورهای همسایه و میزبان پناهجویان:

توجه به مستندات این گزارش مبنی بر وجود خطر جانی، خفقان اقتصادی، سلب مالکیت و تبعیض تقنینی علیه هزاره‌ها، از تمامی کشورهای پناهنده‌پذیر (به‌ویژه ایران، پاکستان و کشورهای اروپایی) خواسته می‌شود تا اخراج و دیپورت اجباری پناهجویان هزاره را فوراً متوقف کنند.

نهادهای مهاجرتی و پناهندگی کشورها باید هزاره‌ها را به عنوان یک «گروه در معرض خطر مضاعف و سیستماتیک» (به دلیل تلاقی هویت قومی و مذهبی) به رسمیت شناخته و روند رسیدگی به پرونده‌ها و اعطای پناهندگی به آنان را بر اساس موازین کنوانسیون ۱۹۵۱ ژنو و اصل حمایت بین‌المللی تسهیل نمایند.

منابع و مأخذ

منابع فارسی

- آذر. «افراد ناشناس ده‌ها اصله درخت مثمر ساکنان جاغوری را قطع کرده‌اند». اطلاعات روز، ۳۰ جون ۲۰۲۴. <https://www.etilaatroz.com/204026/>
- آذر. «از درخواست سلاح تا پیشنهاد نکاح؛ طالبان در جاغوری غزنی چه می‌کنند؟». اطلاعات روز، ۱۶ سپتامبر ۲۰۲۲. <https://www.etilaatroz.com/154539/>
- آذر. «درخواست سلاح از باشندگان دره صوف؛ خانه و زمین خود را بفروشید و سلاح تهیه کنید». اطلاعات روز، ۲۸ اگست ۲۰۲۵. <https://www.etilaatroz.com/239389/>
- آذر. «منابع در جاغوری غزنی: طالبان با شکنجه از مردم سلاح یا پول می‌گیرند». اطلاعات روز، ۳ سپتامبر ۲۰۲۲. <https://www.etilaatroz.com/153291/>
- آذر. «منابع در ناهور غزنی: طالبان برای تحویل سلاح به مردم ضرب الاجل تعیین کرده‌اند». اطلاعات روز، ۱۳ سپتامبر ۲۰۲۲. <https://www.etilaatroz.com/154222/>
- آرام، فرشید. «تنگ‌تر شدن حلقه‌ی محدودیت‌ها بر مدارس و کتاب‌های مذهبی شیعیان افغانستان». ژن تایمز، ۱۴ جنوری ۲۰۲۵. <https://zantimes.com/fa/2025/01/14/restrictions-on-afghan-shia-schools-and-books/>
- احمدی، محمد. «محدودیت‌های مذهبی در افغانستان زیر سلطه‌ی طالبان». *VOA Dari*، ۲۴ اگست ۲۰۲۴. <https://www.darivoo.com/a/taliban-religious-restrictions-/7742494.html>
- ارگانی، محمد. «وضعیت اقتصادی افغانستان در حاکمیت دوم طالبان». راه عدالت (ارگان نشراتی حزب عدالت و آزادی افغانستان)، ش. ۱ (۱۸ اسد ۱۴۰۲ / ۹ اگست ۲۰۲۳): ۸-۹.
- الیحیایی، عمان. «رهبر طالبان: نیازی به دموکراسی و قوانین غرب نداریم، از این پس قانون اسلام در افغانستان اجرا می‌شود». یورونیوز فارسی، ۱ آوریل ۲۰۲۵. <https://parsi.euronews.com/2025/04/01/taliban-leader-we-dont-need-democracy-and-western-laws>
- افغانستان. قانون اساسی مصوب سال ۲۰۱۴ (میلادی/معادل). ماده ۴.
- افغانستان انترنشنال. «بازداشت دو روحانی شیعه در هرات». افغانستان انترنشنال، ۱۴ آبان ۱۴۰۳. https://www.afintl.com/video/ott_7dc3a6e8d0b9490687d4156684f69ac0
- افغانستان انترنشنال. «بازداشت مدیر مسئول و یک کارمند تلویزیون تمدن وارد ششمین روز شد». افغانستان انترنشنال، ۶ سرطان ۱۴۰۵. <https://www.afintl.com/202606270009>

- افغانستان انترنشنال. «طالبان در بلخ سید سکندر بامداد، شاعر و فعال فرهنگی را بازداشت کرده است». افغانستان انترنشنال، ۸ قوس ۱۴۰۴ <https://www.afintl.com/fa/202511295607>.
- افغانستان انترنشنال. «نشست کمیسیون عالی شیعیان در پی افزایش ناامنی در غرب کابل». افغانستان انترنشنال، ۲۶ آوریل ۲۰۲۶ <https://www.afintl.com/202604268501>.
- افغانستان انترنشنال. «مرکز خبرنگاران افغانستان خواستار بازگشایی فوری رادیو بامیان شد». افغانستان انترنشنال، ۳۱ ثور ۱۴۰۵ <https://www.afintl.com/202605213412>.
- افغانستان مرکزی. ویدیوها و گزارش‌های رویدادهای مرکزی افغانستان، جون ۲۰۲۶ <https://www.facebook.com/reel/1031631486045315/>.
- اطلاعات روز. «بازداشت خبرنگاران؛ طالبان چهار خبرنگار را در کابل و غزنی بازداشت کردند». اطلاعات روز، ۲۰ ثور ۱۴۰۵ <https://www.jomhornews.com/fa/news/192265/>.
- اطلاعات روز. «بازداشت دو جوان و لت‌وکوب یک عالم دینی شیعه توسط طالبان در کابل». اطلاعات روز، ۲۰ ثور ۱۴۰۵ [https://www.etilaatroz.com/253371/](https://www.etilaatroz.com/253371/beating-of-a-shiite-religious-scholar/)
[religious-scholar/](https://www.etilaatroz.com/253371/beating-of-a-shiite-religious-scholar/)
- اطلاعات روز. «باج‌گیری کوچی‌ها و طالبان از باشندگان خدیر دایکندی؛ مردم: به ستوه آمده‌ایم». اطلاعات روز، ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۲ <https://www.etilaatroz.com/155547/>.
- اطلاعات روز. «باج؛ برای حفظ آخرین قطعه زمین اجدادی». اطلاعات روز، ۱ مارچ ۲۰۲۵ <https://www.etilaatroz.com/223752/>.
- اطلاعات روز. «توقف نشرات رادیو نسیم؛ طالبان در دایکندی کارمندان این رسانه را با ضمانت آزاد کردند». اطلاعات روز، ۱۶ اسد ۱۴۰۴ [https://www.etilaatroz.com/237509/](https://www.etilaatroz.com/237509/stopping-radio-nasim-broadcasts/)
[nasim-broadcasts/](https://www.etilaatroz.com/237509/stopping-radio-nasim-broadcasts/)
- اطلاعات روز. «توزیع تعهدنامه از سوی طالبان در دانشگاه هرات؛ دانشجویان باید تعهد بدهند که از مذهب حنفی پیروی می‌کنند». اطلاعات روز، ۱۸ اپریل ۲۰۲۶ <https://www.etilaatroz.com/252233/>.
- اطلاعات روز. «دیدبان حقوق بشر: طالبان با خبرنگاران بازداشتی هزاره رفتار بدتری دارند». اطلاعات روز، ۱ عقرب ۱۴۰۴ [https://www.etilaatroz.com/244202/](https://www.etilaatroz.com/244202/hazars-journalists-in-taliban-prison/)
[taliban-prison/](https://www.etilaatroz.com/244202/hazars-journalists-in-taliban-prison/)
- اطلاعات روز. «رادیو نسیم می‌گوید که پس از ۱۳ سال فعالیت خود را متوقف می‌کند». اطلاعات روز، ۲۰ اسد ۱۴۰۴ <https://www.etilaatroz.com/237917/>.

- اطلاعات روز. «رادیو بامیان نشرات خود را متوقف کرد». اطلاعات روز، ۳۰ ثور ۱۴۰۵.
<https://www.etilaatroz.com/253974/stopping-the-broadcasts-of-radio-bamyan/>
- اطلاعات روز. «طالبان از دانشجویان دانشگاه‌های خصوصی نیز تعهد می‌گیرند که از مذهب حنفی پیروی کنند». اطلاعات روز، ۲۵ می ۲۰۲۶. <https://www.etilaatroz.com/254243/taliban-private-university-students-pledge-hanafi-school/>
- اطلاعات روز. «طالبان دفتر آیت‌الله واعظزاده بهسودی را در غرب کابل بسته‌اند». اطلاعات روز، ۱ اسد ۱۴۰۴. <https://www.etilaatroz.com/236309/ayatollah-vaezzadehs-office/>
- اطلاعات روز. «طالبان باشندگان دو روستا در لعل و سرچنگل غور را کوچ اجباری داده‌اند». اطلاعات روز، ۹ نوامبر ۲۰۲۲. <https://www.etilaatroz.com/159250/>
- اطلاعات روز. «طالبان در دایکندی شش نفر را به دلیل عدم پرداخت پول به کوچی‌ها بازداشت و زندانی کردند». اطلاعات روز، ۲ جولای ۲۰۲۲. <https://www.etilaatroz.com/146440/>
- اطلاعات روز. «فشار چند جانبه بر گرده‌های مردم مناطق مرکزی؛ خشک‌سالی، هجوم کوچی‌ها و کوتاهی طالبان». اطلاعات روز، ۱۴ جون ۲۰۲۲. <https://www.etilaatroz.com/144748/>
- اطلاعات روز. «گرسنه‌گی و فقر؛ باشند هرات به گاردین: پس از فروش دخترانم، حالا نوبت گرده‌ام است». هشت صبح، ۲۴ جنوری ۲۰۲۲. <https://8am.media/fa/hunger-and-poverty-herat-resident-to-the-guardian-after-selling-my-daughters-now-is-my-turn/>
- اطلاعات روز. «منابع محلی: کوچی‌های مسلح باشندگان یک روستا در بهسود میدان وردک را آزار و اذیت و مزارع‌شان را تخریب کرده‌اند». اطلاعات روز، ۴ می ۲۰۲۴. <https://www.etilaatroz.com/199079/>
- اطلاعات روز. «نقض نظام‌مند حقوق بشر جامعه‌ی هزاره در حاکمیت طالبان». «اطلاعات روز»، ۱۶ اسد ۱۴۰۴. <https://www.etilaatroz.com/237488/human-rights-of-the-hazara-community/>
- اطلاعات روز. «کوچ اجباری در دایکندی». اطلاعات روز، ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۱. <https://www.etilaatroz.com/131727/>
- اطلاعات روز. «هجوم کوچی‌ها به چندین روستا در ولسوالی خدیر دایکندی». اطلاعات روز، ۲۱ اپریل ۲۰۲۳. <https://www.etilaatroz.com/169777/>
- اطلاعات روز. «هزاره‌های ولسوالی خاص ارزگان در معرض کوچ اجباری؛ در «جوی نو» چه می‌گذرد؟». اطلاعات روز، ۱۴ اگست ۲۰۲۳. <https://www.etilaatroz.com/175056/>

- اطلاعات روز. «والی طالبان در دایکندی: آوارگان کندیر و تگابدار می‌توانند دوباره به خانه‌های شان برگردند». اطلاعات روز، ۱۸ جنوری ۲۰۲۲.
<https://www.etilaatroz.com/135039/taliban-governor-in-daikundi-kandir-and-tagabdar-displaced-can-return-to-their-homes/>
- اطلاعات روز. «وضع محدودیت‌های کم‌سابقه بر مراسم محرم در افغانستان». اطلاعات روز، ۴ سرطان ۱۴۰۵.
<https://www.etilaatroz.com/256217/aliban-restrictions-on-muharram-ceremonies-in-afghanistan/>
- پاینده، صمد. «هجوم کوچی‌های مسلح در چندین روستا در ساحه‌ی «غم قول» ولسوالی خدیر دایکندی». اطلاعات روز، ۱۷ می ۲۰۲۲.
<https://www.etilaatroz.com/142598/>
- تاج‌پوشش، زرین (با همکاری جی سیمپسون). «آپارتاید جنسیتی در افغانستان: نسل‌کشی زنان هزاره». ژن تایمز، ۱۰ آوریل ۲۰۲۴.
<https://zantimes.com/single-post/taliban-gender-apartheid-genocide-of-hazara-women>
- تلویزیون آمو. «طالبان ۵۱ درس درباره آزادی، زن و حقوق بشر را از کتاب‌های درسی مکاتب حذف کرد». خبرگزاری آمو، ۲۰ سنبله ۱۴۰۴.
<https://amu.tv/fa/198702/>
- جاده ابریشم. «جنایت خاموش؛ گزارشی از نسل‌کشی، غصب زمین و کوچ اجباری هزاره‌های دایکندی توسط رژیم تروریستی طالبان». جاده ابریشم، ۱ جوزا ۱۴۰۲.
<https://jade-abresham.com/reports/10099/>
- جاده ابریشم. «طالبان دفتر و مدرسه‌ی تحت مدیریت آیت‌الله واعظزاده بهسودی در غرب کابل را بستند». جاده ابریشم، ۱ اسد ۱۴۰۴.
<https://jade-abresham.com/reports/15637/>
- جاده ابریشم. «غصب زمین‌های هزاره‌های ارزگان؛ متنفذان روستاهای «خاره کک» و «شاغلجه‌ی سفلی» در زندان طالبان». جاده ابریشم، ۲۵ دلو ۱۴۰۴.
<https://jade-abresham.com/reports/16327/>
- جاده ابریشم. «نسل‌زدایی فرهنگی؛ فشارهای طالبان بر هزاره‌ها برای تغییر مذهب». جاده ابریشم، جولای ۲۰۲۶.
<https://jade-abresham.com/>
- جمهوری‌نیوز. «توقف درسی طالبان: حذف هنر؛ تدریس شرح قدوری». جمهوری‌نیوز، ۴ اسد ۱۴۰۳.
<https://www.jomhornews.com/fa/news/174545/>
- جمهوری‌نیوز. «طالبان به باشندگان جاغوری؛ طرز لباس پوشیدن تان را تغییر دهید». جمهوری‌نیوز، ۸ جوزا ۱۴۰۲.
<https://www.jomhornews.com/fa/news/160916/>
- جمهوری‌نیوز. «ضدیت طالبان با شیعیان مناطق مرکزی و سرکوب سازمان‌یافته هزاره‌ها». جمهوری‌نیوز، ۸ قوس ۱۴۰۴.
<https://www.jomhornews.com/fa/note/188797/>

- جمهوری‌نیوز. «گروه طالبان سید سکندر حسینی بامداد را بازداشت کرد». جومهورنیوز، ۸ قوس ۱۴۰۴.
<https://www.jomhornews.com/fa/news/188826/>
- جمهوری‌نیوز. «مردم مسلمان افغانستان مراسم عاشورا را با شکوه برگزار کردند». جومهورنیوز، ۵ سرطان ۱۴۰۵.
<https://www.jomhornews.com/fa/news/192929/>
- جوان، عسکر (سید عسکر موسوی). هزاره‌های افغانستان (تاریخ، فرهنگ، اقتصاد، سیاست). مترجم اسدالله شفاپی. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری نقش سیمرخ، ۱۳۷۹.
- رسا، محمدطاهر (اسم مستعار). مصاحبه شبکه تحلیلگران بلاق با استاد بر حال مکتب در غرب کابل، اپریل ۲۰۲۶.
- رونق، جلیل. «ادعای حیف و میل کمک‌های بشردوستانه توسط نیروهای طالبان در جاغوری». اطلاعات روز، ۱۴ دسامبر ۲۰۲۲. <https://www.etilaatroz.com/161689/>
- رسا، محمدطاهر. «مردم روستای کندیر و کابوس باج‌دهی بی‌پایان». اطلاعات روز، ۲۵ فبروری ۲۰۲۴.
<https://www.etilaatroz.com/192977/>
- صدای آمریکا. «فروش دختران خوردسال به دلیل افزایش فقر در افغانستان». صدای آمریکا، ۶ فبروری ۲۰۲۲.
<https://youtu.be/ZRNxf5dUQhU>
- صمدی، سکینه. «کوچ اجباری در دایکندی». اطلاعات روز، ۲۶ سپتامبر ۲۰۲۱.
<https://www.etilaatroz.com/131727/>
- سادات، اسماعیل. «فروش کودکان در سه ولایت شمالی، حدود ۷۰ کودک در سال گذشته فروخته شده‌اند». هشت صبح، ۲۸ جنوری ۲۰۲۴. <https://8am.media/fa/selling-children-in-three-northern-provinces-about-70-children-were-sold-last-year/>
- شبکه تحلیل گران بلاق. گزارش تحقیق: وضعیت هزاره‌ها در سال چهارم حاکمیت طالبان. کابل: شبکه تحلیل گران بلاق، ۱۵ اگست ۲۰۲۵. <https://dari.bolaq.org/>
- شاری، زرین تاج. «غصب زمین‌های هزاره‌های ارزگان؛ محاکم طالبان اسناد و شواهد باشندگان «دهن ناله‌ی پایین» را نادیده می‌گیرند». جاده ابریشم، ۲۶ حوت ۱۴۰۴. <https://jade-abresham.com/reports/16408/>
- شفقنا. «شیعه‌ستیزی طالبان؛ از کتاب‌های ممنوعه در افغانستان چه می‌دانیم؟». خبرگزاری شفقنا، ۲۱ عقرب ۱۴۰۳. <https://af.shafaqna.com/FA/616793/>
- شفقنا. «نگاهی به کتاب الاماره الاسلامیه و نظامها در گفت‌وگوی شفقنا با دکتر احمدی». خبرگزاری شفقنا، جولای ۲۰۲۶. <https://fa.shafaqna.com/>

- غزنوی، شکیب. «طالبان و ادعای تطبیق شریعت». اطلاعات روز، ۲۶ میزان ۱۴۰۳.
<https://www.etilaatroz.com/213079/>
- قدسی، ستاره. «اصول‌نامه جدید محاکم طالبان بر مبنای «فقه اسلامی و شریعت» تدوین شده است». خبرگزاری آمو، ۴ دلو ۱۴۰۴. <https://amu.tv/fa/223038/>
- کاوه، امین. «جنایت جنگی و نسل‌کشی؛ طالبان در هفته گذشته ۷۰ اسیر را در پنجشیر تیرباران کردند». هشت صبح، ۱۷ سپتامبر ۲۰۲۲. <https://8am.media/fa/war-crime-and-genocide-taliban-shot-70-prisoners-in-panjshir-last-week/>
- منصور، احمد. «صادرات قالین نسبت به سال گذشته ۸۴ درصد کاهش یافته است». هشت صبح، ۲۹ جنوری ۲۰۲۲. <https://8am.media/fa/carpet-exports-decreased-by-84-compared-to-last-year/>
- موسوی، سید عسکر. هزاره‌های افغانستان (تاریخ، فرهنگ، اقتصاد و سیاست). مترجم اسدالله شفاپی. تهران: انتشارات مؤسسه فرهنگی هنری نقش سیمرخ، ۱۳۷۹.
- مولایی، علی سجاد. «وضعیت رسانه‌ها در ولایات مرکزی افغانستان پس از قدرت‌گیری دوباره طالبان». شبکه بین‌المللی خبرنگاران (IJNet)، ۲۸ نوامبر ۲۰۲۲. <https://ijnet.org/>
- شفاپی، زکیه. «روایت دیرین تبعیض بر هزاره‌ها و خبرنگاران هزاره در افغانستان». شبکه بین‌المللی خبرنگاران (IJNet)، ۱۱ جنوری ۲۰۲۳. <https://ijnet.org/>
- بی‌بی‌سی فارسی. «تأثیر دوسال حکومت طالبان بر پوشش افغان‌ها؛ حالا کلاه قندهاری سیاست می‌کند». نویسنده: نورگل شفق. ۳۰ مرداد ۱۴۰۲.
<https://www.bbc.com/persian/articles/cj5d42nrjmro>
- بی‌بی‌سی فارسی. «توقف تدریس فقه شیعه در دانشگاه‌ها توسط وزارت تحصیلات عالی طالبان». بی‌بی‌سی فارسی، ۲۲ فروردین ۱۴۰۲. <https://www.bbc.com/persian/articles/c3g5yvpwqejo>
- بی‌بی‌سی فارسی. «تکواندوکار زن پس از ۱۳ روز از زندان در هرات آزاد شد». بی‌بی‌سی فارسی، ۲۱ جنوری ۲۰۲۶. <https://www.bbc.com/dari/articles/cje1z8ee5z9o>
- بی‌بی‌سی فارسی. «گزارش نهاد آزادی مذهبی آمریکا؛ آزار و اذیت شیعیان در افغانستان». بی‌بی‌سی فارسی، ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۳. <https://www.bbc.com/persian/articles/c51n579k7r1o>
- بی‌بی‌سی فارسی. «واکنش زنان افغان به قوانین پوشش طالبان با کارزار به لباس دست‌نزن». ۲۳ شهریور ۱۴۰۰. <https://www.bbc.com/persian/afghanistan-58560327>
- طلوع‌نیوز. «فروش یک کودک در کابل به علت فقر و ناداری». طلوع‌نیوز، ۱ اکتبر ۲۰۲۱. <https://youtu.be/h0rSxKAYz6E?is=SL35-lhAEatpDh-Y>

- هشت صبح. «از بازداشت و شکنجه تا مقاومت؛ نگاهی به وضعیت ورزش کاران زن در افغانستان». هشت صبح، ۶ سنبله ۱۴۰۳. <https://8am.media/fa/from-detention-and-torture-to-resistance-a-look-at-the-situation-of-female-athletes-in-afghanistan/>
- هشت صبح. «افزایش تولید و کاهش فروش؛ قالین بافان بلخ از نبود بازار شکایت دارند». هشت صبح، ۲۶ دسامبر ۲۰۲۳. <https://8am.media/fa/increase-in-production-and-decrease-in-sales-balkh-carpet-weavers-complain-about-the-lack-of-a-market/>
- هشت صبح. «ادعای غصب زمین توسط طالبان در شیخ علی پروان؛ باشندگان شکایت دارند». هشت صبح، ۲۵ مارچ ۲۰۲۵. <https://8am.media/fa/allegation-of-land-grab-by-taliban-in-sheikh-ali-parwan-residents-complain/>
- هشت صبح. «روز جهانی صنایع دستی؛ روایتی از ایستادگی و تاب آوری». هشت صبح، ۱۰ جون ۲۰۲۵. <https://8am.media/fa/world-handicrafts-day-a-story-of-resilience-and-resilience/>
- هشت صبح. «سرکوب آزادی بیان؛ طالبان نشرات رادیو بامیان را متوقف کردند». هشت صبح، ۳۰ ثور ۱۴۰۵. <https://8am.media/fa/suppression-of-freedom-of-expression-taliban-halts-bamyan-radio-broadcasts/>
- هشت صبح. «طالبان و سیستماتیک سازی شکنجه و بازداشت خودسرانه در افغانستان». هشت صبح، جولای ۲۰۲۶. <https://8am.media/2026/>
- هشت صبح. «فروش نوزادان به دلیل فقر؛ جمعه: چهار دخترم را در بدل ۴۲ هزار افغانی فروخته ام». هشت صبح، ۱۷ فبروری ۲۰۲۲. <https://8am.media/fa/sell-babies-due-to-poverty-friday-i-dropped-four-daughters-at-42000-afghani/>
- هشت صبح. «هزاره ها در ارزگان مجبور به پرداخت باج ۳۰ میلیونی به کوچی ها شدند». هشت صبح، ۱۴ جنوری ۲۰۲۴. <https://8am.media/fa/the-hazaras-in-uruzgan-were-forced-to-pay-a-ransom-of-30-million-to-the-nomads/>
- هشت صبح. «مرکز خبرنگاران افغانستان توقف فعالیت تلویزیون راه فردا را محکوم کرد». هشت صبح، ۱۰ حوت ۱۴۰۴. <https://8am.media/fa/afghan-journalists-center-condemns-talibans-suspension-of-rah-farda-tv/>

- Abbasi, Fereshta. "Afghanistan's Hazara Community Needs Protection." *Human Rights Watch*, September 13, 2024. <https://www.hrw.org/news/2024/09/13/afghanistans-hazara-community-needs-protection>.
- Abed, Fahim, et al. "Hunted by the Taliban." *Lighthouse Reports*, October 15, 2025. <https://www.lighthousereports.com/investigation/hunted-by-the-taliban/>.
- Alizada, Bismellah. "Genocidal Attacks and Hate Speech Against Shia Hazaras under Taliban Rule." Translated by Maisam Iltaf. *KabulNow*, November 10, 2024. <https://kabulnow.com/2024/11/genocidal-attacks-and-hate-speech-against-shia-hazaras-under-taliban-rule/>.
- Amnesty International. *Afghanistan: Death in Slow Motion-Women and Girls under Taliban Rule*. London: Amnesty International, 2023. <https://www.amnesty.org/en/documents/asa11/6784/2023/en/>
- Amnesty International. *Afghanistan: The Taliban's Assault on Human Rights*. London: Amnesty International, 2023. <https://www.amnesty.org/en/location/asia-and-the-pacific/south-asia/afghanistan/report-afghanistan/>
- Amnesty International. *The State of the World's Human Rights: Afghanistan*. London: Amnesty International, 2023–2024. <https://www.amnesty.org/en/location/asia-and-the-pacific/south-asia/afghanistan/report-afghanistan/>
- Atakpal, Hasiba. "ریچارد بنت: کابینه طالبان «پر از مردان پشتون» است" [Richard Bennett: Taliban Cabinet Is "Full of Pashtun Men"]. *تلویزیون آمو (AMU TV)*, March 6, 2023. <https://amu.tv/fa/38995/>.
- Baiza, Yahia. "حملات هدفمند به هزاره‌های افغانستان؛ مسئولیت طالبان چیست؟" [Targeted Attacks on Afghanistan's Hazaras: What is the Taliban's Responsibility?]. *بی‌بی‌سی فارسی (BBC Persian)*, May 8, 2022. <https://www.bbc.com/persian/blog-viewpoints-61348197>.
- Barfield, Thomas. *Afghanistan: A Cultural and Political History*. Princeton: Princeton University Press, 2010.
- Bennett, Richard. *Situation of Human Rights in Afghanistan: Report of the Special Rapporteur on the Situation of Human Rights in Afghanistan*. UN Human Rights Council, A/HRC/55/80. Geneva: United Nations, 2024. <https://digitallibrary.un.org/record/4045185>
- Buzan, Barry. *People, States and Fear: An Agenda for International Security Studies in the Post-Cold War Era*. 2nd ed. Boulder, CO: Lynne Rienner Publishers, 1991.
- Centre for Human Security and International Affairs (CHSIA). "Political Security." CHSIA.org, March 25, 2024. <https://chsia.org/political-security/>.
- CIVICUS Monitor. *Afghanistan: Civic Space Remains Closed*. Johannesburg: CIVICUS, 2023–2025. <https://monitor.civicus.org/country/afghanistan/>
- Committee to Protect Journalists (CPJ). *Attacks on the Press: Afghanistan*. New York: CPJ, 2022–2025. <https://cpj.org/asia/afghanistan/>

- Deutsche Welle (DW) Persian. «بازداشت و فشار بر فعالان مدنی و فرهنگی افغانستان پس از بازگشت طالبان». December 2023. <https://www.dw.com/fa-af/>
- Deutsche Welle (DW) Persian. «افراد مسلح دو عالم دینی شیعه را در هرات ترور کردند». گزارشگر: شعیب تنها. ۲۰۲۳ دسامبر ۲. شکران. <https://www.dw.com/fa-af/>
- Doctors Without Borders / Médecins Sans Frontières (MSF). "Afghanistan: Massacre in a Maternity Ward: Honoring the Victims of the Attack on Dasht-e-Barchi Hospital in Kabul." August 21, 2020. <https://www.doctorswithoutborders.org/latest/afghanistan-massacre-maternity-ward>.
- Drury, Flora. "Two Reportedly Killed as Women Take Part in Rare Protest in Afghanistan." *BBC News*, June 8, 2026. <https://www.bbc.com/news/articles/c992vdk3g3yo>.
- Farhaad, Farhaad. "Kuchi and Villager Clashes in Bamyan Leave Several Injured, Sources Say." *8am Media*, June 16, 2026. <https://8am.media/eng/kuchi-and-villager-clashes-in-bamyan-leave-several-injured-sources-say/>.
- Freedom House. *Freedom in the World 2024: Afghanistan*. Washington, DC: Freedom House, 2024. <https://freedomhouse.org/country/afghanistan/freedom-world/2024>
- Front Line Defenders. *Global Analysis 2023: Afghanistan*. Dublin: Front Line Defenders, 2023. <https://www.frontlinedefenders.org/en/location/afghanistan>
- Freemuse. *Afghanistan: Severe Violations of Artistic Freedom after Taliban Takeover*. Copenhagen: Freemuse, 2022. <https://www.freemuse.org/wp-content/uploads/2023/02/saf-report-2022.pdf>
- Gibbons-Neff, Thomas, and Najim Rahim. "Bombing Outside Afghan School Kills at Least 90, with Girls as Targets." *New York Times*, May 8, 2021. <https://www.nytimes.com/2021/05/08/world/asia/bombing-school-afghanistan.html>.
- Human Rights Watch (HRW). *Afghanistan: Freedom of Expression under Taliban Rule*. New York: Human Rights Watch, 2023–2025. <https://www.hrw.org/asia/afghanistan>
- Human Rights Watch (HRW). *World Report 2024: Afghanistan*. New York: Human Rights Watch, 2024. <https://www.hrw.org/world-report/2024/country-chapters/afghanistan>
- Human Rights Watch (HRW). "Afghanistan: Taliban Crack Down on Critics." New York: Human Rights Watch, 2022–2024. <https://www.hrw.org/asia/afghanistan>
- Human Rights Watch (HRW). "Afghanistan: Taliban Intensify Assault on Freedom of Expression." New York: Human Rights Watch, March 25, 2022. <https://www.hrw.org/news/2022/03/25/afghanistan-taliban-intensify-assault-freedom-expression>
- Ibrahim, Niamatullah. *The Hazaras and the Afghan State: Rebellion, Exclusion and the Struggle for Recognition*. London: Hurst Publishers, 2017.
- Independent Persian. «طالبان و تغییر سبک پوشش مردان». نویسنده: مختار وفا. ۴ آگست ۲۰۲۵. <https://www.independentpersian.com/node/415928/>
- International Council on Monuments and Sites (ICOMOS). *Heritage at Risk Reports: Afghanistan*. <https://www.icomos.org/en/what-we-do/focus/heritage-at-risk>

- International Federation of Journalists (IFJ). *Afghanistan Media under Taliban Rule*. Brussels: IFJ, 2023. <https://www.ifj.org/>
- Maley, William. *The Afghanistan Wars*. New York: Palgrave Macmillan, 2009.
- Mirowski, Jakub. "Gdy zabijasz Hazara, ginie dwóch wrogów". Mniejszości w Afganistanie grozi ludobójstwo? ["When You Kill a Hazara, You Kill Two Enemies": Is Genocide Threatening Minorities in Afghanistan?]. *OKO.Press*, October 8, 2022. <https://oko.press/mniejszosci-w-afganistanie-grozi-ludobojstwo>.
- Mohammadi, Habib. "Australian-Afghan Man Killed during Visit to Ghazni, Sources Say." *Amu TV*, June 11, 2026. <https://amu.tv/242982/>.
- Mohseni, Nazanin. "Death of Herat Protest Injured; Morteza Karimi Buried Under Taliban Surveillance." *KabulNow*, June 16, 2026. <https://kabulnow.com/2026/06/death-of-herat-protest-injured-morteza-karimi-buried-under-taliban-surveillance/>.
- Mohseni, Nazanin. "Taliban Require Private University Students to Pledge Adherence to the Hanafi School." *KabulNow*, May 25, 2026. <https://kabulnow.com/2026/05/taliban-require-private-university-students-to-pledge-adherence-to-the-hanafi-school/>.
- Monsutti, Alessandro. *War and Migration: Social Networks and Economic Strategies of the Hazaras of Afghanistan*. New York: Routledge, 2005. <https://doi.org/10.4324/9780203959107>
- Nader, Zahra, and Freshta Ghani. "I was arrested for the crime of being a Hazara and a woman': The Taliban's 'Bad Hijab' Campaign Targets Hazara Women." *Zan Times*, January 22, 2024. <https://zantimes.com/2024/01/22/i-was-arrested-for-the-crime-of-being-a-hazara-and-a-woman-the-talibans-bad-hijab-campaign-targets-hazara-women/>.
- Novic, Elisa. *The Concept of Cultural Genocide: An International Law Perspective*. Oxford: Oxford University Press, 2016. <https://doi.org/10.1093/acprof:oso/9780198787167.001.0001>
- Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights (OHCHR). *Minority Rights: International Standards and Guidance for Implementation*. Geneva: United Nations, 2010. <https://www.ohchr.org/>
- Poladi, Hassan. *The Hazara*. Stockton, CA: Mughal Publishing Co., 1989.
- Qadri, Tarak. "The Concept of the Principle of Legal Security and Its Constitutional Value." *Ancient Land International Scientific Journal* 7, no. 2 (2025): 152. <https://doi.org/10.36719/2706-6185/44/151-157>.
- Radio Free Europe / Radio Liberty (Radio Azadi). *Reports on Media Restrictions and Civil Society in Afghanistan*. Prague: RFE/RL, 2022–2025. <https://www.rferl.org/afghanistan>
- Reporters Without Borders (RSF). *Afghanistan: Press Freedom Report*. Paris: RSF, 2022–2025. <https://rsf.org/en/country/afghanistan>
- Reporters Without Borders (RSF). *Afghanistan: Press Freedom at Its Lowest Point as Taliban Closed 12 Media Outlets in Less Than a Year*. Paris: RSF, 2024. <https://rsf.org/en/afghanistan-press-freedom-its-lowest-point-taliban-closed-12-media-outlets-less-year>

- Center for Information Resilience. “Reports on Ashura and Muharram Restrictions in Afghanistan.” <https://www.info-res.org/afghan-witness/reports/restrictions-on-shias-during-muharram/>
- Sayed Madadi, Jalil Raunaq, Sakina Amiri, and Amir Behnam. “Law of the Gun: How Local Conflicts Became Extortion Sprees.” *KabulNow*, January 23, 2024. <https://kabulnow.com/2024/01/law-of-the-gun/>.
- Taban, Besmillah. “کشتار در دایکندی و روایت یک «نسل کشی» در سرزمین فراموش شده» [Massacre in Daykundi and the Narrative of a “Genocide” in a Forgotten Land]. *Afghanistan International*, September 13, 2024. <https://www.afintl.com/202409139367>.
- Taban, Besmillah. “What Is the Threshold for Action?: A Question Afghanistan Asks the World.” *The Diplomat*, June 12, 2026. <https://thediplomat.com/2026/06/what-is-the-threshold-for-action-a-question-afghanistan-asks-the-world/>.
- Taj, Zareen, in collaboration with Jay Simpson. “Afghanistan’s Gender Apartheid: The Genocide of Hazara Women.” *Genocide Watch*, April 10, 2024. <https://www.genocidewatch.com/single-post/taliban-gender-apartheid-genocide-of-hazara-women>.
- UNAMA. “UNAMA Alarmed by Arrests of Women in Herat Afghanistan and Excessive Use of Force against Protestors.” Press Release, June 10, 2026. <https://unama.unmissions.org/en/press-releases/unama-alarmed-by-arrests-of-women-in-herat-afghanistan-and-excessive-use-of>.
- UNESCO. *Emergency Measures for the Protection of Afghanistan’s Cultural Heritage*. Paris: UNESCO, 2022. <https://www.unesco.org/en/culture-emergencies/heritage-emergency-fund/>
- UNESCO. *Safeguarding Living Heritage in Afghanistan (Intangible Cultural Heritage Programme)*. Paris: UNESCO, 2023. <https://www.unesco.org/en/intangible-cultural-heritage>
- UNESCO. *Universal Declaration on Cultural Diversity*. Paris: UNESCO, 2001. <https://unesdoc.unesco.org/>
- UNESCO. *Culture and Human Rights*. Paris: UNESCO, 2022. <https://www.unesco.org/>
- UNESCO. *World Trends in Freedom of Expression and Media Development: Afghanistan Monitoring and Assessments*. Paris: UNESCO, 2023. <https://www.unesco.org/>
- United Nations. *International Covenant on Civil and Political Rights (ICCPR)*. New York: United Nations, 1966. <https://www.ohchr.org/>
- United Nations. *International Covenant on Economic, Social and Cultural Rights (ICESCR)*. New York: United Nations, 1966. <https://www.ohchr.org/>
- United Nations. *Universal Declaration of Human Rights*. Paris: United Nations, 1948. https://www.ohchr.org/sites/default/files/UDHR/Documents/UDHR_Translations/eng.pdf
- United Nations Development Programme (UNDP). *Human Development Report 1994: New Dimensions of Human Security*. New York: Oxford University Press, 1994. <https://hdr.undp.org/system/files/documents/hdr1994encompletenostats.pdf>

- United Nations General Assembly. *Declaration on the Rights of Persons Belonging to National or Ethnic, Religious and Linguistic Minorities*. Resolution 47/135. New York: United Nations, 1992. <https://www.ohchr.org/>
- United Nations Assistance Mission in Afghanistan (UNAMA). *Human Rights in Afghanistan: July–September 2022 Update*. Kabul: UNAMA, 2022. <https://unama.unmissions.org/>
- United Nations Assistance Mission in Afghanistan (UNAMA). *Human Rights in Afghanistan: Annual Report 2023*. Kabul: UNAMA, 2024. <https://unama.unmissions.org/>
- United Nations Assistance Mission in Afghanistan (UNAMA). *Human Rights in Afghanistan: Periodic and Annual Reports*. Kabul: UNAMA, 2022–2026. <https://unama.unmissions.org/human-rights>
- United Nations Human Rights Council. *Report of the Special Rapporteur in the Field of Cultural Rights, Alexandra Xanthaki*. A/HRC/49/54. Geneva: United Nations, 2022. <https://documents.un.org/>
- United States Commission on International Religious Freedom (USCIRF). *2024 Annual Report: Afghanistan Chapter*. Washington, DC: USCIRF, 2024. <https://www.uscifr.gov/resources/afghanistan-annual-report-chapters-and-translations>
- United States Department of State. *2023 Report on International Religious Freedom: Afghanistan*. Washington, DC: U.S. Department of State, 2024.
- Urbanek, Andrzej. “Personal Security: Current State and Development Prospects for the Reflection on Security of Individuals and Human Collectivities.” *Security Dimensions*, no. 23 (2017): 46. DOI: 10.24356/SD/23/1.
- Zahidi, Besmellah. "Former Intelligence Officer Killed in Daikundi as Attacks on Ex-Security Forces Continue." *KabulNow*, July 17, 2026. <https://kabulnow.com/2026/07/former-intelligence-officer-killed-in-daikundi-as-attacks-on-ex-security-forces-continue/>.
- «Afghanistan’s Shia Community Marks Ashura Under Tight Taliban Restrictions.» *KabulNow*, June 26, 2026. <https://kabulnow.com/2026/06/afghanistans-shia-community-marks-ashura-under-tight-taliban-restrictions/>.
- «ISKP Claims Responsibility for Attack on Hazaras in Central Afghanistan.» *KabulNow*, September 13, 2024. <https://kabulnow.com/2024/09/iskp-claims-responsibility-for-attack-on-hazaras-in-central-afghanistan/>.
- «Taliban Detains Female Journalist in Kabul Over Ashura Coverage.» *Afghanistan International*, June 26, 2026. <https://www.afintl.com/en/202606262262>.
- «Taliban’s Governor Who Called Shias Unbelievers, Now Looks To Reassure Them.» *Afghanistan International*, December 4, 2023. <https://www.afintl.com/en/202312056116>.